

کدام معیار برای انتخاب همسر مناسب تر است (قسمت اول)



اگر شناسنامه تان را ورق بزنید چهار واقعه زندگی در آن آمده است: تولد، ازدواج، طلاق و فوت؛ که فقط در ازدواج و طلاق مختارید، بنابراین ازدواج را نباید سرسری گرفت بلکه باید با مطالعه و براساس معیارهای حقیقی همسر را انتخاب کرد. قبل ازدواج حتماً با يك متخصص یا يك مشاور خبره در امور خانواده و برخوردار از اطلاعات امروزي مشاوره کنید.

این که می گویند «به هم عادت می کنید»، «علاقه بعداً پیدا می شود» در همه جا صحیح نیست. زمانی علاقه «بعداً» پیدا می شود که پایه و اساس ازدواج بر معیارهای عقلانی استوار شده باشد. با عنوان های «دعواهای پدر و مادرم مرا خسته کرده بود!»، «در تنگنای مالی بودم»، «همه دوستانم ازدواج کرده اند» و ... تن به ازدواج تحمیلی و ناخواسته ندهید. اگر از دعواهای والدینتان خسته شده اید دنبال فکر و چاره اساسی باشید، برای فرار از محیط پر آشوب خانه ازدواج نکنید که ممکن است شما هم به همین مصیبت دچار شوید! براساس نیازهای اقتصادی ازدواج نکنید اگر مهر و محبت که پایه و اساس يك زندگی مشترك است وجود نداشته باشد همه چیز براساس تصادف و شانس پیش می رود، شاید تصادفاً خوب پیش رود و شاید هم برعکس؛ و به علت این که دوستانتان ازدواج کرده اند تن به ازدواج ناخواسته ندهید. نباید بدون جهت اعتماد به نفستان را از دست دهید و نگران شوید که مبدا کسی به سراغتان نیاید.

در ازدواج علاوه بر همسر، شناخت بستگان و خویشاوندان و نیز ضرورت دارد بنابراین وضعیت دوستان و اقوام بخصوص بستگان نزدیک در همسر گزینی نباید نادیده گرفته شود.

توصیه مشاوران به مراجعان

- 1- در انتخاب همسر عجله و شتاب نکنید. این امر را با بررسی و تحقیق انجام دهید.
- 2- در همسر گزینی وسواس به خرج ندهید؛ سعی کنید با دیده اغماض عوامل مختلف را بررسی و تصمیم گیری کنید.
- 3- چنانچه پدر و مادر و خانواده های وابسته، سختگیری کنند برای متقاعد کردن آنها از مشاور خانواده کمک بگیرید.

4- از ازدواج تحميلي خودداري كنيد.

5- در **انتخاب همسر** پس از بررسي معيارهاي طرف مقابل، وضعيت خود را با وي مقايسه كنيد و در صورت هماهنگي تصميم گيري نماييد. بدون توجه به شرايط خود انتخاب ايده آلي نكنيد.

6- در انتخاب همسر از پدر و مادر و خويشاوندان خود نظرخواهي كنيد ولي مواظب باشيد چون به علت عدم تخصص ممكن است نظر آنان تحت تأثير معيارهاي خاص مناسب نباشد. حتماً با مشاور واجد شرايط مشورت كنيد.

7- براي شناخت همسر از هر دو روش مستقيم و غيرمستقيم استفاده نماييد و حتماً قبل از **خواستگاري**، به طور مستقيم، از طريق مشاهده گفت و شنود، از او شناخت پيدا كنيد.

معيار اصولي و متناسب براي ازدواج

(كدام معيار براي انتخاب همسر مناسب تر است)



ضرورت چند نکته :

خانواده هر دو نفر از نظر فرهنگي و سنت هاي رايج نزديك به هم باشند.

تا سر حد امكان، تمكّن مالي دو خانواده متناسب با يكديگر باشد.

اگر هر دو نفر اهل يك شهر نيستند حداقل در ساير زمينه ها و آداب و رسوم نزديك به هم باشند.

ديدگاه هاي دو خانواده از نظر مذهبي - **سياسي** - اجتماعي و معاشرت نزديك به هم باشند.

در خانواده دو طرف پدرسالاري يا مادرسالاري به صورت مطلق وجود نداشته باشد.

تناسب جسمي - شكل - قیافه و اندام هر دو نفر به هم نزدیک باشد تا حدی که تفاوت های موجود خیلی چشمگیر نباشد.

از نظر سن و سال متناسب باشند و به اصطلاح عامه «به هم بیایند».

از نظر میزان تحصیلات، اختلاف فاحش نداشته باشند.

در انتخاب محل سکونت یا محل کار اختلاف سلیقه نداشته باشند.

از نظر طرز تفکر و اندیشه اجتماعی به هم نزدیک باشند.

دیدگاهشان نسبت به زندگی یکسان باشد.

تفاوت های شخصیتی و خصوصیت های رفتاری فاحشی نداشته باشند.

تا آنجا که مقدور است بهره هوشی آنها نزدیک به هم باشد.

دارای دیدگاه های سیاسی گرایش های اعتقادی و افق های فکری نزدیک به هم باشند.

هر دو نفر استقلال رأی داشته باشند؛ یعنی شخصاً در امور زندگی تصمیم بگیرند نه با دهن بینی و تقلید از دیگران.

از نظر تفکرات مذهبی در دو قطب مخالف هم نباشند که این مورد بسیار مسئله ساز است.

داشتن اختلافاتی در موارد اشاره شده گرچه زندگی را سخت می کند و امکان تفاهم را به حداقل می رساند ولی به شرطی که طرفین اهل تغییر، رشد، تکامل و پیشرفت باشند، همزیستی را غیر ممکن نمی سازد.

کسانی که در زندگانی خویش درجا می زنند و به فکر پیشرفت نبوده و اهل تغییر و تحول نیستند باید سعی کنند گرد همسری که با او اختلافات طبقاتی و فرهنگی زیادی دارند نگردند. آموخته های طول زندگی را می توان تغییر داد زیرا همه آنها اکتسابی هستند و کافی است غلط بودنش به فرد ثابت شود تا میل به تغییر آنها فزونی یابد ولی عوامل روان شناختی و ساختاری شخصیت افراد را به سختی می توان تغییر داد.

تغییر این گونه عوامل و مواردی که در شخصیت آدمهاست در صورتی حاصل می شود که هر دو طرف قبول کنند وجود تفاوت های فاحش مسئله ساز است، پس شخص باید تغییر کند.

این تغییرات نیاز به طول زمان، آموزش علمی، خواستن و به کاربردن تمرینات لازم دارد. تنها «خواستن» کافی نیست؛ گذشت آگاهانه در زندگی و پاکسازی ذهن از تعصبات، نقش اساسی در **تفاهم** و سازندگی دارد.

این همه تلاش زمانی ثمربخش است که **عشق** و علاقه در میان باشد. عشق و علاقه زمینه ساز گذشت می شود و نقش مؤثری در میل به تغییر آدمی بازی می کنند. اگر اینها نباشند هیچ کس برای هدفی این چنین سخت تلاش نمی کند و اگر مهر و محبت باشد و سازندگی هم در پی آن بیاید، آن وقت زندگی معنای واقعی اش را پیدا می کند و این مهم نیز میسر نیست مگر به لطف فداکاری هر دو طرف؛ که تغییر در يك طرف هرگز کافی نبوده و نیست .

روش های مطالعه برای انتخاب همسر

روش های مطالعه برای انتخاب همسر به دو گروه تقسیم شده است :

الف : روش های غیرمستقیم

در ابتدا برای شناخت فرد مورد نظر باید از افرادی که با وی در تماس هستند اطلاعات لازم کسب شود .

منابع کسب اطلاع به روش غیرمستقیم عبارت اند از:

- 1- همسایگان
 - 2- خویشاوندان و دوستان خانواده
 - 3- همکاران پدر و مادر و سایر اقوام
 - 4- محل تحصیل و شغل
 - 5- همکلاس ها و...
- معمولاً کسی که می خواهد ازدواج کند باید در اطراف و جوانب به تفحص و جستجو بپردازد و درباره خانواده و همکاران، همکلاسی ها و دوستان فرد تحقیق و بررسی کند و از بین افراد ذي صلاح برای تکمیل اطلاعات خود اقدام کند.
- برای انتخاب باید در زمینه های اجتماعی - **فرهنگی** - **تحصیلات** - **وضعیت مالی** - **اخلاق** و **سن** و **شغل** اطلاعات لازم کسب شود و فرد از نظر تطبیق وضعیت طرف مقابل با شرایط خودش بررسی های کافی به عمل آورد.

ب : روش های مستقیم

دین اسلام بررسی های مستقیم زن و مرد را در صورتی که قصد ازدواج داشته باشند مجاز دانسته است. پیغمبر اکرم (ص): در حدیثی فرموده اند: «وقتی خداوند خواستگاری زنی را به دل کسی انداخته باشد مانعی نیست که او را بنگرد».

با توجه به مطالب فوق مطالعه حضوری از نظر دیدن و کسب اطلاعات **قبل از ازدواج** (اگر هدف ازدواج باشد، نه کسب لذت) مانعی ندارد.

منابع

- مشاوره ازدواج و خانواده، تألیف سید مهدی حسینی
- جوانان و ازدواج (روان شناسی رفتار زوج های جوان)، تألیف ا. کیهان نیا
- زناشویی راز خوشبختی، تألیف دکتر کاظمی خلخالی

قبل از ازدواج در مورد مادیات هم صحبت کنید



پژوهش ها نشان می دهد «پول» یکی از عوامل اصلی سوء تفاهم های زوج هاست. اگر با صداقت و صراحت قبل از ازدواج در مورد مسائل مالی صحبت کنید، ازدواج با دوامی خواهید داشت.

پول تعیین کننده ثروت است. اما در ایجاد مساوات، امنیت، عشق، قدرت و آزادی زوج ها نقش دارد. احساس شما نسبت به پول به مراتب مهمتر از میزان دارایی تان است.

سوزان بایردر نویسنده «پرسش های مشکل؛ 100 سؤال مهمی که از نامزدتان می توانید بپرسید» می گوید: ازدواج امیدها، آرزوها و ترس های مالی خاص خود را به همراه دارد. بسیار مهم است که تصویر روشنی از توقعات، انتظارات و خواسته های خود داشته باشید. با نامزدتان در مورد مسائل مالی صحبت کنید. نظر او را نسبت به نحوه اداره مسائل مالی بپرسید. هر چه اطلاعات کامل تری از او و انتظارات خود داشته باشید، بهتر می توانید تصمیم گیری کنید.

نظر او را نسبت به بیمه درمانی، بیمه عمر، صرفه جویی در محدودیت های مالی موجود، محل اقامت، هزینه رهن، اجاره و وام، و هزینه ادامه تحصیل بپرسید.

ادامه تحصیل مستلزم فداکاری همسران است. زیرا باید مخارج اضافی را برای تحصیل شما اختصاص داد. از طرفی در صورت ادامه تحصیل، شاید فرصت کافی برای کار کردن نداشته باشید.

طرح چنین مسائلی بسیار مشکل است. ولی باعث می شود حالا و پس از ازدواج خیالتان راحت باشد و تصمیم گیری تان بر اساس واقعیات موجود باشد نه رؤیاهای و آرمان ها. اگر فرهنگ خانواده تان اجازه نمی دهد خودتان این مسائل را مطرح کنید، از والدین بخواهید آنها را بپرسند.

پرسش های زیر به شما کمک می کند تا تصویر روشن تری از وضعیت مالی آینده داشته باشید:

1 - درآمد ماهانه خواستگارتان چقدر است؟

- 2 - آیا کار کردن هر دوی شما لازم است؟
- 3 - اگر خانم کار نکند، آیا همسر، خانه داری را با ارزش می داند؟
- 4 - برای گذران زندگی چقدر درآمد کافی است؟
- 5 - چگونه باید خرج کرد؟ چه هزینه هایی در اولویت است؟
- 6 - آیا با نحوه خرج کردن یکدیگر توافق دارید؟ با چه مواردی موافق و با چه مواردی مخالفید؟
- 7 - اگر هر دو کار می کنید، پولتان را با هم خرج می کنید یا جداگانه؟
- 8 - چه مبلغی (هر دو) در بانک دارید؟
- 9 - اگر خواستگارتان شغل آزاد دارد، چه مقدار از درآمدش را پس انداز یا سرمایه گذاری می کند و چه مقدار را خرج می کند؟
- 10 - چه کسی مسئولیت برنامه ریزی مالی را در درازمدت برعهده می گیرد؟
- 11 - برای داشتن احساس امنیت، چه مقدار پول کافی است؟
- 12 - چند درصد از درآمد را پس انداز می کنید؟ آیا نامزدتان با پس انداز در بانک موافق است؟
- 13 - چه کسی حساب دخل و خرج را دارد؟ چه کسی قبوض آب، برق، تلفن و گاز را می پردازد؟
- 14 - در صورت بیمه نبودن نامزدتان، آیا با بیمه اختیاری (خویش فرما) هر دو شما موافق است؟
- 15 - آیا نامزدتان باید خرج والدینش را بدهد؟ در صورت پاسخ مثبت ماهانه چقدر از درآمدش را به این کار اختصاص می دهد؟
- 16 - اگر خدای نخواست ازدواج تان به طلاق منجر شود آیا می تواند مهریه را پرداخت کند؟
- 17 - آیا او با خرید وسایل اضافی برای منزل یا کادو برای دوست موافق است؟
- 18 - آیا نامزدتان می پذیرد که دارایی قبل از ازدواج مثلاً زمین، خانه و ماشین به اسم خودتان باشد؟
- 19 - آیا خواستگارتان بدهی ندارد و ورشکست نشده است؟ در صورتی که بدهی دارد تا چه مدت پس از ازدواج چه مبلغی باید پرداخت کند؟
- 20 - آیا می توانید حساب جداگانه ای برای هزینه های منزل داشته باشید؟ یا هر کسی بخشی از درآمد خود را برای آن اختصاص دهد؟
- 21 - آیا موافقت می کنید که حساب پس انداز جداگانه ای داشته باشید؟
- 22 - اگر پس از ازدواج با پول کار هر دو شما خانه یا ماشین خریداری شود، آیا موافقت می کنید که سند آن به نام هر دو باشد؟
- 23 - اگر پس از ازدواج با بحران مالی یا ورشکستگی روبه رو شوید چه می کنید؟

24- آیا موافقید مبلغی را برای موارد غیره منتظره نظیر هزینه عمل جراحی یا بیمارستان پس انداز کنید؟

زن بزرگتر از شوهر عیبی دارد؟

نگاهی به چرایی کوچکتر بودن زنان از شوهران

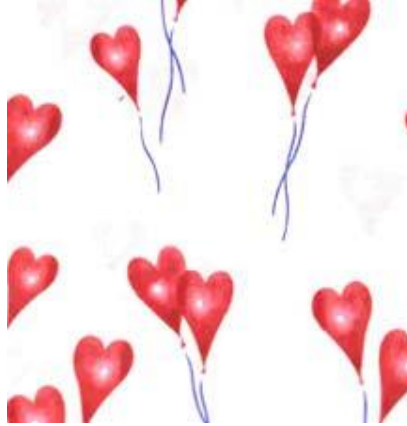


زمانی که علم جامعه شناسی آشکارا اعلام می کند ازدواج در زمره پیچیده ترین روابط انسانی است، شاید بتوان تأمل زیادی در این خصوص داشت و از زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داد، زیرا بسیار شنیده شده که ازدواج، مظهر برخورد فرهنگ و طبیعت است. به این صورت که جامعه می کوشد طبیعت را مهار کند و آن را به فرهنگ تبدیل نماید و به دلیل همین ویژگی هاست که بیان می شود میثاق زناشویی با توجه به زمان و شرایط دوران خودش، دچار دگرگونی ها و تغییراتی شده ، ولی نفس آن از قدیم الایام یکی بوده است.

ازدواج ابعاد گوناگونی دارد و **انتخاب همسر** نیز گزینه های متفاوتی دارد که جدای از نزدیکی **فرهنگ ها**، جغرافیا، **تحصیلات** و... «**سن**» یکی از ویژگی هایی است که مورد توجه بوده و تفاوت سنی در همه اعصار به گونه ای بوده که نشان می دهد در **تفاوت سنی زوجین**، مرد چند سالی بزرگتر از زن بوده است. به طوری که در ایران پدیده گزینش همسر، پراکندگی خاصی داشته است؛ از این رو تفاوت سن زوجین در ایران امری طبیعی به نظر می رسد و میزان این تفاوت، تا آنجا مورد توجه قرار می گیرد که در بیشتر موارد میان 4 تا 12 سال است.

اما بسیاری از جامعه شناسان معتقدند در یک جامعه صنعتی یا رو به صنعتی شدن و پویا، معیارها نیز در حال تغییر و دگرگونی است. چه بسا هنوز وجود داشته باشند افرادی که به تفاوت سنی میان زوجین با تأکید بزرگتر بودن مرد از زن صحنه بگذارند، اما در جامعه ای که زنان دست به فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، هنری و حتی مطالعاتی و سیاسی می زنند، از نظر تحصیلات ارتقاء پیدا می کنند و جایگاه ها، موقعیت هایی برتر و یا همسان مردان به دست می آورند و همین باعث می شود مقوله سن در ازدواج آنان نیز دچار تغییر شود. مثلاً در جامعه امروز، بسیار دیده شده زنانی که از همسران خود بزرگتر هستند، با این حساب می توان گفت که نظریه همسرگزینی با توجه به شرایط

خاص هر جامعه مي تواند تغيير يابد و در نهايت موجب طرح اين پرسش مي شود که آیا بزرگتر بودن زنان از شوهرانشان موجب بروز مشکلاتي مي شود؟ پاسخ هاي مختلفی شامل اين پرسش مي شود؛ پاسخ هاي مخالف و موافقي که بحث بر سر هر کدام مي تواند نظر عده اي خاص را پاسخگو باشد.



دکتر امان قرایي مقدم، محقق و استاد دانشگاه در این خصوص مي گوید: «به نظر من این تفاوت سني، منفي است زیرا با تحقيقاتي که روي 2 هزار و 167 پرونده طلاق انجام داده ايم، به این نتیجه رسيده ايم که يکي از مهمترين دلایل طلاق در میان زوجين، بروز همین تفاوت سني است. يعني بزرگتر بودن زن از مرد، زیرا این پديده چه از نظر فرهنگي و چه از نظر اجتماعي در جامعه ما پذيرفته شده نيست.

فرهنگ سنتي ايران مي گوید بزرگتر بودن مرد در ازدواج یک ارزش است و حتي در محافل و مناطق روستايي هم، شعرهايي در این خصوص سروده اند، بنابراین اينگونه به نظر مي رسد که اگر این ازدواج ها محکم نباشد، در مدت کوتاهي با شکست مواجه مي شود.»

جامعه شناسان دلایل گوناگوني را در این خصوص برمي شمارند. آنان معتقدند رشد علمي و فرهنگي زنان و به دست گرفتن بازار کار و کسب و دیگر موفقیت هاي اجتماعي در رشد آنان نقش داشته است؛ اما از سوي دیگر، افزایش سن ازدواج و بعد اقتصادي، از مهمترين عوامل چنين پيوندهاي زناشويي است.

حمید اکبري- کارمند، مي گوید: «دوستي داشتم که همیشه مي گفت من با یک زن پولدار ازدواج مي کنم. چند سالي از او خبر نداشتم تا این که هفته پيش او را دیدم. سوار خود روي آخرین مدل شده بود و از ظاهرش مشخص بود که وضع مالي خوبي دارد. براي تعريف کرد که با خانمي 9 سال بزرگتر از خودش ازدواج کرده و از زندگي اش هم راضي است و به هر چه مي خواسته، رسيده است. خوشحال شدم ولي نتوانستم باور کنم، چون آن دوست خيلي شاد و سر حال سابق نبود.»

ازدواج زن با مردی که از خودش کوچکتر است، از دید جامعه شناسان غير از بُعد اقتصادي، به مسائل عاطفي و احساساتي منوط است. مثلاً دکتر قرایي مقدم در این خصوص مي گوید: «خام بودن جوانان و تحت تأثیر احساسات قرار گرفتن، يکي دیگر از دلایلي است که موجب چنين ازدواج هايي مي شود، زیرا باید در نظر داشت برخي

جوانان با توجه به بالا بودن درایتی که زن در برخی موارد دارد، ممکن است تحت تأثیر قرار بگیرند. بخصوص که در یک سن خاص زن خیلی بهتر می تواند مرد را رام کند. اگر آن زن از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خوبی هم برخوردار باشد که این کار آسان تر انجام می گیرد، زیرا پسرانی که حداقل لوازم زندگی را دارند برای فرار از به دست آوردن این امکانات، ترجیح می دهند چنین ازدواج هایی داشته باشند.»

این در حالی است که دکتر نوید ایرانپور، پژوهشگر مسائل خانواده در یک طبقه بندی به چرایی و چگونگی این ازدواج ها اشاره می کند. **وی معتقد است این ازدواج ها را می توان در 3 طبقه مجزا قرار داد:**

الف- آن دسته از ازدواج هایی است که بنابر اجبار صورت گرفته و خانواده با انتخاب دختری بزرگتر از پسر بنابر از شرایط خاصی، پسر را به ازدواج مجبور می کنند.

ب- ازدواج هایی که بر پایه عشق و علاقه دو طرف بنا نهاده شدند.

ج- ازدواج هایی که بعد اقتصادی دارند.

وی در ادامه سخنانش نتایج چنین ازدواج هایی را این گونه بیان می کند: «با توجه به نوع چگونگی ازدواج، مسلماً رفتارهای متفاوتی نیز بروز پیدا می کند. در ازدواجی که مرد بر پایه عشق و یا ثروت خود را راضی کرده است که با زنی بزرگتر از خود ازدواج کند دو حالت پیش می آید: یا زن حاکم خانواده می شود و یا این مرد است که از قدرت برخوردار است. زیرا مردی که با توجه به شرایط اقتصادی زن ازدواج کرده است، برنامه ریزی می کند که چگونه از آن استفاده کند. در چنین شرایطی معمولاً جوان بودن خود را بهانه ای برای اخذی قرار می دهد و زن نیز کوتاه می آید.»

غیر از این، ازدواجی که بر پایه زور و اجبار است در نوع خود بدترین واکنش را داراست، زیرا زن و مرد بیشترین تنش ها را در خود خواهند داشت. در چنین خانواده هایی بیشترین تنش بر سر این موضوع است که چه کسی قدرت را در دست بگیرد، مرد یا زن؟ مرد به دلیل نگرش سنتی می خواهد مردانگی نشان دهد و حاکم خانه باشد و زن به علت بزرگتر بودن نمی تواند این نکته را تحمل کند و تنش بر سر قدرت، می تواند نهاد خانواده را دچار مشکل کند.

دوست می گفت: «با مدیر عامل شرکت کامپیوتری که در آن مشغول به کار بودم، ازدواج کردم. او 7 سال از من بزرگتر است و ما 5 سالی است که زندگی مشترکی داریم. راضی ام اما گاهی اوقات احساس می کنم همانند یک مهره هستم و هیچ اراده ای از خود ندارم. تنها این مورد است که ناراحتم می کند.»

در حالی که عده ای از کارشناسان با این کار مخالف هستند، گروهی دیگر توافق دارند که نمی توان یک حکم کلی برای چنین مسئله ای در جامعه ایران صادر کرد، زیرا هنوز تعریف مشخص و دقیقی از وظایف زن و مرد نسبت به هم تبیین نشده و یا اگر شده کمتر عملی می شود و به همین دلیل است که اختلاف ها روز به روز بیشتر می شود؛ بنابراین در حالی که در زندگی های عادی زناشویی تنش هایی را شاهد هستیم، طبیعی است میان خانواده ای که زن چند سالی هم از شوهرش بزرگتر است، شاهد حرف ها و حدیث هایی هم باشیم. به طور مثال به مرد می گویند هیچ کس را به او

نمی دادند و آمد این زن را گرفت و یا این زن سنش بالا رفته بود و مجبور شد با کوچکتر از خودش ازدواج کند، که تمامی این حرف ها در کنار مشکلات دیگر می تواند آسیب پذیری خانواده را افزایش دهد. عده ای از روان شناسان اجتماعی با نگاهی از بعد روان شناسانه و روان شناختی نیز سعی بر تحلیل این دسته از ازدواج ها دارند.

آنان معتقدند از نظر روان شناسی زن ها زودتر از مردها نسبت به مسائل زندگی عاقل تر می شوند و درکشان از مسائل درون خانواده و زندگی عمیق تر است؛ بنابراین مسئولیت پذیرند و یا بیشتر در این زمینه ها فکر می کنند. حال اگر زنی چند سالی بزرگتر باشد، به طور ناخودآگاه انتظار دارد که مرد هم همانند او فکر کند و مسائل را بسنجد، برای همین زمانی که انتظارش برآورده نمی شود، این تصور تداعی می شود که مرد نسبت به خانه و خانواده بی مسئولیت است و در نهایت تنش فضای خانواده را پر می کند. از سوی دیگر، مردی که با زن بزرگتر از خودش ازدواج می کند، ممکن است پس از چند سال زندگی، با فرسوده شدن جسم زن، احساس ضرر کند و احتمالاً به فکر جدایی و یا ازدواج دوم بیفتد و...

خانمی می گفت: «پس از 15 سال زندگی، شوهرم به من می گوید تو پیر هستی. من 6 سال جوان تر از تو هستم. می گوید اگر به خاطر ثروت و موقعیت تو نبود، با تو ازدواج نمی کردم. خیلی غصه دار شدم. من با عشق جلو رفتم و او با پول. حالا که به آن چیزهایی که می خواسته، رسیده، به من می گوید تو پیر هستی. پس از 15 سال زندگی این حرف ها دلم را آتش می زند.»

دکتر ایرانپور به نوع تفاوت در اختلافات سنی نیز اشاره می کند. به این معنی که اگر تفاوت سنی میان زن و مرد 3 تا 4 سال باشد، از یک حد معمولی برخوردار است. در این شرایط زنی که 3 یا 4 سال بزرگتر از شوهرش است، معمولاً در برابر موضع مرد کوتاه می آید و می کوشد مطیع باشد. در صورتی که هر چه این تفاوت سنی افزایش یابد، حس مادری، خواهر گونه و یا سرپرست در زن بیشتر می شود. مثلاً زنی که 15 سال و یا بیشتر از همسرش بزرگتر است، همواره همانند مادر یا خواهر بزرگتر با شوهرش برخورد می کند.

خانم کارمندی می گفت: «با کسی ازدواج کردم که 10 سال از من کوچکتر است. همه می گویند جای پسرت است و به او هم می گویند که با مادرت ازدواج کرده ای. شاید حق دارند. ولی ما با هم خوشیخت هستیم و 7 سال است که زندگی می کنیم. تمام خرج تحصیلش را خودم دادم و برای دکترای گرفتن فرستادمش خارج از کشور. می گفتند این کار را نکن می رود و دیگر بر نمی گردد؛ ولی همسرم رفت دکترایش را گرفت و برگشت و با هم زندگی می کنیم. الان حرف های مردم کمتر شده؛ ولی هنوز وقتی ما دو تا را با هم می بینند تعجب می کنند.» تمام این مسائل زمانی کنار هم جمع شده، باعث می شوند کارشناسان نظرات مختلفی را ارائه دهند؛ هر چند این نظرات در آخر به نقطه ای مخالف ختم می شود و گویی هنوز عُرُف جامعه و مردم آن را قبول ندارند.

دکتر قرایی مقدم در این خصوص می گوید: «شاید چنین ازدواج هایی نکات مثبتی هم داشته باشد مثل اداره زندگی از سوی زنی آگاه و مدیره. ولی کنار این نکات مثبت، این نکات منفی است که خود نمایی می کند زیرا اگر خود فرد پذیرای شرایطش باشد، تا

اندازه اي مي تواند نگاه جامعه و مردم را تحمل کند و تأثیرات منفي اين برخوردها همیشه در زندگي خانوادگي آنان بروز مي يابد.» در هر حال، با نگاهی مي توان خانواده هايي را يافت که با بزرگتر بودن زنان از شوهرانشان، زندگي هايي شاد و زيبا دارند.

آقاي که کارمند فرودگاه است مي گوید: «روزي که مثل همیشه مشغول چک کردن يکي بودن شناسنامه ها با هويت مسافر بودم، ديدم زن و مرد مو سپيدي شناسنامه هايشان را دادند. مرد 5 سال کوچکتر از زن بود. با خنده گفتم: پدر جان خانمت که 5 سال بزرگتر است. پيرمرد لبخندي زد و گفت: مگر چه عيبي دارد، عوضش خانمم هنوز شاداب تر و جوان تر از من مانده، مگر نه؟!»

موانع ازدواج دختران و پسران» از دید خود آنها چیست؟



مطالعات ملي نشان مي دهد در حالي که «نداشتن ثبات شغلي»، پس از «بيکاري» از مشکلات و موانع اصلي ازدواج پسران از منظر کل جوانان است، «آزاد نبودن در انتخاب همسر دلخواه» پس از «پیدا نکردن فردي که به عنوان همسر داراي خصوصيات دلخواه باشد» مهمترين مانع ازدواج دختران جوان به شمار مي رود.

کل جوانان «نبود حس مسئوليت پذيري در فرد» را چهارمين مانع ازدواج براي دختران و «نداشتن توان مالي کافي» براي پسران مي دانند و پس از آن پسران «پیدا نکردن فردي که به عنوان همسر داراي خصوصيات دلخواه باشد» را داراي اهميت دانسته اند.

پس از اين عامل در حالي که «عدم امکان تهيه مسکن مناسب» به عنوان يکي از مشکلات پسران براي ازدواج است «بي برنامه بودن در زندگي» براي دختران از مشکلات اصلي ازدواج مطرح مي شود.

به گزارش ايسنا، «وجود ملاک هاي سختگيرانه خانواده در ازدواج» براي دختران، بيش از پسران تبديل به مشکل شده است؛ چرا که اين عامل در رتبه هفتم سلسله مراتب موانع ازدواج دختران قرار داشته و براي پسران در اولويت شانزدهم قرار دارد.

در حالي که از منظر پسران جوان کشور، براي پسران «شروط دست و پا گیر خانواده دختر» در رتبه نهم موانع ازدواج قرار دارد «سختگير بودن در انتخاب همسر» براي دختر در اين مرتبه قرار مي گيرد.

گفتني است «نقص جسماني»، «عدم بلوغ شخصيتي کافي در فرد» و «ناتواني والدين در راهنمايي براي ازدواج» در ميان دختران در اين سلسله مراتب داراي رتبه بالاتري است.

در حالي كه «نداشتن كارت پايان خدمت وظيفه يا معافيت» براي پسران به عنوان مانع ازدواج مطرح است، دختران داراي مشكلي به نام «[ناتواني مالي](#) والدين در تدارك ازدواج براي فرزندان» هستند؛ اين در شرايطي است كه با وجود مانعي به نام «اولويت دادن به ادامه تحصيل» براي ازدواج دختران، پسران به [ادامه تحصيل](#) به عنوان مانعي براي ازدواج نگاه نمي كنند.

به گزارش ايسنا اين تحقيق بيانگر آن است كه «شروط دست و پاگير خانواده دختر» براي پسران در مرتبه نهم مشكلات ازدواجشان قرار دارد، اما در مقابل «فراهم نبودن تجهيزه» براي دختران مطرح مي شود.

در حالي كه از سوي جوانان «فراهم نبودن وسايل زندگي» نوزدهمين مشكل پسران براي ازدواج نام برده شده است، دختران «محدود بودن دايره [انتخاب همسر](#)» را مشكل خود مي دانند. اين تحقيق نشان مي دهد كه دختران بيش از پسران به «بلوغ شخصيتي كافي در فرد» براي ازدواج اهميت مي دهند؛ چراكه نبود اين ويژگي در ميان موانع ازدواج دختران داراي جايگاه دهم و براي پسران داراي رتبه دوازدهم است.

ازدواج مهارت مي خواهد!



[زندگي مشترك](#) افقي است روشن و جلوه گاهي زيبا براي تولدي دوباره؛ مشروط بر آن كه وجوه ضروري اين اشتراك، يعني توانايي ها و مهارت هاي خاص و سازنده، در تفكر، بينش و عملکرد انسان رؤيت و ملاحظه شود. زيرا اين مهارت ها و توانايي هاي انسان است كه در وقت لزوم، به ياري او مي آيد تا [مشكلات](#)، اختلافات و نقاط ضعف و كاستي هاي زندگي مشتركش را برطرف نمايد. حال چنانچه زندگي مشتركی كه براساس پيوندی مقدس از سوي زن و مرد، صورت پذيرفته، با عدم توانايي ها و مهارت هاي هر دو نفر و يا حتي يكي از آنها روبه رو شود، به طور مسلم، ادامه اين زندگي با تلخكامي، ناراحتي و تنش و رنجش همراه خواهد شد. بنابراين بايد در نظر داشته باشيم بقا و تداوم و شيريني يك زندگي مشترك، هميشه در گرو توانايي ها و مهارت هاي خاصي است كه در حقيقت تضمين كننده اي قابل اطمينان براي [خوشبختي](#) زوجين به حساب مي آيند.

به همین لحاظ در نوشتاری که پیش رو دارید سعی شده است تا به صورت اجمال به راهکارهای مهم و اساسی، پیرامون برخی از توانایی ها و مهارت های لازم برای ایجاد و برقراری يك زندگي مشترك ایده آل پرداخته شود.

مهارت در خودآگاهی

آگاهی از خود و خصوصیات مختلف خود، به انسان کمک می کند با توانایی ها و ضعف ها و سایر خصوصیات خود آشنا شود. همچنین در صورت برخورد با طرف مقابل و تشکیل **زندگي مشترك** بهتر و عمیق تر با مسائل روبه رو شود. این خودآگاهی به شخص نشان می دهد که چگونه می تواند احساسات خود را بشناسد، از وجود آنها آگاه شده و به وقت لزوم کنترلشان نماید تا منجر به هیچگونه ناراحتی نگردد.

خودآگاهی، موجب شناخت نیاز افراد و یافتن راه مناسب برای مواجهه با آنها می شود. همچنین اهداف زندگي را مشخص تر و واقع بینانه تر نشان می دهد و ارزش واقعی افراد و مسائل پیرامونشان را نمایان می سازد. خودآگاهی فرآیند سالم هویت یابی را برای انسان سهل تر می نماید، به زندگي او آرامش می دهد و احساس رضایت مندی اش را رونق می بخشد.

«خودآگاهی» تضمین کننده استحکام وجود فرد در هنگام بزرگسالی است و باعث پرورش روابط زن و شوهر در رویارویی با مشکلات و حل مناسب آنها می شود.

خودآگاهی تضمین کننده استحکام وجود فرد در هنگام بزرگسالی است و باعث پرورش روابط زن و شوهر در رویارویی با مشکلات و حل مناسب آنها می شود.

به جز موارد فوق، «خودآگاهی» شناخت و تنظیم احساسات، اهداف و برنامه زندگي، تفریحات و سرگرمی ها، توانایی ها، ضعف ها، ارزش ها، مسئولیت ها، شناخت فرهنگ، مذهب، علائق، آرزوها و استعدادها را به دنبال دارد.

کشف و درک و شناخت مهارت ها و توانایی های خود، به این دلیل مهم است که فرد قبل از ازدواجش بداند چه هدفی دارد تا برای ازدواج خود براساس هدف اصلی زندگي اش، برنامه ریزی نماید. مثلاً فردی که هدفش رسیدن به درجات عالیه کمال و معنویات است، اگر با کسی ازدواج کند که هدفش رسیدن به يك زندگي تجملی و سراسر مادیات است، به طور قطع پس از ازدواج، دچار مشکلات فراوانی در زندگي مشترك خواهد شد. امتیاز دیگری که می توان برای خودآگاهی منظور نمود آن است که موجبی قدرتمند برای شناخت و تشخیص تفاوت های بین خود و دیگران است. در این میان باید گفت شناخت تفاوت های میان زن و مرد، یکی از مهم ترین بخش های مربوط به مهارت خودآگاهی است.



شناخت تفاوت های میان زنان و مردان

در يك بعد كلي مي توان گفت انسان ها، تفاوت هاي بسياري با يكديگر دارند كه دلايل شان نيز متنوع و متعدد است. اما **تفاوت هاي بين زن و مرد**، تفاوت هاي عمده اي است. برخي از اين تفاوت ها، ريشه در عوامل فزيولوژيكي و زيستي دارند و بعضي، نشأت گرفته از عوامل فرهنگي و اجتماعي هستند. **بيشترين اين تفاوت ها را كه معمولاً شديد و قابل تعمق است، مي توان در ازدواج و زندگي مشترك به وضوح احساس كرد، از جمله اين كه:**

1 - دیدگاه زنان و مردان نسبت به ارتباط و مسائل جنسي كاملاً متفاوت است

اين تفاوت كه در واقع ريشه زيستي دارد، مهمترين اختلاف آنان در ارتباط با رابطه جنسي است. اين رابطه در زنان با عواطف مثبت و احساسات گره خورده است در حالي كه ارتباط جنسي در مردها، بيشتر جنبه هاي فزيولوژيك دارد و بيشتر ارضاي يك غريزه به حساب مي آيد. ديگر آن كه جنبه هاي عاطفي اين احساس در مردها، بسيار كمتر از آن احساسي است كه در زن ها وجود دارد. اين تفاوت ها و يا عدم آگاهي از آنها، گاهي موجب سوء تفاهم و بر هم خوردن روابط ميان مرد و همسرش مي شود.

2 - استقلال براي مردان اهميت بسياري دارد

استقلال مردها از موارد قابل توجه در زندگي مشترك است. چون آنها مايلند و مي خواهند در مورد مسائل مالي و معاملات و ساير موارد مشابه، مستقل عمل كنند. مخالفت همسر يا عدم توجه وي به اين نكته، مي تواند مشكلات و موانعي در زندگي مشترك ايجاد كند زيرا مرد تصور مي كند كه به احساس استقلالش، لطمه خورده است.

3 - زنان مي خواهند مورد حمايت باشند و به اين حمايت اهميت مي دهند

چنانچه زن حس كند از طرف همسرش مورد بي توجهي و بي مسئوليتي قرار گرفته، به شدت آزرده مي شود و واكنش هاي عاطفي شديد نشان مي دهد. زيرا آنچه براي زن ها اهميت دارد، آن است كه حس كنند همسرشان به آنان احترام مي گذارد و به سلامت وعقيده و ... آنان اهميت مي دهد.

4 - مديريت خانه براي مردها بسيار مهم است

با مراجعه به فرهنگ های مختلف موجود در جوامع گوناگون، خواهیم دید که «مرد» به عنوان قدرت اول خانواده، شناخته شده است که البته این مسئله را باید جدای از تبعیض های جنسی میان زن و مرد، به حساب آورد. در خانواده هایی که زن بدون نظرخواهی و مشورت همسرش درباره مسائل خانوادگی تصمیمی اتخاذ می نماید، یا این که قدرت اول خانواده است، معمولاً مشکلات گوناگون زیادی مشاهده می شود که آسیب دیدگی احساس مرد از خود را می توان یکی از این ناراحتی ها دانست. البته این که مرد، قدرت اول خانواده باشد بدان معنا نیست که مرد، در يك نقش دیکتاتوری ظاهر شود بلکه منظور از این مسئله، مدیریت است که باید بر عهده مرد قرار بگیرد.

5 - صحبت کردن و ارتباطات اجتماعی برای زنان مهم است

زن ها با دور هم جمع شدن و صحبت کردن، بسیاری از نگرانی ها، استرس ها و ناراحتی های خود را تعدیل و تخلیه می نمایند. تمایل به ارتباطات اجتماعی و حرف زدن در زنان بیشتر از مردان است. به همین دلیل چنانچه درك و آگاهی زن و مرد، نسبت به این خصوصیت ضعیف باشد، مطمئناً آنان را دچار سوء تفاهات جدی در زندگی مشترك خواهد نمود.



6 - نگاه مردان به مسائل، کلی تر است

مردها معمولاً وارد جزئیات و نکات ظریف نمی شوند، در حالی که زن ها به عمق مسائل و اجزاء ریز در ارتباطات و دیگر موارد، توجه زیادی دارند. معمولاً این خصوصیات زن و مرد، موجب می شود زن تصور کند مرد در باره بسیاری از مسائل بی دقت و بدون توجه است و مرد نیز همسرش را فردی حساس و ریزبین بداند که همیشه ذهن خود را برای موارد و مسائل پیش پا افتاده و کم اهمیت، درگیر و مشغول می سازد.

7 - جذابیت های جسمی و آراستگی برای مردها بسیار اهمیت دارد

مردها بیش از زن ها تحت تأثیر جذابیت های جسمی و آراستگی زن قرار می گیرند که این نیز یکی دیگر از تفاوت های مهم آنهاست.

8 - زن ها عاطفی تر از مردها هستند

يکي ديگر از تفاوت هاي عمده بين زن و مرد، عاطفي تر بودن زنان است و اين انتظاري است که زن ها، از مردها نيز دارند! مثلاً زني که همواره تاريخ دقيق روز ازدواج ، تاريخ تولد همسر، مکان آشنائي و ... را به ياد دارد و چه بسا به مناسبت آنها، براي همسر خود، هديه هايي هم تهيه کند، وقتي با شوهری روبه رو مي شود که نسبت به اين مسائل بي اعتنا يا فراموشکار است، نخستين احساسش آن است که همسرش نسبت به او بي علاقه و بي اهميت است. بايد دانست ادامه چنين تفکرات منفي و برخورد هاي احساسی در مدت زماني اندک، موجب بروز سوء تفاهم و دلسردی از زندگي مشترك مي شود. لذا آگاهي از اين نکات ضمن آن که از ناراحتي هاي بسياري جلوگیری مي کند، احساس مهارت در زندگي مشترك را در شخص رشد مي دهد و او را به موفقيت مي رساند.

مهارت در همدلي با افراد

همدلي با افراد مهارت خاصي مي خواهد. همدلي به برقراري ارتباط عميق و صميمي به انسان ها کمک بسياري مي کند. گاهي اوقات افراد به اشتباه، تصور مي کنند تفاهم به اين معناست که ما با فرد مقابل، کاملاً همفکر و هم عقیده باشيم، در حالي که بايد گفت چنين تصوري از پايه و اساس اشتباه است، زيرا هيچ گاه نمي توان دو انسان را يافت که به طور کامل شبيه يکديگر باشند. اختلاف و تفاوت در دیدگاه ها، سليقه ها، آرزوها، عقايد و علايق، همه و همه، امري طبيعي و کاملاً عادي است. اما آنچه اين اختلاف و تفاوت را مي تواند براي ما، قابل درک و فهم سازد، همان «همدلي» است که به واسطه آن، مي توانيم بسياري از مشکلات ارتباطي خود با ديگران، خاصه شريك زندگيمان، را برطرف سازيم.



اصول مهارت همدلي

1 - به صحبت هاي ديگران خوب گوش کنيد.

هنگامي که کسي صحبت مي کند، کار ديگري انجام ندهيد. خوب گوش کردن يا به عبارت ديگر، گوش کردن فعال، پايه و اساس هر نوع ارتباط سالمی است. نمي توان هم کتاب خواند و هم به صحبت هاي طرف مقابل گوش داد. چون بين شنيدن و گوش دادن، تفاوت زيادي وجود دارد. همچنين توجه کنيد که هنگام صحبت کردن طرف مقابل، به صورت او نگاه کنيد تا مطمئن باشد نسبت

به صحبت هایش، هر چند معمولی و عادی، دقت، حرمت و حساسیت لازم را قائلید. حتی گاه با اظهار کلماتی چون بله! عجب! خوب! فهمیدم! پس این طور! به او نشان دهید که کاملاً به صحبت هایش و آنچه که می گوید، توجه دارید و برای این توجه تمرکز کافی داشته باشید.

2 - با احساس و عواطف طرف مقابل تان همراه و هماهنگ شوید.

هنگام همدلی، سعی کنید طرف مقابل خود را درک کنید. آن هم به طور حقیقی و دور از هرگونه تظاهر و تصنعی ریاکارانه یا از روی اجبار! بلکه از روی عاطفه و احساس هماهنگ با طرف مقابل. مثلاً هیچ وقت نمی توان با فردی که با صدا و حالتی حزن آلود، درباره مسئله یا موضوع ناراحت کننده ای سخن می گوید، با لحنی شاد و سرشار از سرخوشی سخن گفت. البته عکس این مثال نیز صادق است.

3 - به احساسات و هیجان های طرف مقابل تان توجه داشته باشید.

بیشتر اوقات، فردی که از شرایط و مسایل خود، سخن می گوید و به شرح مشکلات یا درد دل هایش می پردازد، قبل از آن که به دنبال راه چاره یا پند و اندرز و یا راهنمایی باشد، نیاز دارد تا مخاطب او، متوجه احساس و حالت و هیجان او شود و موقعیت های احساسی او را درک کند. شما باید با توجهی که نسبت به احساس و هیجان او می کنید، این خواسته را برای وی به اثبات برسانید.

4 - خود را به جای طرف مقابل بگذارید.

تنها در این صورت است که می توانید از دریچه چشم وی، به مشکلات نگاه کنید و احساسات و موقعیتش را دریابید تا بتوانید همدلی لازم را درباره اش داشته باشید.

5 - در همدلی با طرف مقابل، از جمله های قاطع استفاده نکنید.

معمولاً شدت ناراحتی و هیجان در فرد نیازمند به همدلی، به حدی است که موجبات آزرده گی و آسیب پذیری را در او، مستعد می سازد. بنابراین باید مراقب بود تا با چنین فردی، با کلمه ها و جمله های قاطع و بُرنده، صحبت نکنیم. چه بسا که در تشخیص احساس و معانی سخنان وی اشتباه کرده باشیم آن وقت به دلیل قطعیت نظر و صحبتی که داشته ایم، نه تنها همراه و همدل او نبوده ایم، بلکه به نوعی وی را آزرده خاطر و منزجر نیز کرده ایم.

مهارت حل اختلاف

این مهارت نیز، همانند بقیه مهارت ها، برای **ازدواج و تشکیل زندگی مشترک** و اصولاً برقراری ارتباط درست با دیگران ضروری و واجب است. آنچه مسلم است، بروز اختلاف و تفاوت بین افراد، امری کاملاً عادی و طبیعی است. منتها مهمتر و طبیعی تر آن است که نسبت به حل این اختلافات، اشراف داشته باشیم و بتوانیم اختلاف یا سوء تفاهمات خود یا دیگران را به گونه ای حل کنیم

که رضایت همه فراهم آید؛ و این رضایت حاصل نخواهد شد مگر با کسب مهارت در حل اختلافات.



اصول مهارت حل اختلاف

- صحبت کنید، اما بدون پرخاش و توهین و تندی.

حل اختلاف، در زمان عصبانیت، حاصلی جز تخریب بیشتر نخواهد داشت. پس بهتر آن است که همیشه بعد از آرام شدن محیط و افراد، اقدام شود.

- منفی سخن نگویند.

اگر برای وصل کردن، قدم جلو می گذاریم، باید دقت کنیم از به کار بردن سخنان نومید کننده و تحریک کننده و در مجموع منفی، خودداری نمائیم.

- در اولین قدم اختلاف، آن را حل کنید.

به محض احساس اختلاف یا سوء تفاهم، درصدد حل آن برآئید. چون اگر شامل مرور زمان شود، تبدیل به کینه و رنجش می شود. به خاطر داشته باشید صحبت و بازگو کردن ناراحتی ها و سوء تفاهمات، کمک مؤثری برای رهایی از غم و اندوه است و حل اختلافات را نیز سهل تر می نماید.

- از طرف مقابل خود، یا طرفین اختلاف، درخواست کنید تا خیلی سریع، وقت مناسبی را با هماهنگی یکدیگر، برای حل اختلاف، اختصاص دهند.

- احساس شرم و گناه و خجالت را برای طرف مقابل به وجود نیاورید.

چنانچه ما با طرف مقابل خود، دچار مشکلی شده ایم یا برای حل اختلاف دیگران، می خواهیم اقدام نمائیم، هرگز نباید به گونه ای صحبت کنید که دیگری یا دیگران را دچار احساس خجالت، گناه یا شرمندگی کنید. طعنه و کنایه را نیز باید از لحن و کلامتان حذف نمایید.

- نظر و عقیده خود را بیان کنید.

ناراحتی خود را عنوان کنید و درباره اش سخن بگویند بدون آن که قضاوت یا سرزنش کنید و حکمی صادر نمایید.

- دیگری یا دیگران نیز حق دارند.

به طرف مقابل خود یا دیگرانی که با یکدیگر دچار اختلاف شده اند، اجازه کافی بدهید تا از ناراحتی ها و مشکلاتشان صحبت کنند. تخلیه روانی، فرد را برای طرح یا پذیرش مسائل متفاوت و سپس حل مشکلات، آماده تر می نماید.

- عذرخواهی مشکل نیست.

در زمان حل اختلاف، چنانچه فرد متوجه اشتباه خود بشود، بهتر است فوری با يك جمله که حاکی از ندامت و عذرخواهی اوست مسئله را ختم به خیر کند. «عذرخواهی» نه تنها فرد را كوچك نمي كند، بلکه دیگران را متوجه انعطاف و دقت نظر او نیز می سازد. حال چنانچه لزومی به عذرخواهی هیچ کسی مشاهده نشد، توافق و به قول معروف، کنار آمدن با هم، مسیری تازه برای رفع سوء تفاهات و برقراری ارتباطات جدید خواهد بود.

- هربار، فقط يك موضوع را مطرح كنيد.

برای هر مشکل، يك جلسه مشخص را اختصاص دهید. چرا که در صورت صحبت و طرح همه ناراحتی ها و مشکلات در يك جلسه، نه تنها راه حلی حاصل نخواهد شد، بلکه به لحاظ یادآوری و تداعی یا درهم پیچیدگی ناراحتی ها، دامنه اختلافات وسعت بیشتری خواهد گرفت.

لازم به یادآوری است که مهارت حل اختلاف، در روابط خانوادگی، خاصه ارتباط میان زن ها و شوهرها، اهمیت بسیاری دارد. ضمناً باید در نظر داشت که در این روابط، حفظ احترام ادب و حرمت و همکاری و تعادل، برای همگان امری لازم و واجب است.

مهارت تصمیم گیری

تصمیم گیری نیاز به مهارت دارد. انسان ها به صورت های مختلفی تصمیم گیری می کنند، خواه این تصمیم درباره معامله ای باشد یا اشتغال به کاری یا انجام عملی یا ازدواجی.

انواع تصمیم گیری

1 - تصمیم گیری احساسی؛ که تصمیم براساس يك احساس خاص (عشق، خشم، کینه، حسادت و كمك و...) گرفته می شود.

2 - تصمیم گیری اجتنابی؛ تصمیمی که فرد به دلیل ترس و نگرانی که دارد، سعی می کند تا آنجا که می تواند آن را به تعویق اندازد. این گونه اتخاذ تصمیم، امکان آن را به وجود می آورد که فرد، فرصت های مناسب زندگی خویش را از دست بدهد.

3 - تصمیم گیری اخلاقی؛ تصمیمی است که فرد، برای انجام آن به دلایل اخلاقی تکیه می کند. مثلاً ادامه دادن به يك زندگی مشترك مملو از تنش و پر تنش، به دلیل وجود فرزندان.

4 - تصمیم گیری تکانشی؛ این نوع تصمیم گیری، بسیار سریع و بدون توجه به عاقبت کار، یا ارزیابی و توجه به موقعیت ها و شرایط صورت می گیرد. مثلاً

فردی، فرد مقابل خود را برای کاری که در نظر دارد ترغیب به عجله می کند و قدرت تفکر در مورد یک عمل درست را از او می گیرد.

5 - تصمیم گیری مطیعانه؛ سبک تصمیم گیری مطیعانه، می تواند صدمه زیادی به موضوع تصمیم و یا به عنوان مثال، به ازدواج فرد، وارد کند. در تصمیم گیری مطیعانه، دیگران برای یک یا دو نفر یا موضوعی، تصمیم می گیرند بدون آن که فرد یا افراد یا موضوعی که تصمیم بر روی آن اجرا می شود، نقشی در این تصمیم گیری داشته باشند. نمونه این تصمیم گیری را می توان در ازدواج های سنتی مشاهده کرد.

6 - تصمیم گیری عقلانی؛ سالم ترین تصمیم ها، تصمیمی است که براساس تفکر، بررسی و مطالعه، ارزیابی و تحقیق صورت بگیرد. تصمیم گیری عقلانی، براساس واقعیات است و معمولاً خطا و اشتباه در آن به ندرت دیده می شود.

اصول تصمیم گیری عقلانی

تصمیم گیری عقلانی نیز مانند بقیه مهارت ها، دارای اصول مهارتی است که به ترتیب ذیل است:

- **مواجه شدن با یک تصمیم:** زمانی است که فرد متوجه می شود باید تصمیم بگیرد. بنابراین روی آن تمرکز کرده و ضمن روشن کردن موضوع تصمیم، اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری می نماید.

- **حق انتخاب و بررسی مورد تصمیم بر اساس اطلاعات:** با راه حل ها و اطلاعاتی که فرد به دست آورده، این حق را می یابد تا تصمیمی درست برای انتخاب، ازدواج یا انجام کار مورد نظرش بگیرد.

- **ارزیابی پیامدهای پیش بینی شده حق انتخاب:** فرد پیامدهای متفاوت از انتخاب ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد تا معقول ترین آنها را انتخاب کند.

- **تعهد به تصمیم:** نسبت به تصمیمی که گرفته می شود باید پایبند بود و به آن اعتقاد داشت.

- **برنامه ریزی برای انجام تصمیم:** حتی تصمیم عقلانی نیز نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد.

- **اجرا یا انجام تصمیم:** در این مرحله، فرد به صورت عملی وارد مراحل برنامه ریزی شده می شود. مثلاً تصمیم به ازدواج که مرحله ای همچون **خواستگاری**، **نامزدی**، خرید و غیره دارد.

- **ارزیابی پیامدهای واقعی اجرا یا انجام تصمیم:** فرد به بررسی و ارزیابی تصمیمی می پردازد که یا ناموفق بوده یا آن موفقیت لازمی را که فکر می کرده نداشته است. در اینجا فرد مرحله ای را که از سر گذشته، مورد بررسی قرار می دهد تا برای برنامه آینده اش، شروع به برنامه ریزی کند.

زنان و مردان تفاوت ها ، شباهت ها



روان شناسان در مورد بروز تفاوت زن و مرد، هر دو عامل محیط و وراثت را سهمیم می دانند. اما جامعه شناسان با روان شناسان اختلاف نظر فاحشی دارند. آنها معتقدند که تفاوت های زن و مرد معلول تفاوت رفتاری است که جامعه در مورد آنان پیش می گیرد و معتقدند که دو جنس در اساس با هم هیچ تفاوتی ندارند، بلکه اجتماع موجب می شود که آنها گرایش های متفاوت پیدا کنند و به زمینه های مختلف سوق داده شوند. از نظر جامعه شناسان تفاوت زن و مرد در جزئیات است نه در کلیات. زیست شناسان عقیده دارند که زن و مرد تفاوت های بنیادی دارند، بدین معنا که تفاوت های آنها در درجه اول ارثی است نه محیطی. آنها معتقدند که هر سلول بدن زن با هر سلول بدن مرد تفاوت دارد.

آنها قبل از آن که به دنیا بیایند و تحت تأثیر نفوذهای اجتماعی قرار گیرند، کاملاً تمایز پیدا کرده و برای زن یا مرد شدن آماده می شوند.

ویژگی های ساخت و عملکرد اعضا و دستگاه های بدن دختران و پسران متفاوت است. این تفاوت طوری است که پسران را برای زندگی فعال و پرجنب و جوش، و دختران را برای زندگی آرام آماده می کند. در استعداد تجسم فضایی، تشخیص جهت و هدف گیری، پسران بهترند. از نظر کلامی دختران برتری دارند، اما از نظر ادراک کلامی پسران برترند.

پسران ارتباط های مکانیکی را بهتر درک می کنند و استعداد ریاضی بهتری نسبت به دختران دارند، اما در کارهای دستی مخصوصاً کارهایی که نیاز به چالاکی انگشتان دارند دختران بهترند و چابکی انگشتان زنان به آنها اجازه می دهد که ماشین نویس خوبی باشند. یکی از ویژگی های جالب زنان این است که می توانند اطلاعاتی را برای مدت کوتاهی در حافظه خود نگه دارند که با هم هیچ ارتباطی ندارند و به خود آنها نیز مربوط نیست. بر پایه همین توانایی است که زنان بهتر می توانند به منشی گری و کارهای دفتری اشتغال داشته باشند. دختران از دوران ابتدایی تا دانشگاه آن هم تا سطح

لیسانس در مجموع بهتر از پسرها درس می خوانند و موفقیت های بیشتری به دست می آورند. اما بعد از فراغت تحصیل و به ویژه بعد از دوره لیسانس، معمولاً از رقابت دست برمی دارند و در صورت ازدواج، خود را کاملاً وقف خانواده می کنند. البته زنان شاغل، نویسنده، وکیل و پزشک هم وجود دارند اما کمتر به جاه طلبی و مقام پرستی روی می آورند و این امر به مقدار زیادی از شکوفایی استعدادهای آنها جلوگیری می کند. پس می توان گفت که علت محدودیت زن ها مسائل عاطفی است نه کمبود استعداد.

«ماتینا هورنر» می گوید زنان برای به دست آوردن موفقیت برانگیخته می شوند ولی در عین حال از موفقیت نیز می ترسند. هورنر می گوید: موفق شدن در دنیای رقابت طلب چیزی است که خیلی از زنها از آن پرهیز می کنند زیرا ویژگی هایی را منعکس می کند که به طور سنتی غیرزنانه به حساب می آید. کتاب «پرواز تنها، زنان مجرد در نیمه راه عمر» نوشته آسیب شناسان خانواده کارل آندرسون و «سوزان استوارت»، با بررسی زندگی زنان و مردان قبل و بعد از تأهل، چنین نتیجه می گیرد که مردان معمولاً پس از ازدواج پله های ترقی را طی می کنند و کارآمدتر، عاقل تر و نهایتاً موفق تر می شوند.

«دیوید اسکوس» پروفسور علوم رفتار شناسی بیان می کند که کروموزم X پدری نه تنها از نظر وراثت خصوصیات زنانه نقش مهمتری را نسبت به کروموزوم X مادری ایفا می کند بلکه انتقال دهنده برخی مهارت های اجتماعی نیز هست و این بدین معناست که مردان باید مهارت های اجتماعی را بیاموزند، در حالی که زنان آن را در ساختمان ژنتیکی خود دارند و این امر با بسیاری از جنبه های بلوغ (روانی، اجتماعی، جنسی) در دختران و پسران نیز مطابقت دارد.



محققان استرالیایی اعلام کرده اند: آن قسمت از مغز که برای صحبت کردن مورد استفاده قرار می گیرد در زنان نسبت به مردان 20-30 درصد وسیع تر است. شاید همین موضوع سبب می شود که زنان در امتحانات بلاغت شفاهی، حافظه شفاهی و برخی مهارت های حرکتی ظریف بهتر از مردان عمل کنند. در مطالعه ای که با استفاده از فن رادیوگرافی و MRI صورت گرفت مشخص شد که مردان تنها از سمت چپ مغز خود برای حل مسائل زبان شناسی استفاده می کنند در حالی که زنان از هر دو نیمکره مغز سود می برند. توانایی زنان در استفاده همزمان از هر دو نیمکره مغز، آنها را قادر می سازد که به هنگام صحبت کردن به مراکز عاطفی نیز دسترسی پیدا کنند و در ارتباطات

عاطفي موفق تر عمل کنند. شاید این نکته را که خانم‌ها مددکاران اجتماعی، مشاوران، آموزگاران و پرستاران موفق و خوبی هستند بتوان به این موضوع نسبت داد.

تفاوت هورمونی بین مرد و زن، مسئول
قسمت بزرگی از تفاوت‌ها در توا

تستوسترون ترشح شده در مردها اثر آنابولیکی پر قدرتی دارد؛ به این معنی که موجب افزایش تولید پروتئین در تمام بدن به ویژه در عضلات می‌شود. در واقع حتی مردی که فعالیت ورزشی زیادی ندارد اما تستوسترون زیادی دارد جنه عضلانی او 40 درصد بیشتر از زنان نظیر خود خواهد بود و قدرت او نیز به همین نسبت بیشتر است. هورمون جنسی زنان یعنی استروژن نیز احتمالاً مسئول قسمتی از اختلاف بین قدرت زن و مرد است، اگرچه اثر آن به همان شدت تستوسترون نیست. معلوم شده است که استروژن رسوب چربی را در زنان به ویژه در بعضی بافت‌ها افزایش می‌دهد. بدیهی است این موضوع مانعی در برابر تولید حداکثر قدرت در ورزش‌هایی ایجاد می‌کند که به سرعت یا قدرت بدنی بستگی دارد اما از طرف دیگر این موضوع می‌تواند در ورزش‌های استقامتی سخت که برای تولید انرژی نیاز به چربی دارند يك كمك مؤثر به شمار آید. چنانکه رکورد رفت و برگشت بین دو سویی کانال مانس در حال حاضر متعلق به زنان است.

پسرها در پرتاب کردن توپ و دیسک بهتر از دختران هستند. شاید علت آن در اغلب موارد این باشد که پسران برای بازی با توپ تقویت می‌شوند اما احتمالاً علت اساسی‌تری هم وجود دارد؛ شکل دست‌ها در دو جنس متفاوت است، مخصوصاً در دختران ساعد با بازو زاویه‌ای تشکیل می‌دهد که در دست پسران وجود ندارد. بنابراین دختران به دلایل ژنتیکی و تشریحی نمی‌توانند موفقیت پسران را در پرتاب به دست آورند. نکته قابل توجه دیگر آن است که اگر مرد و زنی را در جزیره‌ای دور افتاده رها کنید چگونگی وضعیت سوخت و ساز بدن در خانم‌ها منجر به آن خواهد شد که زن بیش از مرد زنده بماند.

منابع

- بارنت، آنتونی: انسان، ترجمه محمد رضا باطنی و طلعت نفرآبادی، نشر نو، 1369
- گایتون: فیزیولوژی پزشکی، ترجمه محمدحسن عامری و همکاران، نشر اشارت، 1382
- گنجی، حمزه: تفاوت‌های فردی، نشر بعثت، 1380
- مید، مارگارت: بلوغ در ساموآ، ترجمه مهین میلانی، نشر ویس، 1375
- سیدمحمدی، یحیی: نظریه‌های شخصیت؛ شولتز، دوان، نشر دانشگاه آزاد، 1382
- ستوده، هدایت‌الله و همکاران: مفاهیم بنیادی در جامعه‌شناسی، نشر آوای نور، 1375

عروس رفته ایمیل چک کنه!
مصاحبه با مسئول سایت اردبیلی



موهاي سرش را نه در آسياب بلکه در رفت و آمدهاي متوالي به خانه دخترها و پسرهاي جوان سفيد کرده است ، مي خندد و ردیف دندان هاي نامرتب و افتاده اش را نمايان مي کند، دندان هايي که شايد بر اثر مصرف نقل و شيريني وصلت هاي بسيار صورت گرفته به دست او، به اين حال و روز در آمده است؛ تير ترکش همسريابي او طي اين سال هاي طولاني عمر به تمامي دختران و پسران دم بخت خانواده و اهل محل اصابت کرده و کمتر کسي در اين ميان وجود دارد که از اين هدف گيري در امان باشد مگر اين که در شعاع تيررس او قرار نگرفته باشد.

او ديروز مجهز به عصا و چارقد گلدار و ليخند شيرين و از همه مهمتر صبر و حوصله، نوای پيوند را در تمامي خانواده ها سر مي داد اما امروز او بيمار و رنجور در بستر آرميده است و نگران از آينده تمامي دختران و پسراني است که چند سال ديگر به گفته او به سن ازدواج مي رسند و...

تعجب نکنيد حتما اين يك گزارش اينترنتي است ، چرا که تا ديروز وصلت هاي فرخنده ميان دختران و پسران را خانم بزرگ هاي گيس سفيد و آقا بزرگ هاي ريش سفيد تقبل مي کردند اما امروز رفته رفته با حضور پررنگتر اينترنت در جامعه ما خصوصاً نزد جوانان، اين پا پيش گذاشتن جهت وصلت هاي فرخنده تا حدودي به عهده سايت هاي همسريابي اينترنتي گذاشته شده است.

همسر يابي اينترنتي از نوع سنتي

آدرس سايت [HTTP://WWW.ARDABILI.COM](http://www.ardabili.com) را که وارد مي کنم پيش رويم صفحه اي گشوده مي شود که در آن تصوير یک فرد روحاني نمايان است و بعد از آن اجازه رسمي از مراجع بزرگ تقليد و به ترتيب در صفحات ديگر فرم هاي که اختصاص به همسريابي دارد.

در قسمت فعاليت سايت مطلبي قرار دارد به اين شرح «سعي ما بر اين است که از طريق اينترنت و اين صفحات با ارايه دقيق راههاي بهينه سازي، يك زندگي سالم و بي آلايش براساس معيارهاي يك انسان مسلمان را پيش روي خواهان آن قرار دهيم به همين دليل آشنايي با نوع فعاليت هاي گسترده علمي و عملي جناب حجت الاسلام اردبيلي مي تواند شما را در انتخاب راهنما و مشاوره امين و دانا بيشتر کمک نمايد.»

آدرسي که مسئول اين سايت براي گفت و گو در اختيارم قرار داده است بار ديگر مرور کرده و با خود زمزمه مي کنم شايد اين آدرس دفتر کار باشد ؛ شايد هم يکي از مراکزي که به نوعي مرتبط با دانشگاهي است که او در آن تدریس مي کند ، اما وقتي به بن

بست يك كوچه قديمي پا مي گذارم و پلاك سر در خانه قديمي را با آدرس در دست خود مقايسه مي كنم اين شك در من به وجود مي آيد كه اين آدرس شايد متعلق به محل كار نباشد و اين شك زماني به يقين تبديل مي شود كه فرزند كوچك «جعفر اردبيلي» صاحب سايت همسريابي در خانه قديمي را با لبخند و نوعي شيطنت بچگانه مي گشايد.

خانه پيش رويم بسيار سنتي است چرا كه هنوز در آن فضاي اندروني و بيروني را مي توان به درستي احساس كرد ، سجاده اش در كنار كتابخانه بزرگي كه انباشته از كتاب هاي مرتبط با فقه و اصول اسلامي است بر روي زمين گسترده شده و پرده اي ضخيم اتاق را به دو نيمه كرده است . ما با كتاب ها و سجاده و پشتي هاي ردیف شده در اين سو و كامپيوتري كه با روشن شدن آن فرم هاي پر شده توسط متقاضيان همسر يابي از تامامي نقاط كشور و حتي جهان به آن سرازير مي شود در آن سوي اتاق قرار دارد. شايد اين پرده مرزي باشد براي گذر از روش هاي سنتي و روي آوري به روش هاي نوين، در حاليكه هنوز به پرده ضخيم چشم دوخته ام سئوالاتم را آغاز مي كنم.



چه طور به همسر يابي از طريق اينترنت علاقه مند شديد؟

تا همين چند سال قبل من با مقوله اينترنت نا آشنا بودم و در زمينه همسريابي و مشاوره ازدواج با شاگردانم در دانشگاه ارتباط داشتم و فعاليت هاي زيادي نيز در اين زمينه انجام دادم از جمله طراحي و تأسيس كانون مشاور پيوند دانشجويي در دانشگاه تهران و يا ايجاد و تأسيس صندوق هاي قرض الحسنه پيوند در دانشگاه تهران و محبان الزهرا در جمع برخي از دانشجويان دانشگاه امير كبير. به هر حال من كارم را با دانشجويان شروع كردم و اين احساس را داشتم كه اينترنت يك رسانه عام و عمومي براي دانشجويان محسوب مي شود هر چند لازم است كه در اين جا به اين نكته اشاره داشته باشم كه طيف وسيعي از دانشجويان ما از اينترنت فقط چت كردن و كنترل صندوق پستي رامي شناسند اما با اين حال فكر كردم اينترنت مي تواند يك وسيله خوب براي ارتباط و كمك رساني به اين قشر باشد.

چه كساني در تأسيس اين سايت فعاليت و نقش داشته اند؟

سايتي كه اكنون در زمينه همسريابي فعاليت دارد حاصل چندين سال فعاليت شخصي خودم و تعدادي از دوستان در كانون مشاوره دانشجويي و پيوند دانشگاه علوم پزشكي تهران است . ابتدا مشاوره ها و فعاليت هاي همسريابي اين كانون محدود به دانشگاه و

فقط در زمینه ازدواج هاي دانشجويي بود ولي از سال 79 با داير كردن پايفاه اطلاعاتي همسريابي فعاليت هاي خود را گسترش داديم.

طيف مخاطب شما براي همسريابي دانشجويان هستند؟

خوب است بدانيد علت اصلي روي آوري من به اين كار، ديدن مشكلات شديد بود كه اكثر دانشجويان در زمينه همسريابي با آن رو به رو بودند، بسياري از آنها بعد از فارغ التحصيل شدن قصد خروج از كشور را داشتند من از نزديك با آنها در ارتباط بودم و مشكلات روحي آنها را درك مي كردم بنابراين كار مشاوره با دانشجويان را از دانشگاه آغاز كردم. بنابراين طبيعي به نظر مي رسد كه طيف وسيعي از مخاطبان من دانشجويان باشند اما اين حرف بدین معنا نيست كه ما به افراد ديگر بي توجه هستيم.

چرا در صفحه اول سايت، تصوير خودتان را به عنوان يك روحاني گذاشته ايد؟ آيا اين كار علت خاصي دارد؟

هدف من در درجه اول معرفي خودم و در مرحله بعدي به نوعي كسب اعتماد افراد بود به نحوي كه مراجعه كنندگان در همان وهله اول ورود به سايت متوجه بشوند مديريت سايت با چه شخصيتي است كه اگر بعدا تمايل داشتند در مورد خصوصي ترين مسائل خود با من صحبت كنند.

شما براي شروع به كار در اين زمينه و هم چنين راه اندازي اين سايت از محل و شخص به خصوصي اجازه گرفته ايد؟

همان طور كه در سايت مشاهده كرده ايد من مجوزهايي براي شروع به كار خود از مراجع و علماي تقليد دريافت كرده ام كه از اين مراجع مي توان به آيت الله محمد فاضل لنكراني ، سيد علي سيستاني و ناصر مكارم شيرازي اشاره داشت. اما خوب است بدانيد كه هيچ کدام از اين مجوزها مربوط به ازدواج اينترنتي نيست؛ من براي مشاوره دادن و ترويج فرهنگ ازدواج اين مجوزها را دريافت كرده ام چون تا آن جا كه من اطلاع دارم در مورد امور مشاوره و ازدواج اينترنتي نياز به اجازه نداريم چون فعاليت هاي اينترنتي احتياج به اجازه ندارد.

شما براي شروع به همسريابي از طريق اينترنت، چه اطلاعاتي را از متقاضيان دريافت مي كنيد ؟

در بدو امر فرمي را از طريق شبكه اينترنت به متقاضيان عرضه مي كنيم كه بايد تكميل شود در اين فرم اطلاعات فرد متقاضي شامل نام و نام خانوادگي ، نام پدر ، شغل ، رنگ چشم، نژاد ، قد، رشته تحصيلي ، تعداد خواهر و برادر ، پدر و مادر در قيد حيات هستند يا نه، منزل شخصي يا استيجاري ، ازدواج قبلي داشته اند يا نه ، طلاق گرفته اند يا نه ، اعضاي خانواده تا چه حد به او كمك مي كنند، ازدواج با كسي كه قبلا همسر داشته يا متاركه كرده را مي پسندند يا نه ، آرامش و صوري همسر براي فرد تا چه اندازه اهميت دارد و آيا فعاليت بيرون از منزل همسر موجب رنجش خاطر او مي شود به صورت سوال مطرح شده اند كه متقاضي بايد به آنها پاسخ دهد و براي ما از طريق اينترنت ارسال كند كه ما ظرف 24 ساعت به فرم ارسالي جواب مي دهيم و اگر شخصي را مطابق فرم در جستجوي هاي خود پيدا كنيم قرار ملاقات حضوري را مي گذاريم. البته اين ملاقات در

حضور خودم صورت مي گيرد و سعي مي كنم در جلسه اول اين افراد تا حدودي با خصوصيات يكدیگر آشنا شوند. به عنوان نمونه همین امروز من يك قرار داشتم كه خانم دانشجو الكترونيك بود و آقا فروشنده لوازم ورزشي كه احساس كردم حدود 60 درصد با هم تفاهم دارند ولي نياز به مشاوره بيشتري داشتند.

خانواده ها تا چه حد از اين ملاقات ها با اطلاع هستند؟

در اولين جلسه ملاقات حضوري غير از خود من به عنوان يك واسطه و دختر و پسر كسي ديگر حضور ندارد اما در همان جلسه اول سعي مي كنم از دو طرف بخوادم كه حداقل به يكي از اعضاي خانواده مثل مادر يا پدر نيز اطلاع بدهند تا در جريان امر باشند.

آيا اين ملاقات هاي حضوري در سايت انعكاس مي يابد؟

به هيچ وجه، ضمن آنكه اطلاعات ارسالي محرمانه تلقي شده و براي هيچ يك از متقاضيان ديگر نيز قابل رويت نيست و متقاضيان نمي توانند به مشخصات داوطلبان ديگر حتي اگر مطابق با خواسته آنها باشد دسترسي داشته باشند.

اين نوع همسريابي اينترنتي خاص ايران است ؟

اين سايت اينترنتي نه ايران بلکه سرتاسر دنيا را در بر مي گيرد. اگر براي سايت تقاضايي وجود داشته باشد مضايقه نخواهم كرد كما اينكه در كانادا مقدمات ازدواج يك جوان ايراني را با يك دختر لهستاني كه بعداً مسلمان شد فراهم كردم و خطبه عقد و ازدواج اين دو را نيز قرائت كردم و ازدواجشان هم در سفارت به ثبت رسيد. هم چنين يك دختر ايراني مقيم دبي را از طريق همين فرم ها به عقد يك پسر شيرازي در آوردم و نمونه هاي بسيار ديگري.

ميانسالان به خاطر فوت همسر يا طلاق مي توانند از خدمات اينترنتي سايت شما استفاده كنند؟

هدف ما كمك به افراد مجرد و جويابي همسر در تمام سنين است ما منعي براي كمك به اين گونه افراد نداريم و اگر تقاضايي وجود داشته باشد براي آنها همسريابي مي كنيم. البته تاكنون بيشتري مراجعين ما دانشجويان بوده اند زيرا ساير افراد جامعه ظاهراً شناختي از خدمات اين سايت ندارند و من هم شخصاً به تبليغات اعتقادي ندارم.

از طريق اين پاگاه اينترنتي علاوه بر تسهيلات همسريابي چه خدمات ديگري به مردم ارائه مي دهيد؟

علاوه بر همسريابي، در ارتباط با هر گونه مسئله خانوادگي ، علمي ، تحصيلي و روان شناسي مشاوره هاي رايگاني را به درخواست كنندگان ارائه مي دهيم. تعدادي از كتاب ها نيز در سايت وجود دارند كه علاقه مندان مي توانند آنها را مورد استفاده قرار دهند و طي هماهنگي هايي كه با بهترين مشاوران روان پزشك كشور صورت گرفته افرادي كه نياز به متخصصان روان پزشكي دارند به آنها معرفي مي شوند و با كمترين هزينه ممكن تحت مشاوره قرار مي گيرند. در زمينه آزمائش هاي ژنتيكي احتمالي مورد نياز هم تاكنون به افراد خدماتي ارائه شده است.



شما بابت خدماتي که ارائه مي دهيد وجهي هم دريافت مي کنيد ؟

به هيچ وجه. ما بابت ارائه کليه خدمات خود که علاوه بر همسريابي گاهي شامل کمک به تامين جهييزه نيز مي شود ريالي از متقاضيان نمي گيريم. به عبارتي اين خدمات را يگان عرضه مي شود و قصد ما نيز انجام کار نيک است نه سوداگري.

منابع مالي مورد نياز شما از چه طريقي تامين مي شود؟

براي تامين پول مورد نياز از مراجع ، علما، افراد خير و نيکوکار کمک گرفته ايم و همانگونه که در سايت نيز آمده است ما مجوزهايي نيز از برخي آيات عظام دريافت کرده ايم که مي توانيم براساس اين مجوز يك سوم از محل خمس و زکات اشخاص را به اين گونه مصارف خيري برسانيم. در طي اين چند سال ما تاکنون مبالغ زيادي را بابت مشاوره و همسريابي هزينه کرده ايم بدون اينکه ريالي از کمک دولت استفاده کرده باشيم.

طي مدت فعاليتتان از طريق اينترنت تا کنون براي چه تعداد متقاضي همسر مناسب يافته ايد؟

طي مدتي که در اين زمينه فعاليت فردي و يا دانشگاهي و اينترنتي داشته ام يعني حدد 6 سال بين 800 زوج پيوند برقرار کرده ام که خوشبختانه تاکنون هيچ کدام از اين ازدواج ها بد فرجام نبوده و به طلاق منتهي نشده است.

درخواست هاي ارسالي به سايت توسط چه کساني مورد مطالعه قرار مي گيرد؟

از آن جا که اين اطلاعات بسيار محرمانه است و جز خصوصي ترين مسائل هر فرد محسوب مي شود کسي ديگر جز خودم به اين اطلاعات دسترسي ندارد، من روي چند بار به باکس سايت مراجعه مي کنم و اطلاعات ارسالي را مورد مطالعه قرار مي دهم و سعي مي کنم در کمترین زمان پاسخگو باشم.

در روز چه تعداد متقاضي به سايت شما مراجعه مي کنند؟

متغير است، اما به طور ميانيگين 100 الي 150 نفر.

آيا سايت شما مورد حمله اينترنتي قرار گرفته است ؟

در طي اين سال ها يك بار؛ اما مسئله بسيار جدي نبود. با اين حال من به کمک شاگردانم سعي کرده ايم سايت را به گونه اي تقويت کنیم که هر کسي قادر به نفوذ در آن نباشد.

حمله به سایت ها اتفاقي است که هر لحظه امکان وقوع دارد و از آن جا که اطلاعات داخل سایت شما مربوط به شخصي ترين مسائل افراد است شما در اين زمينه چه اقداماتي انجام داده ايد ؟

من هر شب پس از مطالعه فرم ها و استخراج شان آنها را از روي سایت برمي دارم و اگر شما در سایت دقت کنید متوجه مي شويد مطالب زيادي در آن وجود ندارد چون اکثر اطلاعات به طور پنهان در سایت قرار دارد که تنها خود من به آنها دسترسي دارم.

در مقابل اينترنت نبايد خرافات گرايي بکنيم بلکه بايد مجهز بشويم و روش درك اطلاعات را نيز به روز کنيم. ما هميشه جلوي پديده هاي ورودی به کشور به نوعي عقب مانده حرکت کرده ایم و علت آن است که هميشه محتاط بوده ایم و چشم به آسمان و زمين داشته ایم که به کسي برخورد نکنيم اما امروز بايد قبول داشته باشيم که اينترنت راه گفتمان است و ازدواج از طريق آن ناپديده گرفتن روش هاي سنتي نيست بلکه آسان نمودن آن است. من قبول دارم که اينترنت با خود مفاسدي را نيز به همراه دارد اگر افراي به سوي سایت هاي خلاف کشيده مي شوند اين کار به علت عدم آگاهي و اطلاع است پس وظيفه ما آگاهي دادن به اين افراد است.

در روز چند ساعت به اينترنت اختصاص مي دهيد؟

شايد بيشتر از 9 ساعت؛ به طوري که همه خانواده از دست من کلافه هستند. حتي گاهي اوقات که به ميهمني دعوت مي شوم لپ تاپ را نيز با خود همراه دارم. من آن قدر زمان براي اينترنت مي گذارم که بعضي اوقات خانواده مي خواهند از طريق اينترنت براي آنها زمان مشاوره بگذارم!

از اينترنت در چه مواردی استفاده مي کنید؟

در درجه اول اينترنت براي تمرکز روي کارم است اما بعد از کار به تمامي سایت ها مراجعه مي کنم.

به چت کردن نيز علاقه داريد؟

بله و تا آن جا که بتوانم در اکثر چت روم ها وارد مي شوم تا با مسائل جوانان بيشتر آشنا بشوم دنياي چت دنياي جالبي است که هميشه افراد شخصيت دوم خودشان را در آن بروز مي دهند. در کشورهاي ديگر افراد از چت براي تبادل اطلاعات و دوست يابي استفاده مي کنند که اين کار خيلي سريع اتفاق مي افتد اما در ايران جوانان ما ساعت ها با شخص دوم چت مي کنند و آخر سر معلوم مي شود طرف مقابل همسايه ديوار به ديوار خودشان بوده است.

شما نيز در چت از همان شخصيت دوم بهره مي گيريد؟

(می خندد) به خاطر اینکه بتوانم به جمع این افراد ملحق بشوم و نیازهای آنها را کاملاً درک کنم لازم است من نیز مثل آنها یکی غیر از خودم باشم.

از طریق چت دوستانی را نیز یافته اید؟

چند نفر از دوستانی که در احداث و راه اندازی این سایت به من یاری رسانده اند جزو کسانی هستند که در چت روم ها با آنها آشنا شده ام.

به عنوان یک فرد روحانی که همسریابی از طریق اینترنت را برگزیده است فکر می کنید در مقابل اینترنت باید چگونه رفتار کنیم؟

در مقابل اینترنت نباید خرافات گرایی بکنیم بلکه باید مجهز بشویم و روش درک اطلاعات را نیز به روز کنیم. ما همیشه جلوی پدیده های ورودی به کشور به نوعی عقب مانده حرکت کرده ایم و علت آن است که همیشه محتاط بوده ایم و چشم به آسمان و زمین داشته ایم که به کسی برخورد نکنیم اما امروز باید قبول داشته باشیم که اینترنت راه گفتمان است و ازدواج از طریق آن نادیده گرفتن روش های سنتی نیست بلکه آسان نمودن آن است. من قبول دارم که اینترنت با خود مفاسدی را نیز به همراه دارد اگر افرادی به سویی سایت های خلاف کشیده می شوند این کار به علت عدم آگاهی و اطلاع است پس وظیفه ما آگاهی دادن به این افراد است.

شما که صاحب سایت همسریابی از طریق اینترنت هستید خودتان از چه طریقی ازدواج کرده اید؟

او می خندد. در حالیکه سینی چای از پشت پرده ضخیم به درون اتاق هدایت می شود و او باز با همان لبخند می گوید، 17 سال پیش و با روش بسیار بسیار سنتی با همسر ازدواج کرده ام ...

چند لحظه بعد همسر آقای جعفر اردبیلی با اصرار او با چهره ای مهربان از پشت پرده ضخیم قدم به درون اتاق می گذارد.

همسر بایی اینترنتی از نوع تضمینی

یادم هست بچه که بودم هر وقت پدر می خواست هندوانه بخرد اکبر آقای میوه فروش با اون هیکل به قول امروزی ها بادی بیلدینگ کارش بر سر هندوانه ضربه ای می زد و روی دست می گرفت و با صدای بلند می گفت به مولا قسم تضمینی تضمینی ببر و از شیرینیش صفا کن و به راستی که هنوز طعم شیرین آن هندوانه را به یاد دارم . بزرگتر که شدم برای درس هایم در کلاس های تقویتی شرکت کردم گفتند قبولی تضمینی. در کلاس کنکور باز هم تضمینی. شرکت در کلاس رانندگی باز هم تضمینی خلاصه از بدو تولد تاکنون شاید صدها بار با این کلمه تضمینی برخورد کرده ام اما هیچ کدام مرا تا این حد میخکوب نکرد وقتی صفحه اول یکی از سایت های همسریابی را گشودم و با این جمله رو به رو شدم «یافتن قطعی همسر دلخواه با تضمین صد در صد» و در ادامه خواندم « تعجب نکنید. به جز کنکور، ازدواج هم می تواند تضمینی باشد. پس از ثبت نام برای استفاده از خدمات ازدواج تضمینی کارشناسان موسسه برای ازدواج شما بسیج خواهند شد آن قدر متقاضی ازدواج به شما معرفی می شود که کلافه خواهید شد. به خودتان می گوید آه خدای من این همه خواستگار از کجا آمده؟ و این جاست که

موسسه ... ثابت می کند که قسمت و تقدیر در ازدواج بی تاثیر است. موسسه آن قدر مطمئن است که اگر شما تا زمان مقرر همسر دلخواه خودتان را پیدا نکردید 75 درصد هزینه ای که در زمان ثبت نام دریافت شده به شما مسترد می گردد. درضمن این روش به آقایان سخت گیر و مشکل پسند نیز توصیه می شود.»

این تنها روش همسر یابی در سایت موسسه ... نیست چرا که این موسسه حداقل 6 روش دیگر را نیز پیش روی مشتاقان ازدواج می گذارد از جمله این روش ها شرکت در سمینار WHO FOR WHO ، انتخاب همسر با روش SS، یافتن همسر دلخواه با تکنیک COM FOR CHAT ، یافتن همسر از طریق گرفتن شماره تلفن های خیابانی، و یافتن و ارزیابی همسر آینده از طریق شرکت در سمینار 10،0 است.

در سایت این موسسه یکی از روش ها ، شرکت در سمینار FOR WHO WHO عنوان شده است که به همه افراد يك كد تعلق می گیرد ، نام و نام خانوادگی افراد قابل شناسایی نیست. هر شخصی که در جایگاه قرار می گیرد مشخصات خود و همسر دلخواهش را اعلام می نماید. اگر یکی از حاضرین علاقه مند باشد با یکی از کدها در رابطه با ازدواج مذاکره نماید کد را در فرم ویژه یادداشت می نماید. هر شخص می تواند حداکثر 3 نفر را یادداشت نماید؛ بعد از سمینار با استخراج نتایج توسط کامپیوتر از افراد تلفنی دعوت می شود تا در موسسه حضور یافته و با یکدیگر به صورت چهره به چهره مذاکره نمایند. افراد بعد از حداکثر 3 جلسه باید نتیجه را به موسسه اعلام کنند و در صورت مثبت بودن بعد از مشاوره مراحل بعدی توسط خانواده ها ادامه می یابد. ورود به سمینار تا اطلاع ثانوی 3 هزار تومان و هزینه جلسات مشاوره بین 3 تا 6 هزار تومان است .

هم چنین این سایت برای مشاوره های حضوری به ازای هر نیم ساعت 5 هزار تومان حق مشاوره و 10 هزار تومان برای 3 تا 5 نوبت مشاوره تلفنی دریافت می نماید.

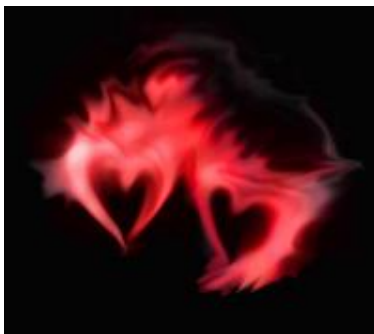
هر چند همسر یابی اینترنتی در کشور ما عمري کوتاه دارد اما در مقابل سایت های خارجی مشابه سال هاست روی اینترنت فعالیت و تبلیغ دارند، ظهور چنین سایت هایی در کشور نشان دهنده ترویج و گسترش اینترنت در حوزه های غیر تخصصی و خصوصاً اجتماعی است.

به هر حال این گونه بهره برداری از اینترنت در فعالیت های اجتماعی به نوعی نوید بخش افزایش تعداد کاربران و تنوع در استفاده از اینترنت می شود هر چند در این میان قطعاً سوء استفاده هایی نیز صورت خواهد گرفت.

سي باور غلط در ازدواج



- ? ازدواج باعث درمان مشکلات رواني مي شود.
- ? اساس ازدواج فقط و فقط عشق است (عشق كافي است).
- ? عشق مال داستانهاست و در زندگي واقعي وجود ندارد.
- ? ازدواج راهي براي سعادتمند شدن است.
- ? ازدواج راهي براي تضمين زندگي فرزندان است (از ديدگاه والدين دختران و پسران جوان).
- ? ازدواج راهي براي پيشگيري از انحراف فرزندان است.
- ? ازدواج راهي براي فرار از مشكلات است.
- ? ازدواج راهي براي جلب رضايت والدين است.
- ? دوستي قبل از ازدواج، تضمين كننده يك **ازدواج موفق** است.
- ? حالا ازدواج مي كنم و بعد «او» را تغيير مي دهم.
- ? بايد با كسي ازدواج كرد كه از همه نظر كامل باشد.
- ? زن بايد وارد يك زندگي كامل شود.
- ? مهم اين است كه جوان ازدواج كند، بقيه مسايل حل مي شود.
- ? يك ازدواج هرچند ناموفق بهتر از مجرد است.



- ? كسي كه به خانواده خود خيلي اهميت مي دهد پس حتماً در زندگي مشترك نيز موفق خواهد بود.

- ? ازدواج مي كنم و بعد طلاق مي دهم (مي گيرم).
- ? اگر با فلاني ازدواج كنم خوشبختم، ولاغير.
- ? ازدواج يعني خوشبختي و رفاه.
- ? ازدواج يعني اسارت.
- ? مهریه تعیین کننده موفقیت در ازدواج است.
- ? شاید اگر با دیگری ازدواج مي كردم موفق تر بودم.
- ? زن و شوهر بايد كاملاً شبیه هم باشند.
- ? زن و شوهر بايد همه مسايل خود به يكديگر بگویند.
- ? زن و شوهر بايد كاملاً وقتشان را با هم بگذرانند.
- ? زن بايد تابع و مطيع محض مرد باشد.
- ? شوهر بايد همسرش را به همه خواسته هایش برساند؛ شوهر بايد همه مشكلات او را حل كند.
- ? به هیچكس نمي توان اعتماد كرد. («مردها غير قابل اعتمادند» يا «زن ها فريبكارند»)
- ? چون خودم تصميم گرفتم بايد تا آخرش بروم؛ هر قولي كه مي دهی بايد تا آخرش بایستی.
- ? زن و شوهر بايد در همه مسائل اتفاق نظر داشته باشند. زن و شوهر بايد تابع هم باشند. زن و شوهر بايد همه فعالیت هایشان مشترك باشد.
- ? مرد بايد جلوي زنش در بياید. به زن نبايد رو داد. نبايد محبتت را نشان دهی. نبايد طرف مقابلت بفهمد كه دوستش داری چون آن وقت سوءاستفاده مي كند.
- ? افرادی كه طلاق مي گیرند حتماً افراد مشكل داري هستند. كسي كه طلاق مي گیرد حتماً آدم بدی بوده است.
- ? والدين نبايد در تصميم ما دخالت كنند اما بايد زندگي ما را تأمین كنند.
- ? هر نوع زندگي بهتر از طلاق است.
- ? طلاق يعني بدبختي.
- ? رابطه جنسي پدیده ای گناه آلود يا زشت است.

شرایط همسر شایسته و اهمیت آن



بهترین زنان شما زنی است که وقتی همسرش او را می نگیرد، شاد و مسرورش گرداند . رسول خدا (ص)

در مورد انتخاب همسر به منظور ایجاد و تولید نسل سالم و صالح ، احادیث و روایات فراوانی وجود دارد که بسیاری از آنها حاکی از اهمیت قانون وراثت و تأثیر عامل محیط است. پیامبر اسلام برای تولید نسل بهتر، دقیق ترین نکات را در امر انتخاب همسر گوشزد فرموده است که، به برخی از آنها اشاره می کنیم :

پیامبر فرموده: با خویشاوندان نزدیک ازدواج نکنید زیرا فرزندی [که از آن به ثمر می رسد] نحیف و ضعیف خواهد بود. چون دانستن سلامتی اجداد غیر ممکن است باید ازدواج میان خویشاوندان نزدیک ، ممنوع گردد، زیرا بعضی از بیماری های مخفی در افراد وجود دارد؛ که در شرایط خاصی ظاهر می شود.

شرایط همسر شایسته

1- متدین بودن : اولاً باید همسر انسان ، متدین باشد، زیرا دین می تواند انسان را از هرگونه انحراف های روحی و اجتماعی مصون دارد، و مسلماً **زن و مرد با ایمان مطابق موازین و برنامه های دینی فرزند خود را تربیت کرده** و احساس مسئولیت نسبت به این امر می نمایند، پیغمبر اسلام (ص) فرموده است:

«با زن نباید صرفاً به خاطر زیبایی او ازدواج کرد. ممکن است همین زیبایی او را به پستی و ابتذال سوق دهد، و نه صرفاً برای مال و ثروتش چون ممکن است مال هم ، او را طاعی و سرکش سازد. با زن صرفاً به خاطر دین او ازدواج کن».

2- حُسن خلق : که مبدأ اساسی پرورش نسل سالم است، و این اصل چه در دوران جنینی و شیرخوارگی ، و چه در دوران تربیت کودک در خانواده ، اثر مستقیم و یا غیر مستقیم دارد.

3 - زیبایی و شادابی : که این امر غالباً کمک به دین است و ضامن جلوگیری مرد از انحراف و خلاف عفت است ، به این معنی که زیبایی زن غالباً مردها را اعمال غیرمشروع باز می دارد. این موضوع نیز بیشتر با حُسن خلق توأم است. زیرا زن زیبا

غالباً دارای اخلاق ملایم و دلچسب است. پیامبر اسلام (ص) برای اطمینان خاطر مرد از زیبایی زن، اجازه داد پیش از ازدواج، مرد او را ببیند، تا خاطر وی از نظر زیبایی و دلپسندی زن مطمئن گردد. رسول اکرم (ص) می فرمود:

بهترین زنان شما، زیبا چهره ترین آنهاست.

و در حدیث دیگر آمده است که پیغمبر اسلام فرمود:

بهترین زن های امت من، زیبا چهره ترین و اندک **مهر**ترین آنهاست.

و نیز ازدواج با زن زیبا معمولاً فرزندان زیبا را نصیب انسان می سازد.

4- زن باید ولود باشد : یعنی خوش زا و بسیار زا باشد. چون قهرراً، فرزند به کانون خانواده حرارت می بخشد.

5 - اصالت خانوادگی : همسر انسان باید از خانواده ی اصیل و تربیت شده و نجیب باشد، زیرا او بهتر می تواند کودکان را تربیت کند. اگر زن، خود فاقد تربیت باشد نمی تواند فرزند خوب پرورش دهد. رسول اکرم (ص) می فرماید:

از سبزه ای که در میان کثافات و پلید ی ها می روید بهره یزد. (مراد زن زیبایی است که در محیط پست و آلوده پرورش یافته باشد.



6 -ازدواج با اقارب و آثار سوء آن : اسلام ازدواج با عده ای از اقارب، مانند: مادر، خواهر و خاله و عمه و امثال آنها را شرعاً ممنوع ساخته، در برخی موارد دیگر به منظور ارشاد مردم برای ساختن و پرورش نسل سالم، راهنمایی های کافی کرده است. و ازدواج با اقوام نزدیک را – که حرمت شرعی هم ندارد – صحیح نمی داند؛ و پیامبر فرموده است:

با خویشاوندان نزدیک ازدواج نکنید زیرا فرزندی [که از آن به ثمر می رسد] نحیف و ضعیف خواهد بود.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: با زن نباید صرفاً به خاطر زیبایی او ازدواج کرد. ممکن است همین زیبایی او را به پستی و ابتذال سوق دهد، و نه صرفاً برای مال و ثروتش چون ممکن است مال هم، او را طاغی و سرکش سازد. با زن صرفاً به خاطر دین او ازدواج کن

از نظر علمی این طور است که اگر سلامتی طرفین تا چند پشت معلوم و صفات خانوادگی آنان شایسته می بود ازدواج با خویشاوندان موجب تقویت صفات خوب

خانوادگي مي شد. ولي چون دانستن سلامتي اجداد غير ممكن است بايد ازدواج ميان خويشاوندان نزديك ، ممنوع گردد، زيرا بعضي از بيماري هاي مخفي در افراد وجود دارد؛ كه در شرايط خاصي ظاهر مي شود. اگر فرض كنيم شخص سالم (س) با شخصي كه داراي بيماري ارثي نهفته (م) باشد ، ازدواج كند، نتيجه از اين قرار خواهد بود، $س + م = س \times م$ ، يعني : نيمي از اين فرزندان سالم خواهند بود ، و نيم ديگر از آنها به حسب ظاهر سالم هستند ولي نطفه ي بيماري ارثي در آنها نهفته مي باشد. حال اگر يكي از اين افراد كه داراي بيماري ارثي نهفته است با يك شخص سالم ازدواج كند نتيجه به شرح زير خواهد بود: $م + س = س + س \times م$ ، دوم ، يعني باز هم در اينجا نصف از عده ي فرزندان كاملاً سالم و نصف ديگر ظاهراً سالم خواهند بود؛ و نطفه ي بيماري ارثي در آنها نهفته است. ضمناً بايد دانست كه هيچ گونه تفاوتني ظاهراً بين اين دو نوع فرزند ديده نمي شود. پس اگر افراد حامل نطفه ي بيماري با افراد كاملاً سالم ازدواج كنند هيچ وقت بيماري ارثي نهفته آشكار نخواهد شد. ولي هرگاه دو فرد كه هر دو حامل بيماري ارثي نهفته باشند با هم ازدواج كنند بيماري ارثي نهفته ي آنان در بعضي فرزندانشان واضح خواهد شد از اين قرار : $1م + 2م = س + س \times م$ ، يعني يك فرزند، سالم خواهد بود. ضمناً لازم است گفته شود كه ظهور بيماري ارثي نهفته - در ازدواج بين اشخاصي كه هيچ گونه خويشاوندني با هم ندارند- نيز ممكن است وقوع يابد. ولي اين احتمال در ازدواج ميان خويشاوندان، بسيار زياد است.

انگيزه هاي غلط براي ازدواج



بعضي اوقات افراد دم بخت به **دلایل عجیب و غریبی ازدواج** مي كنند. گاهي نيز دلایل خوب و موجهي براي انتخاب فرد به خصوصي در سر دارند. آیا شما هم تحت فشار هستيد كه هرچه زودتر ازدواج كنيد؟

پس بهتر است نگاهی هم به این «دلایل بد» براي ازدواج بیندازید:

1- ازدواج كردن فقط به خاطر پول

فرض مي كنيم فردي كه شما شيفته و عاشقش شده ايد شخص ثروتمندي باشد؛ كه خوش به سعادتان. البته عاقلانه هم نيست كه با آدمي كه كاملاً بي پول

است و هیچ قصدي هم ندارد که در آینده در تأمین هزینه های زندگي سهمي داشته باشد، ازدواج کنید، مگر آن که حاضر باشید روزي 18 ساعت با کمال رضایت کار کنید تا قادر باشید مخارج سنگين زندگي را تأمین کنید. اما ازدواج کردن با یک نفر تنها به خاطر پول، صرفنظر از احساس شما نسبت به آن فرد، تقریباً همواره اشتباه است.

اگر توانستید فرد مناسبی را بیابید به شما تبریک می گوئیم. اما اگر تردید دارید دست نگه دارید. داشتن يك نامادري یا ناپدري بي رحم، براي فرزند شما به مراتب سخت تر و ناگوارتر است از این که فقط يك پدر یا مادر دلسوز و مهربان بالاي سرش باشد.

2- ازدواج به خاطر دور شدن از خانه والدین

وقتي وضعیت در خانه پدري، شوم و اندوه بار باشد، ازدواج يك راه گریز محسوب می شود. تعجبي ندارد که خیلی ها این راه گریز را انتخاب می کنند. اما معمولاً این مسیری است که شما را از چاله در آورده و به چاه می اندازد! یکی دو سال دیگر در خانه پدر و مادر ماندن، بهتر از آن است که با نخستین پیشنهاد ازدواج، تن به تأهل دهید، چون آن وقت ممکن است **شریک زندگي** تان تا آخر عمر سبب رنجش و آزار شما گردد.

3- علاقه والدین شما به فرد مورد نظر

البته جای تعجب دارد که والدین شما واقعاً همسر آینده شما را دوست بدارند! اما دوست داشتن این فرد از سوي آنها دليل کافي براي مد نظر قرار دادن ازدواج با آن فرد نیست. سال های آینده، زمانی که آنها درگذشتند و از میان شما رفتند شما کماکان باید اسیر فرد رؤیاهای آنان باشید. فردي که شاید مرد یا زن رؤیاهای شما نباشد.

4- عادت به رابطه دراز مدت

هنگامي که دو نفر پس از مدتي آشنایی، تصمیم ازدواج با یکدیگر می گیرند، اشکالي ندارد. اما چه وقت اجبار به دلیل «عادت محض» خطرناک می شود؟ زمانی که دو نفر که با یکدیگر ازدواج کرده اند و بعد از یکدیگر **طلاق** گرفته اند، (و به هم عادت کرده اند) تصمیم بگیرند دوباره شانس خودشان را امتحان کنند. مطمئن باشید هرگاه بار نخست کارساز نبوده باشد بار دوم نیز کارساز نخواهد بود.



5- خواهان فرزند بودن

بله. «بچه دار شدن» قوی ترین محرک برای بسیاری از افراد در ازدواج است - اما آیا شما حاضرید فرزندان خود را در شرایط نه چندان ایده آل پرورش دهید؟ موضوع اینجاست: زمانی که بچه ها بزرگ می شوند و دنبال زندگی خودشان بروند شما مجدداً با آن فرد خواهید بود. هیچ کس کامل نیست، اما حداقل کسی را برگزینید که بتواند برای فرزندان پدر یا مادر خوبی باشد؛ همچنین خود شما به وی علاقه داشته باشید و برایش احترام قائل باشید. در غیر این صورت گزینه دیگری را مد نظر قرار دهید مثلاً کودکی را به فرزندخواندگی بپذیرید.

6- کسی که به خاطر شما همسرش را کنار گذاشته

معمولاً این گونه ازدواج ها زیاد دوام نخواهد آورد و پایه ای برای یک رابطه درازمدت نخواهد بود. این سناریو را در نظر بگیرید: فردی که شخصی را می یابد که حاضر است به همسر یا نامزد خود خیانت کند، مسلماً رابطه آنها استحکامی نخواهد داشت. زیرا کسی که توسط شما به فرد دیگری خیانت کرده، روزی نیز به خود شما خیانت خواهد کرد.

7- یافتن یک ناپدری یا نامادری برای فرزندان

اگر توانستید فرد مناسبی را بیابید به شما تبریک می گوئیم. اما اگر تردید دارید دست نگه دارید. داشتن یک نامادری یا ناپدری بی رحم، برای فرزند شما به مراتب سخت تر و ناگوارتر است از این که فقط یک پدر یا مادر دلسوز و مهربان بالای سرش باشد.

8- فشار اجتماعی

تمام دوستان شما ازدواج کرده اند، اما شما هنوز مجرد هستید...اما مطمئن باشید که تا الان یکی دوتای آنها **طلاق** گرفته اند!

پس، خودتان باشید. هنگامی که مثلاً خاله شما در مورد این که آیا تصمیم به ازدواج دارید یا نه از شما سؤال می کند، توجهی نکنید. بهتر است تنها باشید تا این که با کسی ازدواج کنید که سبب بدبختی شما گردد. هیچگاه تنها به خاطر آنکه متأهل شوید معیارهای خود را پایین نیاورید.

همسر ایده ال من

معیارهای انتخاب همسر (قسمت اول)



یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی قبل از ازدواج در نظر گرفتن معیارهایی برای انتخاب همسر است . به جرئت می توان گفت بیشترین مشکلاتی که در زندگی مشترک به وجود می آید به خاطر این است که دختر و پسر ، همسر مناسب خود را انتخاب نکرده اند و پس از چند سال زندگی متوجه می شوند این دو مناسب یکدیگر نبوده اند. پس جا دارد برای این انتخاب وقت بگذاریم و مطالعه کنیم.

معیارها و ملاک هایی که در انتخاب همسر باید در نظر گرفته شود دو نوع است:

- الف – آنهایی که رکن و اساس اند و برای یک زندگی سعادتمندانه حتماً لازم اند.
- ب – آنهایی که شرط کمال هستند و برای بهتر و کاملتر شدن زندگی لازم اند و بیشتر به سلیقه افراد و موقعیت آنها بستگی دارند.

اگر گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید خیلی شیک بوده، اصلاً بالاتر از گل به او نگفته اند، و گذشته شما همه اش درد و رنج و زحمت بوده، و دائم خون دل خورده اید؛ رهائش کنید این فرد مناسب زندگی شما نیست.

یکی از معیارهایی که باید حتماً در ازدواج در نظر گرفته شود، **عامل مذهب و نگرش فرد مقابل نسبت به مذهب است.** اگر شما فردی هستید که به اصول و فرامین مذهبی معتقدید، ولی شخص مورد نظرتان ، نسبت به مذهب بی اعتماد یا بی تفاوت باشد، شما با هم زندگی خوبی نخواهید داشت. **انسان متدین، همسری متدین می خواهد،** اگر یکی متدین و دیگری بی دین و بی قید باشد، خوشبخت نخواهند شد. بنابراین از این لحاظ باید فردی را انتخاب کنید که همانند شما فکر کند.

یکی دیگر از **مسائل تناسب خانوادگی** است. ازدواج با یک فرد مساوی است با پیوند با یک خانواده، فامیل و یک نسل؛ خانواده **دختر و پسر** باید با یکدیگر سنخیت و تناسب داشته باشند. در **انتخاب همسر** معقول نیست شما بگویید «من می خواهم با این فرد

زندگی کنم و کاری با خانواده اش ندارم» چرا که این فرد جزئی از همان خانواده و فامیل و شاخه ای از همان درخت است. این شاخه، از ریشه همان درخت تغذیه کرده؛ مسلم است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی و جسمی آن خانواده و فامیل از راه وراثت و تربیت و محیط به این فرد منتقل شده است، این فرد در دامن همان خانواده بزرگ شده است. باید موقع ازدواج ارزش های درون خانواده فرد را بررسی کنید و با ارزش های درون خانواده خودتان مقایسه نمایید. اگر این ارزش ها با یکدیگر تناسب داشته باشند، شما زندگی آرامی خواهید داشت. در مقایسه ارزش ها دقت داشته باشید. برای مثال اگر در خانواده شما تحصیل یک ارزش است، در خانواده فرد مقابل نیز تحصیل یک ارزش باشد، اگر در خانواده شما حجاب یک ارزش است، در خانواده طرف مقابل حجاب ضد ارزش نباشد.



آنچه در تناسب اجتماعی باید در نظر داشت، **ارتباطات و رفت و آمدهای خانوادگی** است. این که خانواده با چه افرادی رفت و آمد می کنند و دارای چه جایگاهی هستند، آیا شهرت اجتماعی دارند یا خیر، مهم است. همه اینها در جایی جمع می شود که به آن تناسب اجتماعی می گوئیم. در حقیقت مردم دوست دارند با افرادی رفت و آمد کنند که از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردار باشند. دو خانواده باید از این حیث با یکدیگر تناسب داشته باشند. مسئله دوم **تناسب رفتار اجتماعی دختر و پسر** است. مثلاً اگر یک دختر لوس و جلف با مرد متین و موقری ازدواج کند، تحمل رفتار اجتماعی زن برای مرد مشکل است.

بنابراین از مسائل مهم انتخاب همسر **در نظر گرفتن تناسب اجتماعی دو خانواده است** و چقدر خوب است که پسر و دختر در یک ردیف اجتماعی با هم ازدواج کنند.

یکی دیگر از مواردی که باید در ازدواج در نظر گرفت **مسائل مالی و اقتصادی** است، هر چقدر دو خانواده از لحاظ مالی در یک سطح باشند ازدواج، ازدواج خوبی است. صلاح نیست دختر و پسر و خانواده هایشان از لحاظ مالی و ثروت تفاوت زیادی با هم داشته باشند، ازدواج دو طبقه متضاد اجتماعی همیشه مشکلاتی به همراه خواهد داشت. شما نمی توانید با فردی زندگی کنید که از نظر **اقتصادی** در ردیف شما نیست، هرگز این کار را نکنید. برای مثال کسی که از نظر اقتصادی در یک طبقه بالای اجتماعی است در ناز و نعمت بزرگ شده، همه چیز برایش مهیا بوده، هیچوقت مشکلات و تنگنای مالی نداشته است، حالا با فردی از خانواده بسیار پایین از نظر اقتصادی ازدواج می کند که سبک زندگی با این فرد متفاوت بوده است. فرهنگ خانوادگی متفاوت، نیازهایش

متفاوت. فرضاً قرار می شود این دو با یکدیگر به مهمانی بروند، شخص اول هر لباسی می پوشد خجالت می کشد، احساس می کند نازیباست، مورد تأییدش نیست، در عوض همسرش زمانی که به خانه آنها می رود احساس کدخدایی می کند. خانه سطحش پایین است. این احساسات در وی ایجاد تعارض می کند. عصبانی می شوند، با هم دعوا می کنند، دعوا بر سر یک قضیه بسیار ساده زندگی است ولی ریشه اش در عدم همخوانی و تناسب طبقه اقتصادی است، اکثر دعوای چنین زن و شوهرهایی بعد از میهمانی ها شروع می شود.

یکی دیگر از معیارهایی که باید در ازدواج در نظر گرفته شود، **تناسب تحصیلی** است. بسیار خوب است که زن و شوهر از نظر معلومات و تحصیلات علمی، خیلی با هم فاصله نداشته باشند و در ردیف یکدیگر باشند تا تفاهم بیشتر در زندگی شان به وجود آید. مهم است که زن و شوهر سطح دانششان به هم نزدیک باشد، زنی که تحصیل کرده و دانشگاهی است نمی تواند همسر یک مرد بی سواد یا کم سواد باشد. اگر هم توانست مدت کوتاهی می تواند ولی در درازمدت خیر. ممکن است یک آدم بی سواد بسیار فرهیخته باشد، مهربان و سطح آگاهی هم بالا، کلاً شخصیت خوبی داشته باشد ولی در اینجا تشابهاتی وجود ندارد. بالاخص این که تفاوت یک زن تحصیل کرده با یک مرد تحصیل کرده بسیار زیاد است. غالباً خانم تحصیل کرده از تحصیلاتش در طول زندگی استفاده می کند ولی مرد تحصیل کرده کمتر. برای مثال خانمی که در رشته هنر تحصیلات دانشگاهی دارد، می تواند آثار هنری را در تمامی خانه ملاحظه کنید اما ممکن است آقای مهندس برق در سیستم برق خانه اش کلی اشکال داشته باشد! به نظر می رسد زندگی با زن تحصیل کرده راحت تر است. او خیلی زودتر مسائل را می فهمد و نیاز نیست که خیلی تکرار کنید. متقابلاً مردی که دارای تحصیلات عالی است نمی تواند با زنی که دارای تحصیلات پایینی است ازدواج کند. حتی بهتر است مردان یا زنان پزشک با هم ردیفان خود ازدواج نکنند. یکی از چیزهایی که باید در ازدواج رعایت شود **فاکتورهای حرفه ای** است. بنابراین سطح تحصیلات و سطح حرفه در **زندگی** **زناشویی** بسیار مهم است.



حالا که به مسئله تحصیل اشاره کردیم خوب است که به **مسئله تفکر** نیز اشاره کنیم. متأسفانه مردان ما بسیار مقیدند که همسر زیبا داشته باشند، در صورتی که زیبایی آمار جهانی بهداشت فقط 25 نمره دارد در حالی که به تفکر 300 نمره داده اند. در مورد

عروس خانم همیشه می پرسند آیا زیبا هست یا نیست. زیبایی دوره محدودی دارد، ولی ما نمی توانیم تفکر و تعلیم و تربیت را انکار کنیم. بعضی از مردم ما در ازدواج جایی برای تفکر باز نگذاشته اند.

اولین چیزی که در تفکر جلوه گر می شود، **عامل هوش** است. زندگی با یک آدم کم هوش بسیار مشکل است. ممکن است بپرسید چگونه می شود هوش یک نفر را قبل از ازدواج تشخیص داد؟ پاسخ بسیار آسان است. افرادی که درجه هوشی خیلی پائین دارند کاملاً در رفتار و کردارشان مشخص است، پختگی لازم را ندارند، قدرت تشخیصشان ضعیف است. عامل دیگر تشخیص هوش، تفکر انتزاعی است. انتزاع کردن یعنی بیرون کشیدن، و **تفکر انتزاعی** یعنی **توانایی استنباط و درک مفاهیم از موقعیت های کلی**. این نوع تفکر ابعادش بسیار گسترده است، افرادی که تفکر انتزاعی دارند خیلی زود شما را می فهمند. لازم نیست که دائم برایشان تکرار کنید. بعد دیگرش، تفکر حل مسئله ای است، تفکری که در آن انسان می تواند مسائل خودش را حل کند. کسانی که این نوع تفکر را ندارند دائم دور خودشان می چرخند، گیج اند، دائم می پرسند چه گفتی، یعنی چه، منظور چیست بود.... کسی که این نوع تفکر را ندارد به همسری برنگزینید. گاهی اوقات افراد از روی ترحم با فردی ازدواج می کنند که از نظر هوشی در سطح پایینی است، می خواهند ایثار کنند ولی سخت در اشتباهند. زندگی با افراد کم هوش بسیار مشکل است. **کسی که تفکر و هوش خوبی دارد کیفیت فراوان در مدیریت دارد**. یکی از ارکان اصلی مدیریت، تفکر خوب است.

یکی دیگر از **معیارهایی که باید در ازدواج در نظر گرفت گذشته افراد** است. یعنی، باید تشابهاتی بین گذشته شما با گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید باشد. اگر این تشابهات بود، آن وقت شما به درک متقابل خواهید رسید. بسیاری از مردم می گویند همسر مرا درک نمی کند. درک چه موقع صورت می گیرد، زمانی که ما سرنوشت مشابهی داریم، شما کسی را درک می کنید که در زندگی تان باشد، یک غریبه را نمی شود درک کرد. اگر گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید خیلی شیک بوده، اصلاً بالاتر از گل به او نگفته اند، و گذشته شما همه اش درد و رنج و زحمت بوده، و دائم خون دل خورده اید؛ رهایش کنید این فرد مناسب زندگی شما نیست. گذشته بسیار مهم است. این فرد نمی تواند شما را درک کند. نمی تواند بفهمد موقعیت فعلی را به چه قیمتی به دست آورده اید؛ برایش اهمیتی ندارد. تمام آنچه با زحمت به دست آورده اید را جزء بدیهیات و لوازمات زندگی می داند، حتی گاهی اوقات اصرار می کند موقعیت فعلی را نیز از دست بدهید در حالی که موقعیت فعلی حاصل یک عمر تلاش شماست. در ازدواج به سراغ فردی بروید که گذشته ای مشابه شما داشته باشد و شما را درک کند.

یکی از مسائلی که در گذشته ماست، **عشق** و عاطفه در زندگی است. بعضی ها در گذشته، بسیار دوست داشته شده اند، مثل این که هیچکس به اندازه اینها مهم نبوده است، مانند عروسک در دست این و آن مورد نوازش و محبت قرار گرفته اند. عده ای دیگر اصلاً مورد توجه نبوده اند و کسی به اینها اهمیتی نداده است مثل این که اصلاً شناسنامه ای ندارند. حالا اگر این دو نفر با هم ازدواج کنند، نمی دانند چه اتفاقی می افتد. گاهی می گویند این شخصیت خلاء عاطفی مرا پر خواهد کرد. در صورتی که

چنین نیست. کسی که هیچوقت مورد محبت قرار نگرفته، تشنه محبت است، هرچه محبت کنید سیراب نمی شود. همیشه می پرسد مرا دوست داری، می گوید بله، باز می پرسد، قسم می خورید، ولی باور نمی کند. برعکس، شخصی که برایش همه چیز مهیا بوده سیراب است هیچ چیز چشمش را نمی گیرد، به زحمت هدیه ای را برایش فراهم می کنید اما جلب توجهش را نمی کند. گاهی اصلاً شما را تحویل نمی گیرد، آنها آدم های سردی اند، هر کاری کنید فایده ای ندارد، در مقابل آنها وضعیت شما مثل فردی است که می گوید نمی دانم چرا دستم نمک ندارد. می گویم دست شما نمک دارد اما این شخص سیراب است. پس بهترین حالت، تعادل است. باید دنبال کسی بگردید که گذشته معتدل داشته است **گذشته ما سرنوشت ما را تعیین می کند.** خب حالا چطور می توانید به این مسئله پی ببرید؟ کافی است از او سؤال کنید شما را چقدر دوست داشته اند. اگر گفت «تا حالا هیچکس را به اندازه من دوست نداشته اند و از ابتدای امر هر چه خواسته ام برایم فراهم بوده است.» قدری دست نگه دارید. یا مثلاً چنانچه مادر دختر خانم می گوید «اگر قسمت شد و داماد ما شدید این را بدانید که ما تا حالا بالاتر از گل به این دختر نگفته ایم.» بگویید «خداحافظ!» این دختر خیلی به درد شما نمی خورد. پدر و مادرها در محبت کردن به بچه ها، باید حد تعادل را رعایت کنند.



از دیدگاه دکتر مجد، یکی از مسائل بسیار مهم که باید در **ازدواج** مورد توجه قرار گیرد ردیف فرزندان خانه است. فرزند چندم خانواده باشد خوب است و یا چرا خوب نیست. به اعتقاد ایشان بچه های ردیف اول غالباً دارای وضعیتی هستند که عمدتاً معاون اند، دختر معاون مادر، پسر معاون پدر، بچه های ارشد خانواده غالباً مسئولیت های زیادی را قبول می کنند و مثلاً از دیگر فرزندان مراقبت می کنند، تکالیف اقتصادی و خرید به آنها واگذار می شود بسیاری از کارهای خانه را انجام می دهند. بچه های اول سنگ های زیرین آسیاب هستند. علاوه بر کارهای منزل و خرید و مواظبت از بچه های دیگر باید به عنوان قاضی، مجادلات بین پدر و مادر را نیز حل کنند. بچه های اول عمدتاً زندگی سختی دارند. این زندگی سخت، مزایا و معایبی دارد. از این جهت خوب است؛ افرادی که زندگی سختی تجربه کرده اند مسئولیت پذیرند، اتفاقاتی را تجربه می کنند که سبب می شود برای زندگی بعدی پخته شوند، غالباً نظرشان شرط است. اینها رأی شان نافذ است اگر پدر و مادر بخواهند با کسی مشورت کنند معمولاً با فرزندان ارشد است. روی دیگر فرزندان نفوذ دارند، اصلاً گاهی به جای پدر و مادر مهار زندگی را اینها به دست می

گیرند. از بعضی جهات هم خوب نیست. اینها معمولاً مظلوم واقع می شوند، حقشان خورده می شود. همیشه زمانی که دو بچه با یکدیگر دعوا می کنند به بچه بزرگتر می گویند تو بزرگتری تو ببخش، و غافل از این که اینها هر دو کودک اند و هر دو احساسات کودکانه دارند.

بچه های آخری چه وضعیتی دارند؟ بچه آخر معمولاً هیچ مسئولیتی ندارد. ریلکس است خیلی راحت است. بعد از او دیگر بچه ای به دنیا نیامده و تاج پادشاهی همچنان بر سرش باقی مانده است. اگر در خانه مشکلاتی به وجود بیاید این قدر افراد هستند که مشکلات را حل بکنند بنابراین کاری به این فرد ندارند. به اینها سرویس زیاد داده شده و خیلی به آنها خوش گذشته است به کسی هم که زیاد خوش بگذرد خیلی بد عاقبت خواهد بود. تمام افرادی که به این ترتیب بزرگ می شوند تحمل اتفاقات عادی زندگی را ندارند. هیچ استرسی را نمی توانند تحمل بکنند.

حالا اگر بچه اول خانواده (پسر) با دختری ازدواج کند که فرزند آخر خانواده است چه اتفاقی می افتد؟ بیچاره پسر، عمری حقش ضایع شده بود و در خانه بچه داری کرده بود حالا هم بایستی از خانمش به عنوان یک بچه نگهداری کند! این دختر خانم هم به کوچکترین مطلبی قهر می کند. اینها همان افرادی هستند که دو ماه بعد از ازدواج چمدانهایشان را بسته اند و راهی خانه پدرشان می شوند.

اگر دختر فرزند اول باشد و پسر فرزند آخر، چه خواهد شد؟ خانم ها معمولاً تحملشان خیلی زیاد است معمولاً دندان روی جگر می گذارند، گاهی نقش مادر را برای همسر بازی می کنند و بعضی مردها نیز از این حالت استقبال می کنند. بچه های اول عادت کرده اند بگویند خب حالا مهم نیست و بعد می بینند که به دردهای روان تنی دچار شده اند.

مسلم است که تربیت خانوادگی بر شخصیت و نحوه رشد افراد اثر می گذارد. به نظر می رسد آنچه بیشتر از ردیف و جایگاه فرزندان خانه اهمیت دارد نحوه تربیت آنهاست. اگر در خانواده راه و رسم زندگی مشترک به افراد آموخته شود و آنها را برای پذیرش یک سری از مسائل و واقعیات زندگی آماده نمایند آخر یا اول بودن آنها چندان اهمیتی ندارند. نکته دیگر این که همیشه برای فرزندان آخر همه چیز مهیا نبوده است. گاهی فرزندان آخر بیشتر از دیگر فرزندان دچار استرس می شوند برای این که پدر و مادر در جوانی بیمار نبوده اند و حالا بیمار شده اند و این در حالی است که دیگر فرزندان خانواده ازدواج کرده اند و مسئولیت پدر و مادر بیمار بر عهده فرزند آخر است. گاهی نیز فرزند آخر خانواده نقش مربی **مهدکودک** را بازی می کند و خواهران و برادران جهت نگهداری فرزندانیشان از بچه آخر کمک می گیرند. از همه اینها گذشته اگر در یک خانواده دو فرزند بیشتر وجود نداشت، یکی اولی بود و دیگری آخری، تکلیف چیست؟ در اینجا است که می گویم نوع تربیت، نحوه برخورد و گذشته افراد مهمتر از جایگاه آنها در خانواده است.



تناسب سنی

در انتخاب همسر توجه به همتایی و تناسب در سن نیز لازم است. تفاوت سن بلوغ جنسی در دختر و پسر، یک امر طبیعی است، پسر حدود چهار سال دیرتر از دختر به بلوغ جنسی می رسد. پس خوب است که تفاوت سن آنها در امر ازدواج نیز به همین مقدار باشد (پسر بزرگتر باشد) **بهتر است چنین باشد ولی الزامی نیست.** اگر در بقیه موارد گفته شده یعنی زمینه های اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، عاطفی، تناسب وجود داشته باشد ولی تناسب سنی وجود نداشته باشد مثلاً زن و شوهر هم سن باشند و یا حتی زن یک سال نیز بزرگتر باشد به شرط این که مرد وقوف و آگاهی کامل به این موضوع داشته باشد مشکل خاصی ایجاد نمی شود. اما ازدواج هایی که **اختلاف سنی زیاد** وجود دارد مثلاً یک نفر بیست سال از دیگری بزرگتر است اصلاً صلاح نیست.

اخلاق نیک

یکی از ویژگی های اساسی و لازم برای زندگی شاد، اخلاق نیک است. منظور از **اخلاق** نیک تنها خنده رویی و خوش خلقی اصطلاحی نیست، زیرا خندیدن و ... در بعضی مواقع، نه تنها مطابق اخلاق نیست بلکه ضداخلاق نیز هست. منظور از اخلاق نیک ، داشتن صفات و خلق و خویهای پسندیده از نظر عقل و شرع است.

سلامت جسمانی و روانی

سلامت جسمانی و روانی در موفقیت و سعادت زندگی مشترک، نقش مهمی بر عهده دارد. بعضی از بیماریهای جسمانی و روانی اهمیت چندانی ندارند و مانع زندگی نیستند و لطمه ای به آن وارد نمی کنند و با معالجه و مراقبت، درمان می شوند. آنچه باید در زمینه انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرد بیماری ها و نقص ها و معلولیت های جسمی و روحی عمیق و غیرقابل درمان است که در طول عمر همراه انسان است و تحملش برای همسر سخت است. توجه نکردن به این امر و برخورد «احساساتی و غیرمنطقی» با آن ممکن است لطمه های سنگینی به زندگی بزند.

همتایی و هماهنگی فرهنگی و فکری

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک، نقش اساسی دارد. برای ایجاد یک زندگی پربار و سعادتمند، باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک کنند و مکنونات و محتویات درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل،

تصمیم مشترک و یکسان بگیرند و بر مبنای آن عمل کنند و در نشیب و فرازهای زندگی، یاور هم باشند و فرزندانشان را براساس یک طرح هماهنگ تربیت کنند.

چنانچه امام صادق (ع) می فرمایند:

«العارفة لا توضع الا عند العارف».

زن عارفه (فهمیده فرزانه) باید در کنار مرد عارف (اهل معرفت) قرار گیرد نه غیر آن.

تناسب سیاسی

دختر و پسر باید از لحاظ گرایش نسبت به مسائل سیاسی شبیه به هم باشند. اگر یک نفر علاقه شدیدی به مسائل سیاسی و شرکت در آن دارد و برای دیگری سیاست هیچ جایی در زندگی ندارد، در زندگی مشترک دچار مشکلاتی خواهند شد و آرامش لازم را از دست می دهند.

تناسب شخصیتی

دختر و پسری که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، بهتر است تناسب شخصیتی داشته باشند و از نظر صفات شخصیتی با یکدیگر همسان باشند.

ادامه دارد ...

در قسمت بعد به مطلب نکات مهم در جلسه خواستگاری خواهیم پرداخت.

منابع

- مقدمه ای بر روان شناسی ازدواج - تألیف : زهره رئیسی
- خانواده در اسلام - تألیف حسین مطاهری
- مشاوره ازدواج - تألیف علی اسلامی بجنوردی نسب

نکات مهم در جلسه خواستگاری معیارهای انتخاب همسر (قسمت دوم)



در قسمت قبل به مطلب **همسر ایده ال من** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم ...

پس از مطرح کردن **معیارهای انتخاب همسر**، سؤالی که در ذهن همه افراد مطرح می شود این است که چگونه می توان قبل از ازدواج به **خصوصیات روحی و روانی** همسر پی برد؟ و آیا می شود با رعایت موازین شرعی و عرفی، شخصی را قبل از ازدواج شناخت؟

خواستگاری در درجه اول احترام و اکرام به جنس مؤنث است.

جواب این سؤال تا حدودی مثبت است به شرطی که عاقلانه با موضوع برخورد شود. به پسران جوان توصیه می کنیم، دقت کنید شخصی را که برای ازدواج انتخاب می کنید، آیا شخصیت اجتماعی، یعنی مجموعه حرکات، رفتارها، آداب معاشرت و برخورد اجتماعی اش با عقاید شما همخوان هست یا خیر؟ اگر همخوانی وجود داشت تحقیقات جزئی در مورد خانواده اش به عمل آورید و خانواده او را با خانواده خود از لحاظ **اقتصادی**، اجتماعی مقایسه کنید، اگر در یک ردیف بودید به **خواستگاری** بروید.

دختر **خانم های جوان** باید ابتدا تحقیقات جزئی در مورد خواستگارشان به عمل آورند اگر در کلیات مانند وضعیت اقتصادی و اجتماعی، موقعیت شغلی و تحصیلی، فرد مورد نظرشان با آنها همخوان است، اجازه دهند خواستگار به خانه آنها بیاید.



تاریخچه خواستگاری به قبل از میلاد مسیح برمی گردد. خواستگاری از طرف مردان انجام می شده. به عبارت دیگر مرد به خواستگاری زن می رود، و این امر به خاطر تفاوت های **روان شناختی زن و مرد** است، خواستگاری در درجه اول احترام و اکرام به جنس مؤنث است.

زمانی که به خواستگاری می روید و یا از شما خواستگاری می شود، زیباترین لباسهایتان را به تن کنید و پوششی شیک و مناسب داشته باشید. اولین دیدارها همیشه در اذهان باقی می ماند. عده ای با لباس های نامناسب و نه چندان تمیز به خواستگاری می روند و تصورشان این است که این شخص باید وضعیت زندگی مرا بداند در صورتی که این وضعیت خاطره خوشی به جا نمی گذارد. در تمام طول مراسم

خواستگاري متانت و وقار بايد از ناحيه هر دو خانواده مراعات شود و رفتارهاي نامناسب و جلف ، ذهنيتهاي بدبي را رقم مي زنند.

هنگام صحبت کردن فرد مورد نظرتان، سراپا گوش باشید، و دقت لازم را به عمل آورید تا مطالب گفته شده را بهتر بتوانید به خاطر بسپارید و هنگامی که خودتان صحبت می کنید نیز سعی کنید، سنجیده حرف بزنید. پس از این که از گذشته و شرح حال فرد مقابل مطلع شدید می توانید دیدگاهش را راجع به مذهب سؤال کنید.

در هنگام صحبت کردن با فرد مورد نظر در اولین جلسه بنا را بر **صداقت** و یکرنگی بگذارید و متعهد شوید که آنچه می گوئید کاملاً از سر صدق و صفا باشد و به این تعهد خود نیز پای بند شوید. بهتر است به عنوان اولین سؤال از فرد مقابل بخواهید خودش را کامل معرفی کند؛ به عبارت دیگر از او بخواهید خلاصه ای از گذشته زندگیش برای شما بگوید خودتان نیز متقابلاً خلاصه ای از سرگذشت خود را مطرح نمایید. **سرگذشت و بیوگرافی شامل این موارد می شود:** معرفی کامل نام و نام خانوادگی، شغل، سن، شغل پدر و مادر، میزان تحصیلات هر یک از آنها، وضعیت شغلی و تحصیلی و سنی دیگر افراد خانواده، و این که شما در چه خانواده ای و با چه شرایطی بزرگ شدید و مسائل خاص زندگی شما در گذشته چگونه بوده است. در هنگام صحبت کردن فرد مورد نظرتان، سراپا گوش باشید، و دقت لازم را به عمل آورید تا مطالب گفته شده را بهتر بتوانید به خاطر بسپارید و هنگامی که خودتان صحبت می کنید نیز سعی کنید، سنجیده حرف بزنید. پس از این که از گذشته و شرح حال فرد مقابل مطلع شدید می توانید **دیدگاهش را راجع به مذهب سؤال کنید.** بپرسید نگرش شما راجع به مذهب چیست؟ مذهب چقدر در زندگی شما نقش دارد و تا چه اندازه به آن اهمیت می دهید؟ و بعد متقابلاً دیدگاه خودتان را راجع به مذهب مطرح نمایید و دقیقاً نگرش خود را در این مورد تشریح نمایید؛ اگر برای مثال در مورد احکام مقید هستید و علاوه بر واجبات، مستحبات را نیز رعایت می کنید، این مورد را حتماً تذکر دهید و با نگرش ها و احساسات فرد مقابل مقایسه نمایید.

مطلب دیگری که می توانید سؤال کنید نگرش مخاطب شما راجع به **مسائل اقتصادی** و نحوه درآمد است، در اینجا شغل خود و میزان درآمد ماهیانه خود را مطرح کنید؛ بلوف نزنید، آنچه واقعاً هست را بگویید.

خانم ها نیز باید از خواستگارشان سؤال کنند به نظر شما یک زن و همسر ایده آل چگونه فردی می تواند باشد و بعد صفات مطرح شده را با خصوصیات و ساختمان روانی خود مقایسه کنند، اگر ناهمخوانی یافتند باید بگویند این ویژگی ها را ما نداریم و یا اصلاً با ساختمان روانی ما بیگانه است، خانم ها حتماً سؤال کنند انتظار مرد مورد نظرشان از آنها چیست، به نظر آنها زن باید با چه نوع پوششی در اجتماع ظاهر شود، چگونه باید با مردم نشست و برخاست نماید. نظراتش را راجع به

شاغل بودن زن چیست.

امکانات مالی خود را توضیح دهید، اگر توان مالی شما در شرایط فعلی بیشتر از امکانات موجود نیست این مورد را نیز تذکر دهید و سپس نظر دختر خانم را در این مورد بخواهید، ببینید ایشان چه مقدار پول را برای داشتن یک رفاه نسبی لازم می دانند، و اگر خواسته های ایشان با درآمد شما همخوان نیست موضوع را مطرح و روی آن تأکید نمایید، **و عده ها و قول هایی که با امکانات شما نمی خواند و امکان برآورده شدنش نیست ندهید.**

همیشه برای بهتر شدن زندگی تلاش کنید ولی قول های نابه جا ندهید. علاوه بر نگرش خود و فرد مورد نظر، در مورد مسائل مادی و اقتصادی باید موقعیت اقتصادی هر دو خانواده را با یکدیگر مقایسه کنید. فراموش نکنید بسیار مهم است که **دختر و پسر** از یک ردیف اقتصادی با یکدیگر ازدواج کنند و **ازدواج** طبقات متضاد اجتماعی اصلاً صلاح نیست.

یکی دیگر از مطالبی که حتماً باید در جلسه خواستگاری پرسیده شود، **ارزش های خانوادگی** است. باید بفهمید در خانواده فرد مقابل چه چیزهایی ارزش است. اگر در خانواده شما تحصیل جایگاه مهمی دارد و خانواده برای تحصیلات و فرد تحصیل کرده ارزش زیادی قائل هستند، ولی در خانواده شخص مورد نظر شما هیچ بهایی به تحصیل و تحصیل کرده داده نمی شود، جای تأمل دارد؛ باید اندکی دست نگه دارید. یا چنانچه در خانواده شما حجاب و رعایت کردن آن بسیار مهم است و یکی از ارزش های حساس در خانواده به شمار می رود ولی در خانواده طرف مقابل حجاب کم رنگ است و یا اصلاً جایگاهی ندارد و در عوض پول مهمترین ارزش است، در اینجا شما با یکدیگر همخوانی ندارید.



بعد از بررسی نگرش های فرد مقابل راجع به مذهب و مسائل اقتصادی و ارزش های خانوادگی، نوبت به بررسی **ارزش های درون فردی** می رسد. در اینجا افکار، عقاید، ایده آل ها و علائق را به طور کاملاً جزئی مطرح کنید. آقایان حتماً از خانم ها بپرسند، به نظر آنها یک مرد ایده آل چگونه فردی است، و چه شرایطی باید داشته باشد؟ اگر خصوصیتی را که خانم مطرح می کند در وجود شما نیست سریعاً اعلام نمایید این

خصوصیات فردی مورد نظر شما، در ما نیست و یا اصلاً نمی‌توانیم اینگونه باشیم. خانم‌ها نیز باید از خواستگارشان سؤال کنند به نظر شما یک زن و همسر ایده‌آل چگونه فردی می‌تواند باشد و بعد صفات مطرح شده را با خصوصیات و ساختمان روانی خود مقایسه کنند، اگر ناهمخوانی یافتند باید بگویند این ویژگی‌ها را ما نداریم و یا اصلاً با ساختمان روانی ما بیگانه است، خانم‌ها حتماً سؤال کنند انتظار مرد مورد نظرشان از آنها چیست، به نظر آنها زن باید با چه نوع پوششی در اجتماع ظاهر شود، چگونه باید با مردم نشست و برخاست نماید. نظرش راجع به شاغل بودن زن چیست. اگر خانم‌ها در شرایط فعلی شاغلند و به شغلشان نیز علاقه مند هستند و کار کردن برایشان اهمیت دارد، ولی احساس می‌کنند خواستگارشان نظر چندان مساعدی نسبت به شاغل بودن زن ندارد باید به این نکته تأکید شدید کنند، حتی در صورت لزوم آن را شرط ضمن عقد قرار دهند.

فرد مورد نظر را مورد مطالعه قرار دهید نکات مثبت را در شخصیت و موقعیت وی جستجو کنید و آن را در یک ستون زیر هم قرار دهید در مقابل ستونی را نیز به صفات و خصوصیات منفی اختصاص دهید. آن مورد یا مواردی از خصوصیات منفی را که اطمینان صد در صد دارید تغییر می‌نماید مثبت حساب کنید. و سپس آنها را مورد سنجش قرار دهید و تحلیل کنید.

مسئله دیگری که باید در خواستگاری مطرح شود **برنامه‌های فعلی و برنامه‌های آینده** است. وضعیت فعلی‌تان را کاملاً مشخص نمایید، برنامه‌های آینده را نیز حتماً مطرح کنید. اگر قصد ادامه تحصیل دارید این نکته را تذکر دهید. اگر قصد جا به جایی و مسافرت خارج از کشور دارید، باید قبل از ازدواج مطرح نمایید. اگر بیماری‌های جسمانی خاص دارید، و یا قبلاً در زندگی شما اتفاقی افتاده است (احتمالاً **نامزدی** یا عقد داشته اید و ناموفق بوده است و یا مسائل مشابهی داشته اید) آنها را پنهان نکنید قبل از این که همسرتان از دیگران بشنود و نسبت به شما بی‌اعتماد گردد خودتان مطرح نمایید؛ در این صورت وجدان راحتی نیز خواهید داشت.

شاید همه این مطالب را در جلسه خواستگاری نتوان مطرح کرد، هیچ اشکالی ندارد تعداد جلسات خواستگاری را اضافه نمایید، مشروط به این که حسن نیت داشته باشید. بعد از این که طی جلسات خواستگاری اطلاعات لازم را دریافت کردید و نکته‌ای بر شما مبهم نماند، زمان ارزشیابی و تجزیه و تحلیل فرا می‌رسد. در اینجا فرد مورد نظر را مورد مطالعه قرار دهید نکات مثبت را در شخصیت و موقعیت وی جستجو کنید و آن را در یک ستون زیر هم قرار دهید در مقابل ستونی را نیز به صفات و خصوصیات منفی اختصاص دهید. آن مورد یا مواردی از خصوصیات منفی را که اطمینان صد در صد دارید تغییر می‌نماید مثبت حساب کنید. و سپس آنها را مورد سنجش قرار دهید و تحلیل کنید. گاهی اوقات یک مورد منفی به تمام موارد مثبت می‌چربد مثلاً فرد مورد نظر تحصیلات و شغل خوب دارد از خانواده خوب و نجیب و موقعیت اقتصادی‌اش نیز مناسب است، اخلاق خوبی هم دارد ولی معتاد است. در این شرایط باید دست نگه داشت و برای ازدواج

عجله نکرد و یا این که شرایط زندگی خوب است ولی شغل غیرقانونی دارد. مسلماً زندگی با چنین شخصی سراسر **اضطراب** خواهد بود.

پس از آنکه ارزشیابی انجام شد و وجوه اشتراک و **تفاهم** زیاد بود باید تحقیقات کامل، در محل زندگی و محیط کار در مورد چگونگی رفت و آمد با دوستانش و دیگر موارد به عمل آید عده ای معتقد به انجام تحقیق **قبل از ازدواج** نیستند و می پندارند افرادی که از آنها تحقیق می شود اگر گرایش و نظر خوب به فرد داشته باشند همه چیز را مثبت جلوه می دهند و اگر با فرد مورد نظر مشکل داشته باشند وی را آدمی منفی ارزیابی می نمایند و واقعیات را مطرح نمی کنند. در صورتی که در واقع چنین نیست. اگر از تعداد زیادی تحقیق به عمل آید حداقل نتیجه اش این خواهد بود که به شما می گویند آیا این فرد قبلاً ازدواج کرده است یا خیر؟ و آیا اینها خانواده جار و جنجالی هستند یا خیر؟ آیا برخورد اجتماعی خوبی با مردم دارند یا نه؟ بنابراین تحقیق بدون منفعت هم نیست؛ شناخت شما را نسبت به همسر آینده و فرد مورد نظر افزایش می دهد.



پشتوانه تمامی مسائل گفته شده، **توکل به خدای متعال و قادر مطلق** است. در صورتی که تشابهات زیاد و تحقیقات انجام شده، مثبت بود با توکل بر خدا ازدواج کنید. ان شاء... زندگی خوب و سرنوشت خوبی در انتظار شما خواهد بود.

در اینجا نکته ای قابل ذکر است و آن این که، هر ازدواجی علیرغم تمامی دقت هایی که برای آن به عمل آید و با رعایت کلیه ملاک ها و معیارهای گفته شده، باز هم حدود بیست درصد ریسک دارد. و این ریسک به خاطر جنبه های ناشناخته آن است یا پیش بینی هایی که به وقوع پیوسته است یا خلاف تصور بوده است و به خاطر مسائلی بوده که قبل از ازدواج سؤال و مطرح نشده اند و یا اگر پرسیده شده اند جواب صحیحی برای آنها دریافت نکرده اند. بنابراین رعایت کردن **معیارهای ازدواج**، تضمین صد در صد برای **ازدواج موفق** را همراه ندارد ولی در بسیاری از مواقع از به وجود آمدن مشکلات پس از ازدواج جلوگیری می کند و از تنش ها و ناراحتی های درون خانوادگی پس از ازدواج می کاهد.

سخنی با خانواده ها

بعضی از خانواده ها مقیدند بلافاصله پس از یک جلسه خواستگاری، تکلیف دختر و پسر مورد نظرشان مشخص شود و موافق نیستند خواستگاری به چندین جلسه موکول شود. به این دسته خانواده ها متذکر می شویم **انتخاب همسر** و ازدواج نیاز به مطالعه و شناخت دارد و این شناخت در یک جلسه خواستگاری مثلاً یک ساعته مقدور نیست. بنابراین اگر دختر و پسر به قصد ازدواج می خواهند با یکدیگر صحبت بیشتری داشته

باشند، خانواده ها باید در این مورد قدری انعطاف به خرج دهند: **شناخت لازمه زندگی** است. نگرانی این نوع خانواده ها به خاطر قضاوت مردم و آشنایان است در صورتی که مردم، آشنایان و همسایگان هم نظر منفی راجع به خواستگاری کردن از دختران ندارند. پسری هم که به قصد خواستگاری وارد خانه شما می شود حریم خانه برایش اخلاق ایجاد می کند و این امر بسیار بهتر از آن است که دختر و پسر در خارج از محیط خانه و دور از اطلاع خانواده ها رفت و آمد داشته باشند و تصمیمات نسنجیده بگیرند و یا معضلات اخلاقی به وجود آورند.

منابع

- مقدمه ای بر روان شناسی ازدواج - تألیف : زهره رئیسی
- خانواده در اسلام - تألیف حسین مطاهری
- مشاوره ازدواج - تألیف علی اسلامی بجنوردی نسب

ازدواج ترس ها و انتظارات



تصمیم گیری برای آغاز یک **زندگی مشترک** معمولاً با ترس و تردیدهای خاص خود همراه است که **آرامش** را از زوجین سلب می کند. تمرین زیر به شما و همسر آینده تان کمک می کند تا انتظارات خود را از **زندگی مشترک** بیابید.

همچنین این فرصت را به شما می دهد تا درباره بعضی از ترس ها و تردیدهای احتمالی تان با یکدیگر صحبت کنید. شما می توانید این تمرین را با هم ، یا جداگانه انجام دهید و سپس در مورد آن با یکدیگر صحبت کنید.

چه باید کرد؟ ابتدا هر یک از شما شش برگ کاغذ تهیه کنید و موضوع اصلی را بالای هر صفحه بنویسید (اهداف واقعگرایانه که هم اکنون به دنبال آن هستید و چیزهایی که در آینده نسبت به آن اشتیاق دارید: امکانات زندگی، انتظارات، **مراسم ازدواج**، نگهداری از کودک و...)

شما فرصت کافی دارید تا هر عنوانی که به ذهنتان می رسد و به آن اهمیت می دهید در بالای صفحه بگنجانید. هر دو نفر باید هر چیزی را که به آن امید ، یا شک و بیم دارید صراحتاً با یکدیگر در میان بگذارید.

ازدواج یکی از بزرگترین تصمیم‌هایی است که در طول عمر خود می‌گیرید، بنابراین ارزش آن را دارد که در مورد زندگی با همسر آینده خود کمی بیشتر تفکر کنید.

از سؤالات زیر می‌توانید برای کمک به خود استفاده کنید:

داشتن و نگهداری کردن: «زوج» بودن به چه معنی است؟ از نظر «وفاداری» شما در کجا قرار دارید؟ چه مدت زمان برای در کنار هم یا جدا بودن از یکدیگر در نظر می‌گیرید؟ چه چیزهایی را با هم در میان می‌گذارید و چه چیزهایی را باید مخفی نگه دارید؟

از امروز به بعد: در مورد «تعهد داشتن» چه احساسی دارید؟ نظرتان در مورد «طلاق» چیست؟ طی سال‌ها زندگی، روابط‌تان چگونه باید دستخوش تغییر شود؟ کودکان چه بخشی از زندگی شما را پر می‌کنند؟

برای بهتر یا بدتر بودن: «صمیمیت» در روابط شما چه معنایی دارد؟ اختلافات را چگونه حل می‌کنید؟ در صورتی که مشکل عمده‌ای بین شما و همسرتان پیش بیاید چه راه‌حلی را در نظر می‌گیرید؟

برای پولداری و یا بی‌پولی: از نظر اقتصادی ازدواج برای شما چه معنایی دارد؟ بعد از ازدواج شغل شما تغییر خواهد کرد؟ یک **شغل** در همه زندگی، یا تغییر شغل؟ محل کار، درآمد و ساعات کار؟

در هنگام بروز بیماری: وقتی مشکل، بیماری و غم وارد زندگی‌تان می‌شود چگونه از یکدیگر حمایت می‌کنید؟

محبت ورزیدن: محبت کردن به یکدیگر در ازدواج شما چگونه نمایان می‌شود؟



خانه: می‌خواهید در کجا خانه اجاره و یا خریداری کنید؟

وقتی این مطالب را کامل کردید، زمانی را برای علت دوست داشتن چیزهایی که فکر می‌کنید به آنها علاقه دارید، بگذارید. در درون خود چه چیزی حس می‌کنید که درصد **دستیابی** به اهداف خود هستید. مثلاً: آیا برای امنیت، محبوبیت و یا رضایت شخصی است و یا جهت دستیابی به اهدافی در زندگی شما مانند مواظبت از خانواده و یا اجتماع. در میان گذاشتن این اطلاعات با همسرتان به شما کمک می‌کند تا احساس صمیمیت و نزدیکی در شما به وجود آید.

اگر انجام این تمرین باعث بروز ناراحتی و نگرانی در مورد روابط فیما بین شما می شود، سعی کنید با همسر خود در این مورد صحبت کنید ، یا دوست مورد اعتماد خود را در جریان قرار دهید. همچنین می توانید با یک مشاور خانواده نیز صحبت کنید.

هفت سؤال پرسیدنی قبل از ازدواج

ازدواج یکی از بزرگترین تصمیم هایی است که در طول عمر خود می گیرید، بنابراین ارزش آن را دارد که در مورد زندگی با همسر آینده خود کمی بیشتر تفکر کنید. **از خود**

این سؤالات را پرسید:

- آیا ما یکدیگر را دوست داشته و به هم اعتماد و احترام متقابل داریم؟
- آیا انتظارات هر دوی ما از ازدواج ، یکسان است؟
- آیا دارای سلیقه یکسانی هستیم که باعث سکوت، گریه کردن و یا خندیدن شود؟
- در مورد مسائل عمده زندگی مانند بچه، خانواده ، دوستان ، این که در کجا و چگونه زندگی کنیم توافق داریم؟
- آیا همانطور که امروز به یکدیگر علاقه داریم، بدون این که بخواهیم چیزی را از همسرمان مخفی کنیم در آینده نزدیک نیز **زندگی توأم با عشق** و محبت خواهیم داشت؟

شما لزوماً نباید با همه این سؤال ها موافق باشید. **مهم این است که شما و همسران این موضوعات را با هم در میان بگذارید و صحبت کنید و اطمینان داشته باشید که می توانید در کنار هم زندگی و کار کنید در حالی که از اعتقادات طرف مقابل خود آگاهی دارید.**

سین جیمهای خواستگاری



مراسم خواستگاری یکی از زیباترین مراسم در زندگی هر جوانی است. این نکته در مورد والدین نیز صدق می کند. بدین خاطر که با **خواستگاری** رفتن برای فرزندان، به یاد خاطرات خوب دوران جوانی خودشان می افتند. والدین گاهی از به یاد آوردن گذشته احساس لذت و شادکامی می کنند و گاهی هم با آه و اندوه از آن زمان یاد می کنند و در دل می گویند ای کاش قلم پایم می شکست و چنان روزی در زندگیم پیش نمی آمد.

به والدین توصیه می شود که راه را برای فرزندان شان باز بگذارند تا آنچه را که بیرون از منزل برایشان اتفاق می افتد، با خیال راحت در جمع خانواده بازگو کنند و آن را به کمک دیگر اعضای خانواده تجزیه و تحلیل کنند. در آن صورت می توانند مطمئن باشند که به نتایج ایده آل هر خانواده ایرانی می رسند.

طبیعی است که در مراسم خواستگاری، نوعی **اضطراب** و دلشوره در ذهن اعضای خانواده وجود دارد، به خصوص اگر دو خانواده نسبت به هم شناختی نداشته باشند، این **اضطراب** بیشتر خودنمایی خواهد کرد.

در هر مراسم خواستگاری، احتمالاً یکی از دو حالت زیر وجود دارد:

1- مراسم خواستگاری بدون شناخت قبلی از خانواده های طرفین .

2- مراسم خواستگاری با شناخت قبلی از خانواده طرفین.

در **حالت اول**، خانواده های دو طرف نسبت به هم هیچگونه شناختی ندارند، بنابراین لازم است در صورتی که خانواده دختر کاملاً بی خبر هستند، توسط خانواده پسر به هر وسیله ای که امکان داشته باشد، از جریان خواستگاری مطلع شوند و با تعیین وقت قبلی به خانه آنان بروند؛ به دلیل آنکه ممکن است، خانواده دختر در شرایط نامطلوبی باشند و آمادگی پذیرایی از خانواده پسر را نداشته باشد. در چنین شرایطی ارزیابی دو خانواده از همدیگر نابجا خواهد بود و خانواده دختر خیلی عصبانی خواهند بود که همین وضعیت ممکن است در زندگی بعدی آنان تأثیر ناخوشایندی داشته باشد و به عنوان یک خاطره بد در ذهن ها بماند، پس بهتر است به خاطر حفظ حرمت خود و احترام به خانواده دختر، قبلاً در مورد رفتن به خواستگاری به خانواده دختر اطلاع داد. دلیل دیگر آنکه اصلاً ممکن است خانواده دختر به خانواده پسر اجازه ورود ندهند، و شاید بتوان گفت که حق هم دارند، چون شناختی نسبت به آن خانواده در دست ندارند.

گاهی هم ممکن است برای مرتب کردن خانه، از خانواده پسر بخواهند که مدتی پشت در و یا در سالن پذیرایی منتظر باشند. خلاصه این که در یک کار از قبل تدارک دیده نشده ، اتفاقاتی که ممکن است بیفتد و تأثیرات خوب و یا بد آن، که در هر صورت چندان مطلوب نخواهند بود.



زمان خواستگاری بهتر است بعدازظهر و یا این که در ساعات اولیه شب باشد تا همه ی اعضای خانواده در منزل حضور داشته باشند (البته در فصل های

مختلف وضعیت متفاوت است.) در اولین جلسه خواستگاري، بهتر است که براي همراهي پسر، فقط از والدين او و کسي که معرف آنان است و احتمالاً با طرفين آشنائي دارد، استفاده شود و از همراه کردن اعضاي ديگر فاميل، مانند: عمو، دايي، عمه، خاله، خواهران و شوهران آنان و يا برادران و همسران آنان خودداري کرد، زيرا خانواده ها نسبت به هم شناختي ندارند و نمي دانند با چه کسي بايد حرف بزنند و تصميم گيرنده کيست. به هنگام پذيرايي نيز، ممکن است زير نگاه هاي تيز لشگري از طايفه داماد، اتفاقاتي بيفتد. ضمن آنکه خانواده دختر نمي دانند پذيرايي را از کجا بايد شروع کنند. گاهي هم در خانواده دختر بيش از يك دختر وجود دارد و هيچ يك از دو طرف هم نمي دانند که دختر مورد نظر کدام است. البته در خانواده هاي چند دختری، ابتدا از دختر بزرگتر شروع مي کنند که گاهي مورد پسند واقع نمي شود و بيشتر متوجه دختر بعدي مي شوند که وضعیت او نيز وابسته به دختر بزرگتر خواهد بود.

پيشنهاد مي شود که از واسطه جهت خواستگاري کمتر استفاده گردد. همچنين در صورتي که قبلاً به خانواده اطلاع داده شده و تعيين وقت گرديده است، بهتر است که از خانواده پسر در يك اطاق کوچک پذيرايي شود. اتفاقات بزرگ دنيا در اطاق هاي کوچک و در بسته، طرح ريزي مي گردد. بهتر است که در روز خواستگاري از چراغ هاي رنگين، نورافکن ها و لوستر هاي بزرگ استفاده نشود و از چراغ هاي ساده استفاده شود.

اجراي مراسم خواستگاري را که از مراسم لازم براي شروع زندگي است نبايد سرسري گرفت و اگر مي خواهيد در خانواده همسران مورد احترام و داراي ارزش باشيد، زندگي مشترکتان را حتماً از طريق خواستگاري شروع کنيد.

بهتر است وسايل و مواد خوراكي مورد استفاده براي پذيرايي، خيلي ساده باشند. مثلاً از چاي و نان شيريني يا بيسکویت ساده استفاده شود که به راحتی در دهان جاي بگيرد. (از نان نخودچي يا شيريني هايي که ممکن است در داخل گلو ببرد و ايجاد اشكال نمايد استفاده نکنيد.) براي پذيرايي از ميوه هاي آبدار مثل انار و نيز شيريني هاي بزرگ استفاده نشود که باعث زحمت مي گردند، چون کليه حرکات خانواده هاي طرفين زير ذره بين قرار دارد و ثبت و ضبط مي گردند.

ابتدا بهتر است که فردي از خانواده پسر که مي تواند خوب حرف بزند، شروع به صحبت کند، چون معمولاً در اين لحظه حواس همه حاضرين متوجه اين شخص مي شود. و اگر کسي باشد که نتواند خوب سخنراني کند، ممکن است سبب ليخندهاي تمسخرآميز ميزبانان گردد. بهتر است در مورد پسر (داماد) هر آنچه واقعيت دارد بيان گردد. فقط واقعيت ها، زيرا مطلبي که برخلاف واقعيت باشد، به صورت پديده ذهني بدي در نظر خانواده دختر جلوه گر خواهد شد و به طور يقين در آينده، زوج جوان با مشکل رو به رو خواهند شد و حتي ممکن است کارشان به **طلاق** بکشد. از طرف خانواده دختر هم بايد شرح حال مختصري از وضعیت دختر از نظر سن، تحصيلات و بعضي خصوصيات خاص ارائه گردد.

رسم ادب این است که اگر طرف مقابل مورد قبول واقع نشد ، خانواده ها به هم احم نکنند و قیافه عبوس به خود نگیرند، بلکه با لیخند و با رعایت احترام کامل و گفتن این جملات که «فعلاً رفع مزاحمت می کنیم و ان شاء ...» به زودی همدیگر را خواهیم دید» و یا «به شما خبر خواهیم داد» و با روبوسی از یکدیگر و با این فرض که دوستی بر دوستانشان اضافه شده است، یکدیگر را ترک نمایند.

البته این گونه خواستگاری به هیچ عنوان را توصیه نمی شود و بیشتر شبیه به خرید کالا است. وقتی شناختی در بین نباشد، طرفین نمی دانند که طرف مقابلشان چه کسی است، چطور زندگی می کند، چه تحصیلاتی دارد، در چه محیط اقتصادی و فرهنگی رشد کرده است، چه عقایدی دارد و بسیاری از مجهولات دیگری که پاسخ به هر کدام احتیاج به زمان طولانی دارد.

حالت دوم، خواستگاری با شناخت قبلی طرفین از یکدیگر است و در این نوع خواستگاری که خانواده های پسر و دختر از قبل با یکدیگر آشنا شده اند و نسبت به هم اطلاعاتی دارند، بهتر است نکات زیر رعایت گردد.

تاریخ آن از قبل تعیین شود و بهتر است که در ساعت های عصر یا اوایل شب صورت پذیرد. افراد کمتری خانواده پسر را همراهی نمایند و بهتر است از وابستگی برای این کار استفاده شود که بتوانند خوب و منطقی صحبت کنند و تصمیم بگیرند. از نظر پوشش بهتر است که داماد یک لباس ساده و راحت بپوشد و احیاناً لباسی تهیه نکنند که نتواند در آن آرام بگیرد و در نتیجه مورد تمسخر واقع شود.



پوشش دختر خانم بهتر است مطابق با فرهنگ اسلامی و ایرانی، لباسی بلند و پوشیده باشد، به طوری که به راحتی بتواند در آن حرکت کند. خانم ها لازم است به این نکته توجه کافی داشته باشند که مردان ایرانی پوشیده ترین لباس را می پسندند. لباس نباید طوری باشد که از شدت تنگی رو به پاره شدن برود! نوع آرایش بهتر است که بسیار ساده و متناسب با چهره ای شاخص فرهنگ و مذهب ایرانی باشد. اگر آرایش تند و غلیظ باشد، قضاوت خانواده پسر (داماد) چندان مناسب نخواهد بود.

در مراسم خواستگاری بهتر است که پسر چند شاخه گل کوچک، زیبا و با رنگ های شاد تهیه نماید و به هنگام ورود به خانه دختر روی میز بگذارد. به همه دختران توصیه می گردد که به هنگام خواستگاری، چای یا شیرینی را به اولین سرنوشت ساز زندگی،

یعنی مادر داماد تعارف کنند، در کنار او بنشینند ، با او صحبت کنند، به سؤالات او پاسخ دهند و خلاصه آن که به او توجه کنند و چندان به پدر داماد نزدیک نشوند که ممکن است از همان اوایل باعث در دسر شوند.

لازم است که در جلسه اول خواستگاري فقط روي **مسائل ازدواج** صحبت شود و از بحث هايي که باعث اتلاف وقت مي گردند و مسئله اصلي را به تعويق مي اندازند، خودداري نمايند.

به خانواده داماد توصیه مي گردد که در همان اولين جلسه ، بعد از توافق ، هدايائي به عروس بدهند. ميزان **مهریه** بستگي به وضعيت فکري ، اقتصادي و اجتماعي طرفين دارد. بسيار ديده شده که ايراداتي در رفتار و شخصيت دختر وجود داشته است که بايد به طرف مقابل، مبلغی هم دستي داده شود تا با او ازدواج کند؛ یک دختر وسواسي که شب و روز فقط مشغول تمیز کردن دستهايش است، ولي از خانه داري هيچ گونه اطلاعي ندارد و حتي طرز تهيه نيمرو را بلد نيست، آيا مي توان با او زندگي کرد؟ و يا پسري که شخصيتي متکي به والدينش دارد و اصلاً رشد فکري و اجتماعي او در حد بسيار پاييني مي باشد تا اخلاقيش ناپسند است و فحاشي مي کند، حتي اگر ميلياردها مهریه دختر کند آيا ارزش ازدواج کردن دارد؟ در مقابل دختراني هم هستند که ارزششان اصلاً در عدد و رقم نمي گنجد با معيارهاي عادي نمي توان گوشه اي از شخصيت و رفتار و صفات خوب آنان را که مطبوع طبع هر ايراني مشکل پسندي باشد بيان کرد.

خلاصه آنکه در زمينه مهریه مي توان گفت که اين سنتي لازم است و بايد اجرا گردد. پس بايد آنچه را عقل حکم مي کند، انجام داد و نيز ارزش مادي و معنوي طرفين در نظر گرفته شود و در نهايت تصميم با طرفين و توافق آنان است.

به طور کلي اجراي مراسم خواستگاري را که از مراسم لازم براي شروع زندگي است نبايد سرسري گرفت و اگر مي خواهيد در خانواده همسران مورد احترام و داراي ارزش باشيد، زندگي مشترکتان را حتماً از طريق خواستگاري شروع کنيد. همچنين مجدداً به والدين ارجمند توصيه مي شود که راه را براي فرزندانشان باز بگذارند تا آنچه را که بيرون از منزل برايشان اتفاق مي افتد، با خيال راحت در جمع خانواده بازگو کنند و آن را به کمک ديگر اعضاي خانواده تجزيه و تحليل کنند. در آن صورت مي توانند مطمئن باشند که به نتايج ايده آل هر خانواده ايراني مي رسند.

در طي مراسم خواستگاري نيز به نظرات و عقايد والدين دو طرف احترام گذاشته شود. با رعايت نکات بالا زوجي با سعادت در کنار يکديگر خواهيد بود که هر لحظه از زندگي مشترک براي آنان ارزشمند، شيرين و فراموش نشدني خواهد بود.

ازدواجي در شأن تو



در یک ازدواج سالم، زن و مرد مؤمن ، با عقدي آگاهانه ، و اعتقادي مستدل ، و مذهبي واحد ، و معشوقه مشترک براي تقرب به آن مقصد و معشوق واحد، سعي مي کنند با هم همدل، همسفر، همسو و هماهنگ در یک مأموريت مشترک و در یک کار، شریک و مکمل و حریف یکدیگر باشند. در این پیمان عقلاني و شراکت اسلامي، زوج با تمرین عشق ورزي به حق، هر کدام بخشي از یک کار را انجام مي دهند.

زن علاوه بر این که برآورنده نیازهاي عاطفي و معنوي و دروني خانواده است، با نگاه و کلام و رفتار جذاب و نافذش، انواع تنبلي ، افسردگي ، بي توجهي و غفلت را از همسرش به زيبياي مي زدايد و او را با تشويق خود در انجام وظائف اجتماعي و پرهيز از انواع انحراف و اطاعت از رهبري الهي و بندگي خدا به وجد مي آورد.

تلاش خردمندانه و بيروني مرد، تأمین کننده هزینه ها و نیازهاي مادي و بيروني خانواده است و نشاط هنرمندانه و نفس مسيحايي زن، انگيزه مرد را براي سازندگي اجتماعي و صبر در ناملایمات و امید و نشاط در عبادات تقويت مي کند و جهت گيري مخلصانه او را در زندگي، مراقبت مي نمايد.

در یک ازدواج طبيعي، زن علاوه بر این که برآورنده نیازهاي عاطفي و معنوي و دروني خانواده است، با نگاه و کلام و رفتار جذاب و نافذش، انواع تنبلي ، افسردگي ، بي توجهي و غفلت را از همسرش به زيبياي مي زدايد و او را با تشويق خود در انجام وظائف اجتماعي و پرهيز از انواع انحراف و اطاعت از رهبري الهي و بندگي خدا به وجد مي آورد.

براي این زوج عاشق «خانه» جلوه اي از بيت خدا و مدرسه عشق ورزي، و «خانواده» محل بازسازي روح و روان و نشاط جسمي براي مبارزه در جهاد اصغر و اکبر در هر روز زندگي و محل ذکر، عبادت و بیتوته است.

چنين ازدواجي مي تواند بيشتريين نیازهاي خانواده و جامعه را برآورد و بيشتريين استعداد آنها را شکوفا سازد و سلامت و نشاط دنيايي و سعادت و لذت جاودانه آخري هر یک از آن دو و خانواده و جامعه را تأمین نمايد.

زنان بيدار و مردان خردمند، امروز به روشني مي فهمند که «خانواده» ، تنها نهاد شايسته براي انسان سازي و انسان پروري است. بنابرین هر قدر خانواده بنیان محکم تري داشته باشد، به خاطر انگيزه و تعهد و نشاط افرادش، نقش اقتصادي و توليدي و اجتماعي بيشتري دارد.

فراموش نکنیم موفقیت خانواده در گرو سازمان پذیری و تقسیم نقش و تکلیف و کار زن و شوهر است.

تأخیر سنی ازدواج در میان جوانان



از موضوعات مهمی که می توان در حوزه جامعه شناسی خانواده آن را به عنوان مسئله ای اجتماعی تلقی نمود پدیده **تأخیر سنی ازدواج در بین جوانان است**. این موضوع صرف نظر از این که يك معضل اجتماعی است می تواند به عنوان آسیب اجتماعی طرح گردد . واقعیت این است که خانواده در مفهوم کلی خود پدیده ای تاریخی و جهانی است و در همه جا وجود دارد چرا که به نیازهای افراد پاسخ می دهد و کمتر جامعه ای را می توان سراغ داشت که دارای نهاد خانواده نبوده باشد، گرچه باید اذعان نمود این نهاد در مسیر شکل گیری خود تحولات متفاوتی را پشت سر گذاشته است. بنابراین می توان بیان نمود که خانواده به عنوان نهادی اجتماعی دارای مجموعه ای از الگوهای رفتاری است که به منظور برآورده ساختن نیازهای انسانی به وجود می آید. این نهاد به منظور برطرف نمودن بعضی از نیازهای انسانی دارای يك سری کارکردها است که از جمله آنها موضوع **ازدواج و فراهم نمودن زمینه های وابسته بدان در بین اعضای خانواده است** .

تحول در ساخت خانواده های «گسترده» به «هسته ای» نکته ای است که تأثیر آن در زمینه الزام یا اختیار اجتماعی در تحول قابل مشاهده است. به گونه ای که از الزام و اجبار هنجاری که از سطح جامعه در قبال ذیو هلی بیوفیو چهره به چهره ه می گردید که وقت فشار هنجاری و سنی مؤثری زودتر تن به ازدواج دهد کاسته و تبدیل به اختیار و گزینش فردی شده است. به عبارتی به خواست های بزرگانه تبدیل به درخواست های جداگانه در زمینه ازدواج گردیده است.

در واقع میل به ازدواج از اصلی ترین و مهمترین نیازهای نوع انسانی در جامعه بشری است و چه بسا **دختران و پسران** که امید و آرزوی خود را در زندگی فردا می جستند حالا آن را پیش روی دارند و درصدد بهره برداری صحیح و دلپسند از زندگی می باشند. با این تفاوت که خانواده های امروزی در مسیر تحولاتشان با دو تحول عمده ساختاری و کارکردی در این زمینه درگیر شده اند. **تحول ساختاری** بر این مبنا که حوزه ساختاربندي قدرت در خانواده را تعیین می کند و **حوزه کارکردی** به وظایفی که خانواده در طول حیات خود بر عهده داشته است اشاره می کند. در راستای این تحولات است که جامعه شناسان مسیر تحولات خانواده را از خانواده های «گسترده» به «هسته ای» شناسایی کرده اند. به گونه ای که خانواده ی گسترده متشکل از اشخاصی است که به علت بستگی های نسبی و خونی با یکدیگر مرتبط هستند و فرزندان همراه خانواده هایشان با پرداختن به حرفه و کار پدر در کنار هم به طور دسته جمعی زندگی می کنند؛

در حالي که خانواده هسته اي (که فقط از شوهر، زن و فرزندان تشکیل شده) ديگر توان نگهداري از فرزندان ازدواج کرده را ندارد و از طرفي فرزندان نيز تمايلي به سکونت در خانواده هاي پدري ندارند و زندگي مستقل و دور از خانواده را ترجيح مي دهند. با اين نگاه به خانواده و آسيب شناسي تحولات آن مي توان مسئله تأخير سني ازدواج را در ميان جوانان به شيوه نويني تبين نمود. چرا که آنچه در جامعه امروزي ما مشهود است صحبت از تحول خانواده به سوي خانواده هاي هسته اي و در برخي مناطق در مرحله ي گذار از اين وضعيت مي باشد. با اين توضيح مسئله تأخير سني ازدواج و ساير مسائل از قبيل افزايش **طلاق** و ... را مي توان در نوع ساختار و کارکرد نهاد خانواده آن هم در بعد هسته اي تشریح نمود. چرا که نگاهی به گذشته خانواده هاي گسترده در ايران بيانگر آن است که زودرسى سن ازدواج و منع اجتماعي طلاق و تکیه بر ازدواج هاي درون همسري از مسائل خانواده در آن زمان بوده است ولي امروزه در خانواده هاي هسته اي با تأخير سني ازدواج، تکرار و افزايش طلاق و تکیه بر ازدواج هاي برون همسري مواجه هستیم. در واقع حرکت از اين مرحله ما را به سوي تطور در همسر گزيني در خانواده ها رهنمون مي سازد و بر اين اساس مي توان محوره‌اي عمده اي را که اقدام به ازدواج را در جامعه ممکن و مسئله ساز مي نمايد تشریح نمود .

اين محورها عبارت اند از:

1- الزام يا اختيار اجتماعي در ازدواج



تحول در ساخت خانواده هاي « گسترده » به « هسته اي » نکته اي است که تأثير آن در زمينه الزام يا اختيار اجتماعي در ازدواج قابل مشاهده است. به گونه اي که از الزام و اجبار هنجاري که از سطح جامعه در قالب نيروهاي بيروني و چهره به چهره موجب مي گرديد که فرد تحت فشار هنجاري در سنين مقرر يا حتي زودتر تن به ازدواج دهد کاسته و تبديل به اختيار و گزينش فردي شده است .

مفهوم واقعي ازدواج ، پذيرش يك پايدار جديد است. پايداري با مجموعه جديدي از امتيازات و الزامات و نيز پذيرفته شدن از سوي افراد جامعه. اين پذيرش از طريق نوعي توليد اجتماعي به نام شعائر و مراسم ازدواج انجام مي گيرد. مراسم ازدواج وسعت هاي مودت با آن در حقيقت ابزاري اند که اين نقش را علني مي سازند و بزرگواران تبليغ مي کنند. هم زمان حيت که دو فرد در حال سرگيري ازدواج با يکديگر هستند تا آنها را به جامعه معرفي کند و از حيت ديگر عده اي را به تدريج جامعه پذير نمايد تا آماده پذيرش اين نقش در جامعه شوند .

به عبارتی بازخواست های بزرگانه تبدیل به درخواست های جداگانه در زمینه ازدواج گردیده است. این وضعیت موجب می گردد که براساس آن زوجین در آنچه به عنوان بزرگترین اقدام در تعیین سرنوشت شان تلقی می شود حق تصمیم گیری و انتخاب به خودشان واگذار می شود (نقش والدین را) تا حد تأیید نهایی تقلیل می دهند. در حالی که در گذشته عمدتاً خانواده ها مبادرت بدین کار می کردند. در واقع در حال حاضر روی آوردن جوانان به ازدواج با فشار اجتماعی کمتر از سویی خانواده ها و نیز اختیار بیشتر خود آنها همراه است.

این کاسته شدن در الزام موجب به تأخیر افتادن **سن ازدواج** می شود. از طرفی دور ماندن جوانان از خانواده، زندگی در شهر و یا کشورهای خارجی و تحصیلات، به این تأخیر دامن می زند و بر تعداد افراد مجرد در جامعه افزوده می گردد.

- 2 تأیید یا عدم تأیید اجتماعی در ازدواج

نکته دیگر این که مفهوم واقعی ازدواج، پذیرش يك پایگاه جدید است. پایگاهی با مجموعه جدیدی از امتیازات و الزامات و نیز پذیرفته شدن از سوی افراد جامعه. این پذیرش از طریق نوعی تأیید اجتماعی به نام شعائر و مراسم ازدواج انجام می گیرد. مراسم ازدواج و سنت های مرتبط با آن در حقیقت ابزاری اند که این نقش را علنی می سازند و درباره آن تبلیغ می کنند. هم از این حیث که دو فرد در حال سرگیری ازدواج با یکدیگر هستند تا آنها را به جامعه معرفی کند و از حیث دیگر عده ای را به تدریج جامعه پذیر نماید تا آماده پذیرش این نقش در جامعه شوند. بنابراین در واقع شاید در وهله اول، ازدواج را بتوان موضوعی فردی دانست ولی واقعیت ازدواج در عین این که بین دو فرد صورت می گیرد می بایست مورد تصویب و تأیید جامعه قرار گیرد. در این باره «کلود لوی اشتروس» معتقد است که «ازدواج برخورد دراماتیک طبیعت با فرهنگ است» به عبارتی جامعه می کوشد تا نیاز زیستی انسان را مهار کند و بدان برجسب فرهنگ بزند و از طریق مراسم مختلف آن را تنظیم نماید. در این راستا تأیید اجتماعی جامعه به همراه مراسم ازدواج هنجارهایی را برای فرد در نظر می گیرد تا از این طریق زمینه پذیرش زندگی آنها را فراهم کند.

نکته مهم آن است که جوانان در رعایت هنجارهای مرتبط با مراسم و جشن های ازدواج با تفریط و ابهام روبه رو شده اند و یا برای گریز از آن به هنجارگرایی فردی دست می زنند. تغییر در معیارها و ارزش های خانواده موجب گردیده است افراد در طیف وسیعی از مراسم و جشن های ازدواج روستایی، شهری و مدرن گرفتار آیند که خود انتظارات متفاوتی را از سوی طرفین طلب می کنند. بنابراین وجود جشن های اجتماعی زیاد، متفاوت و در برخی موارد متناقض و رعایت آنها از سوی جوانان، ازدواج را با تأخیر روبه رو می سازد که در قالب ایرادات و اشکالات خانواده ها خود را نشان می دهد که رعایت هر يك از آنها زوجین را متحمل هزینه های فراوانی می نماید.

- 3 حمایت یا عدم حمایت اجتماعی در ازدواج

در زمینه انجام ازدواج اگر پشتیبانی و حمایت خانواده از لحاظ فکری و اقتصادی صورت نگیرد بر تعداد افراد مجرد در جامعه افزوده می شود. به عبارتی هر چه هزینه های حمایت اجتماعی خانواده در قالب کمک هایی چون : فراهم آوردن زمینه های ازدواج، همسریابی، رفتن به مراسم خواستگاری و پا پیش نهادن و ... از سوی والدین و دیگر اعضای خانواده، بیشتر باشد فرآیند همسرگزینی زودتر و راحت تر صورت می گیرد؛ در حالی که به نظر می رسد در برخی موارد هر چه اقدام به ازدواج به صورت فردی و برخلاف نظر خانواده ها صورت گیرد، شخص می بایست هزینه اقتصادی بیشتری را از قبیل دادن مهریه بالا، گرفتن مراسم و جشن های فراوان در جهت جبران حمایت های خانوادگی قبول کند. در بعضی از موارد می توان گفت واگذاری بعضی از چنین حمایت هایی به سایر مؤسسات آموزشی و اقتصادی، عقب نشینی خانواده را در انجام این وظایف میسر نموده است. مانند جشن های ازدواج دانشجویی که به شیوه های حمایت های تشویقی، ترغیبی، مالی و حتی مشاوره ی همسریابی توسط برخی مؤسسات آموزشی و دانشگاهی به خاطر فقدان یا غیبت چنین کارکردی از خانواده است که پذیرای چنین غرامتی شده اند. پس در این باره می توان نتیجه گرفت هر چه خانواده فرزندان خود را از حمایت های اجتماعی محروم سازد می بایست منتظر به عقب افتادن ازدواج آنها باشد و فرزندشان از لحاظ اقتصادی با مشکل روبه رو شود .

در پایان می توان نتیجه گرفت تغییرات در ساختار و کارکرد خانواده ها در جامعه ما موجب گردید که در طول مرحله گذار يك سري از کارکردهای خود را از دست بدهد و به نهادهای دیگر بسپارد. در اینجا است که نباید دیگر انتظار داستان هایی را داشت که عقد دختر و پسر عموها را در آسمان می بندند، دیگر «خون بس» کارآمد نیست، مراسم خواستگاری مبتنی بر طایفه و اقوام نمی باشد؛ بلکه عواملی چون تحصیلات، استقلال مالی و فکری و باز شدن فضاهای اجتماعی و خانوادگی موجب شده است که اکثر ازدواج ها با تأخیر فراوان و به صورت مستقل باشد، دختران در زمان ازدواج بیشتر از پسران تحصیلات داشته باشند، پسرانی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین با دخترانی در طبقه اجتماعی بالا ازدواج کنند و ... اینها همه مؤید به هم ریختگی در نوعی از معیارهای همسرگزینی در جامعه است که نه راه بازگشت به معیارهای سنتی وجود دارد و نه معیارهای مناسبی با توجه به این وضعیت جدید قابل شناسایی هستند. ولی امید است در این به هم ریختگی و ابهام در معیارهای همسرگزینی، راهی برای خروج از این بحران پیدا شود تا در آینده سامان هنجاری ازدواج شکل نوینی به خود گیرد و از شدت آسیب های اجتماعی ناشی از تأخیر سنی ازدواج در جامعه بکاهد.

منابع:

- 1- ساروخانی، باقر، جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش، 1375
- 2- غیثی، احمد، معیلهای همسرگزینی و دلجو، بن دشتی، پایا نامه دور ه کاوش ملی، دانشگاه مازندران 1377.

معیارهایی که برای انتخاب همسر باید در نظر گرفت



از زمان هاي خيلي دور همواره اين سؤال بين روان شناسان خانواده مطرح بوده است که آیا شباهت ها باعث به وجود آمدن ازدواج موفق مي شود يا تفاوت ها؟

پژوهش هاي به عمل آمده نشان مي دهد که با ثبات ترين ازدواج ها آنهايي هستند که زن و شوهر بيشترين شباهت ها را با هم داشته اند. استفن وايت معتقد است: «با توجه به بررسي هاي باليني، شباهت هاي اخلاقي و شخصيتي زن و شوهر روي موفقيت ازدواج آنها نقش تعيين کننده اي دارد،» ميزان بي ثباتي و طلاق در زوج هاي به هم شبیه، کمتر مشاهده مي شود. با توجه به نتايج به دست آمده، نداشتن شباهت با بي ثباتي و طلاق همراه است. بعضي از روان شناسان شباهت هاي موجود بين زوجين را در حکم سپرده بانكي تلقي مي کنند و اشاره مي کنند اگر ميزان سپرده بانكي شما رقم بزرگي باشد و ميزان بدهي بانكي شما کم باشد در آن صورت در مقابل بحران هاي اقتصادي بهتر مي توانيد مقاومت کنيد و به نحو احسن مي توانيد احساس امنيت نماييد، ولي اگر ميزان بدهي هاي شما نسبت به سپرده بانكي کم باشد به همان نسبت احتمال اين که دچار مشکل شويد زياد خواهد بود.

اين تشبيه نشان مي دهد که هر قدر تشابه بين زوجين بيشتر باشد به همان نسبت احتمال اين که دچار بحران شوند زياد خواهد شد، سؤالي که در اينجا مطرح مي شود اين است که وجود کدام یک از تشابهات مطلقاً براي ازدواج لازم هستند؟

هوش: اگر **هوش زن و شوهر** به یک اندازه باشد رابطه **زناشويي** با گرفتاري کم تري روبه رو مي شود. توجه داشته باشيد که «تحصيلات» ملاک نظر نيست چرا که بعضي از اشخاص بسيار باهوش به هر دليل ممکن است به کالج و دانشگاه راه پيدا نکنند. منظور اين است که زن و شوهر به لحاظ **بهره هوشي** بايد در یک ردیف قرار داشته باشند، بايد بتوانند اشياء و امور را به یک شکل ببينند و درباره آنها به یک شکل صحبت کنند. اگر يکي از طرفين ازدواج اغلب گمان مي کند که همسرش متوجه منظور او نشده است، شرايط خوشايندي بين آنها برقرار نمي شود.

بررسي هاي به عمل آمده نيز نشان مي دهند، اگر **بهره هوشي زن و شوهر** در یک ردیف يا نزديک به هم باشد ثبات ازدواج بيشتر مي شود.

تست هوش 30 دقيقه اي

ارزش ها: لازم است که زن و شوهر درباره بسیاری از ارزش ها وحدت نظر داشته باشند. مثلاً مهم است که زن و شوهر درباره معنویات و یا زندگی خانوادگی اختلاف نداشته باشند. اگر در این زمینه ها وحدت نظری وجود نداشته باشد، بروز اصطکاک میان آنها حتمی است.

علاقه: اگر زن و شوهر در بسیاری از زمینه ها علاقه مشترک داشته باشند زندگی به کامشان شیرین می شود. در این میان هر چه تنوع علاقه مشترک بیشتر باشد بهتر است.

توقع از نظامات خانوادگی: زن و شوهر بایستی درباره وظایف و مسئولیت های یکدیگر در رابطه زناشویی وحدت نظر داشته باشند. طرز فکر افراد در این زمینه کلاً به دو نوع تقسیم می شود. بعضی از افراد در مورد وظایف و مسئولیت های زن و شوهر به طور سنتی فکر می کنند بدین معنا که مدیریت داخلی منزل به عهده زن است و مرد نیز به عنوان مدیر بیرونی منزل، یا نان آور خانواده تلقی می شود. فردی که در این زمینه به طور سنتی فکر می کند باید با فردی ازدواج کند که با او همفکر است. اما اکنون که **نقش های زن و مرد** دستخوش تغییرات زیادی شده است، عده ای معتقد به تساوی حقوق بین زن و مرد هستند و وظایف و مسئولیت های مشابهی نیز برای آنان قائل می شوند. افرادی که این اعتقاد را دارند باید با همفکران خود ازدواج کنند. سؤال دیگری که مطرح می شود این است، تفاوت های مسئله ساز کدام ها هستند؟ یا به عبارت دیگر، چه تفاوت هایی می توانند به خوشبختی زندگی زناشویی آسیب برسانند.



در پاسخ به این سؤال باید گفت وجود اختلافاتی که می توانند به خوشبختی زندگی زناشویی لطمه بزنند عبارت اند از:

1 - میزان انرژی: وقتی یکی از طرفین ازدواج پر انرژی باشد و در مقابل همسر او کم انرژی این افراد با مشکلات عدیده ای برخورد می کنند. اختلاف در میزان انرژی در زمینه های مختلف خود نمایان می شود که از جمله می توان به معاشرت های اجتماعی، فعالیت های مذهبی و غیره اشاره کرد. در انجام فعالیت های مربوط به خانه نیز سطح انرژی میان زن و شوهر اغلب مسئله ساز می شود، مثلاً ممکن است زن بخواهد کارهایی را در روزهای تعطیل آخر هفته در منزل انجام دهد و شوهر علاقه مند باشد که پای تلویزیون بنشیند یا روزنامه بخواند.

2 - عادات شخصی: وقتی زن و شوهر عادت های شخصی متفاوتی داشته باشند، به تدریج وحدت میان آنها رو به نقصان می رود. از جمله عادت های مسئله ساز می توان به این موارد اشاره کرد: **وقت شناسی، نظم و ترتیب، وابستگی ، احساس مسئولیت ، ...** می توان به عادات شخصی متعددی اشاره کرد که زن و مرد باید قبل از ازدواج به آن توجه داشته باشند. مثلاً اگر یکی از آنها سیگاری باشد و دیگری نه ، این اختلاف می تواند در رابطه زناشویی آنها دردسر ساز شود. اگر یکی از آنها به خوردن غذاهای مقوی و مغذی علاقه مند باشد و دیگری به این که چه می خورد بها ندهد، مشکلاتی در زندگی زناشویی ایجاد می کند.

3 - استفاده از پول: بسیاری از زوج ها در اثر نداشتن توافق بر سر **مسائل مالی ،** دچار مشکل می شوند. یکی به فکر آینده است و می خواهد پولش را پس انداز کند و دیگری به خرج کردن پول و خوش بودن در لحظه حال علاقه مند است. یکی معتقد به ریسک کردن است و دیگری فکر می کند که باید به تدریج و با ضرب اطمینان بالا بر دارایی های خود بیفزاید. یکی می گوید درآمد را باید خرج فرزندان کرد و دیگری می خواهد پول را نگه دارد. اختلافاتی از این قبیل می تواند شیرازه زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد، به همین دلیل لازم است که قبل از ازدواج در این موارد بیشتر موشکافی شود.

4 - علایق و مهارت های کلامی: اگر یکی از طرفین ازدواج زیاد حرف بزند و دیگری کم حرف باشد چه مشکلی پیش می آید؟ اگر زن یا مرد علاقمند به گفت و گو و دیگری خواهان سکوت باشد، **استرس** فراوانی ایجاد می شود.

اگر کسی به هنگام صرف غذا علاقه مند به صحبت باشد و همسرش بخواهد به هنگام صرف غذا سکوت کند و یا اگر یکی از طرفین ازدواج به صحبت تلفنی طولانی علاقه مند باشد زمینه های اختلاف را پایه ریزی کرده اند.

سؤالی که با توجه به مسائل فوق مطرح می شود این است اگر افرادی با هم ازدواج کنند که در موارد فوق اختلاف داشته باشند چه ویژگی را باید در خود بهروراند تا بتوانند به زندگی زناشویی ادامه دهند؟

در پاسخ باید اشاره کرد، **اگر زوجین دارای ویژگی انعطاف پذیری باشند می توانند به جای این که تحت تأثیر اختلافات قرار بگیرند با تفاوت ها کنار بیایند و برای حل مشکلات راه حل مناسب پیدا کنند.**

دوران نامزدی



يکي از اموري که در زندگي مشترک نقش حساسي دارد، « دوران نامزدي» است . اگر با اين دوران ، با ظرافت و ماهرانه برخورد شود و به وظايف مخصوص آن عمل شود، مي تواند در بالندگي و پرياري و استحکام دوران هاي بعدي ، تأثير عميقي داشته باشد.

سخن عاميانه اي بين مردم هست که مي گويد : « **یک روز دوران نامزدي ، بهتر از یک سال دوران بعد از عروسي است!**» اين سخن ، هر چند مبالغه آميز است، اما حقيقت مهمي را بيان مي کند ؛ واقعاً دوران نامزدي از جهاتي مهم تر و شيرين تر و پُر بارتر و لذت بخش تر و سازنده تر از دوران پس از عروسي است و مي توان در اين دوران ، شالوده و پايه هاي زندگي آينده را بنا نهاد .

منظور ما از « دوران نامزدي » ، فاصله ي بين عقد و عروسي است . يعني عقد صورت گرفته باشد و يا اگر طرفين براي عقد دائم آمادگي ندارند و مي خواهند در فرصت و مناسبي خاص و با برپايي جشن، **عقد** کنند ، مي توانند عقد موقت بخوانند تا زمان عقد دائم فرا رسد . عقد موقت ، قانون و شرايط مخصوصي دارد که بايد رعايت شود و يکي از شرايط آن اين است که : حتماً بايد با اجازه ي پدر دختر باشد (مانند عقد دائم).

وظايف دختر و پسر در اين دوران

1- افزايش شناخت نسبت به يکديگر، براي تفاهم بيشتر

هر چند دختر و پسر، در مرحله ي گزينش ، بايد شناخت کافي نسبت به هم پيدا کرده باشند اما علاوه بر آن شناخت ، بايد در دوران نامزدي ، آشنائي ملموس تر و محسوس تر و بيشتر از يکديگر پيدا کنند و با روحيات و اخلاق و ديدگاه هاي هم بيشتر آشنا شوند. در حقيقت ، اين آشنائي و شناخت در دوران نامزدي ، تکميل کننده ي شناخت مرحله ي گزينشي است، آن گاه در پرتو اين آشنائي نزديک و کامل ، خود را براي تفاهم و سازگاري در زندگي مشترک ، آماده مي کنند. آن شناخت ، براي «انتخاب » بود و اين شناخت ، براي « **تفاهم و سازگاري**».

2- اصلاح و تربيت

اگر کسي صفت و خصوصيتي را در نامزدش مشاهده کند که مورد پسندش نباشد و بخواهد آن را برطرف و يا اصلاح کند ، يا صفت و حالي را در او ايجاد کند، بهترين دوران براي اين « اصلاح و تغيير و تربيت »، دوران نامزدي است. چون هنوز روابطشان عادي نشده و نسبت به هم احترام و محبت خاصي قائلند . در نتيجه پذيرششان از همدیگر

بیشتر است و زمینه ی تحول و تغییر و اصلاح ، مساعدتر. (اما نباید از یاد برد که نمی توان فردی را که سال ها به شیوه و عادت خاصی خو گرفته ، اساساً و به طور کلی تغییر داد و متحول کرد؛ بنابراین ، منظور اصلاح و تغییر در اصول بنیادین فرد نیست)



3- افزایش محبت

از شرط های اصلی **سعادت در زندگی زناشویی** ، « محبت » است و زمینه ی آن باید **قبل از عقد** فراهم شده باشد. اما دوران نامزدی ، بهترین فرصت برای افزایش و تحکیم محبت است. رفتار و گفتار و تمام اعمال نامزدها، در افزایش محبت و یا کاهش آن ، مؤثر است.

بنابراین ، **دختر و پسر** باید کاملاً مواظب اعمال خود باشند و از هر عمل پسندیده ای که باعث افزایش محبت می شود، کوتاهی نکنند و از کارهایی که موجب دلسردی و کاهش محبت می شود، اجتناب کنند.

4- بها دادن به احساسات و عواطف یکدیگر

نامزدها باید مواظب عواطف و احساسات یکدیگر باشند و به آن بها و جواب مناسب دهند. بعضی از نامزدها، به عواطف و احساسات لطیف نامزدشان ، بها لازم را نمی دهند و به او «بی اعتنائی» می کنند و خیال می کنند این کارشان باعث عزیزتر شدنشان می شود! حال آنکه کاملاً برعکس است و چنین رفتاری باعث جریحه دار شدن عواطف نامزدشان می شود و در نتیجه کینه ی او را به دل می گیرد و ممکن است لطمه های سنگینی به زندگی شان بزند.

خاطرات دوران نامزدی – معمولاً – تا آخر عمر در ذهن می ماند و در زندگی آینده تأثیر دارد (چه خاطرات شیرین و چه تلخ).

بنابراین ، رفتار نامزدها باید کاملاً حساب شده باشد و از اعمالی که به غرور و شخصیت یکدیگر لطمه می زند، اجتناب گردد. بی اعتنائی و سرسنگینی و تکبر در مقابل نامزد، لطمه های سنگینی به عواطف و **شخصیت** او می زند.

متأسفانه فراوان مشاهده می شود که پسران جوان از بی اعتنائی و سرسنگینی نامزدشان گله و درد دل دارند و – مثلاً – می گویند : « هدیه ای برای نامزدم گرفتم و با

هزار امید و آرزو به دیدارش رفتم ، اما او بی اعتنایی و بی احترامی کرد و مرا تحویل نگرفت و با دلی شکسته و پر خون از منزلشان بیرون آمدم...»

دختران متدین و با عفت بدانند که این کارها، لازمه ی تدین و عفت نیست ، بلکه حرام است.

معنا ندارد که دختر، در مقابل نامزدش که به او محرم است و در حقیقت شوهر اوست ، خود را مخفی کند و به او بی اعتنایی نماید ! بله، این را قبول داریم که : دختران عفیف و با حیا در اوایل دوران نامزدی ، خجالت می کشند و نمی توانند با نامزدشان رفتاری خیلی صمیمی و محبت آمیز داشته باشند؛ پسران هم باید رعایت حال آنان را بکنند؛ اما این حالت و خجالت باید به زودی برطرف گردد و رابطه شان صمیمی و پر محبت ، و در عین حال همراه با احترام متقابل باشد .



5- هدیه دادن

« هدیه » در جلب دل ها و افزایش محبت ها ، نقش عجیبی دارد. بر نامزدها لازم است که از این نکته ی زیبا و مهم غفلت نکنند.

لازم نیست که هدیه ، گران قیمت باشد، بلکه لازم است زیبا و مورد علاقه ی طرف باشد و مهمتر آن که : « با ظرافت داده شود!». هدیه دادن ، ظرافت و سلیقه ی خاصی را می طلبد!

این هم فراموش نشود که : هدیه دادن باید از دو طرف باشد، نه این که فقط پسر به دختر هدیه بدهد . البته پسر باید بیشتر بدهد!

6- نامه نگاری های محبت آمیز

نوشتن نامه های پر محبت و با صفا ، تأثیر نکویی در افزایش محبت و استحکام رابطه ی بین نامزدها دارد. حتی اگر دو نامزد به هم نزدیک باشند و همیشه یکدیگر را ببینند، باز هم نوشتن نامه تأثیر خود را دارد. نامزدها می توانند نامه ها را بنویسند و پس از ملاقات و هنگام جدا شدن از هم ، نامه ها را به یکدیگر بدهند. البته هرگاه مسافرتی پیش آمد و از هم دور شدند ، نامه ها باید بیشتر و مفصل تر شود.

همسراني را مي شناسم که پس از گذشت سال ها از زمان ازدواجشان ، هنوز نامه هاي دوران نامزدي را نگه داشته و مطالعه مي کنند و برايشان خاطره انگيز و لذت بخش است !

7- ملاقات هاي صميمانه

دو نامزد بايد در اين دوران شيرين و به ياد ماندني ، ديدارهاي دوستانه داشته باشند. اين ملاقات ها ، اميد و شور و علاقه را درهر دو تقويت مي کند. اين کار نه تنها خلاف عفت نيست ، بلکه باعث تقويت عفت در هر دو مي شود. در اين ملاقات ها ، با يکديگر صحبت هاي محبت آميز داشته باشند و به هم **عشق** و **علاقه** و محبت نشان دهند و درباره ي زندگي آينده شان گفت و گو کنند ؛ به هم دل گرمي و اميد بدهند و باهم به گردش و تفريح و مسافرت بروند.

در آستانه ي ازدواج (قسمت اول)



اين مطلب در 28 قسمت ارائه مي شود.

ضرورت مشاوره: انسان و نوازگي مواجبا شنگ ز يي ميشودکه بهطل مختلف قادر به تصميم گيري و پيدا کردن مناسبترين راه حل نمي باشد. بنابر اين ياري خواستن از افراد واجد شرايط مي تواند در حل مشکل و تصميم گيري مناسب کارساز باشد. نمونه هايي از مشكلاتي که افراد با آن مواجه مي شوند؛ عبارت اند از:

-گزينش يك راه از بين چند راه ؛

-وقوع حوادثي نظير مرگ پدر، مادر و ساير اقوام؛

-از دست دادن شغل يا موقعيت هاي ديگر؛

-مشكلات مالي؛

-مواجه شدن با شکست ها؛

-روبرو شدن و عدم پیشرفت در حد مورد نظر؛

-مسائل تربیتی فرزندان؛

-مسائل خانوادگی و ...

افسان ویل مولچه با هر يك از مشکلات فوق و یا مشکلات مشابه دیگر، دچار اضطراب و نگرانی یا تشویش و تصمیدگی می شود و دیو دلدزا دیگران را خواهد. هک دهندگان ممکن است بزرگان قوم، دوستان و یا همسایه ها باشند. هیچ کدام از افراد فوق الذکر صلاحیت خاصی و همچنین کلی ندارند؛ آن که می تواند با استفاده از روش ها و فنون مشاوره و داشتن صلاحیت های دیگر به چنین افرادی کمک کند؛ مشاور است. بنابراین در برخورد با مشکلات مراجعه به مشاور اهمیت ویژه ای دارد که نتیجه اش تسکین ناراحتی، رفع مشکل و گزینش مناسب می باشد.

مشاوره برای گزینش مناسب

هو فرآیند زندگی مواردی است که فرد باید از بین چند راه يك راه را انتخاب نماید. گزینش يك راه را بین چند راه چنانچه با مطالعه و بصیرت انجام نگیرد؛ ممکن است نتایج مطلوبی در بر نداشته باشد. لذا کمک گرفتن از مشاور و انتخاب مناسب می تواند در توفیقات بعدی اثرات مفیدی داشته باشد. مهمترین مواردی که فرد در انتخاب با آن مواجه می شود؛ عبارتند از:

-انتخاب مواد درسی (برای دانشجویان و دانش آموزان) ؛

-انتخاب رشته تحصیلی؛

-انتخاب شغل؛

-انتخاب در مواردی که چند راه جلوی فرد قرار دارد؛

-و از همه مهمتر انتخاب همسر برای ازدواج.

انتخاب همسر به اندازه ای که زندگی مهم است که انتخاب مناسب آن، بیمه کننده سعادت فرد می باشد.

لزوم مشاوره در همسرگزینی

طفاً به یاد داشته باشید روبرو شده اید که پس از ازدواج با مشکلات زیادی مواجه شده اند. گاه کافی خانواده به قوی ناراحت کننده و متشنج است که تنها راه حل، طلاق و جدایی است و طلاق خود نیز عواقبی نابهنجار به دنبال دارد.

-زن و شوهری که از نظر فرهنگی فاصله دارند؛

-زن و شوهری که از نظر درجه تحصیلات اختلاف دارند؛

-زن و شوهری که معتقد به ادیان متفاوت می باشند؛

-زن و شوهری که از نظر اجتماعی در طبقات متفاوتی قرار دارند؛

-زن و شوهری که وضع مالی متفاوتی دارند؛

-زن و شوهری که توافق اخلاقی ندارند و ...

چنین افرادی روزگاری نمی‌توانند همدیگر را نمایند و نتیجه زندگی‌شان بدترین خانوادگی بهره‌ای نمی‌برند.

شکلی خانواده و صورت موفقیت، سعادت و در صورت عدم موفقیت، ناراحتی و مشکلات زیادی به دنبال دارد که اهمیت مشاوره قبل از ازدواج را تأیید می‌نماید.

و مشاور می‌تواند به مراجع (مراجع‌کننده) کمک می‌شود؛ تا منبذترین هسر را از قبل کند؛ بنا بر این مشاور باید نسبت به شناخت زوجین و خانواده‌های آنان و تمام عواملی که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد؛ اقدام کند و مراجع را در جهت‌هایی که زوجین هماهنگی بیشتری داشته باشند؛ هدایت نماید. مشاور ازدواج باید صلاحیت لازم را داشته باشد تا از عهده این امر مهم بر آید.



شرایط مشاور در امر ازدواج

مشاور ازدواج، باید اولاً شرایط مشاور راهنمایی را دارا باشد؛ ثانیاً در زمینه‌ی مشاوره‌ی خانواده مطالعه و تجربه داشته باشد؛ ثالثاً در مورد ازدواج که بهی از مشاور خانواده است؛ کار کرده باشد.

در زوج‌های و مدت‌ها؛ اما مشورت باید و لاجدشوا می‌باشد. معمولاً کسی که می‌خواهد ازدواج کند، پدر، مادر و بزرگان فامیل را در جریان می‌گذارد و با آنان مشورت می‌کند. گاه نیز از روحانیون، و سالخورده‌گان نظر خواهی می‌شود و بالاخره بعضی به استخاره

نیز روی می آورند. به هر حال چون ازدواج امر مهمی است؛ معمولاً مشاوره و کنکاش در آن مطرح است؛ و لی طرف مشورت غالباً و جدشوا نیست. پدر، مادر، پسر بزرگ، مادر زیاده، خاله، زین و والدین و جدشوا هیچ کدام را نباید مشاوره و لین امر مهم نیستند. مشاور زوج باید روانشناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت و از همه مهم‌تر روانشناسی جوان و جوان را بداند و به اصول و فنون مشاوره آشنا باشد و در زمینه مثل خانواده و به ویژه مشاوره ازدواج تجربه داشته باشد. چنین فردی باید حداقل دارای درجه فوق لیسانس و مشوره با تخصص خانواده و زوج باشد همچنین صلاحیت های شخصیتی و اخلاقی لازم را ولد باشد؛ تا از عهده این امر مهم بر آید. بعضی از افراد ظاهر می‌دارند زوج یکمدت ممدی (ص) است؛ چه بهتر که بدون تشریفات و بررسی هلیو نگیر انجام شود؛ و چنانچه ناسازگاری یا مشکلی وجود داشت؛ مشاوران خانواده در رفع آن اقدام کنند. پاسخ آن است که پیشگیری ساده تر از درمان است و علاج واقعه قبل از وقوع بلند کرد. چنانچه در امر ازدواج مطالعات و بررسی های لازم بر اساس اصول مربوط انجام گیرد؛ مشکلات و ناسازگاری های بعد از ازدواج به شدت کاهش خواهد یافت و در نتیجه روان درمانی های وقت گیر به حداقل خواهد رسید.

نقش مشاور و مراجع در مشاوره ی ازدواج

جوانی که می‌خواهد زوج کند؛ معمولاً با افراد دیگر مشورت می‌کند. از مواردی که باید بنظر توجه کند؛ آن است که برای مشورت، فرد واجد شرایطی را انتخاب کند. چنانچه مشاور انتخاب شد صلاحیت لازم را نداشته باشد؛ چه بسا که او را به سویی هدایت کند که نه تنها مشکلی از او حل نکند، بلکه مشکلات دیگری نیز برایش ایجاد نماید. موارد مراجعه در مشاوره ازدواج انواع مختلفی دارد؛ که به ذکر نمونه هایی مبادرت می‌شود:

- دخترانی که خواستگاران متعددی دارند و می‌خواهند از بین آن‌ها یکی را انتخاب کنند؛ کمک مشاور به این گونه مراجعین انتخاب احسن است. انتخاب احسن زمانی صورت می‌گیرد که اطلاع لازم را مراجع و خواستگاران هر یک و بعضی‌ها آنرا با هم می‌نگردند. فردی که خصوصیات وی با مراجع هماهنگی بیشتری داشته باشد؛ انتخاب احسن خواهد بود.
- پداری هستند که دختری را به نظر گرفته و درباره ی وی بررسی ها و تحقیقات لازم را انجام داده اند؛ و به این نکته رسیده اند که او انتخاب مفیدی است؛ ولی می‌خواهند در این زمینه ظمندان لازم را به دست آورند. مشاور باید ضمن کسب اطلاعات و بررسیهای مورد نیاز به مراجع ظمندان بخشد که گزینی انجام شده مناسب است و در صورتی که نامناسب تشخیص دهد؛ آگاهی و اطلاعات لازم را به مراجع بدهد و او را در تصمیم گیری مناسب کمک کند. همین حالت می‌تواند در مورد دختر در رابطه با پسر نیز مطرح باشد.
- پسران و دخترانی هستند که وی را انتخاب همسر تحت فشار پدر و مادر یا سایر اقوام قرار دارند؛ و کمی را می‌جویند که آنان را در مقابل عوامل فشار کمک کند. در این موارد مشاور

باید با پدر و مادر و سایر عوامل فشار دیگر، جلسات مشاوره ای داشته؛ آنان را در رابطه با عواقب ازدوایجایی که با اکراه همراه است؛ بصیرت دهد و بالاخره کار را به جایی برساند که آنها، به دختر و پسر در انتخاب همسر آزادی بیشتری بدهند.

- پسوانی هستند که به بهانه ی ازدواج با دختری رابطه برقرار می کنند؛ ولی واقعیت آن است که آنها قصد زوج شدن دارند. این گونه پسران پس از مدتی دختر را رها کرده؛ به سراغ دختر دیگری می روند. و این مورد چون نگران از نظر آبرو و حیثیت آسیب پذیرترند؛ باید به آذین و رابطه با این موارد آگاهی لازم داده شود تا با شناخت اولیه، این گونه پسران را ترک کنند و به آنان اجازه تماس های بعدی را ندهند؛ و به علاوه والدین خود را در جریان بگذارند. یکی از وظایف مشاوران، دل آگاهی و پیگیری زووقعیست که گول و رابطه با جوانان و نوجوانان می باشد.

- دخترانی هستند که خواستگاران داشته اند؛ ولی به علی آنها را رد کرده اند؛ و به همین علت به سنی رسیده اند که دیگر خواستگار مناسبی ندارند و به اصطلاح پیر دختر شده اند. این گونه دخترم به مشغول و لجه می نمایند و راه چاره ای را برای خواستگار جدید طلب می کنند. مشغول و قبالا ن گونه مراجعان که احتمالاً در انتخاب همسر مناسب سختگیر بوده اند؛ باید ره ی شوهریابی را ارایه دهد. (در این مورد در قسمت های بعد بحث خواهد شد) و به آنان تفهیم نماید که فکر ایده آلی هیچ گاه تحقق نمی یابد. همه چیز نسبی است و انتخاب باید با تعدیل و انعطاف انجام گیرد.

آیا زن باید همیشه رب النوع زیبایی باشد؟ (قسمت اول)



کاربر محترم این مطلب در دو قسمت ارائه خواهد شد.

گویی زانقل که کار بیرون را خانه دل ندهد قتی به خله می آیند مشغول انجام کارهای خانه می شوند و گاهی انجام کارهای بیش از حد در خانه و خستگی بیرون از خانه باعث می

شود آنها به وضع ظاهر خود بي دقت شوند و برخلاف اوقات ديگر نتوانند با ظاهري آراسته و اخلاقي حش از شوهر خود استقبال كنند. گاهي زني كه بيرون از خانه هم كار نمي كند، در دحل خانه آن چنان سرگرم بچه داري و شستن و پختن مي شود كه بر اثر خستگي بيش از حد نمي تواند با ظاهري طوكشيده و لبي خندان در آستانه در ظاهر شود و از شوهرش استقبال كند و زماني هم بيماري و كسالت مانع از انجام اين وظايف مي شود و هر مرد با شعوري مي تواند آن حالات زن را درك كند، و اين مسائل را دليل بر كوتاهي در انجام وظيفه و نداشتن علاقه نيست به خود قلمداد كند. اما اين مددله و گشت مويل نبايد موجب شود كه زنان هميشه بفت بوضع ظاهري خودي توجه بكنند و بگند ظاهري و به هم منسلت و شوهر بليد قبلي كند وعده ي ديگر به بهانه خانه داري و بچه داري ، عواطف و احساسات شوهر را نادیده گرفته و نسبت به وظايف همسري خود بي توجه باشند. زيرا همانگونه كه ما از شوهران خود انتظاراتي داريم، آنها هم از ما توقعاتي دارند.

متأسفانه عده شيمي ز زني را كه كمل مودلو انتظارات شوهران عجزند. وقي صحبت را آلت بون لبس و پلكيزه بودن ظاهر مي كنيم، مي پندارند آن است كه نسبت به مسائل زننگي بي توجه بشوند تنها به ملبوس و لبس و آئين خود فكر كنند، تا بتوانند هميشه را شوهران خود پذولي نمايند. بايد در نظر داشته باشيد كه تصور شوهر از زن، يك مود خود فهميدمو كردان و با صحبت لك كه هميشه سعي دار دهر كويرا به موقع و به اقتضاي زمان و مكان انجام دهد.

متدباه نكنيد؛ ك رلي كه را صميم قل به منظور خدوني شوهر انچلم مي نهيد، با ظاهر سازي هاي فريبنده كاملاً متفاوت است و مردان دانا به راحتی قادرند اين دو را از هم تشخيص دهند. تنها محبت ، شق فداك رلي و شق صداقت در گفتار و رفتار است كه گذشت زمان قلمر نيت اش آن را زبن يرد. ظاهري ساني هلي فوينده براي هر قصد و منظوري باشند تنها چند روزي دوام دارند.



چطور به نظر می آید

شاید بپندارند که به بلید که ه لی از هستان و نلانی می گویند: "اگر می خواهید زندگی زنده بمانی بهتری داشته بلید، بلید ظاهر خود را بهتر و زیباتر کنید." اگرچه ظاهر افراد می تواند اثر مثبت و منفی عمیقی و دیگران بگذارد، اما لا زحمتش این مسئله را بیشتر و عمیق تر بررسی کنیم.

گروهی از زنان که خارج از خانه کار می کنند، در مقایسه با زنانی که تنها در داخل خانه کار می کنند ل ظاهر مرتب تر هستند. شاید این امر به صورت عادی در آمده که هر روز مجبور به انجام آن هستند و اغلب ظاهر آراسته آنان موجب می شود، ناراحتی و گرفتاری های آنان به چشم نیاید. اما شما خانم هایی که خارج از خانه کار نمی کنید، چه وقت به سر و وضع خود می رسید. آیا تنها زمانی که برای انجام کاری از خانه خارج می شوید؟ آیا تا به حال از خود پشیمانی که وقتی شوهرتان از سرکاری آید، به نظر او چطور می آید؟ آیا تا به حال به ظاهر خود و آینه نگاه کرده اید؟ آیا دیدن تصویر یک زن نامرتب در آینه برای خودتان جالب است؟

مطلب ما این نیست که آرایش کنید و وقتی شوهر از راه می آید بگویید: "من همه این کارها را برایتان کرده ام". و یا با صبر و استقامت بگویید که "به خاطر تو نبود این همه گرفتاری ندارم". یا این که به ظاهر خود بی توجه باشید، و بگویید: "به من چه که شوهرم شب می آید. من که نمی توانم هر روز خودم را برایش درست کنم". بلکه می خواهیم بگوییم اگر خواهان این گواهی زندگی موفق و شاد هستید، و به لی با یدر بلید خودتان احترام قائل باشید، و ظاهر خودتان برای "خودتان" هم مهم باشد. سعی کنید همیشه و در همه حال چه شوهر در خانه باشد یا نباشد مرتب بلید. و وقتی خود به ظاهر خود توجه داشتید و سعی کردید ل نظرها را به مرتب بلید و ل صورت است که دیدن شما در انتهای روز برایتان شوق و لذت خواهد بود. همانطور که قبلاً گفتیم، وی هرز نی اتفاق می افتد که روزی بیمار شود یا و اثر کار و مشغله بیش از حد، نتواند به وضع ظاهر خود برسد. یک شوهر عاقل و فهیمه و هه حال زن را درک می کند و محبت لازم را از او دریغ نمی کند. اما اگر قرار باشد همیشه شلخته و نامرتب بلید، خودتان و رفتارهایتان برای شوهر خسته کننده می شوید. حتی اگر تهدید به خودکشی هم کنید برای او فرقی نمی کند! باید سعی کنید تا آنجا که ممکن است مرتب و آراسته باشید.



هم لطور كه عده اي از صاحب نظران مي گويند: بسياري از زنان بعد از تولد اولين كودك خود " زن بودن " و يابه گفته ديگر " همسر بودن " خود را فراموش مي كنند و مي پندارند منظور زايك مراد خي بودن، " بي توجه به عواطف همي و شلخته بودن ملت ". اگر مي خواهيد، فرزندان خوب و زندگي موفق داشته باشيد، بايد سعي كنيد علاوه بر يك مادر خوب ، يك همسر وظيفه شناس باشيد.

ممي لستوك شك شما وقي ما اول د يگر دوت شورا مي يزد، شما را هم به نان خواهد. لگو بخواهيد و سلس خواسته هاي كودكانه آنها پيش رويد و نسبت به ظاهر و سر و وضع خود بي توجه باشيد، طولي نخواهد كشيد كه وقتي كودكتان بزرگتر مي شود با وجود اين كه مي دانند شما خود تل را وقف كرده ايد و هر طور كه او خواسته ، بوده ايد شما را به خطر نداشتن ظاهر راسته لامت مي كند و به دنبال كسي مي رود كه بتواند راجع به نحوه لبيل پوشيدن و ديگو مسائل با او مشورت كند. پس سعي كنيد در مسائل اجتماعي تا آنجا كه ممكن است با زمان جلو برويد. زيرا كودك شما هرچه بزرگتر شود، به مشاورت، مصاحبت و همفكري شم ايشه تو احتياج دارد؛ بي فواهي نكديد كه مادر و همسر خوب بودن مكمل يكديگرند.

نقش زن در زندگي مشترك

آيا زن بايد هميشه رب النوع زيبايي باشد ؟ (قسمت دوم)



خو اده يك سازملى كوك و بيبى لى دقيق و حسل سلك به حضور كمل زن و مرد به غول نو فود كاملكه درايى رشد و وي و شخصيت بشند نولمند سلت. هرگز مفهوم ازدواج زندگى مترك، پنهان شويكى و نيل عنوانه مشخص و له هك ديگرى نيست. آنچه كه لازمه يك زندگى زندگيى موفيق است احترام متقابل و تساوي حقوق زندگي بين زن و مرد سلت. حل لگزى ني خواهد در هر مورد شانه از زير بار مسؤليت ها خالي كد هرگونه اكان رشد و پرورش فكري را از خود سلب كرده است. گروهى ديگر از زنان هم همواره مردان را مورد ستايش قرار مي دهند. آنچه كه لازم است در اينجا يادآور شويم اين است كه ستايش كردن برپي برپي محاسن اخلاقي وي، هم منطقي است و هم زيبا. اما اگر بخواهيم مردان را مورد ستايش قرار دهيم فقط به اين دليل كه آنها موجوداتي از نوع مخالف ما هستند نه تنها منطقي و پسنديده نيست بلكه كاري سى لصفه مي باشد. اينگونه رفتارها يك وابستگى مداوم و سله كلى را رعاي مامي و ينو سبب مي شوهانند ليكودك در انتظار شنيدن يك كلمه ستايش لمرز و بمانيم كه شايد و هرگز به زبان هم نياورد. اگر زنى بدون عك و بي هيچ شناخت شخصيتى زبن به ستايش يك مرد گود ديگو مي تواند از حقوق مساوي و آزادي و سازندگى شخصيتي براي خودش دم بزند.

لارم سلك بد ليد مول هم ميدي اتي معالى زنان هستند، با كمى اختلافات جسمي كه لازمه تكامل زندگى بشو سلت. همانطور كه براي مردان لازم است قبل از دواج كاملاً رشد فكري و شخصيتي پيدا كنند و تخصصي را كاملاً بياموزند، براي زنان هم لازم است قبل از ازدواج كاملاً رشد فكري و شخصيتي پيدا كنند و يك تخصص را بياموزند. عده اي از زنان همواره مي پندارند كه هر آنچه و زندگي كم دارند يك مرد قادر است به راحتي به آنها بدهد. گاهي كه بود مادي است از قبيل ماشين، مسكن، يا لوازم زندگي كه مرد مي تواند به راحتي براي زن فراهم نميد. اما كه بود شخصيتي از قبيل لطيفت، وقت انقباه و تقاضاوت،

صلاحیت زنگی ، لی انگ شعی و موارد دیگر را هرگز یک مرد نمی تواند یک جا به زن بدهد. لگر مرد ، شایسته و فداکار بلند تنها در موی قادر است زن را یاری دهد. اگر به دختران پیامی ند که از هر موی و بی پرویش فکری و شخصیتی خود استفاده نمایند و زمی کاملاً آمدگی قبل سؤلتیرا داشت اقدام به رولج نماید دیگر این چنین مشکلات و نهنجیها و نیان پیش خواهد آمد. این گروه ر دختران طهاً و انتخاب همسر موفق تر بوده و بعد از قبول مسئولیت هم به نحو احسن از عهده انجام آن بر می آیند.



زاولج ، بنانهانی یک خانو له ملت و خانوله یک ملت می بد سید دق و حساس است و به اوند بالیا قتی ختیج د ردتا اموراتش را سازمان دهند. گروهی از زنان ازدواج را وسیله ای وی فر از مله بیت چودی خود می دانند و اغلب می پندارند ازدواج سبب می شود تا همه چیز به ملی آنها پیش رود. این گروه زنن هیشه به دنبال مردی هستند که آنها را در همه مسائل و مشکلات حمایت کند. گاهی هم از شوهر در ذهن خود یک قهرمان افسانه ای می سازند. می پندل د شوهر فوی ملت که می تواند یک معشوق و یک محبوب کامل باشد که با بازوهای آهنین مشکلات را یکی پس از دیگری از میان بردارد و جاده خوشبختی را برای آنان هم ل سازد. مقلد فانه ایگونه زنن و گر می تواند فوی را به عنوان یک همسر واقعی بپذیرند. زیرا توقعات بیش از حد آنان همسرانشان را تبدیل به ماشین یا ابزاری می کند که باید دائماً در پی برآوردن خواسته های آنان باشند و در بسیاری از موارد مشاهده شده است که این گونه رفتار هلی غلط زنان موجب ل هم پلیدین پیوند مقدس ازدواج می شود و هرگز نمی تواند سبب شادی و ایجاد کانون گرم پر از محبت در خانواده شود.

گروهی دیگر زنن خود را حقیر و کوچک شده و دائماً فکری کد که در چرخه زندگی ، مرد ملت که کلتی بزرگتر و بلدسلی تر را تشکیل می دهد و این احساس حقارت و بی شخصیتی وی اهمیت نه تنها قبل ل زاولج ، بلکه بعد ل زاولج هم تلفاً لها را هم می پی کند و سی ل گشت چند ماهی از ازدواج ، از خود می پرسند، چه اتفاقی افتاد؟ چرا لولج هم نوافت مرلخو شبک کند؟ چگونه لین یختی وی بی ثبی ملد؟ کدام قسمت مسئله غلط بود؟ اگر شما هم جزء این گروه از زنها هستید، چند لحظه مکث کنید و خود را بررسی کنید. هر چقدر درصد این توانایی در شما بیشتر باشد کارایی و استقلال شخصیتی

شما بیشتر خواهد بود و راحت تر درك خواهید كرد كه هیچکس سبب ساز شادي و كامل کننده شخصیت شما نیست غير از خود شما . هر چه بیشتر به خود متكي باشید راحت تر مي توانيد رك كنيد كه يك مرد شايد بعضي از احتیاجات شما را رفع كند ولي هرگز قادر نیست تمامی مشكلات شما را پاسخگو باشد. اگر فكر مي كنيد حتماً يك مرد بايد كامل كننده شخصیتتان باشد با همهي وكشش في خود قیل نیستید این كلی شخصیت را بخواهد تزیین آورد؛ زو ا مدال سلت مردی علاوه بر شخصیت فردی خودش نیمه دیگر شخصیت زنی را يك كشد تا پس از ازدواج به او دهد و كاملش كند. اگر زنی این چنین راجع به خود و مردان فكر كند هرگز نمی تواند انتخابی صحیح و منطقی داشته باشد. زیرا مردی با ظاهري آراسته و اطو كشیه ، يك دسته گلی ، يك انگشتری الماس و با لاف زدن از رشادت و مردانگی خود به راحتی می تواند او را مجنوب خود نموده و خیلی سهل و آسان با احساسات او بازی كند و سب ل متی او را همانند بالی است دوم رها کرده و منجلا ب زندگی را برایش عمیق تر و دامنه بدبختی را وسیع تر كند.

نقش عوامل سیاسی در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت سوم)



در قسمت قبل به نقش عوامل اجتماعی در ازدواج پرداختیم . اینك در ادامه می خوانیم...

منظور از عوامل سیاسی

یکی از عواملی که می تواند در اختلاف و ناسازگاری و خانواده گردد، عقید سیاسی سلت. منظور از اینش سبیلی ، طرز فکر فرد در مورد و، ه یک حکمه مسئولان اجرایی و ظلم سبیلی کشور سلت. اختلاف طرز امر سبیلی به دلای وجود زیر بنای عقیدتی ، حتی ممکن است بین پدر و مادر، فرزندان و خویشاوندان جدایی بیندازد. دیده شده است که در و ملی به عطف عقید میاسی با همه علاقه و حتی نسبت به

فرز شدنی داشته‌اند، او را از خانه طرد کرده‌اند. در زمان انقلاب در ایران موارد زیادی از این قبیل وجود داشته است. علاوه بر این موارد مشابه دیگری نیز در مورد معرفی زن توسط شوهر یا معرفی واهر توسط خواهر و معرفی پدر و مادر توسط فرزند و بالعکس (که عقاید مخالف با نظام حاکم داشته‌اند)، به مقامات حکومتی، دیده شده است.

خط فکری و گروه‌های سیاسی در رابطه با ازدواج

افراد را در ارتباط با امور سیاسی به سه دسته می‌توان تقسیم نمود:

- 1- افرادی که دارای خط سیاسی هستند و در حزب یا گروهی فعالیت دارند.
- 2- افرادی که دارای خط پلیدی هستند و متوجه سبب حزب یا گروهی می‌باشند ولی فعال نیستند.
- 3- افرادی که دارای خط سیاسی نبوده و به هیچ گروه و دسته‌ای نه منتسب هستند و نه فعالیت دارند.

در مورد دو دسته اول باید گفت چنانچه ازدواجی با دو خط فکری سیاسی متفاوت (بخصوص که سیستم فکری تعصبی هم وجود داشته باشد) صورت گیرد، مشکلات بعدی وجود خواهد داشت و گاهی است موضوع به اندازه‌ای پیچیده می‌گردد که چاره‌ای جز طلاق وجود نداشته باشد. در پاره‌ای موارد حتی در گروه‌هایی که از لحاظ فکری تابع یک مکتب می‌باشند اختلاف نظر در امور سیاسی به حدی است که ایجاد هماهنگی در مورد آنها می‌نویسد و نتیجه ازدواج در چنین شرایطی بی‌درد سر نخواهد بود. پیوند زناشویی دو نفر مسلمان که در بُعد فکری یکی معتقد به اصل خاصی باشد و دیگری اصلاً آن را قبول نداشته‌اند و یا هر دو نیز زمانی که هر دو پیش‌خود و قالاً نطفه‌بند، حتماً مشکلاتی در زندگی ایجاد خواهد نمود. بنابراین شناخت نحوه تفکر سیاسی قبل از ازدواج در مورد انتخاب همسر از اهمیت خاصی برخوردار است.

مسئله دیگری که در مورد زناشویی در بُعد سیاسی مطرح می‌باشد، آن است که در درون یک گروه سیاسی، گاه ازدواج‌هایی با هدف سیاسی انجام می‌گیرد و چیزی نمی‌گذرد که به طلاق و یا به ناسازگاری و ناراحتی منجر می‌شود. بدیهی است هیچ سوداگری حاضر نیست، معامله‌ای که با آگاهی منجر به ضرر می‌شود، انجام دهد تا چه رسد به امر خطیری نظیر ازدواج که سودای عمر و مال و باقی اقدام نامرئیت‌بخش می‌باشد که حاصل می‌شود، ناراحتی دنیا و گاه خسارت آخرت است. بنا بر این موضوع را می‌توان باید با در نظر گرفتن همه ابعاد و عوامل نوبت انجام داد و و بررسی به هدف‌های دیگر نباید پیوند زناشویی را به عنوان ابزار و وسیله، مورد استفاده قرار داد.



مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل سياسي

مراجعي كه در جهت ازدواج به مشاور مراجعه مي نمايد، ممكن است خود پيرو مكتب يا خط سياسي خاصي باشد و برعكس، احتمال دارد اصولاً فردي سياسي نباشد. همچنين طرف مقابل ممكن است سياسي باشد يا نباشد. بنابر اين در مورد مشاوره ازدواج چند حالت اتفاق مي افتد.

- 1- حالتی که هم مرد و هم زن دارای خط سياسي هستند؛ اين امر خود دو حالت دارد: يا خط سياسي آنان مشترك است و يا خط سياسي مخالفی دارند.
- 2- حالتی که زن يا مرد دارای خط سياسي است، و طرف مقابل خط سياسي ويژه اي ندارد.
- 3- حالتی که هر دو (نه زن و نه مرد) از نظر سياسي، خط ويژه اي ندارند.

مشاوره سي از مرحله اوليه مشاوره و ايجاد رابطه حسنه بايد به جايي برسد كه بفهمد مراجع در كدام يك از حالت ها ي فوق قرار دارد. چنانچه مراجع در عدد افراد حالت اول قرار داشته باشد و هر دو (دختر و پسر) دارای خط سياسي متضاد باشد، مسئله ي نظر ازدواج وجود نخواهد داشت؛ ولي درحالتی که هر دو دارای خط سياسي باشند ولي عقايد سياسي و حزب يا دسته مرتبط به آنها مخالف يکديگر باشد؛ دو حالت اتفاق مي افتد:

الف - زماني كه عقايد سياسي آنان در جهت خلاف يکديگر و در حدي است كه آشتي عقيدتي غيرممکن است، و هر دو متضاد شلبي دهند، پوندز شلوبي آنرا لحتملاً به نيلدازگي مي انجد. و اين مورد شلور بايد مولي را زلضعتاً اينده آگاسازد و اطلاعات لازم را در جهت عدم سازگاري احتمالي در اختيار آنان قرار دهد.

ب - در حالت ديگري كه اختلاف عقيدتي زياد نباشد و هر دو نيز تعصبي نشان ندهند، احتمال دارد بابت و مذاكره توافق شود و يا مسائل قيدتي سييلي را در زنگي وارد ننمايند؛ در چنين وضعيتي مشاور با بررسي عوامل ديگر مؤثر در ازدواج (عوامل اجتماعي، تهصيل، عوامل فرهنگي، قضايتي، اخلاقي و رواني، سن و شغل و ...) چنانچه به جايي

پرسد که گفت فقط و مورد عالی سیسلی و آن هم با اختلاف فکری قابل تحمل و دور از تعب ملت و لاجر اضمن دادن آگاهی لازم به شرکت در جلسه ای همراه با طرف مقابل دعوت خواهد نمود، تا در یک جلسه سه نفری موضوع بررسی گردد و بینش و بصیرت لازم به آنان داده شود.

3- درحالی که مرد یا زن دارای خط سیاسی است و طرف مقابل خط سیاسی ویژه ای ندارد و ذاتی باعقاید بی‌نژاد دارد، و یا در حالتی که هیچ‌یک از دو طرف، سیاسی نیستند، در رتولج مشکلی نخواهند داشت. ولی در وحل مشاور باید به همه مراجعان خود در زمینه عقاید سیاسی و خواه پی‌خورد آتی باهمسو اطلاعاتی بدهد و خاطر نشان سازد که بحث به شلوه، کثوت و ناراحتی بی‌اخذ؛ هر وقت زملی که بحث به مشاجره می‌رسد، طرفین آن را خاتمه دهند و ادامه آن را به زمان مناسب دیگری موکل نمایند تا بحث به بهترین وجه انجام گیرد.

خداوند در مورد مذاکره و جدل با اهل کتاب در سوره عنکبوت آیه 46 می‌فرماید:

و لا تُجادلوا اهل الکتاب اِلّا بالَّتِي هِي اَحْسَن

و شما مسلمانی با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله نکنید.

نقش عوامل فرهنگی در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت چهارم)



در قسمت قبل به نقش عوامل سیاسی در ازدواج پرداختیم. اینک در ادامه می‌خوانیم...

مهمترین عاملی که در ازدواج نقش مؤثری دارد، عامل فرهنگی است.

چه بسیار خانواده هایی که به علت ناهماهنگی در زمینه های مختلف فرهنگی وضع نابسامانی دارد و لیکن مراشلاد و نا رنگ می گولند. عول و فیهی ابع لهدت لفی درلکه مهمترین آنها عبارت اند از:

1- دین و مذهب؛ تشابه در اعتقاد و یا ...

2- آداب و رسوم ؛ تشابه در مراسم مختلف

3- لباس پوشیدن و آراستن ظاهر؛

4- سنت ها؛

5- اعتقادات و باورها.

در این فصل نقش هر يك از عوامل مذکور در رابطه با ازدواج و همسرگزینی بیان می شود.

الف: دین و مذهب در رابطه با ازدواج

اعتقاد دینی و مذهبی درازواج تقی می دارد. دخ و وپوکه بالعتقا سک دینی متفاوت ازدواج می کنند؛ پس از احساسات پرشور جوانی، در زمینه های مختلف اختلاف نظر و لاحقاً نسلزگار ی خولهند دشت. از جمله زمینه های مورد بحث موارد زیر را می توان نام برد:

- اختلاف و تر بیتفرزندان: زره شوهری که دللی دودن م تفیق هدند مسلمان در چگونگی تربیت و آموزش فرزندان خود و نیز انجام مراسم دینی با مشکلات و مسائلی مواجه خواهند شد.



- اختلاف در عقاید:

- اختلاف در انجام فرایض و مراسم دینی: عدم هماهنگی در انجام فرایض و مراسم دینی می تواند زمینه ای برای ناسازگاری خانوادگی باشد.

- **اختلاف در مسافرت ها و گردش:** وای و یا زن مسلمان مسؤیت هلی زیارتی حج مورد توجه سلت؛ در حالی که مرد یا زن غیر مسلمان رغبت به چنین برنامه هایی ندارد و یا در مورد حج اجازه انجام اعمال را ندارد.

لباس پوشیدن (به ویژ محجبه و یی زنان) ، مسئله طهارت و سوا و حکام ، موارد دیگری برای ایجاد ناسازگاری و اختلاف در زندگی زناشویی است.

باتوجه به موارد بالا ، ازدواج دختر و پسر از دو دین مقدس و توفیق الهی و با توجه به زندگی زناشویی را به سوی ناراحتی و نا شادی سوق می دهد. فرضاً اگر فردی با انگیزه های خاص به طور صوری تغییری در دین یا مذهب خود بدهد ، چون اعتقادات او در دوران طفولیت ریشه دار شده رفتار او با همسرش هماهنگی کامل نخواهد داشت.

مسئله دیگری که قابل طرح است، موضوع مذهب و اختلافات مذهبی است. ازدواج یک دختر شیعه مذهب با یک پسر اهل تسنن نیز همان مشکلات اختلافات دینی را در پی خواهد داشت و گاهی این اختلافات در این زمینه با تعصب نیز همراه است، احتمال بروز مشکلات جدی تری را می تواند در پی داشته باشد.

اختلاف در سطح ایمان و اعتقاد دینی

بدیل تفق می افتد که یک زوج مسلمان به علت اختلاف در سطح اعتقاد، زندگی پر آشوب و ناراحتی را می گذرانند. گوئی که دو مؤمن بایک پسر بی بند و بار ازدواج کند، از نظر سلب پوشیدن، از نظر روزگرفتی، نماز خواندن و یا معاشرت با دوستان شوهر و خانواده شل ناراحت سلت. او می تواند به اعتقاداتی که بدان پای بند است، جامه عمل بپوشاند و گاه اتفاق می افتد که شوهرش او را به انجام اعمال خلاف شرع نظیر عدم رعایت حجاب، دست دادن با مردان نامحرم و شرکت در جلسات لهو و لعب و نظایر آن وادار کند و در صورتی که طاعت نکند با او ناسازگاری کند و به او بر چسب هایی نظیر مرتجع و عقب افتاده بزند و چه بسا که زندگی را بری و تلخ سازد. همچنین خانواده هلی با نزاع و جدال در مواردی که شوهر به دین و راهی مبتل و بیو بی و یا طب و نگ رتیل شنی نور هلی میبوی مشغول است، وزن بارل مخالف می کند، مولجه می شویم. هکی این حالت نیز صادق هفت؛ پس مؤمنی که با دختر بی بند و بار و به اصطلاح متجدد ازدواج می کند ، از رفتار و اعلاو لباس پوشیدن و رنج می برد و اگر او را به اجبار به رعایت حجاب و سایر مسائل شوچ وادار کند، زندگی نزلت کند هلی خواهد داشت؛ چه بسا که خانواده های آنان نیز چنین اختلافی از نظر عقیده و رفتار داشته باشند و بالاخره پس از چند فرزند و سال ها تحمل ناراحتی، مجبور به طلاق و جدایی شوند.



ب: آداب و رسوم در رابطه با ازدواج

و جواع مخفل ، آذب و رسوم متفاوتي را چ سلت . گاه عقيد اي جامعه با عقايد جامعه ديگر در تضاد مي باشد و اين موضوع بخصوص در مسئله زناشويي قابل توجه است .

در فرهنگ غرب اعتقاد به اصل آزادي جنسي آداب و رسومي را موجب شده است كه با عقايد جوامع اسلامي مغاير است و با اعتقادات مسلمانان همخواني ندارد . از جمله اين آداب و رسوم مي توان به موارد زير اشاره نمود :

- دست دادن زنها و مردها اعم از محرم و نامحرم؛
- معاشرت زنان و مردان نامحرم؛
- تشكيل جلسات لهو و لعب مختلط مرد و زن؛
- جدا شدن فرزندان از خانواده از 18 سالگي و گسيختگي رشته هاي عاطفي آنان با والدين؛
- اهميت ندادن به صله رحم؛
- عدم همياري؛
- قطع ارتباط هاي خانوادگي .

با توجه به آداب و رسوم رايج در ممالك غربي و تضاد آن با سنن و آداب اجتماعي در ممالك اسلامي مي توان نتيجه گرفت كه ازدواج هاي پسر و دختر ممالك غربي صرفنظر از ساير عوامل فرهنگي تنها از ديد آداب و رسوم رايج ، عواقب خوشايندي نخواهد داشت .

اهل اجتماعي ايچر يك جامعه نر و ط بقت لاجملي و سگ ن قدمتهايخ قليك كشور متفاوت است و گاه در پيوندهاي زناشويي مشكلاتي را ايجاد مي نمايد . آداب و رسوم ده با شهر ، و آداب و رسوم اصناف و طبقات مختلف اجتماع با يكيديگر فرق دارد . لذا ضرورت دارد ، و زندگويي همه اين موارد مورد توجه قرار گيرد . خانواده هاي سنتي اجازه نمي دهند كه فرزند در حضور آنان آزادانه عمل كند . داماد يا عروس خانواده ، چنانچه در حضور مادر

شوهر يا پدشوه ويا پدر زن و مادر زن پاي خود را دراز کند و يا احياناً نسنجیده سخن گوید ، ناراحت مي شوند و گاه اين گونه رفتار به اختلاف و گله گذاري منجر مي شود.

خانواده هايي که به اصطلاح متجدد هستند و فرهنگ غرب تقليد مي کنند با خانواده هاي سنتي نمي جویند. طبقه کبر و متضعف از آداب و رسوم خاص خود پيروي مي کنند. و اين گونه طبقات آداب و رسوم فني ملي ندارد. چهار زانو نشستن و استفاده از کلمات خصل و سخن گفتن و احياناً دراز کشیدن و لم دادن در مجالس از آداب رايج است که به هيچ وجه اين گونه رفتارها برعلي خانواده ملي فرهنگي مآب قابل تحمل نيست و در نتيجه ازدواج هاي که و چند خانواده ها بي با آداب و رسوم متفاوت صورت مي گيرد، براي زوجين و خانواده ملي آنان خشايند نيست و گاه به صورت مشکل حادي خودنمايي مي کند که حلاوت زندگي را از زن و شوهر مي گيرد و خانواده هاي وابسته را نيز ناراحت مي کند و به عکس العمل هاي ناخوشايند وامي دارد.

نقش ديگر عوامل فرهنگي در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت پنجم)



و قسمت قلی به مسئله عقايد ديني و آداب و رسوم هر ژوئ که بايد مد نظر زوجين قرار گيرد پرداختيم . اينک در ادامه به ديگر عوامل مؤثر در زمينه هاي فرهنگي مي پردازيم...

ج- لباس پوشيدن و آراستن ظاهر

در از وچ مسئله ملي پوشيدن و آراستن ظاهر در هويت آنها بجا حائز اهميت است. چنانچه يك زن مؤمن محجبه با يك مرد بي بند و بار ازدواج کند؛ زندگي براي يك عمر براي او زجر آور خواهد بود. برعکس يك زن آرايش کرده ي بد حجاب نيز چنانچه با مرد ي متدين ازدواج کند؛ زندگي او با نواحي و مجادله خواهد گشت. خوشبختانه چون نحوه لباس

پوشیدن و آراستن ظاهر يك امر عيني است. بنابراین در این مورد بررسی و تصمیم گیری امر ساده يي است و هر كی در نگاه اول مي تواند وضعیت خود را با طرف مقابل ارزیابی کند. قبل از آنکه در فرهنگ ایرانی مردان هم را مؤمن و بی بند و بار ، به ناموس خود اهمیت می دهند و غیرت مردانگی آنان اجازه نمی دهد که بدن همسر آنان عریان در معرض دید دیگران قرار گیرد و بخصوص روابط عاطفی با مردان دیگر داشته باشد. بنابراین دختران حجب باید این موضوع را در نظر داشته باشند و به خیال تجدد خواهی طوری عمل نکنند که وای جلب مردان و خودنمایی، حرکت جلف انجام دهند و لباس های نامناسبی بپوشند. آنچه در کهنه ذات مردان با تعدیل های متفاوتی وجود دارد آن است که همسر آنان را آفتاب و مهتاب ندیده باشد.

د- سنت های غیر معقول در زناشویی

بعضی از خانواده ها سنت های فرهنگی خود را حفظ کرده و آنها را به دیده احترام می نگرند و عمل می نمایند. از جمله سنت هایی (خواه خرافی یا معقول) که در این زمینه مطرح است؛ عبارت اند از:

- مرد در خانه تصمیم گیرنده است و زن باید در او طاعت کند و به طور کلی مرد سالاری حاکم بر خانواده است.
- خانواده به دختر اهمیت نمی دهد و دختر داشتن يك نوع بدشانسی است. از يك مرد مخالف با دختر پرسیده شد که چند بچه داری گفت یکی، آن چهار دختر که به حساب نمی آیند!
- تحصیل دختران را ضروری نمی دانند و معتقدند که کار زنها بچه داری و خانه داری است.
- زنها را به صورت های مختلف تحقیر می کنند و آنان را به اسامی ضعیفه ، ناقص الایمان و نظایر آن می خوانند.
- مردها از گرفتن چند زن ابا ندارند.
- انجام ازدواج موقت برای مردان عیب نیست.
- زورگویی و دیکتاتوری به زن و بچه از مشخصات خانواده مرد سالاری است.
- بی بندوباری و فساد و دیر آمدن شوهران به خانه چندان مهم نیست؛ ولی کوچکترین خطا از سوی زن مصیبتی بزرگ است و به شدت با آن برخورد می شود.
- زنها را به عنوان موجوداتی که باید کار کنند و سهم نبرند؛ می شناسند.
- مرد در ثروت زن و مصف آن خاكد می کند و هیچ استقلال و شخصیتی برای زن قایل نیست.



- در بعضي از خانواده ها زن سالاري است و زن حاكم بر خانه است.

- نو خلواده پدر سالاري كه پدر بزرگ و پسران و دختران، عروسها و دامادها هر يك در يك يا دو اطاق ساكن بوده و همه با هم زندگي مي كنند؛ استقلال عروس، داماد و بچه ها محدود و پدر بزرگ از موقعيت خاصي برخوردار است.

شوه ها ي كه به ذكرش بخشي از سنت هاي غير معقول در خانواده هاست. دختر و پسري كه بخواهند رواج كنند ، بايستي در مورد خانواده مورد نظر خود تحقيق نمايند و در صورت موافقت با هم به آيه گفته شد چي خود را و خانواده مضى و زياد مي كنند و چنانچه حاضر به پذيرش آنها نيستند از قبول همسر از چنين خانواده هايي امتناع ورزند.

هـ - اعتقادات و باورها

علاوه بر اعتقادات ديني و مذهبي جنبه هاي ديگري را نيز در بر مي گيرد كه از نظر زندگي خانواگي اهميت يابي دارد؛ بر لي خدري كه تمام هم و غمش توجه به لباس و تجملات و خود ملي است ، تحمل مرد ي كه تمام اوقات خود را به مطالعه مي گذراند و توجهي به لباس او و خودش و وضعيت خانه ندارد؛ مشكل است.

نو زندگي هر فرد ارزش ها و ضد ارزش هاي فرهنگي نقش مهمي دارد؛ بايد توجه داشت كه کدام ارزش و عقیده خوب يا بد است . در اينجا آنچه مطرح است ، اختلاف اعتقادات و باورها و ذائق آنها در زندگي خانوادگي است. اين موضوع بايد قبل از ازدواج مورد توجه قرار گيرد و فرد همسري انتخاب كند كه اعتقادات و باورهاي او به اعتقادات و باورهاي وي نزديك باشد. در اين صورت آنها خواهند توانست با روش هاي منطقي بر اعتقادات و باورهاي يكيديگر تأثير بگذارند و اختلاف هاي جزئي را حل و ايجاد تفاهم نمايند.

وظايف مشاوران در امر ازدواج در رابطه با عوامل فرهنگي

1- مهتر ن وظيفه مشاوران در مورد دختر و پسري كه متدين به دو دين متفاوت مي باشند و قصد رواج دارند ، آن است كه آنان را با پيامدهاي چنين ازدواجي آشنا سازند. دختر و پسر ممكن است تحت تأثير مسا ئي حواي به اهميت اختلاف عقايد ديني توجه نكنند. مشاوران بايد

محيطي فراهم کنند تا آنان علل ازدواج خود و جنبه هايي را که بدان توجه کرده اند ، بيان کنند. سپس همري ديگر از جمله اخذ تالف عقیده ديني را مطرح سازند و در اين زمينه آنان هشدار دهند.

2- مشاوران بايد دختر و پسري را که پيرو دو دين متفاوت مي باشند، از نظر سطح ايمان در ديني که به آن اعتقاد دارند، بررسي کنند و چنانچه اعتقاداتشان عميق و ريشه دار باشد ، آنان را به تغيير دين يا مذهب اميدوار ننمايند.

3- مسئله ديگري که مشاوران بايد بررسي و اطلاعات آن را به چند دختر و پسر منتقل نمايند؛ مؤثر اختلاف عقايد بودن است. و بعضي زدين ضد اختلاف عقايد آنها است. ولي بعضي اديان اختلاف جدي و حالت خصمانه نسبت به هم دارند؛ کمک مشاور در اين زمينه مي تواند در تصميم گيري آنان مؤثر باشد.



4- پوند هسران متدين به دين و مذهب با سطح اعتقادي يکسان ، بهترين حالت ازدواج است. بذايراني مشاوران بايد دختران و پسوان را به اين امر توجه دهند تا آنان در زندگي زناشويي از نظر تفويض و تقابل مذهبي رنج نيند و توانند فرصت و ميلم دييرا بطور مشترك انجام دهند.

5- و مولري که پيرو خدو از نظر ايماني و اعتقادي اختلاف دارند ، مثلاً يکي متدين و مؤمن و ديگري بي بندو بار و به صلطلاح متجدد است ، وظيفه مشاور آگاهي دادن آنان به مشکلات بعد از زواج است. اين امر چنانچه کاملاً توجيه و تفهيم گردد ، مطمئناً در تصميم گيري آنان در جهت همسر گزيني تأثير خواهد گذاشت.

6- در مورد اختلاف آداب و رسوم علم از این که در مجموعه یلو طبقه‌بندی یک جامعه یا راجع به ساکنان قسمت های مختلف جغرافیایی یک کشور باشد ، مشاور باید دختر و پسر را از ظواهر و رسوم رنج گاهی ده دو اختلاف آداب و رسوم مجله یا طبقه اجتماعی هر یک را طوفین را مقایسه نماید . در صورتی که و این مقایسه اختلاف جدی و مشکل را وجود داشت؛ باید طرفین را به اهمیت موضوع توجه دهند.

تغییر ویژگی های فرهنگی و جغرافیایی به دلیل ریشه داری آنها بدین مشکل سلت. گاه این موضوع مسائل فرهنگی زوجین که از مجموعه یا طبقه اجتماعی متفاوت می باشند ، مشکلات جدی ایجاد می نماید.

7- موضوع لبس پوشیدن را دوجبه‌دلی اهمیت است یکی این که پوشش زنان مرتبط با عقاید دینی است و دیگر این که از نظر اجتماعی واجد ارزش است.

بنای این در ازدواج نوعی بلای فرهنگی نقش مهمی دارد که بایستی زوجین را بدان توجه داد. مشاوران باید در مسائل فرهنگی که برخلاف اعتقادات و عادات ریشه‌دار است هیچ موردی را در زمینه ازدواج نادیده نگیرند و به زوجین آگاهی و اطلاعات لازم بدهند.

8- در مورد رسم های غیر معقول و اعتقادات و باورها که نقش تعیین کننده در ازدواج دارند ، باید مشاوران جداً وارد عمل شوند و در رابطه با باورها و سنت های که غیر معقول بوده و ممکن است شالو نمزدکی زتلو بی رست نماید ، اطلاعات لازم بدهند و زوجین را در مورد عواقب بعدی آنها توجیه کنند.

هوش علمی و منطقی IQ یا هوش عاطفی ؛ کدامیک در تداوم یک زندگی نقش اساسی دارند؟

(قسمت اول)



کاربر محترم این مطلب در پنج قسمت ارائه خواهد شد.

میزان بهره‌ی هوشی برای توجیه تفاوت سرنوشت آدم‌هایی که از نظر تحصیلی، امید به آینده و فرصت‌های زندگی در وضعیت تقریباً یکسانی قرار دارند، معیار مناسبی نیست. هنگامی که نوین پنج‌نفر از کسانی را که در دهه‌ی 1940 دانشجوی دانشگاه هاروارد بوده و اکنون به میان‌سال‌رسیده بودند مورد بررسی قرار دادند، معلوم شد که تیزهوش‌ترین دانشجویان آن سال‌ها، در مقایسه با دانشجویان متوسط و ق‌نبودند و به‌ویژه از لحاظ درآمد، پرکاری و ثمربخشی در وضعیت پایین‌تری قرار داشتند. آنها هم‌چنین از لحاظ رضایت داشتن از زندگی به‌ویژه افراد نیندو و ارتباط با هتل، خانوار و روابط عاطفی و زندگی‌پشادترین افراد محسوب نمی‌شدند.

بهره‌ی هوشی افراد هیچ‌گونه اطلاعی در این باره نمی‌دهد که آنها در فراز و نشیب زندگی چگونه عمل خواهند کرد و مسئله همین جاست. هوش و استعداد تحصیلی هیچ‌گونه آمادگی و مهارتی برای جدل با ناملازمات زندگی یا استفاده از فرصت‌های مطلوب به دست نمی‌دهد. اما به‌رغم آن که بهره‌ی هوشی بالا هیچ نوع مضم‌بنی و بی‌رفاه و تأمین مالی، اعتبار و شهرت اجتماعی یا خوشبختی در زندگی نیست ولی باز هم مدارس و فرهنگ ما بر هوش و استعداد تحصیلی افراد تأکید زیاد دارند و از شعور احساسی (یا هشیاری احساسی – عاطفی) که مجموعه‌ای از خصوصیات شخصیتی است و به همان اندازه در سرنوشت فرد مؤثر است، غافل هستند.

احساسات و عواطف همچون دروس ریاضی یا ادبیات، دارای اصول و فنی‌اند که برخی در آن تبحر دارند و بعضی هم و آن‌ضعیف هستند. آن‌که شخص چقدر در این مهارت‌های عاطفی و احساسی خبره باشد، برای او سرنوشت ساز است. فردی که فقط از بهره‌ی هوشی (IQ) بالا برخوردار است (یعنی فاقد هشیاری عاطفی است)، تقریباً کلک‌ات‌وی (یک آدم خردمند است). وی در قلمرو ذهن، چیره دست است ولی در دنیای شخصی خویش ضعیف می‌باشد. این امر در مورد زن و مرد، کمی تفاوت دارد. مردانی که دارای بهره‌ی هوشی بالا هستند، در هیئت‌ان‌لی هی‌گسترده‌ی غلانی‌شان – نه‌حساسی – مورد شناسایی قرار می‌گیرند. آنها آدم‌های جاه‌طلب، سودمند، قابل پیش‌بینی، لجوج، انتقادگر، فروغ، نازک‌نوازی و کم‌رو هستند که در روابط ناشو‌ی خود راحت نیستند و از نظر احساسی سرد و بی‌عاطفه‌اند.

برعکس، مردی که از نظر هوش عاطفی قوی‌اند از نظر اجتماعی متعادل، شاد و سرزنده‌اند و هیچ‌گرایشی به ترس یا نگرانی ندارند. آنها ظرفیت چشمگیری برای تعهد و سرسپردگی به مردم با اهداف خود، پذیرش مسئولیت و قبول چهارچوب اخلاقی دارند. آنها در روابط خود با دیگران بسیار ملو و با‌ملاحظه‌اند و از زنگ‌بی‌عطفی‌نی‌شوشار و متغلبی برخوردارند. آنها باخود، دیگران و دنیا اجتماعی طراف خود بسیار راحت برخورد می‌کنند.

زنانی که فقط از بهره‌ی هوشی (IQ) بالا برخوردارند، اعتماد به نفس خوبی داشته، در بیان
 هیجانات عطفی ارشند و لایسته‌ی خو دصفی کافی تواند و دل‌ای دقیق
 زیباشناسانه و روشنفکرانه‌ی زیادی اند. آنها افرادی درون‌گرا، مستعد نگرانی، فکر و خیال و
 گناه هستند و در ابراز خشم خود تأمل می‌کنند، اگرچه معمولاً آن را به طور غیرمستقیم نشان
 می‌دهند.



برعکس، زنانی که از نظر هوش عاطفی قوی هستند و نت دارند احساسات خود را به
 طور مستقیم بیان داشته، راجع به خود مثبت فکر کنند. زندگی برای آنها معنا دارد و همچون
 مردن ممنوعود، آدم‌هایی اجتماعی و گروه‌گرا هستند. سلب‌خود را به‌گونه‌ای
 منسلب ابراز می‌کنند و به خوبی از عهده‌ی فشارهای روانی بر می‌آیند. توازن اجتماعی این
 قبلی زنان باعث می‌شود تا به آسانی با آدم‌های جدید کنار بیایند، با خود راحت هستند، شاد و
 سلوده خیال بوده، همواره پذیرای تجارب احساسی و هیجانی می‌باشند. آنها برخلاف زن‌های
 دلی به‌هی‌هوشی بالا (رئوع‌خالص) به‌ندرت احساس نگرانی و گناه می‌کنند و کمتر
 غرق در اندیشه می‌شوند.

مهارت‌های هیجانی عاطفی

هیجانی عاطفی را شامل پنج نوع مهارت دانسته اند :

1- شناخت احساسات خود:

خودآگاهی یا تشخیص احساسات و نیازها در هر حال قوی‌تر است، بی‌مهم و گاهی
 هیجانی‌ای ظریف را شکل می‌دهد. فرد خودآگاه توانایی کنترل و اداره‌ی لحظه به لحظه‌ی
 احساسات را که نشان‌دهنده‌ی درک خویش و بصیرت روان‌شناسانه است، دارد و در نتیجه

کشتی‌زنگی را با مهارت بیشتری می‌تواند انجام دهد و خواهد توانست، شناخت واقعی بیشتری نسبت به شغل یا ازدواجی که می‌خواهد انجام دهد، داشته باشد.

2- کنترل احساسات:

کنترل و اداره‌ی احساسات و منطقی‌سازی به‌جا بودن آنها در هر موقعیت، مهارتی است که بر پایه‌ی خودآگاهی شکل می‌گیرد. یعنی فرد یاد می‌گیرد که چگونه خود را از شر اضطراب، افسردگی، کج خلقی و زود رنجی‌های شایع رهایی بخشد.

3- برانگیختن و به هیجان درآوردن خود:

ایجاد انگیزه و توانایی در لفظ و به تأخیر انداختن عادت و خستگی و سرکوب کردن هوس‌ها، زمینه‌ساز هر نوع مهارت و موفقیت است.

4- شناخت احساسات دیگران:

یک مهارت مردمی محسوب می‌شود و ریشه‌ی وحدت و همدلی با دیگران است.

5- تنظیم روابط با دیگران:

هنر مراوده و ارتباط با مردم، و مهارت کنترل و اداره‌ی احساسات دیگران است.

نقش میزان تحصیلات در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت ششم)



در قسمت قبل به نقش عوامل فرهنگی در ازدواج پرداختیم اینک در ادامه می‌خوانیم...

میزان تحصیلات عامل مهمی در شکل‌دهی به شخصیت و به‌ویژه اولاد تعیین‌کننده

وجهه اجتماعی است.

احتمالات زیر را می‌توان درباره میزان تحصیلات زن و شوهر در نظر گرفت:

1- مرد دارای تحصیلات عالی است؛ ولی زن دارای تحصیلات متوسط یا کمتر است.

2- مرد و زن هر دو دارای میزان تحصیلات یکسانی هستند.

3- زن دارای تحصیلات عالی و مرد از تحصیلات کمتری برخوردار است.

4- مرد دارای تحصیلات عالی و زن بی سواد است ، یا تحصیلات اندکی دارد.

در حالت 1 و 2 مشکلی ایجاد نمی شود؛ ولی در حالت 3 و 4 غالباً زندگی زناشویی مواجه با ناسازگاری و در پیوسته بی مورد و بی فایده می شود. زنی که دارای تحصیلات عالی بوده، پزشک یا مهندس است، از نظر تفاهم با مردی که حداکثر تحصیلات ابتدایی دارد و مثلاً راننده یا لوله کش است تفاهم ندارد. مرد دنیا را به گونه ای می بیند و زن گونه ای دیگر. زن در مسائل و مذاکره، زمینی که شوهر صد بیت می کند و احتمالاً بیشتر کلمات را غلط ادا می نماید و بی‌مطلب، نه‌شایسته را مطرح می نماید، احساس ناراحتی و حقارت می کند؛ و در نهایت زندگی برای هر دو تلخ خواهد شد.

در حالت دوم که مرد دارای تحصیلات عالی و زن بی سواد یا کم سواد است نیز همان وضعیت اول برای مرد وجود دارد. این حالت وقتی اتفاق می افتد که مرد در روستای خود در سن 18 تا 20 سالگی زنی که بی سواد است را می خواند با یکی از دختران بی سواد روستایی خود ازدواج کرده و صاحب فرزند نیز شده است. سپس با توجه به استعداد و آمادگی نهی که داشته به شهر آمده و تحصیلات خود را تا مراحل عالی ادامه داده است. در چنین زندگی نیز فضایی شادی و مسرتی حاکم نخواهد بود.



لزم به یادآوری که نوع تحصیل مهم نیست. آنچه و ازواج مهم است سطح تحصیلات است. درعین حالچه ناچیز تحصیلات زن و شوهر ولی حربه بلند؛ قاهم زندگی بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال ازدواج یک پزشک با یک پرستار بیشتر موفق خواهد بود؛ تا ازدواج یک پزشک با یک مهندس. معذرت می خواهم ازواج در مقام مقایسه با سطح تحصیلات بسیار کم اهمیت است. اهمیت سطح تحصیلات در ازدواج به قدری است که چنانچه تفاوت زیاد باشد ، می توان گفت به ندرت سازگاری وجود خواهد داشت.

مشاوره در امر ازدواج در رابطه با عامل تحصیل

میزان توجه دادن عمل مهمی در زندگی زناشویی است. بنابراین در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد. مشاوران و رابطه با عامل تحصیل در امر همسرگزینی باید مراجعان را به اهمیت موضوع توجه دهند و در موارد مختلف به شرح زیر عمل نمایند.

1- با توجه به فرهنگ ایرانی چنانچه مرد تحصیلات بیشتری داشته باشد، در زندگی زناشویی مشکلی ایجاد نمی‌شود. معمولاً مردانی که تحصیلات عالی دارند، میزان تحصیلات همسر خود را متوسط، متوسطه، و صورت هماهنگی سایر عوامل می‌پذیرند. بنابراین مشاوران و مورد مراجعان خود باید این نکته را مورد توجه قرار بدهند. مواردی دیده می‌شود که مرد با وجود داشتن تحصیلات عالی همسر خود را با تحصیلات متوسطه انتخاب می‌کند و مایل نیست که او تخصصی داشته باشد و خارج از خانه شاغل گردد. تمایلات دختر و پسر در مورد سطح تحصیل، در مشاوره همسرگزینی باید مورد توجه قرار گیرد. ولی به هر حال پایین تر بودن سطح تحصیلات دختر در مقابل پسر غالباً مشکل اساسی ایجاد نمی‌نماید.

2- دختر دارای تحصیلات عالی و پدر دارای سواد کم و یا تحصیلات در حدود متوسطه سلت. در این حالت ممکن است در زمان ازدواج به علت نکات مثبتی که در پسر وجود دارد، پیوند زناشویی انجام گیرد؛ ولی این تفاوت احتمال دارد به تدریج به علل اشتغال اجتماعی زن و اهل و بی نسبت به شوهر و در عکس جهت حقیقی شوهر در مقابل زن موجب اختلاف شود و زندگی شیرین زناشویی به کشتی روئی و خلاقیت گردد. بنابراین مشاور باید علقه بی این حالت را به پسر و دختر گوشزد کند و آنان را متوجه سازد که اختلاف سطح تحصیل بالاخره ممکن است زمینه‌ای برای اختلاف باشد و آنان باید در انتخاب همسر به این نکته توجه نمایند.



3- حادث دیگر آن است که زن یا شوهر پس از ازدواج درس خوانده و اختلاف سطح تحصیل ایجاد شده باشد و این امر موجب از هم گسیختن و یا به هم خوردن محیط گرم خانواده گردد. در این موارد مشاور باید شوهر را به زندگی پس از ازدواج مجدد و وضعیت زن اول و احیاناً

فرزندان قبلي او توجه دهد و با مقایسه دو حالت عدم ازدواج و ازدواج دوم او را به نابسامانی های حالت دوم متوجه سازد. وانگهی زن را در جهت تطبیق دادن خود با شرایط زندگی جدید شوهر ترغیب نماید و بالاخره زوجین را در جهت این واقعیت که از هم گسیختگی زندگی آنان شرایط بهتری را ایجاد نمی نماید؛ آگاهی دهد.

4- حالت دیگر موردی است که زن پس از ازدواج تحصیلات عالی می نماید و به فکر جدایی و طلاق می افتد. در این حالت نیز مشاور باید با تشکیل جلسات مشاوره ای با زن و شوهر، به ویژه زن را متوجه زندگی بعد از طلاق و شوهر را در جهت هماهنگ ساختن خود با همسرش توصیه نماید.

5- دخترانی هستند با تحصیلات عالی که به علل مختلف با مردی کم سواد یا بی سواد ازدواج می کنند. در مورد این گونه دختران و بالعکس پسرانی با این حالت، مشاور باید در انتخاب همسر، آثار و اهداف ازدواج آشنا سازد و به آدل بینش دهد که هدف ازدواج نه ترحم و ثواب اخروی است و نه افکار غریزاتی در جهت جلب رضایت والدین و یا حفظ موقعیت آنان. در این صورت مسلماً این گونه دختران و پسران تن به چنین ازدواج هایی نخواهند داد و نتیجه بانواعی های بعد از زواج یا با طلاق و از هم گسیختگی آنان مواجه نخواهند شد.

گفت و گوی دختر و پسر قبل از ازدواج



از مهم ترین و مؤثرترین راه های شناخت یکدیگر قبل از ازدواج صحبت و گفت و گوی رو در روی دختر و پسر است. لازم و ضروری است که دختر و پسر، " مذاکره ای مستقیم " داشته باشند و وظایف و محدودیت های یکدیگر را از طرف دیگر مسائل و ظرات خود را بررسی کنند. این گفت و گو باید خونسردانه و با آمادگی قبلی باشد. بین تصمیم گفت و گو و انجام آن، باید فاصله باشد تا طرفین بتوانند خود را آماده کنند و آنچه را می خواهند مطرح کنند، یادداشت نمایند.

اگر این مذاکرات ، چند جلسه و با فاصله ی زمانی بین جلسات باشد ، بهتر است . به طور کلی ، هرچه " وقت " نیاز دارند ، باید در اختیارشان گذارده شود.

یکی از فایده های مهم این گفت و گوها این است که : از سخنان شخص و صحبت با او ، می توان تا حد زیادی به مکنونات درونی اش پی برد و از احوال و صفاتش آگاه شد .

امیرمؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

" اشد هرچه را در لی و هووش پنهان کند ، از لثی هیز بان و حاک های چهره اش آشکار می شود! " .

این یکی از اصول روان شناسی است که امام به این گونه بیان فرموده اند که : مسائل پنهانی و لول درونی انسان ، گاهی از زبان او می پرد و گاهی قیافه و حالات چهره اش به آن گواهی می دهد . و این دریچه ی خوبی برای راه یافتن به درون و ضمیر باطن اشخاص است .

پول و مادران - که سعادت فرزندان را می خواهند - باید آنان را در این مسئله ی مهم یاری کنند و زمینه ی انجام آن را فراهم نمایند و آرامش لازم را برایشان به وجود آورند . مبادا - خدای ناخواسته - از این کار جلوگیری کنند و تعصب بی جا به خرج دهند . این گفت و گو ، از نظر للام و عل ، پسندیده است . مبادا ل اسلام ، دغ و تشویم و از یقوم کرم ، مدله ل تر! بسیل دیده ایم که پرو ماو نخو ، ل این گفت و گو ممانعت می کنند و این کوشش را به حسب للام و غیت می گذارند! د رصور تی که اسلام و غیرت ، حکم می کند که وسائل سعادت و خوشبختی فرزندان را فراهم کنیم . و این گفت و گو ، در سعادت و تفاهم بین زن و شوهر ، تأثیر به سزایی دارد .

دستور کار جلسه!

موضوعات قابل طرح در این گفت و گو و مذاکرات ، مختلف است ؛ زیرا افراد ، عقیده ها ، آرمان ها ، هدف ها و خواسته های آنان ، گوناگون هستند . اما بعضی از مطالب ، عمومی است و لازم است مطرح شود و روی آنها مباحثه صورت گیرد . بنابراین بعضی از آنها را بیان می کنیم تا جوان بتوانند از آنها به عنوان " دستور کار جلسه ! " استفاده کنند:

1- بیان خط مشی کلی زندگی آینده



2- گفت و گو درباره ي اهداف آینده :

دین هدف هلی که قصد دارند در زندگی آینده شان دنبال کنند. هدف ها و آرمان های علمی ، اخلاقی ، اجتماعی ، شغلی و...

3- بیان صادقانه صفات و اخلاق و خصوصیات خود

4- بیان خواسته ها و انتظارات طرفین از یکدیگر

5- بیان ظرات خود درباره ي چگونگی برخورد و رفتار و رابطه با خانواده و بستگان و خویشان یکدیگر

6- طرح نظرات خود درباره ي شیوه ي تربیتی فرزندان آینده

7- بیان عیب ها و نواقص و بیماری های خود (دقت!)

گو دخ زوهر، بیمه ای عیب و نقدي دارند صلفانه و بون کوزیک به یکدیگر بگویند؛ زیرا:

اولاً: اینکار، و لجب است و پرده پوشی و مخفی کردن عیب ها ، " تقلب " و " تدلیس " و کلاه گذاری " و " خیانت " محسوب می شود و حرام است.

ثلیاً: اگر ل اول گفته شود، طرف مقابل ، یا او را با همان عیب می پذیرد و یا رد می کند . اگر پذیرفت ، خود ابروی حق را آماج می کند و او را انداخته و با و پت قلب و با شهت می بید و عشق را بهل می گود و خود را و آینده " فوی خورده " حساس نخواهد کرد . اما اگر گفته نشود و بدون آگاهی طرف، وصلت صورت گیرد، در آینده از آن عیب و صفت بجز خواهد شد و خود را " فریخورده " و " خسریده " و هسر و خانواده ي او را " فریبکار " و " خیلتکار " می یند ... و آن گاه مشکلاتی و بیچار خواهد شد. محبت همسر از دلش بیرون می رود و کینه ي او را به دل می گیرد ؛ زیرا انسان نمی تواند فردی " فریبکار " را دوست داشته باشد. اگر همین عیب و ایراد را قبلاً صادقانه به او گفته بودند، ممکن بود بپذیرد ، اما حالا مسئله فرق می کند.

توجه!

بعضی از عیبه‌ها و بیماری‌ها و اشتباهات گذشته، که هیچ ربطی به حقوق همسر و زندگی آینده ندارد، لازم نیست بیان شود.

اگر عیو و اشتباهی بوده یا هست و نمی‌دانید به حقوق همسر و زندگی آینده مربوط می‌شود تا بیان کنید، یا مربوط نمی‌شود تا بیان نکنید، در چنین حالتی با "راهنمایی دانا" مشورت کنید.

شروط و خواسته‌های "ناحق" را نپذیرید!

گاهی مشاهده می‌شود که دختر و پسر قبل از ازدواج شرط‌ها و خواسته‌هایی را برای هم طرح و بر یک برگه تحمیل می‌کنند که نالحق است و طرف را از حقوق مسلم و حتمی خود محروم و از او سلب اختیار می‌کند.

این شرط‌ها و خواسته‌هایی دلو را به هیچ وجه نباید پذیرفت. اختیارات و حقوقی را که خداوند به هر کدام از مرد و زن داده است، نباید با پذیرفتن شرط از دست داد. با خود نگوئید: "غلامی پذیرم اما جدا علی نمی‌کنیم." زیرا پذیرفتن شرط تعهد می‌آورد. "المومنون" عند شروطهم" مؤمنان باید به شرط‌هایشان عمل کنند.

اختیار و حقوق مرد و زن به دو گونه است: "مسلم و واجب" و "غیر واجب". درباره‌ی غ و واجب‌ها می‌شود گفت که و با شرط از آنها صرف نظر نمود. اما حقوق و اختیارات مسلم و واجب را نباید به کسی واگذار کرد. خداوند از روی حکمت و مصلحت آنها را واجب کرده است و دست‌ان آنها را خلاصه‌گفت و مصلحت است و به زندگی لطمه می‌زند و زندگی را از مسیر طبیعی خود منحرف می‌کند.

اهمیت هوش عاطفی در حفظ پیوندهای زناشویی

هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی (قسمت دوم)



در هفت قلب به بررسی تفاوت هوش علمی و هوش عاطفی و مهارت های هشیاری عاطفی پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

روند متداول ازدواج و طلاق باعث می شود هوش عاطفی بیش از پیش اهمیت پیدا کند. خطر افواشی طلاق بیشتر متوجه زوج های تازه ازدواج کرده است. طی سال های اخیر، پیوندهای عاطفی میان زن و شوهر و نیز مرزهای گدل عاطفی که می توانند بنیان زندگی را از هم بشکافند، با دقتی بی سابقه مورد بررسی قرار گرفته اند. شاید بزرگ ترین پیشرفت برای فهم عواملی که یک زوج را حفظ می کند یا آن را از هم می پاشد، با استفاده از ابزارهای دقیق فیزیولوژی حاصل شده است. این ابزارهای لحظه به لحظه تغییرات عظیمی را در هوش عاطفی زن و شوهر را میسر ساخته اند. اکنون دانشمندان قادرند کوچک ترین تغییر و تحول و میزان آن را با فشار خون یک شوهر را تشخیص دهند و جزئی ترین عواطف را و چهره های یک زن مشاهده کنند. این اندازه گیری های فیزیولوژیک، نوعی تفاوت بیولوژیک پنهان را به عنوان مثلاً بروز اختلاف میان زن و شوهر آشکار می کند؛ یک اختلاف سطح بحرانی و قلبی هوش عاطفی، که برای زن و شوهر نا محسوس است یا مورد بی توجهی واقع شده است. این اندازه گیری ها همان نیروهای عاطفی را که قادر به حفظ یا نابودی یک رابطه مشترک اند، در معرض دید قرار می دهند. مرزهای عاطفی، تفاوت میان دنیای عاطفی دختران و پسران را نشان می دهد.

و بدین ترتیب تفاوت های زناشویی مشاهده می شود که مرد از خواست های « غیر منطقی زن شکایت می کند و زن از " بی تفاوتی " مرد نسبت به آنچه او می گوید ناله سر می دهد. ریشه ی این تمایزات عاطفی را، علیرغم آن که بخشی از آن ممکن است بیولوژیک باشد - می توان در دوران کودکی و تفاوت نیای عاطفی که دختران و پسران در آنها رشد می کنند، ردیابی نمود. چرا که به دختر و پسر در مورد کنترل عواطف خویش درس های بسیار متفاوتی داده می شود. به دختران راجع به عواطف اطلاعات بیشتری داده می شود تا به پسران و با پسران بیشتر در مورد نتایج احساساتی مانند خشم، صحبت می شود.

« لیلی برودیم » و « جودیت هال » که در زمینه ی تفاوت های عاطفی میان دو جنس مذکر و مؤنث تحقیق می کنند اظهار می دارند که چون دخترها در به کارگیری زبان خیلی سریع تر از پسران سواد می پیدا می کنند، بنابراین با فصاحت بیشتری می توانند احساسات خود را بیان کنند و همچنین بهتر از پسران می توانند واکنش های عاطفی را جایگزین جنگ های تن به تن کنند. برعکس، پسران چون هیچ تأکیدی بر توصیف احساسات خود ندارند احتمالاً از وضعیت عاطفی خود و دیگران بی خبرند. پسران انتظار می رود که در موقع زمین خوردن گریه نکنند و باخود خود از زمین بی اجازه بدهند که بی ادامه یابد، اما دخترها بازی را برای کمک به فرد صدمه دیده متوقف می کنند.



از همین رو پسرها از جانب هر چیزی که استقلال آنها را به مبارزه بطلبد تهدید می شوند، در حالی که دخترها با بروز گسیختگی در روابطشان مورد تهدید قرار می گیرند. «دیواتانن» اشاره کرده است که این تفاوت دیدگاه ها بدین معنی است که زن ها و مرد ها از يك گفت و گو چیز های کاملاً متفاوتی انتظار دارند. مرد ها به صحبت درباره ی «مسائل» قانع اند، در حالی که زن ها در جست و جوی روابط عاطفی اند.

صها تحقیق نشان می دهد که سی همدلی زن هلدی قوی تر از مرد هاست. آنها حداقل خیلی بهتر از مرد ها می توانند اظری قویه، لحیضا و یگو ادم غ یوکلایه احمدلک درونی دیگران پی ببرند. به طور کلی زن ها هنگامی که وارد زندگی زناشویی می شوند برای ایفای نقش مدیریت عواطف و احساسات کاملاً تعلیم دیده اند، در حالی که مرد ها از اهمیت این امر برای حفظ بقای رابطه ی زناشویی درک کافی ندارند. تحقیقی که بر روی 264 زوج انجام گرفت شد نشان داد به راستی مهم ترین عنصر برای زنان – نه مردان – در رضایت از روابطشان این بود که «راتبلا خوبی» با شوهرشان داشته باشند. «تدهوستون» معتقد است که از دیدگاه زن ها، صمیمیت و نزدیکی یعنی گفت و گو راجع به مسائل، به ویژه در مورد رابطه ی زن و شوهر، اما مرد ها روی هم رفته درک نمی کنند که زن هایشان از آنها چه می خواهند. آنها می گویند: «من را نمی خواهم که به اتفاق هم کاری انجام دهیم ولی همه ی کاری که او می خواهد انجام بدهیم این است که بنشینیم و حرف بزنیم». «هوستون» دریافت کرده است که مرد ها و زن ها در این زمینه تفاوت دارند، اما به وضوح آن که زن ها می کنند و وارد زندگی می شوند (به ویژه در روابط عاطفی) و یگو کمتری صوفصدب کرد زیا همسرشان می کنند.

اینک یافته های از این مطالعه است که مرد ها باخوش بوی بیتی به زگی زناشویی خود نگاه می کنند. اما زن ها در کل و به خصوص در ازدواج های ناموفق، بیش از شوهران خود به گله گزاری می پردازند. حالا چگونه می توان این شکاف عاطفی را در هنگام بروز اختلاف نظرون رضایتی که هر دو رابطه ی زناشویی تبدیل طبیعی است، بررسی

کرده؟ درجه بقبضوعتاضل ملته دادد فک راجله ي زندگي نو هيتربيت
 وزندل، يامقدل سب لداز و قرض هيچ کدام نمي توانند باعث تحکيم يا متلاشي شدن پيوند
 زناشويي شوند، بلکه عاملي که سرنوشت يك زندگي مشترك را رقم مي زند اين است که زن و
 شوهر چگونه راجع به رنجش ها و دلخوري ها و مسائل آزار دهنده ي فيماابين ، بحث و گفت
 و گو مي کنند. حتي توافق در مورد اين که چگونه مخالفت خود را ابراز کنيم مي تواند راهي
 بري بقبلي زندگي زناشويي باشد. زن و شوهر بايد در هنگام برخورد با احساسات و عواطف
 سخت و انعطاف ناپذير يکديگر ، بر تفاوت هاي دروني مربوط به جنسيت خود غلبه کنند.

تأثير عوامل اقتصادي در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت هفتم)



در قسمت قبل به نقش ميزان تحصيلات در ازدواج پرداختيم . اينک در ادامه مي خوانيم
 مدامي اقتصادي مي تواند عالي اخلاف و زندگي ز نشوي بشلد . بعدد مختلفي که در اين
 زمينه مطرح مي شود؛ عبارت اند از:

1- مسکن؛

2- وسائل زندگي؛

3- هزينه هاي رفاهي و معيشتي.

هر يك را مکلک فوق نر زندگي نشق مهي دارد کهبوديا کهبود آهي واندعل
 اختلاف و ناخشنودي گردد.

نکته مهم اينجا آن است که اختلاف سطح اقتصادي در دو خانواده که قصد ازدواج دارند،
 بايد مورد توجه قرار گيرد. پسر جواني که در يك خانواده فقير بزرگ شده و فرضاً تحصيلاتي
 هم دارد، نمي تواند زياد خانواده مرفه را ناعند. ان نخر و يك زندگي
 لکاند زياد بزرگ شده و توقعاتي که در خانه شوهر دارد در همان سطح است و چون چنين

وضعیتی که شوهر خواهد داشت، شامل هر اختلاف و نواحتی وجود دارد. باور این یکد و زمینه ملکات مالی و رفاه خانواده و زمین انقلب هر توجه خاص مبذول گردد.

1- نقش مسکن در زناشویی

نقدن عملی که و مدله ازدواج مطرح می شود ، عاملی مسکن است. هر خانواده به یک واحد مسکنی مستقل نیاز دارد. داماد یا عروس سرخانه شدن ، یا زندگی مشترک با خانواده پیر ماوند پیش از آنکه هی آنها و دیگر خویشاوندان ، و نه نهایت اختلاف و نگرانی است. از آنرو قبل از ازدواج، باید موضوع مسکن حل شود. بیشتر زوج های جوان و پیران ترجیح می دهند و لو یک طلاق ، مستقل زندگی کنند. بنابراین منظور از مسکن، داشتن آپارتمان یا خانه ی مجلل نیست. البته اگر امکان مالی باشد، مانعی ندارد. اما در حالتی که وسیع مالی نباشد ، آنچه مهم است استقلال در مسکن است؛ و لو یک آپارتمان بسیار کوچک و یا به صورت استیجاری.

بعضی از همسران چون طرار دارند با پدر و مادر و یا اقوام دیگرشان در یک خانه زندگی کنند و برخی از آنها حتی این مورد را جزء شرایط ازدواج خود قرار می دهند. در این مورد باید بررسی لازم به عمل آید و به این مسئله توجه شود که در نهایت چنین وضعی به ناراحتی و اختلاف خواهد شد. بنابراین طرفین باید سعی کنند این سنت ها یا شرایط را بشکنند و از گام اولی چنی مثلی بین چلهو آیدم خود قرار نهند و لو نوباید لقبول چنین شرایطی، امتناع ورزد.

2- وسائل زندگی

در ابروم معمول دختر جهیه یی شامل مالی زندگی بلخود به خانه بخت می پرد. چنانچه شوهری مددکم یونجه زیه بقدری کند و آنرا وسیله ای برای تحیر هوش قرار دهد زمینه ناسازگاری را فراهم می آورد. باید زوج را با سادگی شروع کرد و صرفاً وسایل اولیه را تهیه نمود. آنچه مهم است صفا و صمیمیت و هماهنگی اخلاقی و فرهنگی است. درست است که اقتصاد در زندگی نقش مهمی به عهده دارد، ولی نباید اساس و پایه زندگی زناشویی قرار گیرد.

وسایل زندگی را می توان به دو بخش تقسیم کرد. وسایل اولیه و ضروری و وسایلی که جنبه رفاهی و تجملی دارد. بعضی خانواده ها با وسایل عادی نظیر یخچال و تلویزیون و فرش های ارزان یامدوسط قیمت و سایر وسایل مورد نیاز، زندگی را می گذرانند. و لی برخی دیگر زندگی لوکس و مرفه و وسایل مدرن و گرانبها در اختیار دارند و همیشه از آخرین مدل لباس ، اتومبیل و مبل ، فرش های گران قیمت و وسایل خارجی و تجهیزات تفریحی و ورزشی استفاده می نمایند. دختر و پسر جوانی که در دو زندگی متفاوت بزرگ شده اند، سازش آنها در زندگی جنبه تصادفی دارد و احتمالاً با مشکلاتی مواجه خواهند بود. پسر جوانی که درآمد کافی

برای تهیه وسایل برای پذیرایی در حق چنین خانواده ای ندارد؛ دیر یا زود مورد اهانت و اعتراض همسر خود قرار می گیرد و چه بسا که زن، خانه و کاشانه خود را ترک کند و شوهر را تنها بگذارد یا او را در فشار روانی یا عدم سازش قرار دهد و یک عمر زندگی را در آلودگی تلخ و ناسازد. باوان قبل از زواج و انتخاب همسر شرایط زندگی او مورد توجه قرار گیرد.



3- هزینه های رفاهی و معیشتی

و جملهاً تلمین وینه هی زندگی به عهد شوهر است. بعضی از دختران ملاک ازدواج را میزان درآمد پسر قرار می دهند تا بتواند هزینه های زندگی را در یک سطح عالی تأمین نماید. گاه توقع زیاده جویی شوهر باشد و با وجود دانش و اطمینان، از ازدواج ضد شود. بنا بر این توقع دختری باید وحدت زمانی پسر و سهم ملی او باشد و دختری بوقولی از زواج، شرایط شغلی و درآمد و توقع همسر خود را در نظر بگیرند و در انتخاب همسر با آگاهی و بصیرت تصمیم گیری نمایند.

ریشه اقتصادی اختلاف های زوجین

- 1- نداشتن مسکن و ناراحتی زوجین از اجاره نشینی یا سکونت در محل های نامناسب.
- 2- هر قدر زن که بردنی بی صنعتی و یا نیمه صنعتی وارد بازار کار شده اند، برای خانواده مطرح است؛ و از آنجا که تأمین هزینه خانواده و نفقه زن بر عهده مرد است، اکثر اوقات بین زن و مرد در هزینه کردن درآمد زن اختلاف وجود دارد؛ و گاه مشاجره و ناسازگاری در پی می آید.
- 3- چون زن به قدر وقت خود را در خانه می گذراند و به علاوه کار آشپزی و نظافت و سایر امور خانه به عهده او است لذا رغبت زیادی به استفاده از وسایل مدرن نشان می دهد و فشار زیادی برای خرید آنها به شوهر وارد می کند و چون غالباً تهیه آنها برای شوهر میسر نیست، اختلاف و ناسازگاری پیش می آید.

- 4- بالا بودن هزینه های زندگی و احتمالاً مهمانداری از خانواده های وابسته.
- 5- شوهرانی که به خاطر ثروت زن با وی ازدواج کرده اند و در عمل زن ثروت خود را در اختیار آنان نمی گذارد.
- 6- رفاه طلبی بعضی زنان که بدون توجه به درآمد شوهر به خریدهای غیر ضروری می پردازند.
- 7- زنان بد رفتاری که فتنه جویی آنان طبعاً نیت و در مهملی و صفتبازی و قتل و سب و سایر اعمال بیخیزد و به خانواده تحلی می کند، موجبات نارضایتی و در نتیجه ناخشنودی همسر خود را فراهم می کنند.
- 8- شوهری که زیر بار هزینه های خانواده، کمرش خم می شود؛ مجبور است به شغل دوم و سوم روی آورد و در نتیجه هزینه خستگی و صدماتی است؛ و ممکن است در خانه با والدین بهانه ای به رفتارهای خدویش متوسل گردد. این امر اثرات سوء تربیتی روی فرزندان می گذارد. در خانواده های دو شغله اعم از این که زن شاغل دو شغل باشد یا مرد، مشکلات زندگی بیش از خانواده یک شغله است.
- 9- تعالی بوجه و کثرت مخارج خانواده در زندگی زندگی دنیوی ذائق می افکند. زیاد خرج کردن و گرفتاری های ناشی از آن، صمیمت را در خانواده از بین می برد و باعث درهم گسیختن خانواده می گردد. بنابراین باید هزینه ها تحت کنترل باشد. این که چه کسی این کار را انجام دهد، زن یا مرد، به توافق و قدرت مدیریت اقتصادی آنان بستگی دارد.
- 10- مخفی نگاه داشتن درآمد زن و شوهر از یکدیگر.
- 11- در کشور ما پدر و مادر تا پایان عمر به فرزندان خود وابسته اند. یکی از موارد وابستگی آن است که چنانچه در زمان پیری از کار افتاده و از نظر مالی در مضیقه باشند، از فرزندان خود توقع کمک دارند؛ و شرعاً نیز نفقه پدر و مادر نیازمند و از کار افتاده به عهده فرزند پسر است. در چنین حالتی پدر یا مادر موظف است هزینه زندگی پدر و مادر پیر خود را تأمین کند. گاهی همسر زن تازه به دوران رسیده و یا کم ایمان، در قبال این کمک بنای ناسازگاری می گذراند و اظهار می دارند که همسرشان نباید از دهان بچه ها بگیرد و خرج پدر و مادر خود کند. در این موارد باید حد تعادل حفظ گردد و در صورت ضرورت برای قانع کردن و توجیه همسران از مشاوران و روحانیون کمک گرفته شود.

وظایف مشاوران در قبال مشکلات اقتصادی خانواده

شماره اول قبل از ازدواج و مسائل اقتصادی خانواده پیش از هر چیز باید جنبه های روانی امر را و نظر بگیرند و واقعیتها و شرایط موجود را مورد توجه قرار دهند. اهم فعالیت هایی که مشاوران در این زمینه می توانند انجام دهند به شرح زیر است:

1- خ ترو پوي كصق زوېږد لړند ،باید دجریان ملك مالیه قوت قصادي
يكدیگر قرار گیرند. آنچه در وهله اول اهمیت دارد وضع مسكن و میزان درآمد ماهانه پسر می
باشد که دختر باید اطلاعات لازم را در این مورد کسب کند. یکی از مواردی که دختران را به
ناسازگاری می کشاند، آن است که پسر قبل از ازدواج ، خود را صاحب امکانات معرفی کند و
بعد زانو بلع مشغول می شود که پو آه و بدظن دارد. از همان زمان، پایه ناسازگاری و
عم ظمینل گذاره می شود. زگی کهره پله عد صداقت گڈلته شوک فجام هی
نخو اهد دشت. مشاوران باید در مورد اهمیت بررسی وضعیت مالی پسر و میزان صداقت او
طاعت لازم را به دختر بدهند و به آنان متذکر شوند که با تحقیق کافی در این زمینه تصمیم
بگیرند.



2- خافی که شاغل است و درآمد ماهانه دارد قبل از ازدواج باید وضعیت خود را با همسرش
روشن کند. او باید مشخص سازد که درآمد شخصی خود را در اختیار شوهر خواهد گذاشت یا
خیر. این موضوع موجب خواهد شد که همسرش سی ل ازدواج وان مورد توقع بی جا
نداشته باشد. جعی را شوهران حطوبه ادامه تحصیل یا کار همسرشان در خارج از خانه
نیستند. این مسائل باید قبل از ازدواج مشخص ، و جزء شرایط عقد ملحوظ گردد. در این زمینه
مشاوران باید اطلاعات لازم را به مراجعان خود بدهند.

3- بی ضی از خانواده ها اولن عاملی که و زندگی زناشویی مورد توجه قرار می دهند،
میزان درآمد و ثوت طومقالی سلت. توجه اف طلی به این عامل و نادیده گرفتن عوامل
دیگر بک زندگی ازدواج اول و مل یك لدوق می سازد و به احتمال زیاد ناهماهنگی های
اخلاقی و فرهنگی را پدید می آورد و موجب اختلاف و ناشادی در زندگی زناشویی می شود.
وظیفه مشاوران این است که به مراجعان خود در مورد مسائل اقتصادی ازدواج ، آگاهی دهند

و در عین حل اهمیت عوامل دیگر را نزیه آنرا تفهیم نمایند ؛ و متکر گردند که مسائل اقتصادی نباید موجب شود که اهمیت عوامل دیگر را مورد غفلت قرار دهند.

4- مشاوران باید اطلاعات لازم را در مورد عوامل اقتصادی که موجب اختلاف و ناسازگاری می شود ، و اختیار زوجین قرار دهند . جمله موری که با بدخلها بد توجه نمایند عبارت اند از :

- پایین آوردن سطح توقع در حد درآمد خانواده؛

- جلوگیری از اسراف و هزینه های غیر ضروری؛

- تنظیم هزینه ها بر اساس درآمد بدون تحمیل شغل دوم و سوم به همسر.

مشاوران باید قبل از ازدواج حدود توقعات و شرایط زوجین را از نظر مالی بررسی نمایند و هزینه انجام ازدواج را محدود به مالی نمایند که فاصله در این زمینه زیاد نباشد. در این حالت با تشکیل جلسات مشاوره ای و توجیهی ، امکان هماهنگی وجود خواهد داشت.

تأثیر عوامل اخلاقی و روانی در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت هشتم)



در قسمت قبل به نقش عوامل اقتصادی در امر ازدواج پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

عوامل مؤثر در ازدواج هر یک در جای خود مهم است؛ ولی مهمتر از همه، عوامل اخلاقی و روانی است. بسیاری از کسانی که ازدواج هایشان از هم گسیخته است؛ علت را عدم توافق اخلاقی ذکر می کنند. هر چند ممکن است این سرپوشی برای

پوشاندن سایر عوامل باشد ولی واقعیت این است که "عدم توافق اخلاقی" محکمترین ضربه را بر پیکر خانواده می زند.

عوامل اخلاقی و روانی که در ازدواج نقش مؤثر دارند ، به دو دسته تقسیم می شوند:

الف: عوامل توفیق و حفظ زناشویی

عوامل اخلاقی و روانی متعددی در توفیق و حفظ زناشویی مؤثرند، و باید قبل از ازدواج در انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرند. مواردی دیده شده است که خصوصیات اخلاقی افراد تحت تأثیر پیشآمدها و مشکلات زندگی تغییر کرده و زندگی شیرین خانوادگی به تلخی و تباهی کشیده شده است. بنابراین ثبات در ویژگی های اخلاقی و شخصیت از عواملی است که در ازدواج نقش مهمی به عهده دارد.

عوامل توفیق در زناشویی علاوه بر آن که در انتخاب مهم است ، در حفظ و تداوم زندگی نیز اهمیت دارد. از این رو فردی که همسر مناسبی اختیار کرده ، باید متوجه باشد که بزرگترین نعمت در زندگی نصیبش شده است. او باید در نظر داشته باشد که نگهداری و حفظ نعمت ، از به دست آوردن آن مهم تر و مشکل تر است.



مهمترین عوامل توفیق و حفظ زناشویی:

1- حوصله و بردباری: حوصله و بردباری در زندگی زناشویی از اهمیت خاصی برخوردار است. کسانی که در قبال مسائل خانوادگی و اختلافات بین خود و همسرشان حوصله به خرج نمی دهند و پس از کوچکترین موضوع مورد اختلاف ، عکس العمل نشان می دهند ، زندگی زناشویی را به طرف ناسازگاری و ناشادی پیش می برند.

2- صمیمت و صداقت: پایه و اساس زندگی خانوادگی است. چنانچه زن و شوهر مطالبی را از هم پنهان کنند یا به دروغ متوسل شوند، اعتماد و اطمینان آنان از یکدیگر سلب می شود و زندگی زناشویی با مشکل مواجه می گردد.

3- خلوص: منظور از خلوص ، سادگی ، پاکی و بی آلاشی است. اگر بین زن و شوهر ریا و تظاهر حکمفرما باشد ، زندگی صفا و صمیمیت خود را از دست خواهد داد. ریاکاری و تظاهر به مهربانی و صداقت بدون آن که واقعیت داشته باشد ، بنیاد زناشویی را سست خواهد کرد.

4- مهربانی: زن و شوهر باید یکدیگر را دوست داشته باشند؛ و نسبت به هم مهربان باشند؛ در غم و رنج یکدیگر شریک ، و در همه حال یاریگر هم باشند.

5- از خود گذشتگی: در زندگی زناشویی چنانچه گذشت نباشد زندگی به سختی می گذرد. بنابراین زن و شوهر باید در مقابل یکدیگر گذشت داشته باشند و وضعی پیش نیاورند که با لجابت ، زندگی را بر خود تلخ کنند. همسران خوشبخت سعی می کنند در همه امور زندگی و باورهای خود هماهنگ باشند. زن و شوهری که در موارد اختلاف ، از خود گذشت نشان می دهند و خطاهای یکدیگر را تحمل می کنند ، در جهت سعادت و زندگی شاد و شیرین زناشویی پیش می روند. چنانچه روابط بین همسران صمیمانه باشد، هیچ کدام از طرفین انتظار ندارد در ازای از خود گذشتگی، چیزی دریافت دارد. این امر نشانه عشق و صمیمیت زیاد بین آنهاست. فقط زوج های ناموفق در اندیشه جبران خوبی های خود هستند.



6- صمیمیت: صمیمیت حالتی است که بین زن و شوهر پرده و حجابی نباشد. آنچه در دل دارند بگویند و یار و غمخوار یکدیگر باشند و در این زمینه از صمیم قلب عمل کنند. صمیمیت اینه ای است که آنچه در ذهن و رفتار است در آن منعکس می شود. صمیمیت همیشه با نرمی همراه است و حتی اعتراض و خشونت چنانچه با صمیمیت همراه باشد مشکلی ایجاد نخواهد کرد.

7- اعتماد و اطمینان: یکی از پایه های مهم زندگی شاد و خوشایند، اعتماد و اطمینان زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. زندگی زناشویی که در آن اعتماد حاکم نباشد

نتیجه اش اضطراب و نگرانی و بدبینی و بالاخره نابسامانی است. اگر پایه اعتماد و اطمینان در خانواده ای سست باشد؛ زندگی از نظر روانی وضع نامناسبی پیدا خواهد کرد. بنابراین رفتار و حرکاتی که ممکن است از طرفین سلب اعتماد کند؛ باید کنترل شود و ترتیبی فراهم گردد که زوجین از جمیع جهات نسبت به یکدیگر تفاهم کامل داشته باشند.

8- نظم و انضباط: یکی از عواملی که همیشه بین زن و شوهر منجر به بحث و گفتگوی اعتراض آمیز می شود، عدم رعایت نظم و انضباط در امور داخلی خانه است. زن یا شوهری که جوراب و لباسش وسط خانه افتاده باشد ، و یا نظافت و بهداشت خانه را رعایت نکند، مورد اعتراض قرار می گیرد. زمانی که هر دو طرف بی نظمند شاید مشکل کمتر باشد. ولی اگر یکی منظم و منضبط و دیگری بی قید و بی نظم باشد، مشکل بیشتر خواهد بود.

9- همکاری: بیشتر امور خانه نیاز به همکاری دارد. این همکاری ، ممکن است جنبه غیر ذهنی داشته باشد؛ مانند کمک در انجام امور خانه از قبیل شستن ظروف، خرید لوازم مورد نیاز، جارو کردن و ... ؛ و ممکن است جنبه ذهنی داشته باشد مانند همفکری برای رفع مشکلات و رفتاری های مالی ، بررسی امور مربوط به فرزندان و مشابه آن. زن و شوهر باید در هر دو زمینه با هم همکاری نمایند تا مشکلات خانواده حل گردد. آنچه به بی سر و سامانی خانه و خانواده می انجامد ؛ خود رایی و عدم احساس مسئولیت یکی از طرفین است.

10- سازگاری: وضعیت خانواده ممکن است در شرایط مختلف از نظر روانی و رفاه دگرگونی هایی داشته باشد. مثلاً نان آور خانه شغل خود را از دست بدهد و درآمد خانواده کم شود یا شغل او تنزل پیدا کند و یا با رویدادهای پیش بینی نشده دیگری مواجه گردد. در این مواقع چنانچه زوجین قدرت سازگاری داشته باشند و بتوانند خود را با شرایط تطبیق دهند، بقای خانواده تضمین می شود ؛ در غیر این صورت احتمال از هم پاشیدگی خانواده می رود.

11- تعهد: زن و مردی که عقد ازدواج بسته اند باید به تعهدات خود در طول عمر زناشویی پایبند باشند و همواره در نظر داشته باشند که عدول از تعهدات زناشویی از عواملی است که ریشه های این پیوند مقدس را سست می کند.

12- سخاوت: خست هر یک از طرفین از عواملی است که ادامه زندگی را برای آنها مشکل می کند؛ مرد باید در اقتصاد خانواده میانه روی را اختیار کند و همسر خود را در هزینه های زندگی بیش از اندازه محدود نسازد. زن و مرد باید بین اسراف و خست ، نقطه میانه روی و اعتدال را انتخاب کنند و در این زمینه با هم هماهنگ شوند. دادن کادو و چشم روشنی به مناسبت های مختلف ، محبت و گرمی خانوادگی را افزایش می دهد و موجب استحکام پایه های زندگی زناشویی می گردد.

13- وفاداری: زن و شوهر آنچه لازمه همسری است باید تا آخر عمر، مورد نظر قرار دهند و حقوق همسر خود را رعایت نمایند. تعهد و وفاداری دو خصلت حمیده است که ستون های کاخ زناشویی را تشکیل می دهد. همسران متعهد به رعایت حقوق یکدیگر

تا پایان عمر به هم وفادارند و به هیچ وجه از وظایف و مسئولیت هایی که در این زمینه پذیرفته اند شانه خالی نمی کنند.

14- احساس مسئولیت: عدم احساس مسئولیت زن و مرد در امور خانه و زندگی یکی از عواملی است که می تواند زندگی زناشویی را با بحران مواجه سازد. بنابراین هر یک از زوجین باید در حدود وظایفی که در روابط با خانواده به عهده دارند ، احساس مسئولیت نمایند و نسبت به انجام آنها با جدیت اقدام کنند.

15- مودّت و حسن تفاهم: یکی از عوامل حفظ و گرمی زندگی، مودّت و حسن تفاهم بین زن و مرد است. زن و مرد برای آن که از لذایذ زندگی برخوردار باشند، باید نسبت به یکدیگر در حد اعلاّی دوستی رفتار کنند و رفتار و روابط خود را براساس حسن تفاهم استوار نمایند.

16- انعطاف پذیری: گاه عواملی موجب اختلاف هایی بین همسران می گردد. در اینجا حل مشکل با انعطاف پذیری است. با انعطاف پذیری زن و مرد می توانند در جهات و ابعاد مختلف تنش های موجود را کاهش دهند ، و از دامن زدن به اختلاف ها جلوگیری نمایند، زیرا گذشت حالتی از انعطاف پذیری است و این امر نقش مؤثری در استحکام بنای زناشویی دارد.

ایا نقص در هوش عاطفی ، زندگی زناشویی را دچار آسیب می کند؟

هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی (قسمت سوم)



«گتمن»، روان شناس دانشگاه واشنگتن، موشکافانه ترین تحلیل ها را در مورد چسب عاطفی که زوج ها را به هم پیوند می دهد و هم چنین احساسات مخربی که زندگی

زناشویی را از هم می پاشد به عمل آورده است و این کار را از طریق گوش دادن و مشاهده نوارهای ویدیویی از روابط زوج ها انجام داده است.

او دریافته است که یکی از نخستین پیام های هشدار دهنده، در مورد در خطر بودن زندگی زناشویی، انتقاد تند و بیرحمانه ی طرفین از یکدیگر است. در یک رابطه ی زناشویی سالم، زن و شوهر به طور آزادانه از هم انتقاد می کنند. اما غالباً در لحظات خشم است که گلایه ها به روشی مخرب و به شکل تهاجم به شخصیت همسر بیان می شوند. در صورتی که می توان به جای حمله کردن به طرف مقابل ، با اعتماد به نفس احساسات خود را بیان کرد.

بدتر از همه ، انتقاد همراه با تحقیر و تنفر است که این را می توان از کلمات و حالات غیر کلامی مثل پوزخند زدن، کج کردن لب به علامت تحقیر یا گرداندن چشم ها نشان داد. بدیهی است که بروز هر از چند گاه تنفر، هیچ پیوندی را متلاشی نمی کند ، ولی این گونه ضربه های عاطفی همانند سیگار کشیدن و افزایش کلسترول خون که عوامل خطر ساز برای بیماری های قلبی اند، هر چه مدت و شدتشان بیشتر شود، خطر آنها نیز افزایش می یابد و در جاده ی منتهی به طلاق، یکی از این عوامل، به طور زنجیره وار، دیگری را به دنبال می آورد.



وقتی که حمله ای از جانب یکی از طرفین صورت می گیرد ، طرف مقابل پاسخ « جنگ یا گریز» را در اختیار دارد. بدیهی ترین پاسخ، جنگیدن متقابل است که معمولاً به یک مسابقه ی بی حاصل داد و فریاد منتهی می شود. اما پاسخ دیگر - یعنی گریز - ممکن است مضرتر باشد، به ویژه وقتی که با حربه ی سنگین سکوت انجام شود. سکوت، پیامی سردکننده ، پر قدرت و آمیزه ای از بی میلی، فاصله و برتری ، و ویران گر سلامت رابطه است.

مکالمه های درونی و اندیشه ای افراد که در پس زمینه ی ذهن جابخوش کرده اند بسیار قدرتمندند و سیستم هشدار دهنده ی عصبی را به اشتباه می اندازند. وقتی فرد خود را قربانی زندگی بداند، به سادگی فهرستی از اعمال و رفتار همسرش را به خاطر می آورد که تداعی کننده ی قربانی بودن اوست و کارهای محبت آمیز او را نادیده می گیرد. افکار مسموم، عواطف را در چنگال خود می گیرند و نگرش های بدبینانه باعث می شوند فرد ، همسر خود را فطرتاً بد ذات و غیر قابل تغییر بداند، اما نگرش های خوش

بینانه و مثبت، شرایط را قابل تغییر جلوه می دهند. نگرش بدبینانه، اندوه بی امان را به ارمغان می آورد و نگاه خوش بینانه آرامش و تسکین.

در بین زن و شوهرها گاهی مشاجره هایی پیش می آید که منجر به طغیان می شود. زنان و شوهران پرخاشگر آن چنان در بدبینی نسبت به همسرشان غرق می شوند که در باتلاق احساسات وحشتناک و غیر قابل کنترل فرو می روند. در این حالت نه می توانند حرف ها را بدون تحریف بشنوند، نه می توانند با فکر باز و روشن به چیزی پاسخ دهند و نه می توانند به افکار خود نظم دهند، در نتیجه به واکنش های بدوی متوسل می شوند. البته آستانه ی طغیان برخی از افراد بسیار بالاست و به راحتی در مقابل خشونت و تنفر مقاومت می کنند (مثل یک انتقاد ساده از سوی همسر).

در هنگام پرخاش (طغیان) ، تعداد ضربان قلب به 10 یا 30 بار بیشتر از حالت عادی می رسد و در بدن مقداری آدرنالین و چند هورمون دیگر ترشح می شود که رنج و اندوه را برای مدتی افزایش می دهد؟ عضلات کشیده می شود ؛ تنفس مشکل می گردد؛ باتلاقی از احساسات مسموم، ترس و خشم ناخوشایند به وجود می آید که گریز از آن ناممکن است ؛ اندیشه به قدری مغشوش می شود که امکان حل و فصل منطقی مسائل از بین می رود. فرد در این حالت مشکلات را غیر قابل حل می بیند. وقتی زن و شوهر در چرخه ی تکرار شونده ی انتقاد و تنفر، دفاع و سکوت سهمگین، اندیشه های اندوهبار و طغیان عواطف گرفتار می شوند، در زمینه ی خودآگاهی عاطفی، همدلی و توانایی آرامش بخشیدن به یکدیگر و خود ، دچار ناهماهنگی شده اند.

شوهرها در مقایسه با زن ها آمادگی طغیان بیشتری در برابر انتقاد از سوی همسران خود دارند. در هنگام طغیان آدرنالین بیشتری در خون مردها ترشح می شود و آنها در مقایسه با زن ها در برخورد با سطح پایین تري از رفتار منفی شروع به ترشح آدرنالین می کنند و به همین دلیل بهبود طغیان از نظر جسمانی در شوهرها بیشتر از زن ها طول می کشد.

رابطه ی بین هوش عاطفی و سلامت روانی

هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی (قسمت چهارم)



یکی از عطر هوش عاطفی، تفکر مثبت است. در مورد رابطه ی میوه ی خوشبختی و بهداشت روانی، پژوهش هلی انجام گرفته است. خوشبختی به آن گفته می شود که در زندگی فرد عموماً امور خوب (در

مقابل امر بد اتفاق می افتد. خوشبینی موجب حرکت به سوی هدف، و بدبینی، موجب دور شدن فرد از هدف می شود. خوش بینی و کنول آمدن با استرس، نقش واسطه ای مهمی دارد. زمانی که افراد سعی دارند با استرس به هورت يك مسئله مقابله کنند، خوشبینی بیشتری در مورد حل مشکل خود دارند. افراد خوشبین از شیوه های مقابله ای فعال استفاده می کنند. تحقیقاتی که در مورد رابطه ی بین روان رنجور (معادل Psychoneurosis) که به ناراحتی روانی و حالت همدی پلاق می شود (که ای و حالت عاطفی مثل اضطراب، انفرادگی، هم، نفوذ و قوت انجام شده است، نشان می دهند که این حالت های عاطفی منجر به ایجاد دیدی منفی نسبت به دنیا و خود فرد می شود. همچنین میان رضایت شغلی و رضایت زناشویی و استرس و تعارض حاصل شده توسط فرد رابطه وجود دارد. در بین افرادی که دچار حالات هیجانی منفی اند، گزارش های زیادی در مورد شکایت جسمانی وجود دارد.

توضیحاتی و مرد بزرگاری (پنی سعی در فکر نکردن به بعضی مسائل، هیجانات و ...) و تأثیر آن بر سلامت روان انجام گرفته است که نتایج آنها قد می دهد باز دلی، میب اف ن فکر کردن در مورد مسائل بزرگاری شده می شود. ای احمدی یا هیجان باز داری شده نسبت به حالت بیان آزاد، بیشتر تحریک کننده است. ژان بیگلا بزرگاری فکر می -ج می تولد می اما فتنوا کس هله یجانی نولسته بلد. باز داری فکر مکن بدتبخ ضوری ایجاد فیبا (هراس)، وحتت زدگی و اضطراب نامت طلب بلد. بزرگاری هچلی (چه خود آگاه و چه ناخود آگاه) در سلامت روانی مؤثر است. استفاده از حمایت های اجتماعی و سطوح مطلق تنظیم هیجانی عموماً برای سلامت روانی فرد، مفید و مثبت است. تلاش برای سرگرمی، وقفه یا انکار هیجان ها موجب تشویش درونی و تعارض می شود و بهداشت روانی فرد را به خطر می اندازد.

بنابراین وجود فضایی آزاد در خانواده برای بیان احساسات و هیجانات و بیان افکار، موجب افزایش سلامت روان می شود زیرا بزرگاری و ل مدت موجب گسترش بیماری های روان - تنی (1) می شود. تحقیقات نشان داده است که نوشتن تجارب دردناک در طول درمان، بر سطح سیستم ایمنی، سطح فشار خون و اندوه ذهنی افراد، مؤثر است.



شاید قلع کننده زن دله هادر مرد له میت عواهل، تحقیقات گسترده و عمیقی که بر روی چند هزار نفر مردون انجام گرفته است، حاصل شده باشد. نتیجه ی این بررسی ها باقی طبع تأیید می کند که عواطف نگه دارنده تا اندازه ای برای سلامت بدن مضرند. کسانی که دچار نگرانی مزمن، دوره های طولانی مدت غم و اندوه، بدبینی، تنش مداوم، یا تنفر و کینه توزی دائم و سوء ظن شدید هستند، دو برابر افراد عادی در معرض ابتلا به بیماری های قلبی، سردرد، زخم دستگاه گوارش و بیماری های قلبی قرار دارند. خطر عواطف منفی برای این نوع بیماری ها، مثل خطر سیگار کشیدن یا کلسترول بالا برای بیماران قلبی است.

این حقیق آملی هیچ‌گونه شکی باقی نمی‌گذارد که هر یکی در لی عطف مزین و یذیمی که بر شمردیم باشد، مستعد ابتلا به بیماری سلت. نگوئی و ضلطراب – گفتاری ننگی از فشارهای زندگی – شاید احساسی است که بیشترین شواهد علمی در مورد ارتباط آن با بروز بیماری وجود دارد.

به نظر می‌رسد کیفیت روابط با دیگران به همان اندازه‌ی کمیت آن‌ها، برای مقاومت در برابر فشارهای روحی مهم سلت. روابط منفی، عواقب خلی خود را روی دارد. ویل‌مئل بخت و جدل‌های زناشویی، بر روی دستگاه ایمنی‌ی تأثیر منفی را جی‌ی‌گذارد. تحقیقی که بر روی دانشجویان هم‌اتاق در یک کالج صورت گرفت، شلی داد که آنها به‌دقت ل‌همدیگر متنفر بودند، بیشتر در مقابل سرماخوردگی و آنفلوآنزا حساسیت داشتند و بیشتر به پزشک مراجعه می‌کردند.



جان کلسپی و رولشفلن دانشگاه اوهایو که تحقیق فوق را انجام داده است می‌گویند: «آدم‌هایی که در زندگی روزه با آنها شفت و دخلت می‌کنید، نقش مهمی در سلامت شما ایفا می‌کنند و هر قدر این روابط معنی دارتر باشد، تأثیر آنها بیشتر خواهد بود.»

1- روان – نی: (SomaticPsychic) یعنی گله‌بیماری جسمی، روح و روان را یک‌وی پی‌سود و نگاه بر عکس. مفهوم ضمنی اصطلاح این است که اختلالات جسمی و روانی تأثیر متقابل بر هم دارند.

مواردی که در زندگی زوجین سبب اختلاف می‌شود

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت نهم)



ب: ویژگی‌های فردی که در امر زناشویی نقش منفی دارد.

1- خست: يکي از مواردی که زندگی زناشویی را سخت و مشکل می سازد؛ خست است.

و این مورد سه حالت اتفاق می افتد؛ نخست وضعیتی که زن و مرد هر دو خست هستند که در این حالت مشکل روانی ندارد؛ ولی زندگی و فی خولند دشت. و حالت دیگر آن است که زن یا خست باشند. در این دو حالت زندگی هم از نظر روانی و هم از نظر رفاهی برای دو طرف شرایط سختی خواهد داشت.

2- عصبانیت: زن یا مرد صبدانی زندگی را و دیگری نشواری سازد. حساسیت های بی مورد و پرخاش و تهن و بی احترامی صفات مذمومی هستند که علاوه بر آن که طرف مقابل را ناراحت می کنند، به خود شخص نیز زیان می رسانند. و چنین موافی باید آلمش خود را حفظ کرد، آنگاه خشم همسر را آرام و توجه او را به امور دیگری جلب نمود و برای پالایش روانی او گفتگویی دو نفره انجام داد تا وی با بیان ناراحتی ها آرام گیرد.

3- دورویی: زوویی که با و خفت با همو لجه شوند و در ظاهر و بطرلک رگ نشند؛ زگی طلویی خولند دشت. زندگی ای که در آن صداقت و صمیمیت نباشد؛ اعتماد و اطمینان از آن رخت بر خواهد بست و اضطراب و تزلزل روانی بر آن حاکم خواهد بود.

4- دروغ: فرد دو رو کسی است که تظاهر به نیکوکاری و پاکدامنی می کند ولی در باطن طور دیگری می باشد؛ اما و و گکی است که و جا صلت و قع خود را بسجدو قعبت را خریف می کند و بنا به میل خود کرد و رفتار را تنظیم می نماید. دروغ نیز مانند دورویی بنیان خانواده را متزلزل می کند و اعتماد را از بین می برد.



5- پنهان کاری: پنهان کاری عبارت از آن است که یکی از زوجین بدون نظر و اطلاع همسر خود و در غیاب او مبادت به انجام اصلی بنماید و این اعمال را چه خوب و چه بد از همسر خود پنهان دارد. چنین رفتاری ولو به نفع خانواده نباشد، اعتماد را از بین می برد. گاه این گونه رفتار را وجهی متک و به قع خود یا خویش و دل نشو و به ضرر همسر و زندگی مشترک انجام می دهد. این گونه اعمال بتدریج بنیان خانواده را به هم می ریزد، و لک زوجین را قعبت به رفت و دیگری بدبین و ناراحت می نماید و به عکس العمل وا می دارد.

6- پرخاشگری و خشونت: پرخاشگری به رفتاری اطلاق می شود که " هدفش اعمال صدمه و رنج" باشد. مثلاً زنی که غثی مور طلاقه شوهرش را می پزد و یا آن را می سوزاند، یا شوهری که از زنش مرتباً انتقاد می کند و به لری می زند. و لکرا از رفتارها بخشی ل عنصلر یک رفتار پرخاشگرانه بوده و موجب از هم پشگی بنیاد زندگی زناشویی می گردد. خوت و عی العللر زننده و شدید چه از طرف زن و چه از طوشوهر قعبت طوطف مقیل ل اعتقبت می نماید و زگی را و ل و دو متک می سازد. در

خانو له اي كه خوت حكلم لك ، عطفو رفتار ا فداني رك بر مي بندد و محيط تربيتي نامناسبي از نظر تربيت فرزندان ايجاد مي شود.

7- **لجنت:** ل ديگرو اهل بيان كن در خانواده لاجنت است. اين حالت بين زن و مرد زياد ديده مي شود و گاه به جايي مي رسد؛ كه حركت لوجا نه به شكست وس الي خانه مذيبي مي گردد. چنا نچه اين حالت، وضعیت افراطي به خود بگيرد ، چه بسا به طلاق و از هم پاشيدگي خانواده منتهي گردد.

8- **خوبيني و تقوي ديگري:** خوبيني يا تصوير ذهني هر كس از شخصيت خويش ، از مجموع تصورها ي او درباره توانايي ها ، احساس ها ، اندیشه ها ، آرزوها ، داوري ها ، و كوشش هاي وي تشكيل مي شود.

مولا كساني كه خود كم بيهند نگر فتلعه حركت اند، و خودر كمتر، بي قدر تر و زير از ديگرو اهل مي كند؛ افلاي كه دچار خود بزرگ يني هستند ؛ ميتلا به تكبر ، نخوت ، خودستايي و جاه طلي اند؛ چن ن افراي سعي مي كنند با تحقو ديگرو ، بزرگ فلي كنند. زن يا شوهر ي كه بخواهد همسر خود را تقو كند، و خود را بالاتر احساس كند و خوبي هاي خود را به رخ ديگري بكشد ، با دست خود تيشه به ريشه زندگي زناشويي خويش مي زند.

9- **بي انضباطي:** مد يازني كه اسرار فترا خود را وب ي انضباطي قرار دهد ، مورد اعتراض همسر خود قرار مي گيرد. گاه بي فصيلي منح به بي اعتدالي مي شود و گري و شلمه اني را از خانو اده مي گيرد. مري كه شبد و به خانه مي آيد و زماني را براي تفريح ، مسافرت و معاشرت با زن و فرزندان خود در نظر نمي گيرد، موجبات نارضايتي خانواده خود را فراهم مي آورد.



وجوهي از اختلاف هاي زناشويي

تفاوت هلي فري لي صل مسلم غير قابل انكار است كه براي نظام اجتماع و طبيعت ضروري است. به پيروي ل اين طلي طبيعي، بين زن و شوهر اختلاف وجود دارد و تا زماني كه اين اختلاف ها فاصله زيادي نداشته باشند و با گفت و چشم و شي همك شود، مشكلي را ايجاد نمي كند. **موا لي ل ختلاف هايي كه ممكن است، منجر به ناهمناوي و ناسازگاري شود، عبارت است از:**

1- **اختلاف در خولده ها:** يي از عوامل ي كه در انتخاب همسر و زندگي زناشويي بايد مورد توجه قرار گيرد ، خولده هلي زن و شوهر است. زن يا شوهر ي كه د لي خولده هلي يده آل و متفاوت از ديگري باشد و در تعديل آن اقدام نكند ؛ احتمال ناسازگاري در زندگي زناشويي از اين جهت وجود خواهد داشت.

2- **اختلاف سبليقه ها و علقه ها:** وجود اختلاف سبليقه و علاقه در افراد طبيعي است؛ ولي چنانچه در برنامه هيازندگي ا واكي، ن خلدريه ها هنگي بين زن و شوهر فلي ثولده لامل ن دل كه به ناسازگاري منتهي گردد.

3- **اختلاف در دیدگاه ها:** انسان موجودی است با آرزوهای نامحدود ، او هر چه بیشتر داشته باشد ؛ بیشتر هم می خواهد و بر آورد شدن هر نیوی به جلیک ملتن از آرزوهای اندلی ، نیازهای تازه ای را هم بر می انگیزاند . چنانچه ن و شوی بایدهاگاه ها ورژوهای تفتک ه لحتل صولیه ن کم بتلد ؛ وآنند در زنگی زناشویی خود هماهنگی ایجاد کنند ، زندگی شاد و موفق را خواهند داشت .

4- **اختلاف در خلق و خوی:** بعضی افراد عصبانی ، خشن ، متکبر ، خودخواه ، از خود راضی ، و بعضی دارای روحیه ای گرم ، خوش برخورد ، متواضع و مردم دوستی باشند ؛ بناوان توقع اخلاقی در صدر عوامل انتخاب همسر قرار دارد .

5- **اختلاف در میزان هوش:** اختلاف سطح هوشی همسران نسبت به یکدیگر ، ممکن است در زندگی زناشویی آنن مشکلاتی ایجاد نماید . بناوان در ظرف گوقن بهره هوشی و اختلاف سطح معادل وان زمینه خالی از اهمیت نیست .

6- **اختلاف در بُعد معنوی:** هر روزنی که از طریعایت و پایدنی به طور معرفی لختل سطح دردد ، زندگی بی دغدغه ای خواهند داشت . بنابراین در امر ازدواج بُعد اعتقادی به ویژه جنبه های معنوی آن باید مورد توجه خاص قرار گیرد .

توصیه هایی برای همسران

هوش علمی و منطقی (IQ) یا هوش عاطفی (قسمت پنجم)



در وقت قبل طالعایی راجع به رابطه ی هوش عاطفی و سلامت روانی عنوان شد . اینک در ادامه می خوانیم ...

با توجه به نحوه ی برخورد متفاوت زن و شوهرها با احساسات رنج آور در زندگی، این سوال مطرح می شود که زن و شوهر برای تحکیم عشق و علاقه ی خود چه می توانند بکنند تا پیوند زناشویی آنها حفظ شود؟

کوشنسلن امیر زناشویی را سلی تحقیقاتی که روی زندگی زوج های موفق انجام داده اند توصیه ی خطی و چاپوردها ون ها و همچنین پیشنهادی کلی بیا هر هی لها

دارند:

1- تصدیق به مهرها این است که در مقالی درگیری ها عقب نشینی نکنند بلکه درك كنند که اگر همسوشل اخلا في را طرح مي كند ممكن است این كار را از روي عشق ، و به خاطر سلامت رابطه شان انجام دهد.

2- وقتي نطفه اي امكان ويز نيابد، بر فشدل هووني فود اقوده مي شود و بالاخره به صورتزبانه لي ل آش ختم هو مي آيد؛ اما وقتي كه شخص بتواند ناراحتي خود را به هر نحو طرح كند و واي ل پاسخي بيابدفشارهاي دروني اش فروكش مي كند. شوهرها بايد فك كند كه ختم يا ناخشنودي همسرشان به منزله ي حمله به شخصيت آنها نيست. عواطف زن ها و غلب و قوتجعلي تديد باقي نمي گد و قدرت درك آنها را در مورد موضوع مربوط نشان مي دهد.



3- مرده ها همچنين نبايدسعي كند با ارائه ي يك راه حل عملي سر و ته قضيه را هم آورده، گفت و گو را خاتمه دهند. براي زن خيلي مهم است كه شوهرش به گله هاي او گوش كند و با احساسات او در مورد موضوع ، همدلي نمايد (گرچه لزومي ندارد با او موافق باشد). ارائه ي بويچراه حل بويچزن ، به معني نلبيده لگدلتتن احساسد تائق ووسط هسر مي باشد. در بيش از نيمي از موارد وقتي زن حس كند به نظريات و احساساتش توجه شده، آرام مي گيرد.

4- مشكل اصلي مردها اين است كه همسرانشان در بيان شكايت هاي خود بيش از حد شدت و حرارت نشن مي دهد، به هميندليل زن ها بايد مراقب باشند كه شخصيت مردها را مورد هله قرل ندهند ، چنحمله به گي شخصيت مرد موجب جبهه گيري يا سكوت سهمگين او شده، حاصللي جز رنجش ندارد و فقط دعوا را حادثر مي كند. يك روش سودمند براي زنان اين است كه انتقلاخود را با لالطلف ودر لا به لبي جملاتي كه دلي از عشق به همسرشان است، بيان كنند.

5- درهنگام جث، افراد موفق سعي مي كنند جهت بحث را به مسيري صحيح هدايت كنند تا موجب ك ثلثي بشود. اين عمل ساده همانند يك ترموستات عاطفي است كه جلوي جوشش

شدید احساسات را می گیرد و به طرفین فرصت می دهد که بتوانند روی موضوع مورد بحث تمرکز کنند.



6- راه حفظ ازدواج تمرکز بر بی موضوعات مورد بحث فلتن هوا شوهرها نیست، بلکه باید هشیاری عاطفی مشترک میان زن و شوهر را پرورش دهیم و بدین ترتیب امکان حل و فک مشكلات را بهبود بخشیم. برخی از قابلیت های عاطفی مثل رفتارهای آرامش دهنده، هدای وشفونده ی خوب بودن، به گونه ای مؤثر می توانند اختلاف نظر ها را از بین ببرند و آن را به «دعواهای خوب» تبدیل کنند.

7- یکی از مهمترین عواملی که زن و شوهرها با یکدیگر بیوزند این است که احساسات برایشان کند و افسوده ساز خود را تسکین بدهند و این به معنای ارتقای توانایی برای رهایی لطیف ایجاد شده و اثراتش عطفی است. از آن جا که در لحظه های طغیان عاطفی، توانایی بخشیدن، اندیشیدن و درست صحبت کردن از میان می رود، آرام گرفتن بسیار مفید و سازنده خواهد بود.

8- گفتگو و دید بلامتغیر و دفلی انجام شود. نگه داشتن به هیجانی نگری، مهارتی است که پیوند میان زن و شوهر را حفظ می کند. مؤثرترین شکل گوش دادن، همدلی با طرف مقابل است که هک می کند تا احساسات پنهان در سخنان او را بفهمیم و این نیاز به آشنایی دارد. نگر «هم گینوت» معتقد است بهترین فرمول در این زمینه (X Y Z) است: «و قی تو کار X را انجام دای با ط ایجاد احساس Y در من شدی، ولی من توقع داشتم که تو کار Z را انجام می دادی». عشق و احترام هرگونه خصومت را در زندگی زناشویی از بین می برد، بنا بر این با یستی به عطف و ادستتف مقلل احترام گشت و موجب احساسات مثبت در طرفین شد.

9- بلیستی صد اقا شی هوشه طیفی بُدید، زیرا 80% موف قنیتِ درزندگی، ثلی از هوش عاطفی و 20% آن ناشی از هوش عقلانی است.

رفتارهای اختلاف انگیز زوجین و واکنش های دفاعی آنها

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت دهم).



در قسمت قبل به بررسی اختلاف های زناشویی پرداختیم.

- لیف که ویژگی های اخلاقی می مؤثر در این زناشویی بیان شد؛ لا مصله به نمونه رفتارهایی که از سوی هر یک از زوجین موجب اختلاف و ناسازگاری می شود اشاره گردد:
- تبعیض و پذیرایی احترام و پیشوندان زن افسو ی شوهر و بالعکس. این لزوم موجب اختلاف و ناراحتی طرفین می گردد.
 - کمک های مالی زن به خویشاوندان خود از درآمد خانواده، بدون رضایت شوهر و بالعکس (این کار باید با رضایت و مشورت انجام گیرد).
 - برخورد های سرد و خالی از عطف از سوی زن یا شوهر نسبت به یکدیگر.
 - ۱- تجاوز فیزیکی و سوء استفاده مالی از سوی زن یا شوهر بدون اطلاع و مشورت با دیگری بخصوص اگر این رفتار جنبه مالی یا ناموسی داشته باشد.
 - رفت و آمد مستبدانه و تصمیم گیری های یک طرفه که بدون مشورت و هماهنگی با دیگری انجام شود.
 - خرید لباس یا خودآرایی بدون در نظر گرفتن ذوق همسر و حداقل نظر خواستن از دیگری.
 - بد زبانی و لجابت و برتری طلبی از سوی یکی از زوجین نسبت به دیگری.

- همکلي نكودن و انجام كراهي خله. چنلچه مرددر انجلم گل هاي خانه شركت نكند، مكي لك اني لحسلل وزن پيدا شود كه او كلف خله است. وانگهي چون كارهاي خانه يك فولت وخته كننده استو به علاوه لوشوهر را شريك خود مي داند؛ اين سوال برایش پيش مي آيد كه چرا همسرش در كارهاي خانه كمك نمي كند.



- عدم توجه به علايق زن اختصاص دادن و اوقات فراغت به كارهاي شخصي.
- خست و حساب خواستن از همسر؛
- بي توجهي به ارضاي نيازهاي جنسي؛
- غيرتي بودن بيش از حد مرد و حسادت بيش از حد زن در مورد معاشرت ها؛
- بعضي از زنان مطلبي اظهار مي دارند كه نشانه نارضائتي آنان از شوهر است. نمونه هايي از صحبت هاي آنها عبارت است از:
- نمي توانم با همسر صديق باشم.
- نمي توانم خودم باشم.
- همسر مرتب سر من داد مي كشد.
- شوهرم تنها به فكر خودش و كارش است.
- شوهرم به صحبت هاي من گوش نمي دهد.
- با هم صحبت مي كنيم ؛ اما صحبت هاي ما سرد و بي روح است.
- شوهرم دو شغله است و هميشه خسته به نظر مي آيد.
- همسرم در تصميم گيري ها به من فرصت نمي دهد.

- درآمد و مخارج را از من پنهان می کند.

- او ولخرج است و پس انداز ندارد.

- در تعیین اولویت های زندگی توافق نداریم.

- اوقات فراغت خود را با من نمی گذراند.

این اظهارات نشانگر آن است که مشکلاتی در زندگی زن و شوهر وجود دارد و باید علت یابی شود.

مشاور باید وضعیت و لجه ی هسران به آنها با تشکیل جلساتی با اعضای خانواده و وضعیت جلسات فردی، علل مشکل را مشخص و با استفاده از فنون مشاوره در جهت رفع معلول اقدام نمایند.



واکنش های دفاعی زن و شوهر

زن و شوهر به واسطه دلخاف و مواجهه با مشکل ، یکی الگوی هیلی از خود نشان می دهند. این عکس العمل ها به صورت های مختلف اعمال می گردد:

- گریختن - ظهور اثناذهر انگستن - سرود اراه اذهتن - سکت کردن -
- قهر کردن - خود را ضرر و کردن - به همسر خود دهله کردن - مقبله به مثل کردن -
- تلافی کردن - عکس العمل قبل از عمل (نظیر فردی که خلافي مرتكب شده، ایراد می گیرد و به طرف مقابل حمله می کند).

رفتارهایی فوق موجب کاهش اضطراب و تنش فرد می شود؛ ولی بعضی از این عکس العمل ها مشکل را حادتر می کند و گاه جنبه های غیر اخلاقی به خود می گیرد.

عکس العملی که در ازدواج جذبهم نفی دارد و به صورت یک وسیله ویرانگر عمل می کند ، غالباً جنبه ایالاتی و حلیت مقابله به مثل دارد. این وضعیت که به رفتارهای غیر شرعی و خلاف اخلاق منجر می شود. مثلاً مرد بی بند و باری که دیر به خانه می آید و به دنبال روابط نامشروع باز نان ناهرم است؛ ممکن است باعث ایجاد یک عمل تلافی جویانه و مقابله به مثل از طرف همسرش مواجه گردد.

نظران و پسرانی که می خواهند ازدواج کنند ، باید همسر آینده خود را از این جهات آزمایش کنند و شرایطی را به وجود آورند که عکس العمل وی را در مواجهه با این امور مشاهده کنند. چنانچه وی در مقابل این گونه رفتارها، رفتارهایی ویرانگر و خشونت آمیز و یا خلاف اخلاق را خود نشان دهد، مطالعه بیشتر در مورد ویژگی های شخصیتی و میزان تعهد وی ضرورت دارد.

مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل اخلاقی و روانی

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت یازدهم)



و قسمت قلبی به رفتاری اخلاقی انگیز زحیم و واقعی هی دلفی آنها پرداختیم . ایک و لامی خوانیم...

پسر و دختری که قصد ازدواج دارند و مشکل آنها "عامل اخلاقی" همسر آینده آنان است ، نیاز به مشاوره دارند.

یاری ها و توصیه های مشاور برای راهنمایی آنها می تواند به شرح زیر باشد:

- 1- مشاور باید مراجع (مراجعه کننده) را به خصوصیات اخلاقی که در زندگی مشترک خانوادگی نقش سازنده دارد و هیلو بدین سه عاشق خانواده را بی ریزی می کند ، آشنا سازد؛ تا مراجعه کننده با توجه به توصیه های مشاور نسبت به انتخاب همسر خود اقدام کند.





ازدواج را آسان بگیرید



3 تا 5 سال تأخیر در سن ازدواج

براساس آمار به هت آمده امروزه سن ازدواج میان جوانان 3 تا 5 سال به تأخیر افتاده است. سن ازدواج در دهه‌های 18 تا 25 سال و در مراکز شهرها 25 تا 30 سال است. یکی از دلایل مهمی که سن ازدواج را در جوانان به تأخیر انداخته است، سطح خواسته‌های بالای طرفین، خریدهای کلان، مهریه‌های سنگین، قرار دادن تعهدات صعب الوصول و... است.

دکتر صلح کیلی نیله مشهور روان‌شناسی خلوات دلایل زوج جوانان را قرار می‌دهد، می‌تواند به داشتن فرزند، منس و بار، و گاهی به علت حرف مردم می‌داند. وی معتقد است که ازدواج باید از روی شناخت و بر پایه عطفه و شکل‌نسل باشد، ازدواجی که به دلیل حرف مردم (دلایل اجتماعی) صورت بگیرد تحمیلی است و یک ازدواج موفق به شمار نخواهد آمد.

جوانان توقع زیادی دارند

دکتر کیلی نیله و پناه علوی اف زنی دو ازدواج کردن جوانان می‌گوید: بیشتر روان‌شناسان سن ازدواج را و و مطلقاً بنا و ازدواج فیل و آب و هوای متفاتی دارند. به اعتقاد وی عدم تمایل دختران و پسرها به ازدواج و زندگی مدرن و گج‌های فیزیکی، روحی و روانی و مسئولیت‌پذیری از دلایل دیر ازدواج کردن جوانان است.

دکتر یعقوب برجعلی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی نیز در این باره می‌گوید: توقعات جامعه نسبت به 10 لی 20 سال پیش بسیار بالاتر است. و یکی از دلایل مهم و واضحی که دو ازدواج کردن دختران نقش به سزایی دارد، قبولی دختران در دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی می‌داند.

دکتر برجعلی می‌گوید: در جامعه ما 65 الی 75 درصد قبولی دانشگاه‌ها از آن دختران است و این درصد قبولی باعث می‌شود که آنها به سختی راضی به ازدواج با مردی بشوند که تحصیلات دانشگاهی ندارد. دختران پس از اتمام دروس دانشگاهی به دنبال شغل هستند و کمتر به ازدواج می‌اندیشند.

دکتر کیهل نیایمی گوید: اعتقاد بر این است که دختر و پسر زمانی می توانند ازدواج کنند که از نظر فرهنگی و فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی به بلوغ رسیده باشند.



مسئولیت پذیر باشید

دکتر کیهل نیایمی میگوید: جوانان بالازدواج به موقع منطبق خود را در مقابل خانواده و مسئولیت های مسوالت می دهند و به کار دل می بندند و پا از جاده عفاف بیرون نمی گذارند و چون جوانند، فرزندان برومند و سالم خواهند داشت. وی می افزاید: وقتی که به مجرد عادت کرد، به درآمد کم و محدودیت ها قانع است ولی دلشوره اش برای ازدواج بیشتر می شود. در این زمان تجربیات فرد بیشتر از گذشته می شود و ناخودآگاه انتخاب برایش مشکل خواهد شد و در نهایت ممکن است مجرد به ناتوانی جنسی منجر شود.

دکتر برجلی نیز درباره مشکلاتی که ممکن است فرد در تأخیر ازدواج به آن دچار شود، می گوید: در این هنگام وقتی فرد خود را در عرصه زندگی بکه و تنها می بیند دچار افسردگی، اضطراب، بیماری های روانی، یاس، ناامیدی و دلمردگی و در نهایت افت نقطه امید به زندگی می شود.

مراقب انتخابتان باشید

دکتر کیهل نیایمی ازدواج را دو درمینی را قلم با مشکل بر می شود و می گوید: هفت اول ازدواج هایی است که 20 تا 22 سالگی صورت می گیرد که به این دسته از ازدواج ها، ازدواج های احساسی گفته می شود که اگر به درستی مراقبت نشود، برخی از آنها با ناکامی همراه خواهد بود. دسته دوم ازدواج هایی است که با تفکری زیاد صورت می گیرد که این وصلت ها به دلیل هیجانات خاص هر سنی معمولاً به صورت دلمردگی در خواهند آمد و یا به متارکه ختم می شوند.

ازدواج های آسان را بپذیرید

دکتر برجلی وی رفع مسئولیت تأخیر در ازدواج می گوید، جوانان برای این که دچار پیردختری و یا پیرپسری شوند باید سطح توقعات را پایین آورند و به سبب ازدواج های آسان رهی بیابند و این باور باید در آنها ایجاد شود که زن نباید به دنبال زندگی کلاسیک باشد، بلکه باید با یک استقلال نسبی و توقعات متوسط وارد زندگی شوند و از خانواده هایشان استعانت مالی بخواهند تا خانواده ها آنها را یاری کنند.

ویژگیها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج (بخش اول)



خانواده مهترن نهاد اجتماعي و كوچكترين هسته ي جامعه است كه از يك زن و مرد و فرزندان آنان تشكيل مي شود . لعل و ري صلي خلوا ده به عوئل زوب نلي جمله ، ژو ل سلت . بدون ترديد ازدواج بزرگترين و مهمترين حداثه زندگي ه انسان است ، به طوري كه موفقيت و يا شكست هر يك از زوجين مي تواند سرنوشت ساز باشد . به همين جهت ازدواج بايد بر پايه ي اصولي صحيح صورت گيرد تا موجبات رشد و شكوفايي افراد و نتيجه جمعه را فراهم آورد . سب بر هر نخر و پسر ، لازم است كه قبل از ازدواج در مورد انتخاب همسر آينده ي خود اطلاعات كافي كسب كنند و سپس اقدام به ازدواج نمايند .

ما در جمع مختلف و ه جامعه ي خود مهاد بسياري از ناسازگاريهاي خانوادگي و از هم پاشيدگي . خانواده ها هتيم كه مهمترين عوامل آن ، عدم شناخت و درك صحيح زن و مرد از يكديگر و در نتيجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غير واقع بينانه از يكديگر است .

اهميت و ضرورت ازدواج

ازدواج يك پيمان مقن لت كه در ميل قلم اقوام و ملل و ق قلم زماها و مكانها وجود داشته است . سنت دو ينه لي كه و ئ زن و مرد زندگي مديري را نماز مي كنند و پيمان مي بندند كه م صاحب ، يار و غمخوار يكديگر را خوش بخت كنند ، خود و همدیگر را بهتر بشناسند . به يكديگر عشق بورزند و با ازدواج خود بر تنهائي خویش پايان دهند .

ازدواج ايند يژ و خ ملتطبيي زن و مرد است و همه مكاتب سالم در جوامع بشري به ويژه مكاتب آسماني و خله دين مبين اسلام بر آن صحه نهاده و پيروان خود را به ازدواج دعوت و ترغيب کرده است . پيامبر گرامي سلام علي الله عليه آله مي فرمايد : هچب نايي در المام بنيا نك اهي نشد ه لت كه قود خوند محبوبتر از ازدواج باشد .

بنا و لين فوايد يدي لي و ژو ل مترنتب سلت ، زيرا ازدواج از فطرت و آفرينش ويژه انسانها مايه مي گيرد و از ضروريات زندگي انسان به شمار مي آيد .

هدف از ازدواج

ل و اج ژ ضرورت بلت زندگي لنش به شمول ي آيد و هدفها و نيازهاي بي شماري را تأمين مي كند . از جمله مهم ترين هدفهلي ژادولجي تون نيل به آرفي ويكون ، بقلي سل ، تكميل وتكامل ، سلامت و هيت اجتماعي و سرانجام تأمين نيازهاي رواني - اجتماعي در فرد را نام برد .

1- نيل به آرامش و سكون

مهمترين نيتي كه و اثر ازدواج تا من مي شود ، نيل به آرامش ، له نيتو آسودگي سلت . ان نياز كه در سرشت آدمي ريشه دل ده جي حائز له مپ امت كه خداوند متعال در بيان فلسفه ازدواج در سوره روم ، آيه 21 چنين مي فرمايد : « يكي را يث الهي ين است كه براي شما از جنس خودتان جفتي را بياوريد تا با او انس بگوييد و را ئي بياييد و و بين شما دوستي و مهرباني قرار داد ، و در اين امر براي افراي كه اهل تفكر باشند ، آيتلو مانههاي چود دارد .» بناوا ن قرار دادن زوج (هسر) بر لي ه فرد ، موجب آرامش و امنيت

خطرناک و اجد محتوای فحش زن و مرد و زندگی خود را نیز از شانه هلیکت و ریت پروردگار است ، در واقع محیط خانه وسیله آرامش روحی زن و مرد قرار داده شده است .

2- تکمیل و تکامل

هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست ، به همین جهت پیوسته در جهت جبران نقص و کمبود خویش تلاش می کند .
خطرناک و پوچ و بی ارزش بودن بلوغ و جوانی آنکه در صدد رسیدن به استقلال فکری هستند برای جبران واقع خود و تأمین نیازهای بی شمار خویش به سوی ازدواج سوق داده می شوند ، و با گزینش همسری شایسته موجب رشد و تکامل و تغییرات مهم می کنند . هنگامی که فرد در کانون یک زندگی مشترک قرار می گیرد ، وسایع و اوقات و محبت و روابط نزدیک و صمیمانه ، بیشتر احساس مسئولیت می کند ، استقلال می یابد ، زندگی خویش را هدفدار می کند و از ثمرات کسب و کار و تلاش خود در واحد خانواده نویناد خویش بهره می گیرد .

زندگی زندگی زن و مرد در خانواده حمایتها ، رهبرها و کمکهای یکدیگر می گردند در خوردن با مسائل و مشکلات زندگی از تعاون و همکاریها و خوشامتنی می کنند . به همین دلیل وفاداری از همسوی مؤمن و شایسته یکی از بزرگترین نعمت های الهی است که برای دنیا و آخرت انسان سودمند خواهد بود .

3- سلامت و امنیت اجتماعی

ازدواج و زندگی خانواده ، یکی از ارشمنترین و مقدس ترین اقدامات برای هر انسان تلقی می شود ، به گونه ای که هیچ اقدام اجتماعی دیگری را نمی توان از جهت ارزش با آن مقایسه کرد . خانواده یک گروه و واحد اجتماعی است که در برگیرنده ی بیشترین ، عمیق ترین و اساسی ترین مناسبات انسانی می باشد . ازدواج و تأسیس کانون خانوادگی ، برای سلامت ، امنیت و سعادت اجتماع ، سودمند و ضروری است . هر گاه جوان ها به موقع ازدواج کنند ، به کانون گرم خانواده دل ببندد و بنیاد خانواده مستحکم باشد ، به گونه ای قابل ملاحظه از فسادها ، پلیدیها ، انحرافها ، بی بندوباریها ، قتل ها و جنایت ها کاسته خواهد شد

4- تأمین نیازهای روانی - اجتماعی

ازدواج از لحاظ نوعی برپایه ی نوعی کمال محسوب می شود و انسان بر اساس قانون آفرینش و حکم فطرت ، برای تأمین نیازهای مختلف روانی - اجتماعی خود و نیز برای بقای نسل ، آرامش جسم و روان و حل مشکلات گوناگون زندگی به ازدواج نیازمند است .

ویژگیهای لازم برای ازدواج

مشاوره های خانوادگی و مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که بسیاری از مشکلات زن و شوهرها قابل پیش بینی و نتیجه گیری قابل جلوگیری خواهد بود . اگر زن و مرد ، دختر و پسر قبل از ازدواج آگاهی های لازم را درباره خود و همسر آینده نتخل می کنند ، داشته باشند . بنابراین آموزش پیش از ازدواج یک ضرورت مسلم است که دختر و پسر را برای مهمترین تصمیم گیری و انتخاب در زندگی شان و نیز فرایند دشوار و پیچیده و در عین حال مطلوب و دشوار ازدواج آماده کند تا با آگاهی ، دانش و بینش کافی درباره خود و همسر آینده شان اقدام به ازدواج کنند و از عهده نقش های خویش به عنوان زن و شوهر به خوبی برآیند .

خود را پسوی که می خواهند ازدواج کنند باید دارای شرایط لازم جسمانی ، روانی ، عقلی ، اجتماعی و اخلاقی باشند که در زیر ، هر یک از این ویژگیها مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت .

1- رشد جسمانی

در شغل میزبان رشد جسمانی دختر و پسر ، نه فقط باید در تبط و همبستگی بعد از گوناگون رشد را در نظر گرفت ، بلکه باید به جسمانی با عوامل روانی و ناخانی حائز اهمیت تبدیل است . به بیان دیگر ، بین رشد

جسماني وسڙگرلپه ټي رولي - لجهه غلې. فوډ ارتباط نږدېك وجود دارد. رشد جسمي در ميزان و الگوي رشد جسماني ، گو ناگوڼه ټي سږي را به هوه درو ايجاد ته ډون ټك را ضرر و اشناخت ي مهترين و معني دارترين حادثه اي است كه در طول فرايند رشد جسماني اتفاق مي افتد .

2- رشد عقلي

رشد عقلي ، عبارت است از مجموعه فعاليت هاي فرد كه به ادراك ، فهم ، تشكيل مفاهيم ، بررسي معاني ، تفكر و تفق ، ټپي بيبي و لبتند ټج ، و نامه ريزي ، تعيين هدف و انتخاب راهبردهاي براي رسيدن به هدف منتج مي شود . اندیشه ، ديدگاه و نگرش فرد نسبت به زندگي جنبه عقلاني شخصيت فرد است .

رشد فكي مي از بلوغ جسماني رو به تكامل مي رود . مي را بوانه ټي بلوغ ، فرد استعدادها ، تواناييها و لكانت محيطي خود را بهو مي شد نلد و نسبت به شخصيت خود بيشتر آگاهي مي يابد . در نتيجه تصميماتش بيشتر از عقل نشأت مي گيرد تا از احساسات .

حضرت علي (ع) و توفيق عقل مي فرمايد : عقل را چوئي لست كه راه ضلالت را از خوشبختي تميز مي دهد و عاقل كسي است كه هر كاري را در جاي خود انجام دهد .

فردي كه از رشد عقلي برخوردار است داراي ويژگي هاي زير مي باشد :

- 1) از مسائل درك و فهم بهتري دارد ، براي مثال مي داند كه چرا ازدواج مي كند .
- 2) در زندگي داراي هدف است .
- 3) براي رسيدن به هدف و اهداف خود در زندگي برنامه ريزي مي كند .
- 4) در تصميم گيري هاي خود بيشتر از عقلش تبعيت مي كند تا از احساساتش .
- 5) انتظاراتش از خود و ديگران واقع بينانه است .
- 6) توانايي حل مساله را دارد ، يعني درباره ي هر مساله مي انديشد و راه هاي حل آن را مورد ارزيابي قرار مي دهد .
- 7) از خود و محيطش شناخت دارد .
- 8) و مو لجهه با مشكلات ، موضع گيري هاي صحيح و اصولي دارد . يعني به جاي فرار از مشكلات و يا ناديدنه گرفتن آنها سعي مي كند با آنها برخورد اصولي كند .
- 9) فردي مسئوليت پذير است و مسئوليت اعمال ، رفتار و تصميماتش را بر عهده مي گيرد .
- 10) بر رفتار كودكانه خويش غلبه كرده است و مطابق سن و رشد خود عمل مي كند .

3- رشد عاطفي

انسان موجود چتد بع ي و و عي ن حال بسيار پيچيده است . با تمامي ارزش هايي كه براي عقل متصور است ، لها تمام سعادت بشر در گرو تكامل عقل نيست ، بلكه سرمايه ي مهم ديگري به نام عواطف و احساسات در انسان وجود دارد كه به اندازه ي عقل مهم است . انسان به كمك عقل و عاطفه (دوش به دوش هم) راه تعالي و تكامل را طي مي كند .

رشد عاطفي و احساساتي از شرايط لازم براي ازدواج است و داراي محاسن و مزاياي بسياري است :

- 1) عواطف و احساسات ، قدرت محرکه ي انسان مي باشد .
- 2) عواطف و احساسات ، عامل اتصال و پيوستگي و تلطيف انسانها و جوامع است .
- 3) مهر ، محبت و عواطف از مهمترين عوامل موفقيت در زندگي زناشويي است .

فرد برخوردار از رشد عاطفی، مهار احساسات منفی و مثبت خود را در دست دارد. او در ابراز خشم و ترس، گریه و شادی، محبت و غیره در محدوده‌ی مورد قبول جامعه عمل می‌کند، نه همانند یک کودک.

رشد عاطفی نیز مانند رشد عقلی به‌یمن تأیید نیست، بلکه به میزان یادگیری، تجارب فرد و از همه مهمتر در تعلل عاطفی کودک با والدین و دیگر بزرگسالان آموخته می‌شود. رشد عاطفی مانند رشد جسمانی از لحظه‌ی تولد آغاز می‌شود و حتی رفتاری عاطفی کودک و هنگام تولد مشاهده می‌گردد و بر اثر تعامل با خانواده و دیگر افراد در جامعه رشد می‌کند؛ پس اکتسابی است.

4- رشد اجتماعی

رشد اجتماعی، رابطه‌ی فردی با رشد عقلی و رشد عاطفی دارد. انسان دارای چهار دنیای اجتماعی است: خلوقانه، مدرسه، شغل و دوستی که فرد را باید از نظر اجتماعی در آنها مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. فردی که از رشد اجتماعی برخوردار است روابط اجتماعی را بهتر درک می‌کند، به دیگران احترام می‌گذارد، حقوق دیگران را محترم می‌شمارد و تقی، ظاف و مسد و لیت‌های مربوط به خویش را به نحو احسن انجام می‌دهد. چنانچه فردی محیط زندگی و اجتماع خویش را خوب می‌شناسد، به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه احترام می‌گذارد و رفتار تر خوش را با ارزش‌ها و رفتار مطلوب در خانواده، مدرسه و جامعه تطابق می‌دهد؛ ضمن آن که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت دارد و مسئولیت‌های اجتماعی را می‌پذیرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که ازدواج می‌کند باید همسرش را اکرام کند.» یعنی به او احترام بگذارد و گرامی‌اش بدارد.

به بیان کوتاه، فردی که از رشد اجتماعی برخوردار است:

- 1) در فعالیت‌های مختلف درگیر است.
 - 2) وظایف و مسئولیت‌های خویش را انجام می‌دهد.
 - 3) توانایی ایجاد ارتباط اجتماعی با دیگران را داراست.
 - 4) مسئولیت‌پذیر است.
 - 5) در برخورد با افراد دیگر رفتار سازگارانه‌ای دارد.
 - 6) در موقعیت‌های مختلف، متناسب با آنها عمل می‌کند.
- رشد اجتماعی نیز اکتسابی است و فرد مهارت‌های مربوط به آن را در خانه، مدرسه و اجتماع فرا می‌گیرد.

5 - رشد اخلاقی

از شواهد لازم برای ازدواج، رشد اخلاقی است. اخلاق یعنی خودنظمی در اعمال و رفتاری که در آن رفاه فرد و دیگران هر دو مراعات شود.

اخلاق، مجموعه‌ای از آداب و رسوم، عادت و آله‌های رفتاری است که با معیارهای مطلوب گروهی که انسان با آن زندگی می‌کند تطابق دارد.

روابط و زندگی زناشویی همانند هر ارتباط اجتماعی دیگر بین انسانها، با در نظر گرفتن ارزش‌های اخلاقی و معنوی زن و مرد است که منجر به سعادت و معنویت زندگی آنان می‌گردد.

اخلاق عبارت از آن چیزی است که باید باشد. علمای اخلاق و انبیای الهی، جامعه را از آنچه که هست به سوی آنچه که باید باشد، سوق می‌دهند. پیام‌وگرایی می‌فرماید: «حق و بی‌تکلیف اصول اخلاق و فضیلت را نگه داشته‌ام. بدیهی را امور و مسائل زندگی زناشویی در چهارچوب اخلاقی و فضایل اخلاقی قابل حل ملت و اندازه زن و شوهر متعلق به اخلاق و رفتار پسندیده مانند صداقت و گذشت، درستی و فداکاری و ... باشند، زندگی‌شان از سلامت و آرامش بیشتری برخوردار خواهد بود.

اخلاق آموختنی است و یادگیری ارزش‌های اخلاقی از سه طریق اتفاق می‌افتد:

(1) پاداش و تنبيه

(2) تقليد ناخودآگاه از افرادي كه فرد با آنها زندگي كرده است و ايده آلهاي او را تشكيل مي دهند .

(3) از طرق تكر . تدبشه و تحقق و باره ي بي آمد هليرفقه و نتايج رعايت اصول اخلاقي در موقعيت هاي مختلف .

هام صادق (ع) و كتب الاخلاق مي فرمايد : « ولي اقام به هوكاري به كارگيري فكر و اندیشه و مطالعه جوانب مختلف آن و مال انديشي شرط موفقيت و پيروزي است . »

بنابراين ترديد نيست كه اخلاق را بايد يكي از مهمترين معيارها و شرايط ازدواج محسوب داشت .

نقش ايمان و اخلاق در تحكيم بنياد خانواده



خانواده ، يك واحد كوچك اجتماعي است كه با پيمان ازدواج زن و مرد آغاز مي شود و با تولد فرزندان ، توسعه و استحكام مي يابد. جوامع بزرگتر نيز از همين واحدهاي كوچك تشكيل مي شوند. بشر از آغاز ، زندگي خانوادگي را به عنوان بهترين نوع زندگي برگزيده و در همه زمانها و مكانها بدان پاييند بوده و هست.

اين نوع زندگي ، از امتيازات انسان محسوب مي شود و فوائد گوناگوني دارد ، از جمله اينكه زن و مرد را از پريشاني و بي هدفی نجات مي دهد و به خانواده وابسته و دلگرم مي سازد و آنها از نعمت انس و مودت بهره مند مي شوند .

وابستگي كودكان ، نوجوانان و جوانان نيز به خانواده ، فوائد زيادي را در بردارد ؛ چرا كه از انواع مفاسد اخلاقي ، اجتماعي ، انحرافات جنسي ، ارتكاب جنايت ، بزهكاري و اعتياد ، بيشتر مصون مي مانند.

بنابراين ، سلامت و سعادت جامعه ، تا حد زيادي ، به وضع خانوادهها و كيفيت روابط بين زن و شوهر و والدين و فرزندان بستگي دارد. هر چه روابط بهتر و سالم تر ، باشد زندگي شيرين تر و با صفاتري دارند و ارتباط صميمانه تري با خانواده برقرار مي كنند و از خطر انحراف مصونيت پيدا مي كنند.

هدف از ازدواج در اسلام ، يعني ايجاد انس و محبت و صفا در خانواده ، خانه اي كه در آن صفا و محبت نباشد از هم گسيخته است و ويرانه . حتي مي توان گفت كه زنداني بيش نيست.

" معيار در انتخاب همسر "

اسلام در جهت تحقق اهداف ازدواج و تحكيم بنياد خانواده ، بر دو امر تاكيد دارد : يكي ايمان و ديگري اخلاق ، و به كساني كه قصد ازدواج دارند توصيه مي كند كه دين و اخلاق همسر خود را منظور بدارند.

مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و در امر ازدواج با او مشورت نمود ، آن حضرت فرمود: «با زنان دیندار ازدواج کن تا خیر فراوانی نصیب تو شود» .⁽¹⁾

علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: « سودی بهتر از زن صالح و شایسته نصیب انسان نمی‌شود ، زنی که شوهرش را خشنود می‌سازد و در غیاب او ، از خودش و زندگی شوهرش نگهداری می‌کند» .⁽²⁾

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « اگر کسی از دختر شما خواستگاری کرد و دین و اخلاقش را پسندید ، با او وصلت ایجاد کنید و گرنه فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود می‌آید» .⁽³⁾

برای حسن رابطه بین زن و شوهر و بقاء و استحکام بنیاد خانواده ، و برای جلوگیری از اختلافات خانوادگی و وقوع طلاق ، بهترین وسیله رعایت ارزش‌های اخلاقی است و در این رابطه توصیه‌های فراوانی شده است .

اسلام ، ازدواج را پیمانی مقدس می‌داند که بین زن و مرد ، به اعتبار این که دو انسان هستند بسته می‌شود و مهمترین هدفش ، تامین نیازهای انسانی ، آرامش و سکون و انس زن و مرد به یکدیگر است ؛ حتی تولید و پرورش فرزندان را نیز ، در راه تامین هدف عالی انسانی محسوب می‌دارد.

قرآن کریم در این رابطه می‌گوید: « و از نشانه های خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی بیافرید تا با تمایل به سوی آنان آرامش بیابید ، و در میان شما محبت و دلسوزی قرار داد . همانا که در این موضوع برای اندیشمندان نشانه‌هایی است» (روم/21)

در آیه مذکور ، انس و آرامش خانوادگی به عنوان ثمره ازدواج معرفی شده است. در پیمان مقدس ازدواج ، زن و مرد با تمام وجود به سوی یکدیگر جذب و با هم متحد و يك دل می‌شوند و در تمام ابعاد زندگی ، در خدمت یکدیگر قرار می‌گیرند. مأنوس ، همفکر ، هم راز و يك هدف می‌شوند.

در آیه مذکور ، زندگی خانوادگی ، بر دو پایه نیرومند مودت و رحمت استوار گشته است . یکی از پایه های ازدواج ، مودت و علاقه زن و شوهر نسبت به یکدیگر است . زن و شوهر خوبی‌ها و نقاط مثبت یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهند و از صمیم قلب یکدیگر را دوست می‌دارند. هر يك از آنان ، دیگری را نعمتی ارزشمند از جانب خدا و وسیله انس و الفت ، آرامش و دلگرمی و شريك زندگی می‌شمارد و از این نعمت بزرگ قدردانی و سپاسگزاری می‌کند.

پایه دیگر ازدواج ، که در آیه به آن اشارت شده "رحمت" یعنی مهربانی و دلسوزی است ، هر گاه یکی از زوجین به نقصان و ضعف و نیازی در همسرش مواجه شد ، همدلانه فکر می‌کند ، او فکر کند که همسرش يك انسان است و انسان بی نقص نیست. چنان که خود نیز بی عیب نمی باشد . پس با نرمی و مدارا و از روی مهربانی و دلسوزی ، نقص او را در صورت امکان برطرف می‌سازد و در صورت عدم امکان ، او را با همان حال می‌پذیرد. نقصانش را نادیده می‌گیرد و به زندگی ادامه می‌دهد. لازمه رحمت و دلسوزی ، این است که چنانچه فرد خیر و صلاح خود را می‌خواهد ، در همه حال خواسته ها و

تمایلات همسرش را منظور بدارد ، هر چه را برای خود می‌خواهد برای او نیز بخواهد و همواره به فکر تامین سعادت ، آسایش و آرامش او نیز باشد.

قرآن مجید در این رابطه ، تعبیر بسیار جالبی دارد و زن و شوهر را چنین توصیف می‌کند:

« زنان برای شما لباس هستند و شما نیز برای آنان لباس هستید » (بقره/187)

لباس ، مجموع بدن انسان را با همه کمالات ، نواقص ، خوبی‌ها ، بدی‌ها ، زیبایی‌ها و زشتی‌ها در بر می‌گیرد و از سرما و گرما و خطر حفظ می‌کند . بر زیبایی‌هایش می‌افزاید و عیوبش را می‌پوشاند . لباس نزدیکترین اشیاء نسبت به انسان است و از جمله نیازهای اولیه به شمار می‌رود. زن و شوهر نیز ، نسبت به یکدیگر باید همانند لباس باشند ، همدیگر را با همه نواقص و کمالات بپذیرند. حافظ و نگهبان و آرامش بخش یکدیگر باشند. بر زیبایی‌های هم بیفزایند و عیوب هم را بپوشانند و رازدار و محرم اسرار باشند.

اسلام ، در مورد روابط بین زن و شوهر و زندگی خانوادگی چنین می‌اندیشد و آن را بر چنین پایه‌هایی استوار ساخته است. تشکیل چنین خانواده‌هایی در خور انسان است و سعادت جسمانی ، نفسانی ، دنیوی و اخروی او را تامین می‌کند. اگر بنیاد خانواده بر پایه‌های ایمان و محبت استوار گردد ، کانون خانواده گرم و با صفا می‌شود و از کشمکش‌ها ، و اختلافات و طلاق و فروپاشی جلوگیری می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « کاملترین مردم از جهت ایمان ، کسی است که اخلاقش خوب تر باشد ، و بهترین شما کسانی هستند که نسبت به همسران خود خوش رفتارتر باشند . » ⁽⁴⁾ امام سجاد علیه السلام فرمود: « حق همسرت این است که بدانی خدای متعال او را وسیله آرامش و انس تو قرار داده و بدانی که او نعمتی است از جانب خدا برای تو ، پس او را گرمی بدار و با وی مدارا کن ، گرچه تو نیز بر او حقی بزرگ داری ، اما باید نسبت به او دلسوز و مهربان باشی . باید خوراک و پوشاک او را تامین کنی و اشتباهات و لغزش‌هایش را ببخشی » ⁽⁷⁾

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: « جهاد زن در این است که خوب شوهرداری کند » . ⁽⁸⁾

اسلام عنایت ویژه‌ای به اخلاق دارد و رعایت ارزش‌های اخلاقی را برای سلامت خانواده و تحکیم بنیان آن ضروری و لازم می‌داند.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم تزلزل بنیاد خانواده ، بی‌توجهی به مسائل اخلاقی است و برای حل این مشکل بزرگ که خانواده را در معرض تهدید جدی قرار داده ، چاره‌ای جز احیای ارزش‌های اخلاقی به ویژه اخلاق خانواده نداریم.

پی‌نوشت‌ها:

1- وسائل الشیعه، ج 20، ص 50.

2- همان، ص 39.

3- همان ،، ص 77.

4- بحارالانوار، ج 71، ص 389.

عوامل موثر در شکل گیری ازدواج (قسمت اول)



عوامل اخلاقي و رواني

بسياري از كساني كه ازدواجشان ناموفق بوده ، علت جدائي خود را عدم توافق اخلاقي ذكر کرده اند. هر چند ممكن است اين دليل، سرپوشي براي سايرعوامل باشد ، ولي واقعيت اين است كه نداشتن توافق اخلاقي شديدترين ضربه را به پيكر خانواده مي زند . عوامل اخلاقي و رواني در ازدواج به دو دسته تقسيم مي شوند :

الف) عوامل توفيق و حفظ زناشويي

1- حوصله و بردباري : كساني كه در قبال مسائل خانوادگي و اختلافات بين خود و همسرشان حوصله به خرج نمي دهند و با بروز هر اختلاف كوچكي ، عكس العمل شديدی نشان مي دهند، زندگي زناشويي را به سوي ناسازگاري و اختلاف شديدتر مي رانند .

2- صداقت : صداقت اساس زندگي خانوادگي است . چنانچه زن و شوهر مطلبي را از هم پنهان كنند يا دروغ بگويند ، اعتماد و اطمینان آنان از يكدیگر سلب مي شود و در ادامه زندگي با مشكل مواجه مي گردند .

3- خلوص : منظور از خلوص ، سادگي ، پاكي و بي آلايشي رفتار است . اگر بين زن و شوهر ريا و تظاهر حكمفرما باشد ، زندگي صفا و صميمت خود را از دست خواهد داد .

4- مهرباني : زن و شوهر بايد يكدیگر را دوست داشته ، نسبت به هم مهربان و در غم و رنج يكدیگر شريك و ياريگر هم باشند .

5- از خود گذشتگي : زن و شوهر بايد در مقابل يكدیگر گذشت داشته باشند و وضعي را پيش نياورند كه با لجاجت ، زندگي را به كام خود تلخ كنند.

6- صميميت : صميميت حالي است كه در آن، بين زن و شوهر دورنگي نباشد و آنچه از هم در دل دارند بگويند و غمخوار يكدیگر باشند و در اين زمينه از صميم قلب عمل كنند . صميميت آيينه اي است كه آنچه در ذهن و رفتار است در آن منعكس مي شود . صميميت با ملايمت همراه است و حتي اگر اعتراض با صميميت و احترام همراه باشد ، مشكلي ايجاد نخواهد كرد زيرا آنها با يكدیگر منافاتي ندارند .

7- اعتماد و اطمینان : عدم وجود اعتماد در زندگي از مهمترين دلايل بروز نابساماني است . بنابراين رفتارها و حرکاتي كه ممكن است از طرفين سلب اعتماد كند ، بايد كنترل شود تا زوجين از جميع جهات نسبت به يكدیگر تفاهم كامل داشته باشند .

8- نظم و انضباط : عدم رعایت نظم و انضباط در امور داخلی خانه از موارد اختلاف انگیز است . زن یا شوهری که نظافت و بهداشت خانه را رعایت نکند ، مورد اعتراض قرار می گیرد . اگر هر دو بی نظم باشند ، زمینه اعتراض کمتر به وجود می آید.

9- همکاری : همکاری دارای دو جنبه فکری و عملی است . اموری مانند شستن ظروف و البسه ، خرید لوازم مورد نیاز ، جارو کردن و امثال آن ، به عنوان جنبه عملی همکاری مطرح اند و همفکری برای رفع مشکلات و گرفتاریهای مالی ، بررسی امور مربوط به فرزندان ، طراحی برنامه های کوتاه یا بلند مدت برای زندگی و مشابه آن ، مربوط به جنبه فکری همکاری می باشند . زن و شوهر باید در هر دو زمینه با هم همکاری نمایند.

10- سازگاری : وضعیت خانواده ممکن است در شرایط مختلف از نظر روحی و روانی و رفاه و آسایش دگرگونی هایی داشته باشد . در تلاطم زندگی ، چنانچه زوجین قدرت سازگاری داشته باشند و بتوانند خود را با شرایط تطبیق دهند ، بقای خانواده تضمین می شود .

11- تعهد : زن و مردی که عقد ازدواج بسته اند ، باید به تعهدات خود پایبند بوده و همواره در نظر داشته باشند که سرپیچی از تعهدات زندگی زناشویی ، عواقب بدی را به دنبال خواهد داشت.

12- سخاوت : خسیس بودن هر يك از زوجین ادامه زندگی را مشکل می کند . مرد باید در اقتصاد خانواده ، میانه روی را اختیار کند و همسر خود را نیز در هزینه های زندگی به اعتدال توصیه نماید و در این زمینه با هم هماهنگ شوند . دادن هدیه به یکدیگر به مناسبت های مختلف ، محبت و گرمی خانواده را افزایش می دهد و موجب استحکام پایه های زندگی زناشویی می گردد .

13- وفاداری نسبت به هم : آنچه زن و شوهر باید تا آخر عمر آن را مد نظر داشته باشند ، رعایت حقوق همسر است . همسران متعهد تا پایان عمر از وظایفی که نسبت به همسر خود پذیرفته اند ، شانه خالی نمی کنند .

14- احساس مسئولیت : هریک از زوجین باید نسبت به وظایفی که در رابطه با خانواده به عهده دارند ، احساس مسئولیت کنند .

15- اطفال پذیری : با اطفال پذیری ، زن و مرد می توانند درجهت و بعد مختلف ، مشکلات را کاهش دهند و از دامن زدن به اختلاف ها جلوگیری نمایند .

ب) وجوهی از اختلاف های زناشویی :

- اختلاف در خواسته ها : زندگی زن و شوهری که خواسته های غیر واقعی و متفاوت از یکدیگر دارند ، رو به نابسامانی می رود . از این رو ، زوجین باید خواسته های خود را هماهنگ نمایند .

2. **اختلاف در سلیقه ها و علاقه ها :** وجود اختلاف سلیقه و علاقه در افراد ،

طبیعی است و چنانچه در زندگی زناشویی ، این اختلاف موجب هماهنگی بین زن و شوهر شود ، زندگی آرامی به وجود می آید .

3. **اختلاف در دیدگاه ها و آرزوها :** انسان موجودی است با آرزوهای نامحدود ،

چنانچه زن و شوهری با دیدگاه های مختلف و آرزوهای متفاوت که احتمال حصول به آنها کم باشد ، نتوانند در زندگی زناشویی خود هماهنگی ایجاد کنند ، زندگی شاد و موفق نخواهند داشت .

4. **اختلاف در خلق و خو :** بعضی از افراد بسیار خشن ، متکبر ، خودخواه و از خود

رازی اند و برخی روحیه ای گرم دارند ، خوش برخورد ، متواضع و مردم دوست هستند. بنابراین توافق اخلاقی ، در صدر عوامل و شرایط انتخاب همسر قرار دارد .

5. **اختلاف در میزان هوش :** اختلاف فاحش سطح هوش همسران نسبت به یکدیگر

ممکن است در زندگی مشکلاتی ایجاد نماید .

- **اختلاف در ابعاد معنوی :** مرد و زنی که از نظر رعایت و پابندی به امور معنوی

متفاوت هستند ، زندگی بی دغدغه ای نخواهند داشت . بنابراین در امر ازدواج ، باید بعد اعتقادی به ویژه جنبه های معنوی آن مورد توجه خاص قرار گیرد و از طرق مختلف اطمینان به پابندی طرف مقابل احرار شود .

عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی می توانند عامل اختلاف در زندگی زناشویی باشند و مهمترین آنها عبارتند از :

الف (مسکن :

هو خانواده ای به يك واحد مسكوني مستقل نیاز دارد . قبل از ازدواج نیز باید این مسئله حل شود . آنچه مهم است ، استقلال در مسكن است و لو جزء آپارتمانی 50 یا 60 متری یا کوچکتر ، زوجین باید سعی کنند حتی الامکان جدا از پدر و مادر زندگی نمایند . بعضی از زوجین طو ل د رند که با پدر و مادر و یا اقوام دیگرشان در يك خانه زندگی کنند و حتی ، آن را خ و ش ر ا ی ط ر ن و ج ق ر ا ر ی ه ن د . و این مورد باید بررسی لازم به عمل آید و به این مسئله توجه شود که در نهایت ، چنین برنامه ای به نارضایتی و اختلاف منجر نشود .

ب) وسایل زندگی :

برابر رسم معمول ، دختر جهیزیه ای با خود به خانه بخت می برد . چنانچه شوهر مقدار جهیزیه را دستاویزی برای تحقیر همسرش قرار دهد ، زمینه ناسازگاری ایجاد خواهد شد . درست است که اقتصاد ، نقش بسیاری در زندگی دارد ، ولی نباید اساس و پایه زندگی زناشویی قرار گیرد .

بعضی خانواده ها با وسایل عادی مانند یخچال ، تلویزیون ، فرش معمولی و سایر وسایل مورد نیاز ، زندگی را می گذرانند . ولی برخی دیگر ، زندگی لوکس و مرفهی دارند و همیشه از آخرین مدل لباس ، اتومبیل ، مبلمان ، فرشهای گران بها ، وسایل خارجی و تجهیزات تفریحی و ورزشی استفاده می نمایند . دختر و پسر جوانی که در دو زندگی

متفاوت بزرگ شده اند ، به ندرت می توانند با هم سازش کنند . پسر جوانی که درآمد کافی برای تهیه وسایل لوکس برای دختری از خانواده ای مرفه را ندارد ، دیر یا زود مورد اهانت و اعتراض همسر خود قرار می گیرد . بنابراین قبل از ازدواج ، در انتخاب همسر باید به شرایط زندگی طرف مقابل توجه شود .

ج) هزینه های رفاهی و معیشتی :

در جامعه ما معمولاً تأمین هزینه زندگی به عهده شوهر است . بعضی از دختران ملاک ازدواج را میزان درآمد پسر قرار می دهند تا بتوانند هزینه های زندگی را در سطح عالی تأمین نمایند . گاه توقع زیاد موجب می شود که پسر با وجود داشتن شرایط مناسب از ازدواج منصرف شود . بنابراین دختر و پسر قبل از ازدواج باید شرایط شغلی ، درآمد و توقع همسر خود را در نظر بگیرند و در انتخاب همسر با آگاهی و بصیرت تصمیم گیری نمایند .

نقش عوامل اجتماعی

پسری که در یک خانواده اشرافی بزرگ شده ممکن است با دختری از یک طبقه متوسط یا پائین به خاطر زیبایی و یا همکلاسی بودن ازدواج نماید . شاید این موضوع در ابتدا مشکلی فراهم نیاورد ، ولی به تدریج عدم معاشرت پدر و مادر و خانواده شوهر با خانواده زن ، به سبب این که به حیثیت اجتماعی آنها لطمه می خورد ، منجر به ناسازگاری و اختلاف می گردد و اگر به طلاق منجر نشود ، زندگی موفقیت آمیز نخواهد بود . این حالت در مورد دختر نیز می تواند ایجاد گردد .

چنانچه جوانی با خصوصیات برجسته ، ولی از طبقه اجتماعی متوسط یا پائین بخواهد با جوانی از طبقه اجتماعی بالاتر رواج کند ، باید او و خانواده اش را با ویژگی های خویشتن آمايي با تشکیل جلسه ای جهت شناخت بیشتر ، آنان را با اقوام و خویشاوندان خود مواجه سازد . در این حالت احتمال ناسازگاری کمتر ، خواهد بود .

چنانچه فرد مکان پر شرف و توك لمة لي به پایگاه اجتماعی بالاتر را دارد باید با فردی که همان شرایط را دارا است ، رواج نماید . به طور کلی در این مبحث می توان گفت که هر چه طبقه اجتماعی دختر و پسر به هم نزدیکتر باشد ، موفقیت در ازدواج بیشتر است .

ویژگیها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج (بخش دوم)



تفاهم در زندگی زنشویی

تفاهم ، عبارت از همدیگر را فهمیدن و درک کردن . در زندگی برای نیل به تفاهم ، باید عوامل و شرایطی مهیا بشود که قبل از ازدواج ، زن و مرد با توجه و عنایت کافی به آنها زمینه ی تفاهم هر چه بیشتر را در زندگی فراهم آورند . پس دختر و پسر برای نیل به توافق و تفاهم در ازدواج باید دارای ویژگیها و شرایطی برای ازدواج باشند .

عوامل مؤثر در تفاهم و توافق در ازدواج

ایمان و اعتقادات مذهبی

زن و مرد يك عمر شريك هم در زندگي هستند و اكثر اوقات را با هم مي گذرانند ، پس تحت تأثير عقايد ، افكار ، رفتار و اخلاق يكديگر قرار خواهند گرفت . بنی و دید مودیا زن معتقد پندل ه تنها همسر خود را به بینداری ، تقوا و عمل صالح تشویق می کند ، بلکه می تواند فضاي خانواده را به محیطي امن و دور از گناه تبدیل کند . علاوه بر این همسر با ایمان و با تقوا از هر جهت قابل اعتماد و برای تربیت فرزندان شایسته تر است .

تحصیلات

شابه تحصیلي ، يكي از عوامل مهم و ايجاد تفاهم بين زن و مرد است ، ضمن آنکه علم و دانش به خودي خود يك مزيت و كمال مطلوب برای انسان محسوب مي شود . زن و مردی که یکدیگر را بهتر درک کنند ، بیشتر قادر خواهند بود با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و طبیعتاً وظایف و مسئولیت های خویش را بهتر انجام می دهند و در تعلیم و تربیت فرزندان خود نقش را تفاهم و توافق بیشتری برخوردارند . هر چند که تحصیلات به خودي خود نمی تواند عقل و هوش را به يكديگر برساند ، ولی به هر حال تشابه در سواد و تحصیلات زن و مرد ، عامل مؤثري در تفاهم بين آن دو به حساب می آید .

سن

تدلیس ، میوزن و ویدل دورا از نظر نژاد و با ق بهم تدی می کند و طبیعتاً درچین شوا بطی توقعات و انتظارشان از یکدیگر واقع بینانه تر خواهد بود . در مورد تناسب سنی ، معمولاً توصیه مس شود که زن حدود نود تا چهار سال از مرد کوچکتر باشد . کارشناسان خانواده برای دختران سنین 22-20 سال و برای پسران 26-24 سال را توصیه می کنند . به هر حال باید توصیه داشت که رشد عقلي ، عاطفي ، اجتماعي و اخلاقي الزاماً با سن تقويمي و شناسنامه اي هماهنگ نیست ، به همین جهت نیز تناسب در سن را نباید يك شرط ضروري و الی یی یی تفاهم بین زن و مرد و تولد گرفت ، مشروط بر آن که عوامل دیگری که از ویژگی های يك فرد رشد یافته است ، مورد توجه قرار گیرد .

زمینه های تربیتی و فرهنگی خانواده

تحقیق قد تدی می دهد که یکی از مهمترین عوامل در ايجاد تفاهم بين دختر و پسر ، تشابه در زمینه های تربیتی و فرهنگی خانواده هلی آن سولست . رفتار ، اخلاق و خانواده همیشه مهمترین و مستقیم ترین نهاد تربیتی فرد است . بسیاری از عادت ، سلیقه ، رفتار و اخلاق فردی از بد غذا خوردن ، معاشرت ، حرف زدن و بسیاری از ارزش های فردی و زندگی ، و بستن خانواده آموخته می شود . بنابراین تشابه در وضعیت تربیتی و فرهنگی خانواده ی دختر و پسر ، از اهمیت برخوردار است و عدم تشابه یا تضاد در شیوه های تربیتی در دو خانواده ، می تواند منشاء بسیاری از اختلافات و درگیری های زن و مرد در زندگی زناشویی شود .

و بین عوامل مؤثر در طلاق ، اختلاف و تفاوت زمینه های فرهنگی و تربیتی خانواده ی زن و مرد ، از فراوانی بالایی برخوردار بوده است .

وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده

کودنسلیل خود ماده قسیمی کند که خانواده دختر و پسر و نظر طبقه و وضع اقتصادی - اجتماعی مشابه باشند سازگاری بیشتری را در کنار هم تجربه کنند . لکن این مسأله عمومیت ندارد و هستند افرادی که با وجود تفاوت طبقات اجتماعی و ژنوتیپ دل ایی و کنل هم زندگی سعد تمدنی را می گذرانند . بنابراین آنچه برای سازگاری زن و مرد مهمتر و مؤثرتر است کمالاتی از قبیل ایمان و تقوا ، اخلاق و رفتار نیک ، هوش و درایت و تربیت و اصالت خانوادگی است .

تناسب و تفاهم به جای تطابق و تشابه

زن و مرد لظـر عواهل و احساسات و سلیقه و رفتار نمی توانند به يك وحدت دست یابند و تطابق و یکی بودن مطرح نیست ، بلکه مراد توافق کلی زن و مرد در مسائل مختلف زندگی است که زیربنای آن تفکر و اندیشه است . هیچ دو شخص دو صد مثل هم نیستند و هیچ خوی یا پوی با فوکی خویش ازدواج نمی کند ، لکن هر اندازه نقطه مشترک و شباهت بنظر و پسر بیشتر باشد احتمال بهتر زیستن و سازگاری آنان بیشتر خواهد بود . و عن حل که زندگی های زنشویی نیز همانند افراد با یکدیگر متفاوت است و زندگی هر زن و مرد بی همانند و در نوع خود بی نظیر است . زن و مرد باید به رغم تفاوت های فردی خود که حاصل عوامل ارثی ، محیطی و رشد طولی مثل بلوغ و ... را بپذیرند و زبان یکدیگر را بفهند ، تفاوت و سلیقه ها را بشناسند و یکدیگر را آن گونه که هستند بپذیرند .

می و دخ و پوی که می خواهند با یکدیگر را بکنند باید با تکیه بر توان عقلي و قدرت اندیشیدن خود معیار هی صولوی . هاننی رلوی بگوید و با توجه به نقطه مشترک و شبیه بیشتر ، همسر خویش را برگزینند ، با او پیمان ازدواج ببندند و برای يك زندگی سازنده ، شاد و سعادتمند بر خداوند توکل کنند .

اسلام در ربط در زندگی زنشویی و خانوگی ، پوی را لای هی لایق است و نه صرفاً اکاء به ملتوی و حق که قانون بر لودزن یا و زن در نظ گفته است . جوانی که و جمع ملروز زندگی زنشویی ، کیل خانواده و حتی جوامع را تهدید می کند ، عمدتاً معلول فقدان اخلاق و ارزش های اخلاقی است .

و جوهی تفاهد و خاواده و زندگی زنشویی ، ر و دیه گت و عی شک ییله و دی بی صمیمیت و صداقت ، حسن خلق و پذیرش ، تکریم و تواضع ، محبت و روابط مطلوب و سازنده زن و مرد است .

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را

به امید اینکه همه ی جوانان برای تشکیل زندگی مشترک با توکل به خدا ، برترین گزینه را انتخاب کنند .

فاصله سنی چقدر مهم است ؟



چه کنیم که خانواده ای با دوام و مستحکم داشته باشیم؟

فـسـوالی سـالـی است که هر جوانی در آستانه ازدواج مصمم به یافتن پاسخ آن است ، گرچه پاسخگویی به آن بعد از ازدواج هم در لی اهیت است . جالب است که بدانیم جواب شرع ، عقل ، علم و عرف به این سؤال یکسان است . و لی يك کلمه یعنی " کفو همدیگر بودن " است . کفو هم بودن دو همسر یعنی تناسب ، همسانی و همطرازی و در اصطلاح عرف یعنی با هم جور بودن .

زوج پوند بین دو انسان و دو خانواده ملت که اجزاء اصلی و اساسی آن، زن و مرد می باشند و هر قدر بین آن اجزاء و عناصر هماهنگی، تناسب و سنخیت بیشتری باشد. آن پیوند استوارتر، مستحکم تر، پرثمرتر و لذت شفی تر خواهد بود. و به تعبیر "فلسفه السنخیه علیه الانضمام"، سنخیت و همتایی سبب جذب و پیوند است. به عکس، هر چه این تناسب و هماهنگی کمتر باشد، زندگی سست تر، تلخ تر، کم ثمرتر و ناپایدارتر خواهد بود. علم و تجربه گویای آن است که عاقلانی به پیوندناهنجاریها و ناهنجاریهای زندگی زندگی زندگی عاقلان و ناهنجاری بین زن و شوهر ملت، بنابر این شناخت موری که موجب هماهنگی و تناسب بین زوجین است. ضروری و لازم می باشد و به هر چه نیاید این مسئله را به بعد از زواج میگویند. یکی از امور مسئله تناسب و هماهنگی و سنخیت است. لزوم تناسب سنی از اطلاق آیاتی مثل "فانکحوا ما طاب لکم من النساء" همی مورد پند و دانشین انتخاب کنید، استنباط می شود. همچنین در روایات اسلامی به صراحت، هم گفتن بودن مطرح شده است. پیامبر اسلام می فرماید: با همسان و هم شأن خود ازدواج کنید.

می توان گفت لازم معیار و ملاک هماهنگی در سن را به عقل و عرف و علم سپرده است. اگر فرد به تجارب و آموخته ها و تعیّن هیلی موجود در جامعه و مدت ها علمی در این مسئله نظری بیفکند به راحتی پی خواهد بود که هسار دلنشین و مورد پسند همسری است که دارای هماهنگی و تناسب سنی باشد. قابل توجه است که کفو هم بودن از طریق، تفاوت در سن ملت نه تساوی؛ زیرا این تفاوت در آفرینش مرد و زن در مورد سن بلوغ قرار داده شده است.

در مطلب ذیل ابعاد مسئله مورد نظر از دیدگاه علم و عرف مورد بررسی قرار گرفته است:

فصله سنی مناسب میان زن و شوهر را می توان 4-3 سال در نظر گرفت. البته این بدان معنا نیست که اگر یکی و سال به آن سنین افوددو یا از آن گذشته شود، حتماً نباید ازدواجی انجام گیرد. شاید بتوان گفت که اگر تمام زمینه ها و ریسک ها به بلوغ و شدنی خطی دیده نشود، می توان فاصله سنی را به دیده اغماض نگرست، ولی در حال به توتن و منقلب ترین فاصله سنی 4-3 سال است. طبعی ملت که گویا سوار شوایط، منقلب نباشد، باز هم ازدواج نمی تواند موفق باشد.

براهبا خانواده هایی مواجه می شویم که فاصله سنی زوجین حتی به 25، 20، 15، 13 سال و سال های بین این رقم بالغ می شود و با یکدیگر مشکلات عدیده ای دارند. ما در اینجا به بررسی معایب ازدواج هایی می پردازیم که فاصله سنی بین زن و شوهر در آنها زیاد است.

1- مشکل عدم درک مطلوب یکدیگر

وجود فاصله سنی زیاد موجب آن می شود که زن و شوهر نتوانند به خوبی یکدیگر را درک نمایند. فردی با داشتن بهیت سال سن بیشتر، طبیعی ملت که می تواند از تجارب بیشتری برخوردار باشد و یالا اقل می تواند چنین احساسی داشته باشد. لذا این مسئله زمینه ای فراهم می کند که شخص ارزش لازم را به نظرات فرد کوچکتر ندهد یا طرف مقابل بیش از اندازه احساس کوچکی نماید و همیشه در حال اضطراب و تشویش باشد و بالاخره از اداره زندگی و مادانه شود و هر دو مورد زمینه عدم تفاهم را به وجود می آورد که خود سبب پدید آمدن مشکلاتی عظیم و رولط زناشویی خواهد شد. اینان اغلب در وضع و موقعیتی هستند که توافق روحی ندارند و نمی توانند مسائل و مواضع یکدیگر را درک کنند.

2- عدم تناسب در تواناییهای جسمی

وقتی که فاصله سنی بین زن و شوهر زیاد باشد، هر یک در دوره ای از زندگانی به سر می برند که به لحاظ قوت و توان با همسرخود تفاوتی عده دارند. مثلاً زنی که هفده سال دارد، در دوران جوانی به سر می برد و همسر او که در 35 سالگی ملت به میز میسللی و دیگشته ملت. یکی غالباً حال است و دیگری زودتر خسته و هر وقتی منفعل می شود، گاه این خستگی و انفعال از طرف همسر جوان به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی گیرد و به حساب کم کاری گذاشته می شود، یا به عنوان شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت مطرح

می‌گردد، و وقتی که با این عنوان طرح می‌نماید، طبیعی است که طرف مقابل احساس ناراحتی می‌کند و ممکن همان‌جا امر عملی برای و انگیزگی اوشودودر نتیجه محیط امن‌خانه تبدیل به فضایی ناامن و غیر قابل خطی شود. و حلی که مرد قصد شانه خالی کردن از مسئولیت را ندارد ولی از طرف همسرش متهم به تنبلی و بی‌مسئولیتی می‌شود و از آنجا که در چنین مواردی مرد تنبلی را نمی‌پذیرد، مجادلاتی در می‌گیرد.

3- انعطاف پذیری کمتر فرد بزرگتر

وقتی نوجوان با یک بگوز ننگ می‌کند، به دلیل جوانی انعطاف پذیری بیشتری دارند. فرد در سنین پایین‌تر چون نهال جوان است، امکان تغییر فراوانی را دارد. اما درختان، مجال کمتری برای تغییر باقی گذاشته‌اند.

همین‌که ملکی تغیر و تحول نک که ما را به یاد کلام گو بل پید و سلام (ص) می‌اندازد که فرمود: بیشتر کسانی که به من ایمان آوردند، جوانان بودند.

وقتی که دو نفر جوان با هم ازدواج می‌کنند، برای دست یافتن به سازگاری تلاش می‌کنند به نظر همدیگر توجه می‌کنند و خود را طوری می‌چینند که مورد پسند دیگری واقع شوند و بدین ترتیب رضایت طرف مقابل را جلب نمایند، حال آنکه با افزایش سن، تعطل می‌کاهش می‌یابد و همین امر در زندگی مشترک معضل آفرین است.

4- پیدا شدن سوءظن

گاه وجود فاصله‌های سنی زیاد باعث می‌شود که زوجین سوءظن‌هایی نسبت به یکدیگر پیدا کنند و ممکن است حتی نتوانند دلایلی هم برای این گونه افکار ارائه نمایند.

5- عدم ارضای غرایز

یکی از مشکلات ازدواج، عدم غلبه و غلبه است و این خود می‌تواند عامل مؤثری در تداوم زندگی خانوادگی باشد. ما در سنین بالا، به لحاظ غریزی افول می‌نمایند، به نحوی که زوجین نمی‌توانند موجبات رضایت یکدیگر را در روابط زناشویی به خوبی طلب نمایند و همین امر ممکن است موجبات درگیری را فراهم آورده، محیط خانوادگی را متشنج کند. این مسئله در مرد چشمگیری به بروز افسردگی در زنان جوان می‌انجامد و در برخی از زنانی که خویشتندار و باتقوا نباشند، گرایش به انحرافات و لغزشها دیده می‌شود.

6- امر و نهی پیوسته‌ی فرد بزرگتر

در چنین خانواده‌هایی فرد بزرگ‌تر به دلیل داشتن تجربه، خود را ملزم می‌داند که مدام به همسر خود امر و نهی کند و او را به نیت ازدواج که هم می‌کند و به نیت بی‌بختی که هم می‌کند، بلکه سلیقه نیز در آن مستحکم می‌کند. موجبات ناراحتی همسر را فراهم می‌آورد. فرد بزرگتر احساس می‌کند که باید فرد کوچکتر را تربیت کند و حال آنکه او انتظار دارد که با همسر زندگی کند، نه آنکه همسر وی نقش پدر و مادر را بر عهده گرفته، به امر و نهی و توبیخ و مبادت ملید. البته زن و شوهر باید برای تکامل و تعالی یکدیگر تلاش کنند و در مواقع ضروری به امر به معروف و نهی از منکر یکدیگر بپردازند.



7- کمرویی با همسر

یکی از مواردی که در این گونه خانواده ها دیده می شود، این است که فرد کوچکتر دچار نوعی کمرویی رنج آورنده و نه تنها به راحتی مشکوک را با هر خوش و مییل گذارد. از خوف می نگفته و این خانواده ها به دلیل امت و مجال مناسبی برای طرح آنها وجود ندارد. سخنان ناگفته بر دل فرد رنجیده سنگینی می کند و گاه به فضایی بیرون از خانه کشیده شده، برای دیگران مطرح می شود و این امر مورد قبول و پذیرش فرد بزرگتر نیست. زیرا او فکر می کند که همش اسول خانواده را به بیرون از خانه برده، برای این و آن نقل می کند و این خود موجب بروز اختلافات تازه ای می شود و اگر فرد کوچکتر دردها را بازگو نکند، آنها بر روی هم انباشته شده، ورا افوده می کند. روحانی که خود را کین به رایش فود هک می کند و او از این که همی دارد که به درد دلهای وی گوش می دهد، احساس آرامش می کند، زیرا خوب شنیدن درد دلها بخشی از تسکین آلام ملت و بدین ترتیب فرد به پالایش روانی دست می یابد. وجود چنین فضایی در خانواده ضامن سلامت و بهشت روانی زوجین است. وجود کوئی بهیو رنج آور مانع بیان دردها شده، چون تله رولی صورت نمی گیرد، سلامت روانی فرد کوچکتر در معرض خطر قرار می گیرد. خانم جوانی می گفت: همسر سالها از من بزرگتر بود و من همیشه با وی رودربایستی داشتم. از وی سوال شد: تا کی با همسر رودربایستی داشتی؟ او گفت: تا دو ساعت قبل از مرگ شوهرم.

8- دادن امتیازات بیش از حد

در این نوع خانواده ها، معمولاً مشکل دیگری این است که فرد بزرگتر برای این که فرد کوچکتر را جذب کند و زندگی تلوم یابد، باید مدام به او امتیازاتی بدهد که وی را به دوام زندگی دلگرم کند. اما هر کس قادر نیست که مدتی امتیازاتی بدهد، زیرا گاه دادن این نوع امتیازها برای فرد بزرگتر غیر قابل تحمل و یا غیر ممکن می گردد و بدین ترتیب لنگی و محلی مقالی وی ادامه زندگی می دهد. از سوی دیگر کودک کوچکتر که از نقطه ضعف همسر خویش اطلاع یافته درصدد اخذ امتیازهای بیشتری بر می آید و تقاضاهای فراوانی پر انرژی و توانا، اختلافات خانواده را تشدید و جو ناامنی را بر خانه حکمفرما می کند و بدین ترتیب خانواده ای نابسامان شدی می گیرد که کشمکشهای ناشی از آن، از ارزش والدین در نزد فرزندان می کاهد و در نتیجه تأثیرات تربیتی آنها را نیز کاهش می دهد.

9- ترس و ناامنی

در مولی هم دیده می شود که فرد کوچکتر، چو ترس و وحشت می شود و این هنگامی اتفاق می افتد که مرد خانواده از سن و سال بیشتری برخوردار است.

خدا می می گفت با اینکه چند ماهی از مرگ همسرش نگذشته بود، و چندان متأثر هم به نظر نمی رسید. وقتی از اختلافات خانگی و تأثیر منفی آن بر روی فرزندان سخن می گفت، به تفاوت سنی زیاد خود با همسرش اشاره کرد و گفت: روی که ازدواج کردم سیزده سال بهیو داشتتم، در حالی که شوهرم در آن روزها سی ساله بود و من از بدین او سخت دچار وحشت شده، پیوسته از او می ترسیدم و این ترس و ناامنی تمامی وجودم را پر کرده بود و تا زمان مرگ او نیز وجود داشت، این ترس شدید همه ی آرامش مرا سلب کرده بود. پس اگر فاصله سنی میان زوجین زیاد نباشد، این گونه ترسها کمتر دیده می شود.

10- نتایج نامطلوب دیگر

تفاوت سنی زیاد بین زوجین مشکلات دیگری نیز در پی دارد که در دوره های پایانی زندگی رخ می دهد و از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- احساس پشیمانی

درغالب موارد ، این نوع ازدواجها با پشیمانی همراه می شود، زیرا مشکلات فراوان ناشی از این نوع ازدواجها به قدری زیاد و غیر قابل تحمل است که در اکثر موارد موجبات پشیمانی را فراهم می کند.

ب- بروز مشکلات غیر منتظره

پیدایی مشک غوقالی انظار، پیامد نامطلوب دیگر چنین ازدواج هایی است. خانمی که همسرش را از دست داده و دوباره با و تفویضی زیادی هم داشت، اظهار می کرد : به دلیل عدم درک یکدیگر، زندگانی ما سراسر پر از مشغله و دوا بود. و فرموده ر د عاقبت ننگ اینل با هسر فرگو از خود می گفت: حالا که او مرده ، پسو بزرگم مرا رها نمی کند و پیوسته به من می گوید: بالاخره با آن همه دعا و جار و جنجالهایی که به راه می لدلخی کلی کری که پدرم بمیرد و در واقع تو پدرم را کشتی ومن هر چه می گویم مرگ پدر به دعوای ما ربطی ندارد از من نمی پذیرد و با من سر این موضوع درگیری پیدا کرده است، یعنی تا وقتی که همسرم بود ، با او دعا می کردیم و حالا پسرم جای او را در دعا و مشاجره گرفته است.

ج- جرم زایی فرزندان

مشکل دیگری که این گونه ازدواجها دیده می شود ، این است که امکان جرم زایی در فرزندان آنها بیشتر از مواردی است که زوجین فاصله سنی مناسبی با یکدیگر دارند.

د- طلاق

محل دیگری که گاه در خانواده هایی که تفاوت سنی زوجین زیاد است دیده می شود ، مسئله عدم تحمل یکدیگر و وقوع طلاق است و در نهایت می توان گفت که مشکلاتی نظیر عدم درک یکدیگر ، نداشتن تفاهم ، عدم انعطاف پذیری کافی و عدم رضایعراو ، گاه به عنوان موانعی جدی بر سر راه تداوم زندگی تلقی می شوند و طلاق که مرگ اجتماع کوچک خانواده است ، رخ می دهد.

توجه

با بررسی سن ازدواج میان قهرمانی خ تف و جوامع گوناگون و بی یادی که غالباً سن مردان در جریان زوج نی از دند ملت. آئی ژیرار می نویسد : گاهی هی جمعیت شناسان به بل هین هسران به هنگام زوج نی نه ملت و می دانیم که بیشتر اوقات ، افرادی با هم پیوند زناشویی می بندند که از لحاظ سنی به هم قرد ل بیتلند. از این رو تطلبسیرا باید به ع قول یاضوب هم هسان همسری که در جامعه از اهمیت والایی برخوردار است، در نظر بگیریم.

دیدگاه دینی

ر قلمر لملام ازواج کن با تفویضی زیاد ، لمر نامشروعی نیست و آنچه و سنت پیامبر دیده می شود، حد کیت را مشروعتی آن نوع ازدواج دارد. کمال پیامبر به عقل انسانی کلی به حدی بود که به خوبی با حدیث خدجه (س) زندگی کرد و در آن زندگانی معضلی به خاطر تفاوت سن و سال دیده نمی شد و از سوی دیگر خدجه (س) نیز نی با کمال و بی نظیر بود. تمامی ثروت فراوان خود را در راه تبلیغ اسلام صرف نمود و ولین زنی بود که به پیامو ایمن آورد ، در شعب اینطبل بادین قلمی مشقت ها، به دلیل علاقه ای که به سلام و پیامبر داشت، همه آنها را تحمل کرد و فاطمه (س) را برای پیامبر به یادگار گذاشت. پیامبر نیز به عنوان همسری یوفا هر گاه که نام خدیجه (ع) را می شنید اشک در چشمان مبارکش حلقه می زد، به نحوی که اطرافیان آن حضرت ، تأثر او را به خوبی حس می کردند.

نتیجه آنکه هتکسلنی می تواند و این نوع ازدواج ها موفق باشند که از رفتار پیامبر (ص) و خدیجه (ع) به خوبی متأثر باشند.

امام صادق (ع) می فرماید :

العارفه لاتوضع الا عندالعارف

زن فهمیده ی فرزانه باید در کنار مرد فهمیده قرار گیرد نه غیر آن .

در پاپا تکیده کذیم کهض رفع شکست چنخاوا له هلی را طریق شاور خلواده باید به دختران و پدرانی که عقد ازدواج دارند ، آمش داد که ضلله سنی بن آنیل بن سه یا چهار سال و حداکثر هفت سال باشد و این چه زیلتکه باید و موقع راهض لیلی قلی را رو لج برای آنان تشریح نمود تا دریابند که با فاصله سنی کمتر ، شکست کمتری خواهند داشت، مشروط بر این که به سایر جنبه های لازم برای ازدواج موفق نیز توجه کافی مبذول دارند.

تذکر

شاید یکی از خوانندگان این مجله شما را در باخا او گرلی بشنید که تفاوت سنی زیاد با همسر خود داشته باشید و نقی شریفان شغل و کدک این مشکل در زندگی ما هم بروز خواهد کرد. پس چه باید کرد و راه حل چیست؟ نگران نباشید ، زو شما با پیامدهای تفاوت سنی زیاد آشنا شده اید و با اراده و کسب راهنمایی می توانید از بروز مشکلات جلوگیری نمایید.

عوامل موثر در شکل گیری ازدواج (قسمت دوم)



عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارتند از :

الف) دین و مذهب :

دختر و پسر که با اعتقالات دینی متفاوت ازدواج میکنند ، می را فروکش کردن احساسات پُرشور اولیه با مشکل مواجه می شوند . به عنوان مثال ازدواج یک پسر شیعه مذهب با یک دختر اهل تسنن ، مشکل اختلافات دینی را در پی خواهد داشت . هر چه تعصبات دینی بیشتر باشد این درگیری بیشتر می شود .

زن و پسر که در پی و مذهب متفاوت اند ملائجه گیری و توبیت و نندلورد با مشکلات و مسائل زیادی مواجه خواهند شد و وزنشان هم در آمش و توبیت چرا سردرگمی می شود . دختر مسیحی روز یکشنبه به کلیسای رودو سپو سملن در شب علوا به عزاد می ملحم حسین (ع) و مراسم دعا در شبهای جمعه روی می آورد . انعام ماهنگی و فطیو مسلم دینی می تواند زمینه بری فلانگاری خانوادگی باشد .

مود سملن مساف هلی زیارتی و حج را دوست دارد ، در حالی که زن مسیحی رغبت به چنین برنامه هایی ندارد و یا در مورد حج ، اجازه انجام اعمال را ندارد .

ب) آداب و رسوم :

در جوامع مختلف آداب و رسوم متفاوتی رایج است و گاه عقاید یک جامعه با عقاید جامعه دیگر در تضاد می باشد . این موضوعه خصوص در مسئله ازدواج قلی توجه است . آدب و رسوم هلی هلی طبقات

اجتماعی قلباً با یکدیگر متفاوت است. خانواده‌هایی که از فرهنگ غرب تقلید می‌کنند با خانواده‌های سنتی نمی‌جوشند. پس باید در این زمینه نیز دقت لازم انجام شود.

ج) لباس پوشیدن و آراستن ظاهر :

هر فردی تفکرات، اعتقادات و باورهای مخصوص به خود را دارد که نمودهایی از این طرز تفکر در چگونگی نوع پوشش و آرایش ظاهری هر فرد نمایان می‌شود.

بخی‌ها جلالتی است از لباس‌های مُد روز استفاده نمایند. از این رو پسر و دختری که می‌خواهند با هم ازدواج کنند، حتی الامکان نباید طرز لباس پوشیدن و آرایش ظاهری آنها با هم متفاوت باشد.

د) سنت‌های غیر معمول :

در بعضی از خانواده‌ها، سنت‌های خرافی و نامعقول وجود دارد. مثلاً :

- 1- مرد و خانه صمیمی‌کننده است و زن باید لطف کند، بطوری‌که وصالی در خانواده حکمفرما می‌شود.
 - 2- زن حاکم است و به اصطلاح زن سالاری وجود دارد.
 - 3- به دختر اهمیت نمی‌دهند و داشتن دختر یک نوع بدشانسی محسوب می‌شود.
 - 4- تحصیل دختران را ضروری نمی‌دانند و معتقدند که کار زن‌ها جز بچه‌داری و خانه‌داری نیست.
 - 5- زن‌ها را به صورتهای مختلف تحقیر می‌کنند و آنها را به اسامی بد صدا می‌زنند.
 - 6- مردها از گرفتن چند زن ابا ندارند.
 - 7- انجام ازدواج موقت (صیغه کردن) را عیب نمی‌دانند.
 - 8- بی‌بند و باری آمدن شوهر به خانه چندان مهم نیست، ولی کوچکترین خطا از جانب زن مصیبتی بزرگ است و به شدت با آن برخورد می‌شود.
 - 9- زن‌ها را به عنوان موجوداتی که باید کار کنند و سهم نبرند می‌شناسند.
 - 10- مرد در ثروت زن و مصرف آن دخالت می‌کند و هیچ استقلال و شخصیتی برای او قائل نیست.
- و مولد دیگری را این قبیل که لازم است دختر و پسری که می‌خواهند ازدواج کنند باید در مورد خانواده مورد نظر خود تحقیق نمایند و در صورت مشاهده چنین سنت‌هایی، از وصلت با آنها خودداری نمایند.

ر) اعتقادات و باورها :

نخستی که تمام هم و غش تیره به بل و بمل است، تحمل مردی که تمام اوقات خود را به مطالعه می‌گذراند، ندارد. در زندگی هر فردی ارزش‌ها و ضد ارزش‌های فرهنگی نقش مهمی دارد. باید توجه داشت که کدام ارزش عقیده، خیال یا بد است. این موضوع باید قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد و فرد، همسری را انتخاب کند که اعتقادات و باورهایش به اعتقادات و باورهای او نزدیک باشد.

عوامل جسمانی و ژنتیکی

با این‌که زیبایی ظاهری ممکن است دوام نداشته باشد و خیلی زود جای خود را به وضع جدیدی بدهد، دو نفری که می‌خواهند یک عمر با هم زندگی کنند، باید از قیافه یکدیگر خوششان بیاید. بعضی از دختران و پسران شیفته ظاهر می‌شوند و عواطفی را نادیده می‌گیرند. عده‌ای از پسران که خود دارای قیافه زیبایی نیستند، توجه فعلی به دختران زیاد دارند، عکس این حالت نیز ممکن است. البته زیبایی و زشتی قراردادی است و از دیدگاه هفتی مختلف فرق می‌کند، ولی آنچه مطلوب جامعه است معمولاً به صورت مُد مطرح می‌شود. علاوه بر این، مدل‌های نئیک از طرز تفکر فرزندان سالم و باهوش از اهمیت بسیاری برخوردار است. بعضی از مردان کوتاه

قد ، زنان بلند قد را انتخاب می نمایند تا فرزندان آنان کوتاه قد نشوند و گاهی عکس این مسئله نیز صادق است . از طرف دیگر ازدواج های فامیلی که در آنها احتمال تولد بچه های معلول و ناسالم و یا کودن و عقب مانده ذهنی زیادتیر است ، مسئله ای است که باید با انجام آزمایش های لازم و قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد .

عوامل سیاسی

اختلاف نظر و امرسیلی به دلایلی چون بدنی عقیدتی مدتی ممکن است بین پدر و مادر و فرزندان و خوشبو شدن آنجا بی بیندازد . دیده شده است که پدر و مادر به علت اختلاف عقیده سیاسی ، با همه علاقه و محبتی که نسبت به فرزندان داشته اند ، او را از خانه طرد کرده اند . چنانچه ازدواجی با دو خط فکری سیاسی متفاوت صورت گیرد منجر به جدایی می شود . بنابراین شناخت نحوه تفکر سیاسی ، قبل از ازدواج در انتخاب همسر از اهمیت زیادی برخوردار است .

سن

سن ازدواج و شرایط جغرافیایی و اقلیمی مدتی متفاوت است . معمولاً در مناطق گرم ، سن بلوغ و ازدواج پایین تر و در مناطق سرد و کوهستانی بالاتر است . مهم نیست که در چه سنی فرد ، بالغ می شود . مهم این است که دختر و پسر به بلوغ فکری ، عاطفی و روحی لازم و ایلول و دیده بشوند و بتواند مسؤولیت زندگی مشترک را بپذیرند .

اختلاف سن دختر و پسر با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و عوامل فرهنگی متفاوت است . گاه تفاوت سن تا ده سال هم مشکلی ایجاد نمی کند . ولی باید بین سن زوجین تناسب منطقی و معمولی وجود داشته باشد . دختر و پسر که بی برابری می خواهند زوج کنند و بین 18 تا 30 سال دارند ، اختلاف بین چهار تا پنج سال مناسب است . و مورد اختلاف سن در ازدواج دوم ، اهمیت مسئله به اندازه ازدواج اول نیست . سن ازدواج از دو نظر دیگر هم باید مورد توجه قرار گیرد:

الف) جنبه روانی

افراد و فرایند رشد از نظر روانی در سنین مختلف ویژگی های متفاوتی دارد . یک جوان و یک پیرمرد از لحاظ روحی و روانی یکدیگر نیستند ، هرچه سن بالاتر می رود حالت روحی تغییر می کند و رو به رکود می رود . بنا بر این زوج یک مرد پنجاه یا شصت ساله ، با یک دختر هجده ساله از لحاظ روانی به سعادت و خوشبختی نمی انجمد و نیز با زود به علت عدم بلوغی نیازهای روانی ، عروسی با دلمردگی به انتظار مرگ شوهر سالخورده تل می نشیند یا خواهان طلاق می شود . عکس این حالت نیز صادق است . بنابراین دختر و پسر نباید تحت تأثیر پول ، مقام اجتماعی ، مقام علمی و سایر امتیازهای ارزشمند ، سن همسر آینده خود را نادیده بگیرند .

ب) جنبه فیزیولوژیکی

همان طور که سن بر روان انسان اثر می گذارد ، با بالارفتن آن قوای جسمانی هم رو به تحلیل می رود و علاوه بر جنبه های روانی ، نیازهای جسمانی نیز مختل می شود .

شغل

نوع شغل نیز در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است و برخی دختران به سطح شغل همسرشان اهمیت می دهند و از نظر آنها نوع شغل مهم است . برای گروهی دیگر سطح شغل مهم نیست ، آنان همسری می خواهند که کمترین فکری آنها را فراهم سازد و درآمدی نداشته باشد . دختران شاغلی هم هستند که مایلند همسرشان در حوزه شغلی آنان کار نماید . بنابراین نوع شغل ، سطح شغل ، محل شغل و میزان درآمد در انتخاب همسر مؤثر است .

نگرش شوهر به شغل همسر

بعضی از مردان با اشتغال همسرشان در خارج از خانه مخالف اند و در پی همسری هستند که فقط خانه دار باشد ، و رهایی نموده بافتی تکیده که آنرا جزء شرایط ازدواج قرا می هند . عده ای نؤیر عکس و مت دارند که همسرشان شاغل باشد و نظر اصلی آنها از این اشتغال کسب درآمد است . برخی هم کسب درآمد هسر و اثیل هم نیست و هف آنها را اشتغال هسر در خارج از خانه این است که با جامعه ارتباط داشته و اجتماعی تو باشد . برخی مردان میل اند همسرشان فقط در کارهای آموزشی ، آن هم در رابطه با دختران کار کنند مثلی توگویی یاد بپی مد پس خترانه . ولی گهی مردان نوعی ارهوشن مهم نیست قط تمای دارند که او به کارهای نیمه وقت بپردازد ، تا به کارهای خانه نیز برسد . بعضی از مردان نیز مایل اند که همسرشان در محیط کار خود آنا ندها بی باشد . بنابراین نگویند مرد و رابطه با اشتغال همسرش در ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد . کسانی هستند که پس از ازدواج برای کسب درآمد بیشتر به بیش از یک اشتغال رو می آورند گاه ممی امت زن و مرد هر دو دارای دو شغل باشند . اشتغال خانواده به بیش از یک شغل ، گاه به علت نیاز ، گاه به علت علاقه به کار و یا حرص به درآمد بیشتر است . در صورت اول شاید علت موجه و برای رفاه خانواده باشد ، ولی در صورت دوم و سوم به هیچ وجه اشتغال ضرورت ندارد و موجب می شود که زندگی خانواده حالت سرد و بی روح داشته باشد .

نقش زنشویی

اگرچیز نشو بی تنها قیمتی را یک زندگی خانوادگی موفق است ، ولی نقش و تأثیر مهمی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن دارد . به دور از تصبی بایدنگ تف که ارضاء نشدن در امور زنشویی ممکن است سبب بسیاری از خلل افک ، عدم احسلا متی ، احسمل محرومیت ها ، نکلمی ها و غیره شود. زن و شوهرهایی که به علل مختلف مانند نداشتن اطلاع کافی ، عدم بک ، رتسها ، اخراقات و ... و ان زمینه قادر به ارضاء یکدیگر نیستند ، زندگی مشترک شان با مشکل مواجه می شود. اطلاعات صحیح و کافی در این مورد باید به وسیله والدین ، سازمانهای صالح و رسانه های گروهی در اختیار نوجوانان و زن و شوهرهای جوان قرار گیرد ،

شخصیت نکته شیرین درباره ازدواج



درباره ازدواج بسیار گفته و شنیده ایم. اما مطالبی که در زیر می آید شاید برای شما تازه باشد.

ما این ضی المثل های ملل مختلف و همین طور سخنان شخصیت های بزرگ جهان پیرامون ازدواج شصت مورد را انتخاب کرده ایم. بسیاری از این حرف ها جنبه شوخی و مزاح دارد اما تعداد دیگری از آنها شاید وصف حلا من و شما باشد! همین طور قسمت دیگری از این گفته ها می تواند برای عده ای حکم کلید راهنما را داشته باشد.

1- هنگام ازدواج بیشتر با گوش هایت مشورت کن تا با چشم هایت. (ضرب المثل آلمانی)

2- مردی که به خاطر "پول" زن می گیرد، به نوکری می رود. (ضرب المثل فرانسوی)

3- لیاقت داماد ، به قدرت بازوی اوست . (ضرب المثل چینی)

4- زنی سعادتمند است که مطیع "شوهر" باشد. (ضرب المثل یونانی)

5- زن عاقل با داماد "بی پول" خوب می سازد. (ضرب المثل انگلیسی)

- 6- زن مطيع فرمانرواي قلب شوهر است. (ضرب المثل انگليسي)
- 7- زن و شوهر اگر يكدیگر را بخواهند در كلبه ي خرابه هم زندگي مي كنند. (ضرب المثل آلماني)



- 8- داماد زشت و با شخصيت به از داماد خوش صورت و بي لياقت. (ضرب المثل لهستاني)
- 9- دختر عاقل ، جوان فقير را به پيرمرد ثروتمند ترجيح مي دهد. (ضرب المثل ايتاليائي)
- 10- داماد كه نشدي از يك شب شادماني و عمري بداخلاقي محروم گشته اي. (ضرب المثل فرانسوي)
- 11- دو نوع زن وجود دارد؛ با يكي ثروتمند مي شوي و با ديگري فقير. (ضرب المثل ايتاليائي)
- 12- موقع خريد چلچمدن به زن اخب نگاه كن و در موقع دلچسپي مادر عريس قهقهه كن. (ضرب المثل آذربايجاني)
- 13- براي يافتن زن مي ارزد كه يك كفش بيشتر پاره كني. (ضرب المثل چيني)
- 14- تاك را از خاك خوب و دختر را از مادر خوب و اصيل انتخاب كن. (ضرب المثل چيني)
- 15- اگر خواستي اختيار شوهرت را در دست بگيري اختيار شكش را در دست بگير. (ضرب المثل اسپانيائي)
- 16- اگر زني خوك كه تو به خطا پول همسري شوي با او ازدواج كن اما پولت را از او دور نگه دار. (ضرب المثل تركي)
- 17- ازدواج مقدس ترين قراردادها محسوب مي شود. (ماري آمپر)
- 18- ازدواج مثل يك هندوانه است كه گاهي خوب مي شود و گاهي هم بسيار بد. (ضرب المثل اسپانيائي)
- 19- ازدواج ، زودش اشتباهي بزرگ و ديرش اشتباه بزرگتر است. (ضرب المثل فرانسوي)
- 20- ازدواج كردن و ازدواج نكردن هر دو موجب پشيماني است. (سقراط)



- 21- ازدواج مثل لولي يك نه ج نكي لكه كه اگر وړل فقط لك اشتباه صورت بگيرد جيرانش غير ممكن خواهد بود. (بورنز)
- 22- ازدواجي كه به خاطر پول صورت گيرد، براي پول هم از بين مي رود. (رولاند)
- 23- ازدواج هميشه به عشق پايان داده است. (ناپلئون)
- 24- اگر كسي در انتخاب همسرش دقت نكند، دو نفر را بدبخت كرده است. (محمد حجازي)
- 25- انتخاب پدر و مادر هفت خود انسل نيست ، ولي مي توانيم مادر شوهر و مادر زنمان را خودمان انتخاب كنيم. (خانم پرل باك)

- 26- با زني ازدواج كنيد كه اگر " مرد " بود ، بهترين دوست شما مي شد . (بردون)
- 27- با همسر خود مثل يك كتاب رفتار كنيد و فصل هاي خسته كننده او را اصلاً نخوانيد . (سوني اسمارت)
- 28- براي يك زندگي سعادتمندانه ، مرد بايد " كر " باشد و زن " لال " . (سروانتس)
- 29- ازدواج بيشتر از رفتن به جنگ " شجاعت " مي خواهد . (كريستين)
- 30- تا يك سال بعد از ازدواج ، مرد و زن زشتي هاي يكدیگر را نمي بينند . (اسمایلز)
- 31- پيش از ازدواج چشم هايتان را باز كنيد و بعد از ازدواج آنها را روي هم بگذاريد . (فرانكلين)
- 32- خانه بدون زن ، گورستان است . (بالزاك)
- 33- تنها علاج عشق ، ازدواج است . (آرت بوخوالد)
- 34- ازدواج پودي سلت كه از درختي به درخت ديگر بزنند ، اگر خوب گرفت هر دو " زنده " مي شوند و اگر " بد " شد هر دو مي ميرند . (سعيد نفيسي)
- 35- ازدواج عبارتست از سه هفته آشنائي ، سه ماه عاشقي ، سه سال جنگ و سي سال تحمل ! (تن)
- 36- شوهر " مغز " خانه است و زن " قلب " آن . (سيريوس)
- 37- عشق ، سپيده دم ازدواج است و ازدواج شامگاه عشق . (بالزاك)
- 38- قهي از دواج بوياء تربيت طفل شى نظريه د نتم ، اما حالا شى فرزند دارم و داراي هيچ نظريه اي نيستم . (لرد لوچستر)
- 39- مرداني كه مي كوشند زن ها را درك كنند ، فقط موفق مي شوند با آنها ازدواج كنند . (بن بيكر)
- 40- با ازدواج ، مرد روي گذشته اش خط مي كشد و زن روي آينده اش . (سينكاليويس)
- 41- خوشحالي هاي واقعي بعد از ازدواج به دست مي آيد . (پاستور)
- 42- دواج كديد ، به هوسيله ي كه بي وايد . زيرا اگر زن خوبي گيرتان آمد بسيار خوشبخت خواهيد شد و اگر گرفتار يك همسر بد شويد فيلسوف بزرگي مي شويد . (سقراط)



- 43- قبل زار ق به جگ يكي دو بزو پش زرق به خولتگاري سه بار براي خودت دعا كن . (يكي از دانشمندان لهستاني)
- 44- مطيع مرد باشيد تا او شما را بپرستد . (كارول بيكر)
- 45- ف تنها با مرد دي ازدواج مي كنم كه عتيقه شناس باشد تا هر چه پيرتر شدم ، براي او عزيز تر باشم . (آگاتا كريستي)
- 46- هر چه متأهلان بيشتر شوند ، جنابت ها كمتر خواهد شد . (ولتر)
- 47- هچ چيز غور مرد را به اند له ي شادي همسرش بالا نمي برد ، چون هميشه آن را مربوط به خودش مي داند . (جانسون)

- 48- زن هیچ می‌دهد با وی ازدواج کند که زندگی خوبی نداشته باشد ، اما نمی تواند مردی را که شنونده خوبی نیست ، تحمل کند. (کینه‌بارد)
- 49- اصل و نسب مرد وقتی مشخص می شود که آنها بر سر مسائل کوچک با هم مشکل پیدا می کنند. (شارو)
- 50- وقتی وی عروسی ات خیلی فریه کنی ، مهمان‌ها نیت رایک شب خوشحال می کنی و خودت را عمری ناراحت ! (روزنامه نگار ایرلندی)
- 51 – هیچ زنی در راه رضای خدا با مرد ازدواج نمی کند. (ضرب المثل اسکاتلندی)
- 52 – با قرض اگر داماد شدی با خنده خداحافظی کن . (ضرب المثل آلمانی)
- 53 – تا ازدواج نکرده ای نمی توانی درباره ی آن اظهار نظر کنی . (شارل بودلر)
- 54 – دوام ازدواج یک قسمت روی محبت است و نه قسمتش روی گذشت از خطا . (ضرب المثل اسکاتلندی)
- 55 – ازدواج پدیده ای است برای تکامل مرد. (مثل سانسکریت)
- 56 – زناشویی غصه های خیالی و موهوم را به غصه نقد و موجود تبدیل می کند . (ضرب المثل آلمانی)
- 57 – ازدواج قرارداد دو نفره ای است که در همه دنیا اعتبار دارد. (مارک تواین)
- 58 – ازدواج مجموعه ی آزمه هاست هم تلخی و شوری دارد. هم تندی و ترشی و شیرینی و بی مزگی . (ولتر)
- 60 – تا ازدواج نکرده ای نمی توانی درباره آن اظهار نظر کنی. (شارل بودلر)

تأملی بر ازدواج های دانشجویی



مدتی است که نوعی زوج دانشجویی به عنوان عالی ترین مکان فرهنگی ، تحقیقاتی و اطلاعاتی رو به پیدا کرده و بحثی به نام " ازدواج دانشجویی " را در بین علماء ، اساتید ، خانواده ها و جوانان رواج داده است. ما نیز بر آن شدیم به سهم خود این نوع پیوند را از زوایای متفاوت مورد تحلیل قرار دهیم.

از نواحی از طریق پیوند عاطفی ، روانی و جسمانی بین زن و مرد به عنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده ی نهاد خانواده برقرار می شود و نه فقط منافع ، عقاید ، سازماندهی ، هدفمندی و برنامه ریزی را طلب می کند تا به صورت ازدواجی موفق جلوه گر شود.

از نواحی موفق در فرهنگ های مختلف متفاوتی دارد. اما آنچه و تمام نظامهای عقیدتی و فرهنگی دنیا به عنوان مهمترین ضمیمه ازدواج موفق تکریم می شود آنست که پیوند سالم و از پیچ زنده ، تدلیم و فکر طوفان را به همراه خواهد داشت. بدان صورت که با توجه به خواسته ها ، انتظارات و نیازهای خود و در نظر گرفتن هنجارهای جامعه به آنچه معقول و منطقی است دست یابند. عبارتی وجود دارد که در عین کوتاهی، به اندیشه ای زندگی مشترک حرف به همراه دارد. " طلاق عاطفی!" و این بدان معنی است که زوجین علیرغم آنکه

باهم و وزیر یک سف زندگی می کنند، تنها سعی کرده اند در ظاهر، کنار هم باشند. اما در عمل همدردی، همدلی، تفاهم و احترام متقابل، تکمیل و تکلیف، و عشق را که این خاوا ده ری بر بسته و همتریش شرط و کارکرد نظام خانواده که همانا محبت، عشق و رزی و تکامل است در آن رعایت نمی شود.

طرز فکر و دیدگاه مشترك

آنچه که ری یک ازدواج نده، حیثی ت لقی می شود، طرز فکر یکسان و دیدگاه مشترك بین افراد است. طرز فکر هر یک را باید با توجه به سن، نوع فرهنگ و سطح تحصیلات رسمی یا غیر رسمیمان شکل می گیرد. با این تعبیر بدیاری طبیعی است که نوع نگی یک انسان پنجاه ساله با افسانی بیست ساله تفاوت اساسی داشته باشد. البته و در سطح تصدیق و ناسمجی بی به عد نزدیک و ن میزان به ی هی و شوه نگی آنها به محیط و امین، به شیوه ای معمولی یا انتزاعی می تواند به موفقیت یک ازدواج کمک می کند، اما عاملی اساسی و در این مورد فرهنگ نیست. و اگر ما نجاش و هنگی بدیلرکم دیده می شود. و زوا علیرغم فرهنگ طلی و ک لک یافته اونی، خرده فرهنگهای فراوانی را در شهرها، مناطق، روستاها و محلات متفاوت مشاهده می کنیم که با وجود تخل فرهنگها و گسترگی ارتباطات، هنوز به قوت خود باقی است. به عنوان مثال قوم کورد در منطقه غیبی کشور تجمع یافته و قوم ترک در شمال و شمال غرب کشور؛ اما علیرغم همسایگی مکانی و نزدیکی جغرافیایی، از لحاظ رسوم، عقاید و سنتها و طرز تلقی مفاهیم متعدد مثل خانواده، خواستگاری، مراسم عروسی و عزا، خوب و بد و... با هم بسیار متفاوت به نظر می رسند.

تفاوت شیوه نگرش در خانواده

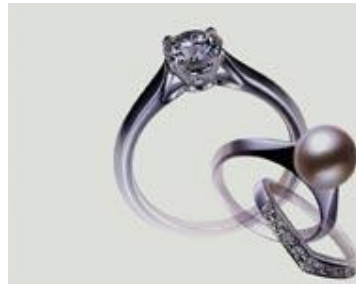
علاوه و مسائل فرهنگی بد نیست بدانیم عو لی بیاری و رواج و تفاهم پس از آن مؤثرند. عواملی که اکثر ا سطوح و خودآگاه ذهن جای گرفته اند. طبق پژوهش های به عمل آمده یکی از علل مهم و قابل توجه طلاق در خانواده ها، بروز سوء تفاهم و عدم درک متقابل در طرفین است. اکثر زوج های و حال طاق، عدم تفاهم و نداشتن خانواده زوج را مهمترین عاملی جلی خود ذکر می کنند. علت بروز سوء تفاهم ها و ادراکهای متفاوت در موقعی هی یکدیگر را ننگر و بایو لیه ما بهشت قضا ئی ر و هگنو محیط زندگی شرایط ا قند لی، خاوا لگی، و بییتی، شیوه نگرشی خانواده و نوع زندگی است که در افراد مختلف به شدت متفاوت می نماید.

فرهنگها و تجارب گوناگون

داشیر یانی که با و هگهی متفاوت و تجارب گوناگون تصمیم به ازدواج می گیرند باید به طور جدی متوجه بشوند که انوادی و فرهنگی مختلف و مختلفاً متد طاق با شرایط طرف مقابل خود باشند. این بهترین راه برای پیشگیری از وضعیتی است که زوجین با مراجعه به مراکز مشاوره اظهار می دارند: همسر مرا درک نمی کند! گاهی برخی جوانان در ابتدا متوجه تفاوتها خود به لحاظ خانوانگی، شخصیتی، عقیدتی و... با مورد اند تعبیه شده خود هستند. اما بعد از ایل الحاقه و کورکورانه، که فقط از روی احساس بدون پایه عقلی و منطقی ایجاد شده، بلساده اندیشی گه می کنند می توانند تفاوتها را در سایه "عشق" تنها به اشتراک تبدیل کنند. علاقه و محبت برپا تومیک زندگی مشترك عامل اصلی و پایه اساسی تلقی می شود اما منطقی تر آن است که عشق را مکمل رواج دانیم نه عمل آن. اصلیت شدید و عوف ر قق و ل، گاه او را به سمتی می خواند که تنها لک لک خود را وچند و خورد کنایه و اشکالی و الحاقه لی که در اثر همجواری ایجاد شده خلاصه می کند. حال آن که عا ننگدیداری، با عشق تفاوتهای اساسی و اصولی دارد. آن هم عشقی که لازمه یک زندگی موفق و نثوی است. حتی پس از رواج نیز عشق و رزیدن هنری است که رعایت قوانین و اصول خاصی را طلب می کند. اصولی مثل پذیرش، درک و همکاری.

پس ر توجه به این موارد، لازم است هر جوان در اعماق ذهن و افکار خود به خود شناسی بپردازد. لازم است تا پیش از تصمیم به ازدواج،

ولې ژا ما تکليفنډر ا بامفهم ا تنزاعي و غواندق ليوانظرون و اهداف خود روشن کينم تا از گزند
آمان گاني هلي نور ل هسوس و درگيرشدن و دام و هام رها بي بليم . شايد وسايه ان خود شنلبي به
واقع بيني و آنچه که يارو مددکار ما در حيات فکري و عقيدتي ماست دست يابيم .



ويژگي هاي شخصيتي

يکي ل سوالات کلیدي در زمينه خودشناسي که پيش زمينه اساسي انتخاب همسر و ازدواج تلقی مي شود آن است
که واقعاً هر آينده چه انظاري درم؟ و چگونه انديشيدن ا بچه شوهر فکري و ويژگي هاي
شخصيتي ، براي شراکت در زندگي مي پسنديم.

لگر خلدتها و معي رله لي طليو دي لي شخي خود را يابيم با نيدي واقع بينانه و عميق تر مي توانيم به
کوش شريک باشوا بطي نزديک به آن ويژگي ها بپردازيم . در اين ميان نبايد تشابه فکري ، عقيدتي و شخصيتي
طرفين و خانواده آنان را از ياد برد . ازدواج نه تنها ترکيب دو انسان ، بلکه تداخل دو خانواده است .

خانواده ها به عنوان عوامل بسيار مؤثر در زندگي يك زوج تازه پيوند يافته مي بايست از تناسب در موقعيت هاي
اقتصادي ، لجه لي ، فرهنگي ، ديني و... برخوردار بشلند تا به تع انشاهد تشابه زوجين نيز باشيم . درصد
ريک طليق و شابه و موارد بلا بينا نشويون بسيار بالاست ؛ زيرا در اين گونه پيوندها معمولاً با خانواده
هاي رويو هدميم که هيچ گونه طاح و آگلي را سلتل اجتماعي و فرهنگي يکديگر ندارند و تنها به علت
اصرار فرزندان شان موافقت کرده و به نوعي ، تسليم خواست آنان شده اند .

استقلال مالي جوانان

طوي کذي تاجه دمي وانيد از خدميدت اخقي ، خاوانگي ، فرهنگي و رفتاري همکالي يا هم
دانشگاهي خود اطلاع حاصل کنيد؟ با توجه به اين که انسانها موجودات پيچيده اي هستند و توانايي تظاهر و نقش
بلي کردن را نودارند . شايد به سبب همق توانايي ، طلب اوقات رفتار انسان غير قابل پيش بيني است و به
طورتريي هر يك از ما در جمع سعي مي کنيم خصوصيات منفي خود را پنهان کرده ، چهره اي منطقي ، آرام
و دوست داشتني از شخصيت خود به نمايش بگذاريم . آيا چند برخورد و يارد و بدل کردن چند کتاب و جزوه و
نهایتاً تحقيقي مشترک (که به شدت بعيد مي نمايد) امکان شناخت زواياي تاريخ شخصيتي و رفتاري طرف مقابل
را به شما خواهد داد؟ مي دانيد که ميدي ل و قش رينه رفتول ها يمان حتي وي خودما روين نيست . اين
همان چيزي است که در اصطلاح به بخش ناخودآگاه و خاطرات سرکوب شده ي ما مرتبط مي شود .

مسائل اقتصادي نيز به نوبه خود توجه ويژه اي را مي طلبد ؛ چرا که اکثر دانشجويان از استقلال مالي برخوردار
نيوده و به جهت طلي ني شدن مدت تحصيل ، ميزان وابستگي مالي و استفاده از امکانات خانواده تا سنين بالا ادامه
يافته و نسبت به قبل طولاني شده است . و دالي که و گشته فرزندان به سرعت وارد بازار کار شده و درآمد
مستقل مالي کبي کردند . گرچه کول و خيل منافقي بله ندارند لما بشر ا طر زندي امروزه ، لجرار
تحليل علم بين کول باشغل مناسب برگزيده مي شود . حتي پس از اتمام تحصيل نيز ضمانتي مبني بر دستيابي
به يك شغل مناسب و همسو با تحصيلات وجود ندارد . لازم نيست شروع يك زندگي همراه با رفاه باشد اما حداقل

بخورد لي از مَن مالي و ندليل غصه و گري و لي اوار شل و حد متعالی، شرط لازم ت لقيمي شود.

نظرات و خواسته هاي منطقي

زندگي مشترك را مني قول و پايه اما و اگر، و هول سعت و نلعول بنا كرد. هچنك كه هيچ معماري عايت خود را و خك ست بذييل ندي گذارد. و زندگي پدوا نه لي ققي و منطقي مي طلبد. مثلاً تشابه فرهنگي و تلم دنيا را عاالي بديل هم موفقيت زندگي مشترك محسوب مي شود. زيرا عوامل فرهنگي به زندگي جيت مي بشتد، لعتقت، مذهب، خوه معاشرت، تربيت فرزندان و حتي پر كردن اوقات فراغت با عنايت به فرهنگ خاص هر خانواده و منطقه شكل مي گيرد...

دو اوج دانش جويي هوريكي كه تنها معيّل اند تلب، برخورد هاي ظاهري، بدون در نظر گرفتن مسائل اصلي حتي حاشيه اي باشد با درصد ريسك بسيار بالايي مواجه خواهد شد.

ساده انديشي است كه فكر كنيم: "من با يك نفر زندگي مشترك تشكيل مي دهم، با خانواده او چه كار دارم؟!..."

نكته هينجست. ازدواج، برخورد دو فاميل، دو خانواده و دو منطقه است. نادیده گرفتن خانواده ها، نظرات و خواسته هاي منطقي آن بزرگترين بي تجربگي جوان محسوب مي شود. ما تيا واقعاً هچ رهي براي انتخا همكلاي و عول شوليزندگي فيت؟ آيا تلم از دويج هاي دانشجويي خط و ممب نلي حساسات و عواطف گذرا و نامعقول شكل مي گيرد؟

را دويج دانشجويي نو ماندهر بيوند ديگر مي واند به شكلي منطقي و اصولي پايه ريزي شود. به شرط آن كه و احي و معيار هومي مائب و طر گرفته شوند. طبعاً دوجنس مخالف درمكاني فرهنگي با هم برخورد مي كنند. چها گيري في جوانان، شورع ظلي و شو ايظصل حوائي سبب مي شود در برخوردها نيم نگاهي هم به ازدواج داشته و و بين هملاسي ها در جستجوي شريك زندگي باشند و گاه همسويي هايي بعضاً تصادفي آنها را به سدي هم مي كشاند. اما خوب است قبل از ايجاد علاقه و ورود به دنياي لطيف عاطفه، پس از انتخاب اوليه كه مبني و منطقي و در قوت معيارها و عاالي مؤثر در رسعات زندگي مشترك خواهد بود، انتخاب خود را با خانواده و ميان بگلزند و نظر نك آنها و دلالي لي كه براي موافقت يا مخالفت با اين پيوند دارند آگاه شوند. پس را موافقت خواهد و شنا شدن هر دو خانواده با هم، جوانان نيز مي توانند در سايه ي استفاده از تجربيات خانواده و در محيط خانه، به طلاعاتي كه لازمه ي شناخت هر يكي شكلي لي زندگي مشترك است دست يابند و در كمال صداقت، انتظارات، اهداف و خواسته هاي خود را از ازدواج بيان کرده و نظرات شريك احتمالي زندگي آينده خود را در زبانشنوند، و در سايه اين گفت و شنودها، تشابهات و اختلافات شخصيتي خود را محك بزنند. در سايه اين شناخت، پيوند منطب تشخصي داده مي شود و يا پيش از آن كه اتفاقي بيفتد متوجه تفاوت هاي اساسي شده و از بروز اشتباه در انتخاب پيشگيري مي شود.

سعادت و خوشبختي

بي لييصادقا نه ل و قل كنيم كه والدين در بي سعادت و خوشبختي فرزندان شان هستند و گذر زمان تجربياتي را در زمينه تفاهم، و كمتقابل و هسو منطب به آنها لعاكو نه كچنل لسل و بي رهو به هست نيامده اند. ازدواج مهترين و سونوشت سازترين تصميمي است كه در طول زندگي اتخاذ مي كنيم. به طوري كه درست يا غلط بوفن را، شو ايظصل ظلي، خانوانگي و لجتماي ما را در تمام طول عمر تحت تاثير خود قرار خواهد داد. بيليد ا زخربيك و ال ن وچا هدياي به شلي و رللي بهر موييم و به جاي اين كه آنها را مقابل خود بدانيم و كذاشان قرار گيريم تا از درصد پشيماني خود طي سالهاي آينده كاسته باشيم. تحصيلات عالي، ارتقاء سطح فكري و توانايي هلي نغي، اندو لي و لمللا لي لسان را موجب مي شود ما گرواع بين باشيم بايد بپيويم كه تحصيلات چا شين تو بيلكمفيد و گرانبهاي بزرگتر ها نخواهد شد. من و تو به عنوان جوان نيازمند تجربه ايم و گر انسان هوشمند ي باشيم همه چيز را خودمان تجربه نخواهيم كرد بلكه از تجربيات و توانايي هاي

دیگر ل خصوصاً بدنگل ز دیک خود نیز بهره خواهیم جست . برخی تجربه ها به منزله ی هدر رفتن تمام عمر خواهند بود. آیا ق داریم به این بهانه که وی زندگی خود تصمیم می گیریم ، خود و اطرافیانمان را در دور بطل رنگ وی هلی خا و ادگی وزن ثوی تشلی از شتاب و اندک بل خود قرا ر دهیم ؟ اگر زندگی مشترک یکی ل اضلی خانوله به ن بست برسد یا با مشکل مواجه شود تنها زوجین درگیر نخواهند بود بلکه اختلافات ، تمام اهلی خلواده را درگیر خواهد کرد. ضرب المثل معروفی است که می گوید : " آنچه جوان در آینه بیند پیر در خشت خام بیند."

به هرحال ای جوان ! انتخاب صحیح حق توسست، از حق طبیعت دفاع کن و ازدواج را پیش از آن که شکل بگیرد نجات بده!

توصیه به جوانان در آستانه ازدواج و خانواده های جوان



وی یه ک زندگی هلوب و منطبق بر اصول اخلاقی ، مسئله مهم میزان آگاهی و تقید کسانی است که می خواهند با تشکی خانواه بهره مناسی از گز ل عر بگیرند. به طور معمول برای دادن اطلاعات از بایدها استفاده می شود، ولی در این مقاله بنا براین داریم که از نبایدها شروع کنیم و نتیجه گیری اصلی را به عهده شما بگذاریم.

1- ازدواج نباید بدون توجه به شرایط و موقعیت های زوج جوان صورت گیرد.

ان پسر و دخترند که بایستی با تلفیق مجموعه ی توان ها و توانمندی های خود ، به یک زندگی سروسامان دهند نه دیگران . یکی از مشکلات اساسی زوج های جوان در جامعه ما این است که جوان با یک فکر و اندیشه ی آرمانی تصور می کند که به لای مدینه فاضله است و این گونه تکرر به لول ه نو لداد تو ا قعی هی وجود را لسل و لسی کند. از سویی دیگر واقعیت های موجود در جامعه ، خود را به گونه ای دیگر جلوه می دهند و اولین تضاد این گونه ایجاد می شود. از این رو بهترین زندگی را کسانی دارند که بتوانند از این جدال و تضاد به عاقبت رهایی یابند.

از جمله شرایط موقعیت ها، شرایط اجتماعی و فرهنگی زوج ل یعنی طبقه و پایگاه اجتماعی پسر و دختر است که بایستی این شرایط ه ل بشلد. از شرایط دیگر ، تناسب جسمی و سنی زوج است که براساس دیدگاه های بزرگ دنی و هچنین روانشناسی ، بایستی به میزانی معین از رشد جسمی و سنی رسیده باشند و دقیق و از رسیدن به این رشد، تناسب این دو با هم است . برای مثال اگر پسری همسری بزرگ تر از خود برگزیند ، یا فاصله سنی زوجین ده سال یا بیشتر باشد ، مشکلات عدیده ای برایشان رخ می نماید که مجال طرح آنها نیست .

2- انگیزه ازدواج نباید شهوت و خوش گذرانی باشد.

دی ل ل دواج انگ و هلی عالی و لاشیچون بلخ به نای فلت، تلرد بقی ل، ل، ل بهشت رسل ل، ل و لکل ، و ل همه قی تر ط لقا فرم ل خوند وجود دارد که چنانچه هر کدام از اینها به عول انگیزه ازدواج بشد لفت و شهوت و غیزه و... را به ه لخلود لاقا تا جایی که برای این لذت و

شوت ژبې هم مخ اهد بود. لما گر این ارزش هاي عالي ملاك قرار نگیرد ، چون آن خواست ها مادي و هدف هايي سهل الوصول اند، مداومت بر آنها انسان را خسته ، سرخورده و محدود خواهد کرد.

3- ازدواج نباید همراه با انگیزه هاي مادي و دنيوي باشد.

زوج هلي که وظيفه ياد به حق ، جاذبه هاي مادي و قدرت و موقعتي اجتماعي يابستني لايه امکلات و بهره هاي دنيوي انجام شود، به علت مادي و نسبي بودن این اهداف و به ویژه این که در کوران حوادث و اتفاقات تحت تأثیر شديد قرار مي گیرند و از بين مي روند، معمولاً به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.

4- ازدواج نباید براي برآورده شدن خواست هاي ديگران باشد.

به طور معمول ، آرزوهاي پدران و مادران ، ایده آل هاي آنان، خود سري ها و کج فکري هاي آنها يا حتي انتقام جويي آند که زندگی و محروميت هلي بلي شدي ، فرزندان را به سوي ازدواج هايي سوق مي دهد که در آن يا يابستني يافت ، ليک عوط و محبت و تحقیرا تحلی کند گشت مديوي رخ نشل ه دوبقول موف ميوزد و بسود يا ان که هر دو طرف (زن و شوهر) خود را محکوم به پذيرش این تحکم بدانند يا به هت ورن اندک بهانه هلي خوله تخودرا ل این تحکم پذيرها سلخته ، و نتيجه با طلاق يا جدائي يا ... زندگي را بر خود و خانواده ، ناگوار و تلخ کنند.

نگاروار از این عروست هلي افراد ديگي به غير از پدر و مادر ملت. در بعضي جوامع ديده شده است که دختر خون بهاي مقتول است يا دختر به همراه مادر در خانه ناپديري يا ... زندگي کرده ، براي امرار معاش تن به سرونشني مي دهد که خود در شکل گيري آن نقش ندارد.

5- انگیزه ازدواج نباید چشم و هم چشمي ها و مقايسه هاي اجتماعي باشد.

چه بسا مشاهد شده ملت که پسر يا دختری تنها به خاطر این که مادر يا پدرش مي خواهد فرزندشان از ديگر هم ين وسيله لو بدنگل کتر و... جلوه کند ناخواسته درگير سرونشني مي شود که نه به صلاح اوست و نه خود نقشي در شکل گيري آن داشته است .

6- ازدواج نباید بدون جلب نظر و راهنمائي و هدايت والدين باشد .

هچد کهورک بلا معمولاً گنه موجه پو لو ماوان و طعه لک ، ليک تجربه ان نکته نيز ضروري ملت که والدين يابستني به طور حتم در زندگي و تشکيل خانواده فرزندانشان نقش داشته باشند. يعني لازم است حد و مرزها رعايت شود و فرزندان خودسرانه براي رسيدن به آن چه امروز مي بينند اقدام به ازدواج نکنند. تناسب ميان زوج جوان ، چنانچه همراه با نظر و راهنمائي والدين باشد ، نتيجه بخش خواهد بود.

7- ازدواج يابستني بدون مشورت و چاره انديشي با بزرگترها صورت گیرد.

توبه لي که نوگ ترها از زندگي خد لخته اند درم و قعت هلي يابستني مورد استفاده کوچك ترها قرار مي گيرد. سبق بجاي ملت که گفته شد ده ملت افيل بايدو بارز ديگي کند ، باراول تجربه کسب کند و بار دوم با استفاده از آن تجربه گشت ته ، يک زندگي سالم داشته باشد. انسان انديشمند با کمي تأمل به این نتیجه مي رسد که از آنجاکه دو بار زندگي کردن ممکن نيست پس به جاي زندگي اول مي توان از تجربه ديگران و پيشينيان بهره جست . البته این امر در مسئله ازدواج بسيار ضروري است ، چرا که آگاهي نسبت به مسائل اجتماعي از يک سو و شناخت اصل و نسب و ژاد و ويژگي هلي خلقي ه فرد با توجه به تعلقي که به اصل و نژاد خود دارد از سوي ديگر ، در مسئله ي همسر گزيني و توافق زن و شوهر در زندگي بسيار مهم و حساس است .

8- ازدواج نباید بدون توجه به قوانين و دستورهاي الهي اسلام باشد.

غويزه جني و ميباري ل موجودات زنده از جمله حيوانات وجود دارد و انسان نيز در اين ويژگي ، با حيوانات مشترک ملت . ليکي آن چيني که موجب تفاوت انسان از ساير حيوانات شده ، موقعيت و مقام و منزلت انسان در نظم هستي ملت. بهمان اندازه که انسان و نظام هتي مدمو ل سليحي و انت ، ربر تي شرافت

برخورد ل سلت ، مسئله ي برآورده کردن غریزه نیز باید با شرافت ، ارزش و توجه همراه باشد. لذا مکتب حیات جنس للام بر پایه بین انسان به زمین نه لی که بتواند فوزه جنسی را ارضا نماید، دستور ازدواج و زوجیت مرد و زن را مطرح کرده، بر مشروعیت آن تأکید دارد. دستورها و آداب خصلی که اسلام برای زن و شوهر قرار داده ، همه برای حفظ شرف و جایگاه انسانیت تا جایی که تَمَرَد و سرپیچی زن از شوهر را به نوعی مَد تَیجَع قبل داندنه و افراط و تفریط و این موارد را بین زن و شوهر مورد ملامت و سرزنش قرار داده سلت . بنابراین آنچه به فو این للام موجب سعادت و پیشرفت خواهد بود و در هیچ موردی تاکنون قانونی بهتر و متعالی تر از اسلام ارائه نشده است.

9- در ازدواج، انتخاب همسر نباید بدون معیار و ملاک باشد.

مکتب انسان ساز للام و همچنین روانشناسان و فلاسفه بر انتخاب همسر و جویی که ولین بحث مورد نظر است تأکید فو لند دارند. همگی آن تگیدات برای به کارگیری ملاک و معیار در انتخاب است. آنچه در اسلام به نام قانون که ولت مطرح تعبیر و بسط و جمع و پو محتوا لی لت که بررسی آن و جایگاه مَخود نیاز به ارائه مقالات متعددی دارد که در این جا به اختصار از آن خواهیم گذشت .

مکتب هسرا مسئله کفایت و جامعیت مطرح است و آن هم در ارتباط بین زن و شوهر و در جنبه های جسمی ، جنسی ، عقلی ، فو هنگی ، علمی ، للاحی ، لاجتماعی ، روحی و روانی ، دینی ، خا و انگی و ... مورد نظر است. آن دو باید همه این جنبه ها را به عنوان ملاک برای انتخاب همسر در نظر بگیرند.

10- ازدواج نباید فقط تحت تأثیر عوامل اجتماعی صورت گیرد.

انگیزه هلی لاجتماعی ، مضمناً آنسته که و ارتباط با گروه همسالان ، علت و انگیزه ي انجام فعالیت می شوند، در ازدواج با ولت بی دلی کترل شده و دقیق مورد تحلیل و توجه فو ل گیرند. این انگیزه ها اغلب آنی و زوگ فو سلت و بسیاری را وقتاً هم فوینده و کاذب . د ولت با بی ها، محبت ها و عشق های خیابانی و کوجه بی لری که معمولاً فو موارد مفعی عوامل لاجتماعی اند و مقبولیت عام اجتماعی نیز ندارند، باید در ازدواج کاملاً کنترل بشوند، زیرا اگر ازدواجی با این انگیزه ها و عوامل انجام شود دارای عاقبت و پایان خوبی نخواهد بود.

11- ازدواج نباید مخالف امور و مقتضیات طبیعی باشد.

و نظام هلی که نظای د ل فو لاجتماعی و حد بل دقیق است، مسئله زوجیت یکی از مسائل مهم است. زوجیت ، لازمه تکمیل و تکامل و ثمردهی هستی موجودات است و برای این امر مهم ، شرایط طبیعی نیز در نظر گرفته شده سلت . به عنوان مثال گرده افشانی گیاهان در زمانی معین به نتیجه خواهد رسید و ازدواج هم در کودکی یا میان سالی و پیری نتیجه خوبی نخواهد داشت . لذا لازم است در ازدواج به این گونه امور و موارد دقت و توجه کافی شود .

ازدواج های فامیلی نیاز به مشاوره ژنتیک دارد



مروى و تاريخه بى مانگى ذهني نشان مي دهد كه در هر دوره اي از تاريخ ، در هر فرهنگ و تمدني و در همه طبقات اجتماعي او اي وجود داشته اند كه از نظر فعاليت اجتماعي پايين تر از حد طبيعي بوده اند و اين امر سبب گاري آنها را با محيط زندگي شل مشكل ساخته است . تولد كودك معلول و عقب مانده ذهني به مثابه زنگ خطري براي اجتماع است چرا كه اين افراد علاوه بر آن كه در پيشرفت جامعه زياد مؤثر نيستند ، به سبب فقر و معلوليتش بى اقتصادي سنگيني را بر خانواده و جامعه تحميل مي كنند . يكي از عوامل پيدايش كودكان عقب مانده ذهني اختلال و نارساي هورموني است . از جمله عوامل متعددي كه در ايجاد معلوليت ذهني كودكان مورد نظر است ازدواج هاي فاميلي و پيوندهاي خويشاوندي (همخوني) است .

تدقيق شل مي دهد كه نسبت خويشاوندي والدين حتي اگر در سطح چندمين نسل هم باشد مي تواند سبب عقب ماندگي كودك شود . زان تحقيقات چنين نتيجه گرفته شده است كه مرگ و مير فرزندان در غير خويشاوندان ، و حدود چل در هزار و در زاد و بوم هاي بين پسر عمو و دختر عمو به شصت تا هشتاد در هزار افزايش مي يابد .

نتايج تحقيق دانشمندان آلماني شل مي دهد كه ازدواج بين اعضاي دور و نزديك خانواده ، باعث افزايش ميزان مرگ و مير نوزادان و رشد گسترده انواع بيماري هاي جسمي (قبل و بعد از تولد) مي شود .

در كنوما ، زواج هاي فاميلي و روستاها و مناطق عشائري بيشتر از نقاط شهري است و اين به دليل بافت فرهنگي و روابط غني قومي حاكم بر اين مناطق است .

غداي روستا شيان صحيح مي دهند كه با افزايش زلفه ليو زديكان شل زواج كنند . نگاهي به سوابق تاريخي زواج خويشاوندي در ايران حكاييت از اين موضوع دارد كه ازدواج خويشاوند مقدس شمرده شده است . و امپراتوري ساساني زواج با خواهر و باني پسر امري مقبول و متداول بود . ازدواج با خواهر به ويژه در حفظ پاكي خون و ميراث شاهانه به عنوان يك اصل به شمار مي رفت . نه تنها در بين آريائيان بلكه بين اقوامي سامي نيز ازدواج با محارم سابقه دارد و اين عمل ظاهراً در بين ملل شرق چندان قبيح نبود .

و بررسي سابق تاريخي زواج هاي خويشاوندي در ساير كشورها چنين برداشت مي شود كه از ديد جهان غي زاد و بوم هاي فاميلي عرقه الي قبول است . و لكتر ايالات امريكا ، ازدواج با فاميل نزديك مثل پسر عمو و دختر عمو ، نذر عمو و پسر دلي و بالعكس ممنوع و غير قانوني است . اين قانون در اواخر قرن 19 ميلادي به ثبت رسيد .

و پژوهشي كه در سال 1376 تحت نظر اساتيد دانشكده روانشناسي و علوم تربيتي دانشگاه تهران در اين زمينه انجام گرفت ، 400 كودك بصورت نمونه و به طور متناذي و بلتاني لستان انتخاب شدند كه 200 نفر از آنها كودك عقب مانده ذهني و 200 نفر آنها عادي بودند . در اين تحقيق همچنين به سن والدين در زمان بارداري و ترتيب تولد ، تحصيلات والدين در زمان بارداري و تعداد فرزندان خانواده توجه شده بود .

نتايج شل داده سن پدر و زمل بار دلي مي واندبر عقب ماندگي ذهني كودكان تاثير داشته باشد و زمان خواستاي بچه ها در مودل بيلد قبل از سن 40 سالگي انجام پذيرد و بهترين سن براي بارداري مادران سالهاي 19 تا 34 سالگي است و ملواني كه قبل از 18 سالگي يا بعد از 35 سالگي باردار شوند امكان به وجود آوردن كودك بى عقب مانده ذهني و آنها بديت است . و راجله با وديت تولد ، اين موضوع با عقب ماندگي كودكان رابطه اي داشته . همچنان تحقيق نشان داد كه معولاً والدين كودكان عقب مانده ذهني از لحاظ سطح سواد و تحصيلات از والدين كودكان عادي پايين تر بودند .

همچنين از لحاظ تعداد فرزندان ، نتايج شل داده و اندازه جمعيت خانواده بيشتر بگد و و خانواده افراد زياد بى با هم زندگي كنند و ان مي توانند به خوبي مايحتاج فرزندان را رفع كنند و اين باعث مي شود كه بهره هويي كودكان و خانواده هاي پر جمعيت كمتر باشد . در پايان نتايج نشان داد كه تعدد پيوندهاي خويشاوندي در

والدين عقيبه مانده نهي نسبت به والدين كودكان عادي بيشتر است . به عبارت ديگر ازدواجهاي خويشاوندي مي تواند با عقب ماندگي ذهني كودكان رابطه داشته باشد . در پايان پژوهش ، پيشنهادهاتي به قرار زير ارائه گرديد :

- ايجاد و گسترش مركز مشاوره و كلينيك هاي مشاوره ژنتيكي در سطح كشور بخصوص در مناطق عقب افتاده عشائري؛

- تحقيقات گسترده بر روي نمونه هاي بزرگ در سراسر كشور در زمينه بررسي علل عقب ماندگي ذهني؛

- مراجعه خانواده ها به مراكز مشاوره ژنتيكي قبل از اقدام به ازدواج هاي خويشاوندي ؛

- آگاه كردن خانواده ها از خطرات ازدواج هاي خويشاوندي و منع اين گونه ازدواج ها؛

و پايان بايد گفت كه غلبه ناهنجاري هاي ژنتيكي و بيماري هاي ارثي قابل پيش بيني بوده و با در نظر گرفتن قوانين وراثت و مشاوره هاي ژنتيكي و انجام آزمايش هاي مختلف قبل از ازدواج هاي فاميلى مي توان از تولد تعداد قابل ملاحظه اي از بيماران و بچه هاي كم استعداد تالان ژنتيكي متولد ميشوند جلوگیری کرد .

معیارهای مشترک در انتخاب همسر

با انتخاب صحیح همسر ، خانواده اي مستحکم داشته باشیم (قسمت دوم)



و قسمت اول مطالعه در مورد ضرورت و ظرفيت ملاكولو معيارها در انتخاب همسر مطرح نموديم و اينك در ادامه مي خوانيم...

بايد به خاطر داشته باشيم كه هدف اصلي از زنده گي مشترك اخلاقي بخور دل شدن زن و مرد اخلاقي و صميميت است . به همين مناسبت زن و مرد بايد انگيزه ازدواج را بر محور امور معنوي قرار دهند ، نه امور مادي همانند زيبايي . زيرا اگرچه زيبايي زن ، خود يكي از عوامل است كه هر انساني به طور طبيعي جذب آن مي شود و اسلام نيز زيبايي زن را مورد توجه قرار داده است ، ولي اين به آن معني نيست كه انگيزه ازدواج تنها بر محور جمال و زيبايي دور بزند و امور اخلاقي و معنوي نادیده گرفته شود .

بايد توجه داشته باشيم كه يار زدي مشترك تنها زيبايي ظاهري نيست ، بلكه اخلاق و عفت و سازگاري نيز لازمه زدي است . پس اگر به همراه زيبايي ، روحيه ي پاك انساني نباشد ، اين زيبايي ، نيكو و پسندیده نخواهد بود و ازدواج با چنين زني سعادت و خوشبختي به بار نخواهد آورد .

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید : هر گاه مردی زنی را به خاطر زیبایی و ثروت به ازدواج خود در آورد ، سعادت و خوشبختی مرد موقوف به همان امر خواهد بود و اگر مردی زنی را به خاطر دینداری و تقوا به همسری برگزیند ، پروردگار متعال زیبایی و ثروت را نیز نصیب او خواهد کرد .

رسول خدا (ص) درباره این گونه یی بی همتا می فرماید : از ازدواج با خضراء دمن پرهیز کنید ! لاشد که مغرور دنیا چیست ؟ آن حدیث فرمود : گل زیبایی که در مزبله ها می روید . یعنی زیبا چهره ای که در کانون خلواده فساد رشد یافته و به عبارت دیگر زیبا چهره ای که در محیط آلوده به فساد و تباهی نشو و نما کرده است .

آنچه که در متن زندگی و بی ضرورت دلد خلاق و سازگاری زن است و آنچه که خانواده را خوشبخت می کند حیا و عفت زن است ، نه زیبایی تنها . به طور کلی آنچه که محیط خانواده را سرشار از عشق و محبت می کند ، رعایت اصول اخلاقی ، پاکدامنی و پای بندی به تقوا و درستی و راستی است .

دختر و پسرانی که قصد زوج هستند باید دقیق باشند و ضمن توکل بر خدا تا حد ممکن بررسی های لازم را انجام دهند و بر مبنای معیارهای اساسی و منطقی اقدام به ازدواج کنند .

ناگفته نماند همان طو که بررسی ها و دقت های منطقی ، لازم و ضروری است ، وسواس و شک و تردیدهای بیش از حد معقول نیز نادرست و زیان آور است .

معیار و ملاک های مشترک در انتخاب همسر

1- **طهات خاوانگی :** اولین و مللی و بی معیال و بی انتخاب همسر اعم از زن و مرد ، اصالت خانوادگی است .

کلام طهات از طلی گرفته شده و طلی به معنی ریشه است . یعنی دختری پس از خلواده هلی باشند که دارای اصل و ریشه هستند .

دختر و پسر باید در خانواده هایی رشد یافته باشند که در آنها پدر و مادری عاقل و دلسوز با همه وجود در رشد و تعلیم فرزند کدیده باشند ، نه خانواده هایی که زن و مرد ، خانه و کودکان را به حال خود رها کرده و به دنبال گشتن و تفریح خود بوده اند و با مردانی که بدون دلیل موجهی همسران متعددی گرفته اند و فرزندان خود را به حال خود رها کرده اند .

و خانواده های صلح ، پول و ملکان می کشند از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود نمونه و الگو باشند و بدین ترتیب پدر و مادر صالح از نظر ارثی نیز سرمایه های بس گرانبهایی را به فرزندان خود انتقال می دهند . دختر و پسری که در یک خانواده اصیل رشد می یابند ، سجایای اخلاقی را از پدر و مادر خود به ارث می برند و در دین و باطنی ها و سختی های زندگی هرگز لجباده دینی و راستی خارج نمی شوند . به عبارت دیگر پایبندی به آبرو و حیثیت ، آنان را از انحراف باز می دارد .

2- **ایمان و دین داری :** پایبندی به اصول آیین اسلام یکی از عوامل خوشبختی خانواده است . دختر و پسری که دیندار

واقعی باشند دلجم بیرونی را اعمال خلا خودد ری می کنند ، زیرا پایبندی به دین آنان را از انجام اعمال حرام و خلاف باز می دارد .

دین عاملی درونی است که همیشه همراه افراد است و آنان را از ارتکاب اعمال خلاف انسانی باز می دارد ؛ در حالی که قانی یک عالمی بیرونی است و طبعاً تأثیرات عامل بیرونی در حد ایمان نیست . به همین مناسبت وقتی ل پشوا یل دینی سو ل می شد که با چه گروهی باید ازدواج کرد ؟ در پاسخ می فرمودند : **بر تو باد ازدواج با افراد متدین** . یعنی سعی کنی با همسری ازدواج کنی که دیندار باشد ، زیرا دینداری عامل قوی و استواری است که در بسیاری از موارد ، انسانها را از لغزش ها و ارتکاب اعمال خلاف باز می دارد .



3- **خلاق نیکو** : ناگفته نماند که زندگی زن و مرد در محیط خانوادگی احتیاج به اخلاق دارد ، زیرا تنها در پرتو قانون نمی توان زندگی کرد و همه انبیاء نیز به خاطر زنده کردن اصول اخلاقی مبعوث شده اند .

رسول اکرم (ص) خود می فرمود : همانا برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را بین مردم زنده کنم .

در محیط خانوادگی ، زن و مرد هر دو باید اصول اخلاقی از قبیل نرمی و ملایمت ، گذشت و سازگاری و عفو و اغاض را رعایت کنند و هر گاه یکی از آن دو دچار لغزش و اشتباه شود ، بلافاصله به عذرخواهی پرداخته ، از سدتو هچی وجل جاکو ندی کند زیرا سدتو هچی صمیمت هوا را بین داده ، شمنی وفاق را جایگزین آنها می کند . بدیهی است که طرف مقابل هم باید عذر و بوزش شخص خطاکار را پذیرا شود .

علی علیه السلام می فرماید : بدترین مردم کسانی هستند که عذر دیگران را پذیرا نمی شوند .

وقتی مردم از رسول خدای پیوند که حق را به ازدواج چه افرادی در آورند ؟ آن حضرت در پاسخ می فرماید : کسی که اخلق نیکو و دیندار باشد . نکته جالب آن که ایشان حسن خلق را بر دینداری مقدم می دارند .

لام به یل و ری لستکه با مطالعه و بررسی روحیات پدر و مادر تا حدودی می توان به خوش اخلاقی پسر و دختر پی برد .

4- **رعایت اصول کفویت** : ترکیب بشیمیایی ، ترکیبی که با یکدیگر ترکیب می شوند هر قدر از نظر هویت و جیتی به یکدیگر نزدیکتر باشند ترکیب آن دو استوارتر و عمیق تر انجام خواهد شد و اگر بین دو عنصر تقارن و پیوندی وجود نداشته باشد ، ترکیب ، سست و لرزان است و پس از زمان کوتاهی از بین خواهد رفت .

بنابراین ویلی که پسر و دختر به زوج بستو ای دمت یلند ، هر دو باید اصول کفویت و همانندی را در لباس ، دسني ، جیمی ، جی وروانی ، فرهنگی علمی و اجتماعی به بلت ییگ هود پندربایبنا ضعیفید ل زو لک کند . زیرا دیندار و بی دین به طور طبیعی در مواردی با یکدیگر درگیری خواهند داشت . فرد تحصیل کرده هم بهتر است با شخص درس خوانده ازدواج کند تا یکدیگر را درک کنند .

همچنین توجه ننشاید که دامت و قتی طالعین بن ه و پیر یل بلدی زا گلسالی انیچند استحکام خانواده دچار تزلزل می شود .

البته بدیهی است که همانندی کامل به صورت تطابق امکان پذیر نیست ، ولی این عدم امکان نمی تواند از رعایت هان ییذ سیمه ملله به هل آورد . بنابراین یی ل و ملی که خوشبختی زو شوهر راپس از ازدواج تضمین می کند ، رعایت اصول کفویت در حد همانندی نسبی است .

شریک زندگی خود را چگونه انتخاب کنید؟



ازدواج یکی از مهم‌ترین حوادثی است که در زندگی هر انسان رخ می‌دهد. نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و تأثیر آن بر تداوم و استحکام خانواده، تربیت فرزندان، داشتن زندگی سالم توأم با رضایت و خوشبختی و احسن موفقیت، ضرورت دارد دختران و پسران هنگام ازدواج از خدمات مشاوره‌ای مناسبی بهره‌مند شوند و از این طریق با اهداف، وظایف و حقوق یکدیگر به خوبی آشنا شوند.

امروز دختران و پسران جوان در آستانه ازدواج با بهره‌گیری از خدمات مشاوره ازدواج، می‌توانند با گام‌هایی رسلخ و آشنایی و طمین‌ان بیشتری در راه پریچ و خم ازدواج و تشکیل خانواده گام‌نهند و در نهایت در این امر مهم موفق باشند.

متلفانه درجه‌های ما، و برخی مواد دخترا و پسران بین طالع و گلی که بلر خورداري از احسن و ذوق، منتهی‌ای و اجادگو نگن خاکی، جسمی و انبیا و کیگ از دج می‌کند. پس از ازدواج نیز به دلیل عدم آگاهی، به این مشکلات دامن می‌زنند.

نکاتی چند جهت انتخاب همسر

- 1) **نتب به بی‌مجرأ واقع بین باشید.** تابع احساسات نگردید و به شکل منطقی جوانب کار را بسنجید. در تداوم یک‌زا دج «دیت نل تن و شق و گچ هرط لار جلت و یک لقی نیست. می‌بسل و مدال مهم‌یز ببردازید. رویایی نیندیشید.
- 2) **در برده‌لی تمای طرف مقابل به ازدواج با خودتان تحقیق کنید.** اگر این تمایل بنا به مصالحی از قبیل پول و ثروت، شهرت، خروج از کشور و غیره است از آن صرف‌نظر کنید.
- 3) **شوک احتمالی زن نگی خود را بشناسید.** در چارچوب آنچه در دین و فرهنگ مجاز می‌باشد، قبل از تصمیم‌گیری و بی‌ار دج شیک احتمالی زندگی خود را بشناسید. **لشفت یا بی واسطه رفت و آمد و پیش‌هلی مد تهیم‌حصل می‌گردد یا از طرق دیگر شنایان.** توجه‌دلشته بشید و ستان فرد، گاه برخی حقائق را پنهان می‌کنند. پیش‌اید بهتر باشد در بعضی مواقع به طور غیر مستقیم به پاسخ برسید. در مجموع شما بایستی و مورد دخی و خو، اهکرا، عقاید، خواسته‌ها، عادت، دیدگاه‌ها، حساسیت‌ها، نوع برخوردها، توانایی‌های ارتباطی و... شناخت پیدا کنید.



طرز برخورد فرد را در موقعیت های بحرانی و در برابر مادیات بشناسید.

(4) اعتدلت و پورهی مذهبی طف مقابل اهریا شوید. عایدو باوهی هسر احتمالی خود را در مورد آئین و مذهب جویا شوید و ببینید که آیا با برداشت شما از دین سازگار است یا خیر. چرا که اگر نقطه نظرات این فرد برای شما قابل قبول نباشد احتمال وقوع مشکلات شدیدی پیش بینی می شود. مگر آنکه در این زمینه انعطاف پذیر باشید و بتوانید خود را و چارچوب نظرتان و قرار داده و شوه زندگی و را بپذیرید. پس به طرف مقابل لجز دهید به طور وضوح برداشت خود را از مذهب بگوید و انتظارات خود را در مورد شما به عنوان همسر، بیان نماید.

(5) برخوردی هسلختمالی خود را در موقعیت های مختلف بررسی کنید. هر چه بیشتر در شرایط متفاوت و متعدد بی هسر لخمالی خود را ملقات کرده و مورد مشاهده قرار دهید، نشانه های بیشتری از طرز برخورد او با مردم و در موقعیت های مختلف خواهید یافت.

(6) خویسته های انتظارت جدیگور را مورد طلع قرار دهید. شما باید بدانید همسر آینده شما چه انتظاراتی از خودش و شما دارد. شما باید در مورد مسائل مهم زندگی به توافق برسید. به طور مثال شما باید بدانید:

- در چه شهر یا کشوری زندگی مشترک خود را آغاز خواهید کرد.
- زندگی خود را با خانواده همسر آغاز خواهید کرد یا به طور مستقل.
- زمان بچه دار شدنتان حدوداً چه مدت پس از ازدواج خواهد بود.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد شغل و فعالیت های خارج از منزل چیست.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد رابطه ها و معاشرت خانوادگی و دوستانه چیست.

و ...



(7) **بر براه خانو ادهي فرد مورد نظر تحقیق کنید.** آنها را بیشتر بشناسید. با فرهنگ و باورهای آنها آشنا شوید . رابطه فرد مکرر اباو الدین ،خواهر او بر او اثر می‌گذارد . بررسی کنید که تعهد وی در قبال این افراد چگونه است و آنرا آینده چه تهدیدی نسبت به آنها دارد و تئو این موضوع بر زندگی شما چگونه خواهد بود . نسبت به احساس خانواده در مورد این ازدواج واقف باشید.

(8) **با خود واقعی‌تان مشورت کنید.** به ندای درونی خود گوش فرا دهید. از خود بپرسید آیا این فرد همان کسی است که شما را به دنبالش می‌گردانید ؟ آیا می‌خواهید که این فرد بازن پدر و مادر و فرزندان شما باشد . اگر پاسخ صریحی ندارید دوباره بر روی موضوع تمرکز کنید و سعی کنید پاسخی قاطع برای آن بیابید چرا که ازدواج یکی از بزرگترین و مهمترین مسائل زندگی شما است و آینده فرزندان شما را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

(9) **دلایل متعهدی برای ازدواج بپذیرید و خود تصمیم گیرنده نهایی باشید.** هرگز تحت فشار برای ازدواج متقاعد نشوید . تذکر دهید و این امر ملالت طرفین و مورد طرف مقابل کافی نیست، قلب و منطق شما نیز باید در این کار ضایع باشد. ضمن احترام به تجربه و عقاید اطرافیان ، به ویژه والدین و حفظ آداب و رسوم فرهنگی و مذهبی ، تسلیم فشارهای اطرافیان نشوید.

(10) **نسبت به سلامت جسمانی و روانی طرف مقابل اطمینان حاصل کنید .** به خاطر بسپارید که سلامت جسمانی و روانی و عدم گرفتگی به مواد مخدر یکی از فاکتورهای مهم و انتخاب همسر است. بنابر این پیش از تصمیم گیری درباره ازدواج ، در مورد نکات مذکور اطمینان حاصل کنید. مسلماً شریکی وابسته به مواد مخدر و یا دارای بیماری خاص جسمانی، آینده مبهمی را رقم می‌زند.

(11) **تجربه نه بشکله با شریک احتمالی زندگی خود درآوردید و آنرا طبقه بندی کنید، میزان تحصیلات و توانایی های هوشی تناسب داشته باشید.** این موارد را جدی بگیرید.

(12) **عجله نکنید.** با توجه به آنکه بسیاری از ازدواج‌ها به دلایل هتپاچگی و عجله کردن در تصمیم گیری و نهایتاً به شکست منتهی می‌شود ، در تصمیم خود برای قبول یک ازدواج عجله نداشته باشید. حتماً در مورد فواید و عواید عری را با وی سنجی کنید، تحقیق کنید. به شناخت برسید و وقت بگذارید . صرفاً به دلیل ناامید شدن از ازدواج تن به یک ازدواج نامناسب ندهید و خود را به فهرست قربانیان ازدواج اضافه نکنید.

(13) **زادخود دکتور را ملاقات کنید.** با این روش می‌توانید خود را از ناخوشی‌های شریک زندگی ، شما را آگاهی کرده و مسیر مناسبی را پیش رویتان قرار دهد. چنانچه پس از مطالعه نکات مذکور هنوز تصمیم‌گیری خود دچار تردید هستید ، می‌توانید به مشاورین حاضر در مراکز مشاوره رجوع کرده و با آنها مشورت نمایید.

شریک زندگی خود را چگونه انتخاب کنید؟



4) اعتقادات و باورهای مذهبی طرف مقابل را درک کنید. عقاید و باورهای همسر احتمالی خود را در مورد آئین و مذهب جویا شوید و ببینید که آیا با برداشت شما از دین سازگار است یا خیر. چرا که اگر نقطه نظرات این فرد برای شما قابل قبول نباشد احتمال وقوع مشکلات شدیدی پیش بینی می شود. مگر آنکه در این زمینه انعطاف پذیر باشید و بتوانید خود را در چارچوب ظریف او قرار داده و شوهر دگی او را بپذیرید. پس به طرف مقابل لحنی ملایم و به طور وضوح برداشت خود را از مذهب بگویید و انتظارات خود را در مورد شما به عنوان همسر، بیان نمایید.

5) برخوردن همسر احتمالی خود را در موقعیتهای مختلف بررسی کنید. هر چه بیشتر در شرایط متفاوت و متعددی همسر احتمالی خود را ملاقات کرده و مورد مشاهده قرار دهید، نشانه های بیشتری از طرز برخورد او با مردم و در موقعیتهای مختلف خواهید یافت.

6) خواسته ها و انتظارات یکدیگر را مورد مطالعه قرار دهید. شما باید بدانید همسر آینده شما چه انتظاراتی از خودش و شما دارد. شما باید در مورد مسائل مهم زندگی به توافق برسید. به طور مثال شما باید بدانید:

- در چه شهر یا کشوری زندگی مشترک خود را آغاز خواهید کرد.
- زندگی خود را با خانواده همسر آغاز خواهید کرد یا به طور مستقل.
- زمان بچه دار شدنتان حدوداً چه مدت پس از ازدواج خواهد بود.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد شغل و فعالیت های خارج از منزل چیست.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد رابطه ها و معاشرت خانوادگی و دوستانه چیست.

و ...



7) درباره خاوندی فرد مورد نظر تحقیق کنید. آنها را بیشتر بشناسید. با فرهنگ و باورهای آنها آشنا شوید. رابطه فرد متکثر با والدین، خواهر و برادرانش را درک کنید. بررسی کنید که تعهد وی در قبال این افراد چگونه است و آینده چه تعهداتی نسبت به آنها دارد و این موضوع بر زندگی شما چگونه خواهد بود. نسبت به احساس خانواده در مورد این ازدواج واقف باشید.

8) با خود واقعی تن مشورت کنید. به ندای درونی خود گوش فرا دهید. از خود بپرسید آیا این فرد همان کسی است که شما به دنبالش میگردید. آیا این فرد از نظر مادی و معنوی برای شما مناسب است. صریحی ندارید دوباره بر روی موضوع تمرکز کنید و سعی کنید پاسخی قاطع برای آن بیابید چرا که ازدواج یکی از بزرگترین و مهمترین مسائل زندگی شما است و آینده فرزندان شما را تحت الشعاع قرار می دهد.

9) لایزال باشید و بی ازواجی پیدا نکنید و خود تصمیم گیرنده نهایی باشید. هرگز تحت فشار برای ازدواج متقاعد نشوید. تنها دلیل و نه احدی طرفدار این مورد طرف مقابل کافی نیست، قلب و منطق شما نیز باید

و اینک در ضایعت دهد. ضمن احترام به تجربه و عقاید اطرافیان ، به ویژه والدین و حفظ آداب و رسوم فرهنگی و مذهبی ، تسلیم فشارهای اطرافیان نشوید.

(10) نسبت به سلامت جسمانی و روانی طرف مقابل اطمینان حاصل کنید . به خاطر بسیاری که سلامت جسمانی و روانی و عدم گرفتار شدن به مواد مخدر یکی از فاکتورهای مهم و انتخاب همسر است. بنابراین پیش از تصمیم گیری درباره ازدواج ، در مورد نکات مذکور اطمینان حاصل کنید. مسلماً شریکی وابسته به مواد مخدر و یا دارای بیماری خاص جسمانی، آینده مبهمی را رقم می زند.

(11) توجه داشته باشید ۴. **باشیک احتمالی زندگی خود بپردازید و طبعاً بدین معنی، میزان تحصیلات و توانایی های هوشی تناسب داشته باشید.** این موارد را جدی بگیرید.

(12) عجله نکنید. با توجه به آنکه بسیاری از ازدواج ها بدلیل هتپاچگی و عجله کردن در تصمیم گیری و نه پللی به شکست منتهی می شود ، در تصمیم خود برای قبول یک ازدواج عجله نداشته باشید. حتماً در مورد فردی که می خواهید عری را با وی سپری کنید، تحقیق کنید. به شناخت برسید و وقت بگذارید . صرفاً به دلیل ناامید شدن از ازدواج تن به یک ازدواج نامناسب ندهید و خود را به فهرست قربانیان ازدواج اضافه نکنید.

(13) زاحد و دکت و راه را بی گیرید. با ايمان وکل به خدا را زانو خواهید تدرأ نند بخلصچریک ز ندگی ، شمارا ایاای کرده و مسیر مناسبی را پیش رویتان قرار دهد. چنانچه پس از مطالعه نکات مذکور هنوز و تصمیم گیری خود دچار تردید هستید ، می توانید به مشاورین حاضر در مراکز مشاوره رجوع کرده و با آنها مشورت نمائید.

توجه به چند نکته در امر ازدواج

با انتخاب صحیح همسر خانواده ای مستحکم داشته باشیم) (قسمت سوم)



در قسمت دوم مطالبی در مورد معیارهای حفظ خانواده و معیارها و ملاک های مشترک در انتخاب همسر مطرح نمودیم . اینک در ادامه می خوانیم...

مهریه سنگین

تودید نداریم که ازدواج يك امر طبیعی است و دختر و پسر بر اساس تمایلات طبیعی با یکدیگر ازدواج می کنند . از آنجا که انجام امور طبیعی باید به طور سهل و ساده انجام شود ، هر نوع قید و بندی تحقق این امر طبیعی را

دشور و سخت می‌کند. بدیهی است تأخیر و یا عدم انجام امور طبیعی نیز موجب به هم خوردن تعادل جسمی و روانی فرد خواهد شد.

از این گذشته آیین اسلام در سبب و سادگی و هیچ گونه شواری در آن وجود ندارد. به همین مناسبت پید و بزرگوار (ص) و تمام از بچه‌هایی که خود اتمام داد و همچنین در ازدواج دختران خویش هرگز مهریه را سنگین قرار نداد.

رسول خدا (ص) عقیده داشت یکی از دانه‌های زواج سلتوار آن است که میزان مهریه سبک باشد. بنابراین باید از مهریه‌هایی سنگین اجتناب کنیم. رسول خدا (ص) در فرازی فرمودند:

هر کار دشوار و سختی حرام است و در آیین اسلام اساساً دشواری و مشکل وجود ندارد.

مهریه سبکی شده عدم تمام به مرد است و بدیهی است که پس از گذشت مدت کوتاهی مرد خانه متوجه این نکته شده، رفت و آمد و تغییر خواهد یافت و گویا نشاطخانه را بین رفته، سردی جایگزین آن خواهد شد. از این گذشته مرد یا زن ناصالح را هرگز نمی‌توان با تعیین مهریه‌های سنگین به صلاح و هدایت آورد، بلکه مهریه سنگین، بد را بدتر می‌کند.

ازدواج با مرد شرابخوار

یکی از طولی که باید در موقع ازدواج بین نتیجه دافعت اجتناب و پرهیز از ازدواج با مرد شرابخوار است و بدیهی است که همه محرمات شرعی بر اساس عقل و منطق است.

در این طایفه کسانی که از مکررات دوری نمی‌کنند خود را از حد و مرز قرار می‌دهد. به عبارت دیگر در چنین شیطانی انسان خود را از وقایع افغانی تزلزل داده، رفتارهایی از او صادر می‌شود که با شأن انسانیت سازگار نیست. همه می‌دانیم که امتیاز انسان از حیوان، عقل و خرد است. بنابراین وقتی فردی این وجه تمایز را از خود برکنار کند، در رده حیوانات قرار خواهد گرفت.

مطالعه دینی این واقعیت را بر همگان آشکار می‌کند که شخص دیوانه تکلیف ندارد. چنان که از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: حکم تکلیف از کودکان دیوانگان برداشته شده است. پس شخصه‌ای از حیوان برخیزد و از عقل خود سلبت. خداوند در عظمت و تعالی خود می‌فرماید: همانا انسان‌هایی خردمند و عاقل هستند که پند پذیرند.

با توجه به مقدمات ذکر شده به خوبی آشکار می‌شود که فلسفه عدم جواز ازدواج با افراد شراب خوار چیست و چنانچه با چنین افرادی پیمان ازدواج بست. از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند: پرهیز کن از این که با مرد شرابخوار پیمان ازدواج ببندی.

مطالعه و بررسی کتب اهل آسمانی و روایات و احادیث همه حاکی از آن است که حرمت استفاده از شراب در جمیع ادیان وجود داشته و این امر چنانچه نبوده است که آیین اسلام به تنهایی آن را حرام کرده باشد. از همین نکته به فساد و تباهی کلی شراب و نیز به تباهی و فساد شخص شراب خوار می‌توان پی برد.



ازدواج با شريك نادان

از رسول خدا نقل شده است : از ازدواج با شريك نادان بپرهيزيد ، زيرا همدمي و مصاحبت با او تضییع (تباهي) عمر و گرفتاري است و فرزند شخص نادان نیز تباه و ضایع مي شود .

حضرت عیسی (ع) نقل شده است که فرمود: به اذن پروردگار بیماران را شفا دادم و مردگان را زنده گردانیدم ، ولي نتوانستن فرد نادان را درمان کنم .

و بل آن طلب معشیت و دوستي نیز از مجالست و مصاحبت با افراد نادان پرهیز داده شده است . در خلال همین روایت استدل شده که شوقدانا به ل دوست نادان است ، زیرا دوست نادان مي خواهد خوبي کند ، ولي در اثر کمبود عقل به دوست خود ضرر و زیان مي رساند .

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که پدرم امام زین العابدین درباره ي مجالست با شخص نادان چنین مي فرمود : پیوم وگو با شخص نادان معشیت مکن و از دوستي با وي پرهیز کن . همیشه از او دوری گزین و هرگز با او مباحثه و مجادله مکن ، زیرا شخص نادان نه خود دانش دارد و نه دانش دانشمندان به او سودي مي دهد .

و لعل محتوی رخی ل روایات ، شخص نذل به فرد ساده لوح و زود باور نیز تعبیر شده است . به عبارت دیگر شاه هفت این است که اگر کسی ي چیزی را که تحقق آن امکان پذیر نیست بگوید ، شخص نادان آن را باور کرده ، مي پذیرد ، در حالی که فرد عاقل آن را نپذیرفته و رد مي کند .

در روایات ازدواج ، هشدار داده اند که مراقبت کنید و ببینید مونس و انیس دائمی شما چه کسی مي خواهد باشد.

و این نوع روایات به خوبی آشکار مي شود که همسر انسان باید عامل انس و مودت و صمیمیت باشد ، حال آنکه شريك نالان شایسته چنین مقام و مؤلفی نیست و حصول يك عمر زندگی با چنین فردی موجب تضییع عمر و پیری زود رس است . چنان که در رخی از روايت آمده است که بعضي ها در اثر چنین ازدواج هايي به پيري زودرس رسیده اند .

چنانچه باید هیل و بیدل بداند و به چلی فوخته شدن به زیبایی و جمال ، از عقل و خرد همسر جویا شوند تا مبادا گرفتار شريك نذلي گردند که ازدواج کردن با وي همان و بدبختي همان . بدیهي است که با صحبت کردن با فرد و مطالعه وقت در رمز و نقل و شعور پدر و مادر ي قول تا حوی برشد و ضعف ي شخص پي برد.

يك انتخاب صحيح ، يك عمر آرامش



خانواده مکملترین، مهم ترین و مقدس ترین نهاد اجتماعی و بخشی بزرگی از دنیای اجتماعی کودک است و از پیوند بزرگترین پیوندی است و فزندی شده و ممکن آن هستند و صورتی که این پیوند و سرمایه گذاری درست و طولی انجام شود، این شراکت سوددهی خواهد داشت؛ یعنی فرزندان صالح و با آینده روشن تربیت می شوند و اگر زن و شوهر بدون علاقه و صرفاً بر اساس جنبه های مادی و یا رفع تکلیف اقدام به زنجار نماید، این شراکت زین می دهد و فرزندان را حلقه این زنجار آینده مبهم و تاریکی در انتظارشان است.

ازدواج

مردم به دلایلی که از دل می کنند: علفی (که اغلب وینین پاش انجام می شود)، مهبی (که واسیل شد که عقیده و ایدئولوژی انجام می شود)، اقتصادی (که صرفاً بر اساس ثروت یکی از طرفین انجام می شود) و اجتماعی (که شتابی عتربن فرم بوده و سلسله ها و عتاً به صورت خواستگاری انجام می شود).

توجه نشان داده شد که ازدواج های عاطفی (که بر اساس علاقه ی فرد نسبت به هم است) و اجتماعی موفق تر از انواع دیگر می باشند.

شروط اصلی ازدواج

1- **بلوغ جسمی، روانی و اجتماعی:** بلوغ جسمی بر اساس شرایط جغرافیایی، تغذیه ای و نژادی تفاوت می کند ولی به طور متوسط برای پسران 13 - 15 سالگی و در مورد دختران 11-13 سالگی است.

بلوغ روانی 2-4 سال پس از بلوغ جسمی و بلوغ اجتماعی حدوداً 2 سال پس از بلوغ روانی صورت می پذیرد. متأسفانه هنوز در بعضی خانواده ها به محض ایجاد علائم بلوغ جسمی، اقدام و یا تشویق به ازدواج نوجوان می نمایند و بدین ترتیب فرزندان را عقب ماده ی ذهنی خود علوغم بلوغ بدنی و عدم رشد و بلوغ روانی و اجتماعی، همسر تعیین می نمایند.

2- **شدق انگیزه:** باید بدنی دختر و پسر را انگیزه ای واقعی و ایجاب پیوند زنی با فرد مورد نظر داشته باشد و خولت و علاقه ال دین و یا شلنایی و تولید نهاد لاله هت و ن این پیوند می باشد. چه بسا جوانانی که بدون انگیزه، ازدواج و مدت کمی پس از مراسم ازدواج اقدام به جدایی و طلاق می کنند.

3- **شدق اطلاعات:** فرد متقاضی ازدواج بایستی اطلاعات کامل در مورد ازدواج و نیازهای روانی و اجتماعی طرف مقابل را بداند. هم چنین عضویت رو انشداختن و و داشته باشد و بداند که ازدواج یک پیوند مقدس الهی است و صرفاً به عنوان روشی برای ارضاء غرایز نیست.



معیارهای انتخاب همسر

- 1- تشابهات شخصیتی
 - 2- تشابه فرهنگی و اجتماعی (زوجین در یک طبقه باشند).
 - 3- از نظر دیدگاه های فکری و عاطفی قرابت (نزدیکی) داشته باشند.
 - 4- اختلاف سن، ترجیحاً 2-7 سال و مرد بزرگتر باشد.
 - 5- ترجیحاً میزان تحصیلات و درآمد مرد بیشتر از زن باشد.
 - 6- بهتر است دختر و پسر مورد نظر مدتی قبل از ازدواج با یکدیگر آشنا بوده و در حضور خانواده ها با دیدگاه های فکری و اجتماعی و دلایل و برنامه ریزی های یکدیگر در زندگی مشترک آشنا بشوند.
- پیام رسول بنان را توافق الهی، مریلم خوشگلی بکمترنشرفات انجام شود و بهت سلت خانواده ها در مورد مهریه و جهیزیه دخالتی ننموده و آن را به عهده ی زوج جوان بگذارند.
- متأسفانه نه به شرط فعلی ازدواج به بیشتر بست چشم و همچه و رفتی که می شود و طلب، لگن و مالی وجود دارد و روز به روز مراسم عروسی پرهزینه تر و تشریفاتی تر می شود و تأمین جهیزیه کالوسی برعلی خانواده شده سلت. به همین دلیل انگیزه برای ازدواج و انجام این سنت الهی کاهش یافته و در بسیاری از خانواده ها دختر و یا پسر در سنین 30 – 40 سالگی و مجرد زندگی می کنند.
- کمال مطلوب این است که در مورد فاصله ی سنی بین فرزندان نیز بین زن و شوهر توافق قبلی صورت گیرد.
- گاه فرزندی که متولد می شود ناخوشه اند که یا به علت عدم آمادگی و توافق زن و مرد برای بچه دار شدن بوده هفتو یا این که نسبت به جنسیت فرزند متولد شده علاقه و توافق ندارد. به هر دلیل فرزندی که ناخواسته به دنیا بیاید هیچگاه مهر و محبت واقعی را از والدین نخواهد دید و در بزرگسالی کاندید ابتلا به اختلال افسردگی و اضطراب سلت. رفتن کودکان با شیوه های رفتاری والدینشان همبستگی زیادی دارد و کودکان ناموفق معمولاً محصول روابط ناسالم و نامطلوب والدین بوده و از توجه و محبت آنها محروم هستند.
- تجربه شدن دله نك والدینی که خود را محبت پرو و ملر محروم بوده اند، اغلب نسبت به فرزندان خود بی مهر هستند و نمی توانند والدین موفق باشند.



والدین با به کارگیری تشویق و تنبیه و نمونه قرار دادن خود و روش های تربیتی و سنتی خود در گذشته به رفتار فرزند خود شکل می دهند. بهر علت جزوه دهیم فرزند نهمانندما پیر این ها را پاره و از این راه تجربه کسب کنند.

همه والدین خواهی سلامتی و نیکبختی، رفاه و امنیت فرزندانشان هستند ولی روشهای غلط آنها در تربیت اطفال موجب شرف و تزلزل های پائینی و کودکی می شود. پدران و مادران کودکان خود را به دلیل خطاها و خلائق فتنه و ناله گری های شان محک و تبه می کنند، صورتی که ندانم که بچه ها و نسلهای خودشان موجب بروز مشکلات آنها می باشد.

مثلاً بچه والدین و تبعضی قائل شدن بین فرزندان از علل اختلال رفتار کودکان است. اختلافات خانوادگی، تشنجات و توهین ها، محیطی نا امن برای طفل به وجود آورده و او را وادار به نافرمانی می کند.

خانه وای کودک مکانی است که او به اجتمه روزی نمی خرد با شتاب به هوش می آورد تا آن را مورد ارزیابی قرار دهد و به خاطر آن ستایش و تحسین شود.

بصورتی که انتظار والدین از کودک زیاد شود و محدودیت های او کم شود، موجب شکست و ایجاد نگرش منفی نسبت به خود می شود. کودکی که بیش از اندازه مورد توجه والدین باشد، ناز پرورده بار آمده و نمی تواند به نفع کلی داشته باشد و توانایی مقابله با مشکلات زندگی، ضایعات و حرومیت ها را نخواهد داشت. قاصد به پذیرش و تلبه های لجبازی نرسد. محیط و حدت بیش از اندازه کودک را خفه، رسو، خجالتی و بی تفاوت و پرخاشگر بار می آورد. کودک ناز پرورده در طول زندگی خود نیاز به روابط عاطفی شدید و بشی و حی دارد که بتواند آنها را جایگزین روابط عاطفی دوران کودکی خود کند. وی دمدی مزاج، تحریک پذیر، پر توقع تراز معمول و تا حدود زیادی بی نظم است.

طرد کودک موجب احساس ناامنی، ترس، بی اعتمادی، حسادت، کینه جویی و ناتوانی در ابراز محبت و قبول آن می شود.

با چه زنان و مردانی نمی توان ازدواج کرد ؟



ازدواج نهایی مدني و حقوقی اولی است که علاوه بر این که واجد آثار حقوقی و مدني زيادي مي باشد از نظر دینی هم اهمي بيشتري پسنديده بوده و داراي آثار معنوي و اخروي نیز هست . لذا مجرد ماندن و ترك این شیوه ي هدنه مذمت (سرزنش) شده و ملتوچ دانچه فري به خطر ازدواج نکردن مرتكب گناه شود تجرد وي ، حرام خواهد بود . به همین دلیل آشنا بودن با قواعد حاکم بر این نهاد، امري لازم است . يکي از این قاعده ها موضوع موقوفه نکاح با بغي افراد است . لذا باید با کسی زوجه کرد که از نظر شرعي و قانوني براي آن مانعي وجود نداشته باشد . و این بحث را به بررسی موضوع منوع بودن ازدواج با گروهی از زنان و مردان مي پردازیم که در قانون مدني ایران آن را جزء " موانع نکاح " شمرده اند.

از دیدگاه مقررات ایران مانع نکاح در پنج دسته جاي مي گیرد :

- 1- ناشی از خویشاوندی نسبی
- 2- ناشی از خویشاوندی سببی
- 3- ناشی از خویشاوندی رضاعي
- 4- موارد متفرقه
- 5- رعایت مصالح کشور

الف – موانع ناشی از خویشاوندی نسبی (خونی):

- 1- ازدواج با پدر و اجداد پدري و با مادر و جدّه ها ي مادري.
- 2- ازدواج با فرزندان و نوه ها و نتیجه ها ، هر چه قدر که پایین تر برود.
- 3- ازدواج با برادر و خواهر و اولاد و نوه ها و نتیجه هاي آنان.
- 4- ازدواج با عمه ، خاله ، عمه و دایی هاي خود و عمه و خاله و عموها و دایی ها ي پدر و مادر و اجداد .

ب – موانع ناشی از خویشاوندی سببی :

- 1- مرد ني تواند با ماور و نیزجده هاي زن خود و نیز مادر و جدّه هاي رضاعي زن خود ازدواج کند و این حرمت، ابدی است . يعني اگر مردی فقط براي چند دقیقه با زني حتي ازدواج موقت نماید و حتي آنها همدیگر را هم نبینند آن حریم حاصل شده و آن مرد با مادر و جدّه هاي نسبی یا رضاعي همسر فعلی یا سابق خود براي همیشه محرم است .
- 2- زن نمی تواند با پدر و جدّه هاي خود و نیز عمه و خاله و عموها و دایی ها ي پدر و مادر و اجداد . زن نمی تواند با پسر و برادر و برادرزاده و نوه ها و نتیجه هاي آنان ازدواج کند و تفصیل آن نیز مانند مورد بالا درباره زن نیز صادق خواهد بود.
- 3- زن پر یا جدّ نسبی یا ضعیفی را نمی تواند با کسی که با او همسر بوده ازدواج کند . لذا اگر زني ولو چند دقیقه نیز به عقد مردی درآید و بعد هم جدا شود براي همیشه به پسر و نوه و نتیجه هاي آن مرد حرام خواهد بود.

1- اگر مری ه مشرتا به بر طلاق دهد به صورتی که شش بار آن طلاق رجعی باشد این زن برای همیشه براین مرد حرام می شود که اصطلاحاً به وی (نه طلاقه) گفته می شود و محلل نیز در این مورد کارساز نخواهد بود.



ج- موانع رضاعي (شيري)

يكي از اقسام خویشاوندی، قرابت ناشی از شیرخوارگی (رضاع) است.

بدن و تیب که گزنی با شولایک به کودکی شیر دهد بین آن کودک و زن نسبت مادر و فرزندی رضاعي
شبی می آید و فرزندان زن تو باشد یخوره، خواه و برادر رضاعي می شوند و شوهر آن زن هم، پدر
رضاعي می شود و شوهر آن زن هم، پدر رضاعي وی محسوب می شود و خلاصه برادر و خواهر آن زن هم
دایی و خاله او به شمار می روند و همین طور الی آخر.

شرایطی که سبب قرابت ناشی از شیرخوارگی می شود :

- 1- شیر زن ناشی از حمل مشروع باشد.
- 2- شیر، مستقیماً مکیده شود. لذا اگر شیر در قاشق یا سرشیشه ریخته شود و به کودک داده شود فایده ای ندارد.
- 3- کوک لاقل 15 نفعه مؤالی و یا در یک شبانه روز از شیر بخورد. ضمناً نباید در بین دفعات شیر خوردن، از غذا یا شیر زن دیگری مصرف کند.
- 4- شیر خوردن کودک، قبل از تمام شدن دو سالگی او باشد.
- 5- مقدار شیری که خورده از یک زن و شوهر حاصل شده باشد.

بدن و تیب خویشاوندی رضاعي (رحمتی محرمیت و ما هی تکلیف هلمند قرابت نسبی است. لذا همان گونه که
خواهر و برادر یا مادر و مادر بزرگ نسبی محرم است، رضاعي آن نیز محرم می باشد ولی رابطه توارث بین
آنان ایجاد نمی شود.

تکلیف: اگر مادر و نوری به نوه دختری خویش با شرایط مزبور شیر دهد، مادر آن کودک بر شوهرش حرام می
گردد و اگر زن و شوهر با این کارش، دخترش را به خواهر رضاعي نوه اش تبدیل نموده و چون ازدواج با
خواهر فرزند جایز نیست این زن بر شوهرش حرام می شود.

د- موانع متفرقه

- 1- اگر مردی با علم به این که زنی شوهر دارد یا در عده طلاق یا وفات به سر می برد وی را به عقد خود درآورد،
هم عقد باطل است و هم آن زن برای ابد به او حرام می شود.
- اما اگر مودبه موارد مزبور جاهل باشد یعنی نداند زن، شوهر دارد یا عده اش تمام نشده و زن را به عقد خود
و وارد عقد بطلان است؛ اما می تواند از آن عده، زن را به عقد خود درآورد ولی اگر بین آنها رابطه
زنانشویی نیز برقرار شده باشد، زن بر وی حرام همیشگی خواهد شد.

2- اگر مردی همسر دائمی اش را که مسلمان و عقیقه است لعان کند یعنی به وی نسبت زنا دهد یا فرزندش را از خود نفی کند، این کار را با شرایطی نزد قاضی انجام دهد بین این زوجین برای همیشه جدایی واقع می شود و بر هم حرام ابدی می شوند.

3- اگر مرد یا زنی در حال احرام (حج) با فردی ازدواج کند و به حرمت این کار هم آگاه باشد بین آن دو حرمت ابدی حاصل می شود.

4- اگر مردی با زن شوهر دار یا زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند آن زن برای همیشه به وی حرام می شود.

تذکر: بعضی از فقها این کار را موجب حرمت ابدی نمی دانند.

5- اگر مرد بالغ با پسر یا لوط کنندار و دختر آن پسر بروی حرام ابدی می شوند؛ ولی مفعول می تواند با مادر و خواهر و دختر آن مرد ازدواج نماید.

6- زوج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان باطل و حرام است و با علم به حرمت، زنا محسوب می شود ولی مرد مسلمان می تواند با زنی کافر الهی کتاب (مسیحی، یهودی و زرتشتی) ازدواج موقت نماید و بعضی از فقها، ازدواج دائم را هم جایز می دانند ولی ازدواج با زنان غیر اهل کتاب، جایز نیست.

تذکر: بعضی از فقها گفته اند چنانچه مرد مسلمانی دارای زن مسلمان باشد بدون اذن همسر مزبور حق ندارد زن اهل کتاب را به ازدواج خود در آورد.

7- از واج بین پیروان مذاهب اسلامی مثل شیعه و سنی اشکالی ندارد ولی جهت رعایت کفویت، بهتر است هر دو از یک فرقه باشند.

هـ - رعایت مصالح کشور

1- زانوح مرد اولی بل غیرا ولی لا ملع امتولی گرزنا و انیخواه با مسلمان غو اولی ازدواج کند شرط شکالی ندارد ولی وای ثبت آن و رسمیت داشتن باید از دولت کسب مجوز کند و گرنه از نظر دولت این ازدواج رسمیت نخواهد داشت.

2- ازدواج اوانیث عضو وزارت امور خارجه یا نیروهای مسلح با غیر ایرانی ها ممنوع است و باید قبلاً مجوز آن از دوتل اخذ شود و گرنه هم موجب تعقیب اداری و هم عدم به رسمیت شناختن آن خواهد شد؛ اگر چه شرعاً صحیح است.

تذکر: طلبی که گفته شد بشدت مورد ایرانیان شیعه حاکم است و چون موضوع ازدواج از احوال شخصی محسوب می شود در مورد اهل سنت و نیز اهل کتاب، احکام شرعی مذهب خودشان رعایت خواهد شد، مگر این که آنان شخصاً رضایت خود را بر اعمال قوانین مدنی ایران بر روابط شخصی شان اعلام نمایند.

می خواهم ازدواج کنم اما ...



" وَ مَنْ يَأْتِهِ الْإِنْقِلَابُ لَكَ مِنْ أَمْسِكُمْ فَلْيَلْهُ لَمْ تَكُنْ إِلَيْهَا وَجَدَ لَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ"

" یکی از آیات و نشانه های لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و میان شما انس و دوستی و رحمت برقرار نمود که این نیز برای مردمان متفکر و آگاه از نشانه های علم و حکمت آشکار است ". (سوره روم / 21)

ازدواج و شد کلخاد و اهنسگ بنای و دام می بزرگ انسانی است که و انجام وظیفه فری و رولط اجتماعی آنها نقش اساسی و بنیادین دارد و یکی از مهم ترین و زیباترین سنن اجتماعی انسان ها در طول تاریخ است که ریشه در فطرت و آفرینش ویژه ی آدمی دارد و تأمین کننده و تعدیل کننده ی بسیاری از نیازهای روانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، معنایی و حتی اقتصادی و انسانی می باشد که و اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.

اما باید اذعان نمود که ازدواج این امر الهی، اجتماعی و پدیدهای است که همهی جیب و سالم بشوی و لیان سلامتی و آن تکیه داشته و خود نیز، موضوعی ساده و مقدس است، در عین حال یک پدیده ی فرهنگی هست که زندگی را ملایم تر و رنگ خلی به خود گرفته است. هر کشور ما با وجود عقاید، الگوها و سنت های اصیل و سله ی اسلامی برای ازدواج متأسفانه هنوز حاضران مثل متعلی و مقبول و جنگل آداب و رسوم غلط و ضد ارزش ها گرفتار شده است و در طول زمان دستورات ساده ی اسلام و سنن حسنه ی پیامبر گرامی و ائمه طهارت را رهی عدم آگاهی، طایقی و مایه و سلیقه افراد مختلف جهت داده و چیزی به آن اضافه شده است. بدین گونه که امروز ازدواج جوانان در میهن اسلامی ما بیش از آن که بُعد مادی و اقتصادی داشته باشد، ریشه در بعد فرهنگی و دینی دارد که در روایت دین بصورت دایره ملائکه و آداب و رسوم غلط، تشویش و تفرقه و او بعد از آن است که غلبه ی مصلحت و هم چشوی رقابت های خرب، تقلیدهای کورکورانه، مسخ هویت و کرامت انسانی است.



برخی از مهم ترین و عمومی ترین آداب و رسوم و سنت های ازدواج بین خانواده های ایرانی:

1- ازدواج تحمیلی

با این کمی بداند این اولین و بی جا و ناخواسته ها، از آن این مسئله بر خلاف اصول اخلاقی و اجتماعی و احکام اسلامی است، گذشته شده، اما هنوز هم در برخی مناطق، پدر و مادر و نزدیکان داماد، هر چه بخواهند که پسندیدند و پیشنهاد نمودند بدون نظر خواهی معقول از پسر، او را مجبور به ازدواج با آن شخص می کنند و بعضی پسر ها هم بدون توجه به مشکلات بعدی به راحتی می گویند هر که را شما بخواهید و هر چه شما بگویید! در این خانواده ها عموماً وضع دختران و مجبور کردن آنها به ازدواج های تحمیلی، بسیار وخیم تر است.

2- شیربها

و بعضی شهرها و روستاها بیدم طلب آن است که قبل از عروسی برای تهیه مقداری از جهیزیه، از داماد مبلغی پول نقد به عنوان شیربها می گیرند که خود مانع و مشکل بزرگی برای خانواده هاست و یکی از آسیب های کلچرل این ملت که خانواده ی داماد در مقابل، عموماً انتظار دارند که جهیزیه مفصلی باز گردانده شود. کاش این افراد لحظه ای می اندیشیدند که شیر مادر چیزی نیست که قابل خرید و فروش باشد.

مهریه

مهریه لقبی است که از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) وجود داشته و تعیین آن بر تکلیف است . با این که عده ای می گویند مهریه راجع به کسی دو چه کی گرفت ، پرداخت آن عدالتی به یزیده ی ملت ؛ یعنی هرگاه زن طلب مهریه کرد شوهر باید آن را پرداخت کند . وقتی مهریه عمده و برده ی سنتورات اسلامی ، به روال مهرالسنة ی حضرت فاطمه زهرا (س) بوده است ، امامتلفیه امروزه بسوی مردم ، این سنت پسندیده را مطابق با تمایلات خود جهت داده اند و مهریه را به عنوان اثر اخلاقی می بینند . می کنند و به شایسته مهریه را پیشوایان می گویند تا مردم به درستی از آن مطلع شوند . چرا باید بعضی دختران به بالا بودن نامعقول مهریه خود افتخار نمایند؟ مگر الگوی زنان ما فاطمه زهرا (س) نیست ؟ و مگر الهی از وی که خدا و رسول خدا و الله طهارت پسندند و عفو آن صدها گزارد و ضایع خلق خدا را فراهم می سازد، ازدواج بزرگ مرد تاریخ اسلام حضرت علی (ع) با فاطمه زهرا (س) نیست که باقی تا ف بخی ازدواج ها با تمام محسنات داماد ، به علت عدم توافق بر سر مهریه و مبلغ آن ، صورت نمی گیرد.

این دسته از والدین را باید آگاه کرد که دختر ، و زنگی او کالای مورد معامله نیست تا بر سر مبلغ مهریه اش بحث کنند و باید بدانند که طلب کردن مهریه ی سنگین، نشانه عدم اعتماد و اطمینان کمتر است و بهانه ای برای ابطال نامعقول و چه زیاده ی خارج از توان ، که همه ی اینها از آفت های ازدواج و آسیب های فرهنگی و اجتماعی آن محسوب می شوند.

3- جهیزیه

جهیزیه باید سبک ، ساده و در حضور و ریختن اول به ی شروع زندگی جدید باشد همان گونه که جهیزیه حضرت فاطمه زهرا (س) به روایتی هدهد قلم و ده لنگه و آن زمان به 63 درهم خریداری شده است و این هم از سبک های حده ی الهی است که به تدریج از هفت صلی دور شده و متأسفانه در زمان ما یکی از مشکلات را بوجود آمده است ، بدانگونه که بخی خانواده ها به جهیزیه عروسی با وسواس توجه می کنند و اگر آن را نپسندیدند نمایه ی شوکتی خود و خانواده خود تصور می کنند و ارزش عروس خود را با وجود فضائل اخلاقی فروان به جهیزیه می شناسند ! و توقع دارند که به طراح و شیرین و تاجی همراه خود بیاورد ! تا جایی که دیده شده است پدری یکی از کلیه های خود را برای تهیه جهیزیه دختر خود فروخته است و بختی به فقر و عدم توانایی به ی جهیزیه ، از زاد و بوم و کوه و کوه است . به غلبه بسیار شاه به ی شود که بعضی از وسایلی که به عنوان جهیزیه با هزینه های کمر شکن تهیه شده است، سال ها دست نخورده مانده و فقط به نمایش درآمده است .



4- تجمل و تشریفات دست و پاگیر

باید هضتی برضد ازدواج های پر خرج و تشریفات به وجود آورد که هزینه های زیادی را می بلعد و نابود می کند و لگزه یلغونم و هم چیه و رقبت هیامخندارد. بله با لایم از سرتا عالی لالها هرگونه جلی پوستی و خرج تراشی های بی دلیل در امر ازدواج به شدت مبارزه کرد. باید در فرهنگ عمومی این بوار اید شود که خرج تراشی و هزینه های زیاد در مراسم مختلف ازدواج نه دلیل شخصیت، نه نشانه ی آبرو و نه موجب تحکیم پیوند زنتلویی سلت. ریشه ی بسیاری از کدورت ها، اختلافات خانوادگی و جدایی ها را باید در همین آدلبو رسوم غلط، در همن شب هلی جن و بیور پرخرج، تقید به مشتی آداب و رسوم غلط و وقعت بهجاو نجه قراطی به ظواهر ملی به هنگام خولنگای جستجو کرد. افسوس که تقلیدهای کورکورانه، چشم و همچمی ها، آیه ی خیالی بدو ل هوی آبروی و ذولبه ی خرگوشی مرگبار، بضمی مؤه ارام نموده و از درک حقایق و واقعیت های ازدواج باز داشته است که حاصلی جز اضطراب، افسردگی، تظاهر و زندگی بی روح و نشاط و اختلالات عصبی و روانی ندارد.

اما فریبوندي که دختر و پسر از روی شناخت، با یکدیگر صمیمیت و تفاهم داشته و والدین آنها بدون سختگیری هلی بیجول سرتا مشاوره و بررسی آن را تصویب می کنند و در يك محفل شاد و دوستانه و صمیمانه برگزار می شود، نیازی به تشریفات کمرشکن، پیرایه های ابلهانه، تجملات و مخارج رویایی و افتخارات موهوم ندارد. مدلم شکه در چنق لولچ، کجهت سلت آن را ازدواج لاهی و طعی بنلم، نه زامهریه های کمرشکن و جزییه های رنو و درشت خبیعت، نه از شویا و طلا و جواهرتزیل و گران قیمت و هدایای سیسم و آینه شمع تل هلی غرضو ی، خریدهای آن چنانی قبل از عقد برای عروس و خانواده ی ل، و تقدیم و ردال هدایا در اعیاد و روزهای خاص و بالاخره تشریفات و اسراف های مراسم عقد و عروسی با هزینه های سنگین و...

نکته عجب و قبل تأمل و تحقیق این است که گروه عمده ای از خانواده ها که از این پیرایه ها و تشریفات زاید و کوشکن شکانیت دارند، ناله می کنند و در مقام بحث با این گونه آداب و رسوم غلط و دست و پاگیر مخالفت می ورزند، و عین حال غالباً به آنها پای بندند و زمانی که خود به عنوان والدین پسر یا دختر در موقعیت قرار می گیرند صورت مدلم را پک کرده در دام آن تارهای عنکبوتی افتاده و به مصیبت و خطا گرفتار می شوند. شاید بتوان گفت که یکی از دلایلی این تقلید عقیده و علی، عدم شهامت کفی و ضعف اراده و تفکر و ایمان آنها به مبارزه و شکستن سنت ها و آداب و رسوم موهوم و غلط است.

فاندرسی بیکن فیلسوف انگلیسی قرن 17 میلادی، خطاهای مبتلا به ذهن آدمیان را که در تحصیل علم و آگاهی و تفکر حقیقت، میله گراهی لاسل میشوند بنمیدوار آنها بمعنوان بت هیاطلیه یی، شخصی، بدلی و ذمائی نلم برده سلت. این گونه آداب و رسوم ست هلی ناپند و اخراف از فطرت خدایدی و اسلامی را اندو لجه به هلی فرهنگی و هلی امروز مبین اسلامی می توان نامید که نیاز به بت شکن و قهرمان های فرهنگی و فکری دارد و درمانش هم بازگشت به سنن اصیل اسلامی است.

موارد همتايي و تناسب دختر و پسر



مردی از پیامبر اسلام (ص) پرسید: "با چه کسی ازدواج کنیم؟" ایشان فرمودند:

"الاكفاء"

او پرسید: "کفوها چه کسانی هستند؟" حضرت فرمود:

"المؤمنون بعضهم اكفاء بعض"

مؤمنان، کفو و هم شأن هم هستند.

1- همتايي ديني و ايماني

زن متین و پاینده قواعد و طلی و فوج لایم، باید با لسانی مانند خود ازدواج کند. البته تنگ صد و صد لکن ندارد، اما هرچه به هم نزدیک تر باشند و فاصله کمتر باشد، بهتر است.

می بینیم که پیامبر اکرم، معیار و زیر بنای اصلی هم کفوی را "ایمان" بیان فرمودند. انسان مؤمن، اگر با همسر بی ایمان ازدواج کند و نتواند او را متدین نماید، یا باید هم رنگ او شده و بی دین شود و یا در برابر او مقاومت کند و دائماً نزاع و زد و خورد داشته باشد؛ که هر دو، خسارت بزرگی سلب و فرزندانی هم که محصول چنین زندگی های آشوب زده ای باشند، به سعادت نمی رسند.

2- همتايي و هماهنگي فرهنگي و فكري

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک، نقش اساسی دارد. برای ایجاد یک زندگی پویا و پربار، باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک نموده و مکنونات و حقوق درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل، تصمیم مشترک و یکسان

گرفته و مبدئي آن عملی کنند و در فراز و نشیب های زندگی ، یاور هم باشند و فرزندان شان را براساس يك طرح هماهنگ تربیت کنند.

امام صادق (ع) می فرماید:

" العارفة لا توضع الا عند العارف "

زن عارفه (فهمیده ی فرزانه) باید در کنار مرد عارف (فهمیده ی اهل معرفت) قرار گیرد ، نه غیر آن .



3- همتايي اخلاق

همه ها هنگي و تدلب لاقی ، ل مهم ترین موارد هم كفويي و همتايي بين زن و شوهر است . ممکن است زن و شوهر از جهت " دینی " كفو هم باشند اما از جهت اخلاقي نه.

4- كفو هم بودن در تحصیلات علمي

بهتر آن است كه زن و شوهر از ظرفیت مل و فعالیت علمی خیل بهم صقله نداشته باشند تا تفاهم بیشتری در زندگی شان وجود داشته باشد.

البته این خصوصیت را باید به طیف و ویژگی های دیگر بررسی کرد. به این معنا كه مثلاً گر " زن " تكو و غور بهجا دارد و كم ظرفیت است ، نباید سواد و تحصیلاتش بیش از مرد باشد زیرا - حتماً - شكاف و لایني در زندگی شان وجود خواهد آمد. اما اگر متواضع باشد، احتمال بروز این مشکل كمتر است . در مورد " مرد " هم مسئله به همین شكل است با كمی تفاوت.

5- تناسب در زیبایی

توجه به توازن و تناسب میان دو همسر در زیبایی صورت و اندام و قیافه ی ظاهری نیز لازم است. لگوکی از آن دو، " زیاده اوجی اندام خشتیپ " بشدو یگری " شت صورت و بد اندام "، احتمال به وجود آمدن ناراحتی و مشکل برای هر دو، و عقده های روانی و انحراف و بی عفتی و حسرت و ... برای فرد زیبا، وجود دارد.

6- تناسب سنی

در انتخاب همسر توجه به همتایی و تناسب در سن نیز لازم است.

تفاوت سن بلوغ در دختر و پسر، يك امر طبیعی است. پسر، حدود 4 سال دیرتر از دختر به بلوغ می رسد پس خوب است که تفاوت سن آنان در امر ازدواج نیز به همین مقدار باشد (پسر، بزرگتر باشد). کفو هم بودن دختر و پسر از نظر سن، " تفاوت سن " است، نه " تساوی سن ". زیرا این تفاوت، در آفرینش آنان قرار دارد. البته رعایت این تفاوت سن به این مقدار (حدود 4 سال) واجب نیست. بهتر است که چنین باشد.

این خصوصیت را باید با مجموعه ی صفات و خصوصیات دختر و پسر بررسی کرد. ممکن است دختری سنش به این مقدار کمتر از سن پسر نباشد، اما امتیازات دیگری داشته باشد که آن را جبران کند.

7- تناسب مالی

قدیمی های عالمی که می توانی بله مطرح کرد این است که : صلاح نیست دختر و پسر و خانواده هایشان، از نظر " مالی و ثروت " تفاوت زیادی داشته باشند.

اگر ما کسی هستیم که با مقداری ثروت و توانگری، خود را گم می کنیم و تکبرها، غرورها، منت گشایی ها، تحقیر کردن ها و ... به سوهیل می آید چرا خود را فریب مییم ؟ ! معلوماً چندان است که اگر پسری فقیر یا متوسط از نظر مالی، با خانواده ای ثروتمند وصلت کند، باید " نوکر و برده ی " آنان شود. و اگر دختری فقیر، عروس خانواده ای ثروتمند شود، باید " کنیز " آنان گردد! البته استثناهایی نیز وجود دارد.



8- تناسب خانوادگی

ازدواج با يك فرد، مساوي است با پیوند با يك خانواده و فامیل و نسل!

در مسئله ي " انتخاب همسر " ، معقول نیست که انسان بگوید: " من مي خواهم با خود اين فرد ازدواج کنم و کاري به خانواده و خویشان و فامیلش ندارم " زیرا:

1- اين فرد، جزئي از همان خانواده و فامیل ، و شاخه اي از همان درخت است. و اين شاخه ، از ریشه هلي همان درخت، تغذیه کرده است . مسلم است که بسياري از صفات اخلاقي ، روحي، عقلي و جسي آن خانواده و فمیل ، از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات ، به اين فرد منتقل شده است.

پیامبر اسلام (ص) در این باره مي فرماید: تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ ، فَإِنَّ الْعِرْقَ نَسَاسٌ " با خانواده ي شایسته ، وصلت کنید؛ زیرا عرق (ژن و خصوصياتي که به وسیله ي نطفه و وراثت از پدران و مادران به فرزندان و نسل هاي بعدي منتقل مي شود.) تاثیر مي گذارد".

2- لَوْ تَوَّابَا أَفَلَا كَلَّ دَلَّيْتَهُ بَاشِي، تَان بَا تَو كَار دَارَنْد! هرگز نمي تواني همسرت را از آذل و تان را از همسرت جدا کنی . خودت هم نمي تواني رابطه ات را با آنان قطع کنی . يك عمر بايد با آنها معاشرت و زندگي نمایی.

لگر خطواده و خوشیل هو ، نابلو فلدبشند، لسان را " بچرخش " مي کند و از دخالت هاي آنان در زندگي و از ارتباط با آنان نمي شود به کلي جلوگیری کرد.

3 - بدفلي يا خوشفلي آذن، تا آخوهو اه سل ل لت و در زندگي تأثيري گذارد. تحمل بدنامي آنان ، بسيار مشکل خواهد بود.

4 - صفات و خصوصيات آنان، در فرزندان آینده ، تأثیر دارد.

پیامبر اکرم (ص) در این باره مي فرماید:

" بنگرید چه کسي را به همسري برمي گزینید ، زیرا فرزندان ، شبیه دايي هایشان مي شوند".

9- تناسب اجتماعی

کسی که اهل علم و تحقیق و پژوهش است و می‌خواهد عمر زندگی‌اش را در سلبتای مسائل علمی و تحقیقی بگذراند و به‌ت زندگی اجتماعی و خانوادگی‌اش این گونه بافتی است و روحیه‌اش کوش‌گرا نه است. هرگز نباید با فرد و خانواده‌ای وصلت کند که روحیه‌ی بی‌تمی‌شلی، روحیه‌ی تجلی‌تی و تشریفاتی و اشرافی است و اهل خوشگذرانی، مهمانی‌های بی‌پایان و بی‌پایانها می‌خواهد و اینها می‌خواهند که چراغ دریم که چراغ ن‌تنباه و غفلت شده و به بدبختی و فلاکت گرفتار شده‌اند.

البته پرتی به‌جذب‌ه‌ی تقریبی زندگی، لازم و ضروری است و همان کسی هم که اهل مطالعه و تحقیق است، باید از این جنبه غفلت نکند. اما این غیر از بنا نهادن زندگی بر مبانی عیش و نوش، مهمانی، خوشگذرانی، شب‌نشینی، مسافرت، تفریح و... است.

چرا هر سال جمعیت بیشتر می‌شود، ازدواج کمتر؟



با وجود افزایش جمعیت چرا تعداد و صد ازدواج کلی یافته است؟ آمارها در این باره پدید می‌دهند. افزایش تعداد دختران در سن ازدواج نسبت به پسران، مسائل اقتصادی، ترس از طلاق و بالا رفتن توقع دختران به خاطر تحصیلات دانشگاهی از جمله عوامل کاهش ازدواج به‌شمار می‌روند. یک تحقیق آماری در این زمینه را می‌خوانیم.

طی سالهای 1355-65 افزایش سرجمعیت ما در کشور، مشکلات اقتصادی از جمله در تحصیل، اقتصاد، مسکن و اشتغال پدید آورد. نقش افزایش جمعیت در بروز اختلال در ازدواج بی‌تأثیر نیست. در این سال‌ها موجود، نرخ سالانه رشد جمعیت ایران در دهه 1355-65 در

سطح بلایي و حدود 6/3 درصد و متوسط رنج رشد سلالا جمعیت کشور با درآمد پایین حدود 2/3 درصد بوده است.

یعنی جمعیت ایران حتی نسبت به کشورهای با درآمد پایین نیز سریع تر رشد کرده است و این نرخ بالایی معنی سبب تغییر و ساختار جمعیتی کشور شده است. از دهه فوق تا سال 1380، پسوان دختران در دهه های سنی 15 تا 25 ساله قرار دارند و این رده های سنی از سال 1378 تا 1388 هوسن ازدواج قرار می گیرند. بنابراین طبیعی است که در این سال ها شاهد اختلال در وضعیت ازدواج باشیم.

بوسلی سوشمی انجمن شده پسران 25 ساله حدود 540 هزار نفر هستند، میلینبا دختران سه سال کوچکتر از خود یعنی با دختران 22 ساله ازدواج کنند. تعداد دختران 22 ساله هوسال 1380 حدود 799 هزار نفر بود. با وجود این حدود 160 هزار دختر شانس ازدواج نداشتند. در مجموع رده سنی 15-25 ساله همین پدیده اتفاق می افتد.

سن ازدواج در مردان و زنان

قلی توجه این که هوبو تولد، تعدل فزادیل پویشتر از نوزادان دختر است. اما مسئله صالی سن بلوغ و اخففسن و ازولج زنانه و دل سلت. بلوغ دختران زوتر از پسوان ملت، بناوان دختران و سن ازدواج قرار می گیرند، اما پسران در همان سن، به مرحله ازدواج نرسیده اند. برای مثال، دختران از سن 12 سالگی برای ازدواج آمادگی دارند، اما پسران در سن 15 سالگی وارد سن ازدواج می شوند.

ترس از طلاق

البته قس را طلق می تواند عامل مهمی در برابر ازدواج نکردن باشد. با توجه به آمارهای ارائه شده از مرکز آمار ایران در سال 1365، 340342 مورد ازدواج و 35211 مورد طلاق ثبت شده سلت. در سال 1357، 479263 مورد ازدواج، 37817 مورد طلق و در سال 1379، 646498 مورد ازدواج و 53797 مورد طلاق ثبت شده است.

طبق آمار ارائه شده، تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده بیشتر از زنان هرگز ازدواج نکرده در سال 1375 سلت. این آمل در هوسال طبق شواهد علمی باید روند صعودی در پیش داشته بشلد. با توجه به مؤید و عتلا مورد بحث، سؤالی به ذهن می رسد و آن این که علت افزایش هتران در سن ازدواج چیست؟ و پاسخ لی سؤل شاید مسئله طدلی، در مفهوم لقی و تعریف و اصطلاح « هرگز ازدواج کرده» و « درس ازدواج» بشلد. یعنی وقتی مملی گویند زن و گر ازدواج نکرده، ممکی استیک زن 50 یا 60 ساله باشد و وقتی می گویند دختران در سن ازدواج، دختران جوان در سن 29 یا 25-15 ساله را در نظر می گیریم. البته این بحث ذیل به کارشناسی دقیق تری دارد که در حال حاضر مجال آن در این تحقیق وجود ندارد.

عده دیگری افواشی دختران در سن ازدواج می‌تواند بلوغ زودرس دختران باشد. بنابراین هر سال و دختران در سن ازدواج افزوده می‌شود، ولی ممکن است پسرانی که در سن ازدواج هستند به آن اشاره نکنند. دلیل دیگر همگامی زودرس مردان (به دلیل هیجانانگیزی روحی بیشتر پسوان و علاقه آنها به کربلای خطرناک) و یاسو پسوان جوان به خارج از کشور است. عوامل فرهنگی و اجتماعی هم به نوبه خود می‌تواند مانع مؤثری بر سر راه ازدواج باشد.

تأثیر تحصیلات دانشگاهی

دو نهاد می‌تواند «تحصیلات» را در دوره معطل بزرگترین مانع و سی در مقابل ازدواج طلست. میزان علاقه به تحصیل عالی در دختران اولی یافتنی این مسئله بحث شده که توقع دختران از همسر آینده بالا رود و به همان نسبت شانس آنان را برای زوج پلین آورد. علاوه بر این، استقلال مالی که دختران تحصیل کرده به دست می‌آورند، موجب می‌گردد که نیاز کمتری برای ضرورت ازدواج احساس کنند.

سطح تحصیل مذهباً و میان زنان می‌تواند مستقیماً بر سن ازدواج تأثیرگذار باشد. می‌توان گفت که این عمل تلاشی از مرزبندی اجتماعی عبور کرده است و قابل کنترل نیست و یک حالت عادی یا بهتر بگوییم دنباله روی از همدیگر (عرف) وجود دارد و باعث می‌شود تا دختران وقت خود را به جای زندگی مشترک و تربیت فرزندان، صرف تحصیل و یافتن شغلی مناسب کنند.

لازم به ذکر است که نباید فقط به ترغیب ازدواج و گفتن «زود ازدواج کنید» بسنده کرد. به دلایلی که یکی از مؤثرترین عوامل طلاق، گسترش ازدواج در سنین پایین بوده است. بنابراین باید دید ابی اندیشید تا شما می‌توانید به موقع و مناسب را برای دختران و پسرانی که هم از نظر جسمی و هم از نظر عقلی به بلوغ رسیده باشند، فراهم کنید. به عبارتی رشد عقلی آنان کامل شده باشد و مفهوم زندگی مشترک را درک کنند.

آیا می‌دانید سه رکن اصلی زندگی سالم چیست ؟



بسیاری از جوانان همدین به سبب وابستگی به خانواده و بی‌دلی و بی‌مسئولیت‌های اجتماعی، برای ازدواج کافی می‌دانند، در حالی که در کنار رشد جسمی، رسیدن به رشد اجتماعی، اخلاقی و عاطفی از شروط لازم برای ازدواج است که به آن اشاره می‌کنیم:

1) رشد اجتماعی

رشد اجتماعی، سؤالی است که برای هر جوانی که به دنبال زندگی بهتر و آسوده‌تری است، قرار است عمری با او زندگی کنیم. افرادی که در زندگی مشترکشان رعایت حقوق همسر را نمی‌کنند، حقوق می‌گذارند و حق تصمیم‌گیری برای همسر قائل می‌شوند از رشد اجتماعی برخوردارند. یکی دیگر از مشخصه‌های رشد اجتماعی، داشتن استقلال فکری است. افراد مستقل و ناپه‌ها و محدودیت‌هایشان را به خوبی می‌شناسند و این شناخت به تصمیم‌گیری صحیح کمک می‌کند، آنها در مورد مسائل مختلف خود به‌اندیشند و از پایداری و نتایج کارهای خود را بر عهده می‌گیرند. در بسیاری از ازدواج‌ها عدم استقلال یکی از زوجین باعث بروز اختلافات می‌شود. افرادی که استقلال ندارند، وابسته‌اند و به‌دنبال یکرانشان هستند، این‌ها در تصمیم‌گیری و مسئولیت‌ها از گریز می‌کنند. گاهی حتی برای امور ساده‌ای مثل انتخاب رنگ پارچه‌های تزئین می‌شوند. افرادی که روحیه استقلال‌طلبانه ندارند زندگی مشترک ناموفقی خواهند داشت.

استقلال فکری از دو راه به دست می‌آید: یکی از طریق مطالعه (درسی، متفرقه و آزاد) در مورد چگونگی رفتارهای اجتماعی و دیگری از طریق تجربه؛ به این معنا که تجربه‌ای که از کارهای گذشته داریم بر روی کارهای آتی و نظر بگیریم. در اینجا ذکر این نکته لازم است که مستقل بودن به معنای مشورت نکردن نیست، استقلال فکری وقتی تحقق پیدا می‌کند که هر فردی که شخص دنبال می‌کند تنها به واسطه صحبت دیگران زیر پا نگذارد بلکه برای رسیدن به آن اهداف از مشورت کردن با دیگران استفاده کند.

یکی دیگر از فاکتورهای رشد اجتماعی اعتماد به نفس است. یعنی باور داشتن توانایی‌ها و شناخت محدودیت‌ها و آن‌که فرد به‌دنبال خود اعتماد می‌گذارد از عهده‌های مسئولیت‌های خود برآید. می‌توان اعتماد به نفس را نوعی واقع‌بینی نیز دانست؛ زیرا افرادی که دارای اعتماد به نفس هستند، تصویر درستی از خود دارند و افرادی که اعتماد به نفس ندارند مردود و دودل هستند. کاری را شروع کرده ولی به آخر نمی‌رسانند و بیشتر منفی‌بافند. "من نمی‌توانم" غیر مسئولیت‌ها "نه توانم تصمیم بگیرم" جملاتی هستند که این افراد زیاد به کار می‌برند و تحت تأثیر دیگران قرار گرفته تصمیم‌گیری‌شان سست می‌شود. نقطه مقابل این افراد، افراد مغرورند که توانایی‌های خود را بیش از اندازه می‌پندارند و در ارزیابی خود دچار اشتباهند.

روي تقويت اعتماد به نفى بايد شناخت واقع بينانه اي از توانايي ها و نقاط مثبت خود داشته بشويم و آنها را تقويت كنيم. به كار رين ع بارك مثبت نيز و تقويت اعتماد به نفس نقش مؤثري دارد. بايد هدف هاي را كه انتخاب مي كنيم در حد توانايي هايمان باشد تا هر بار كه كاري را با موفقيت به اتمام مي رسانيم يك لايه به اعتماد به نفس ما اضافه شود.

(2) رشد اخلاقي

رشد اخلاقي يعني كنترل داشتن روي رفتار، عدل و خلق و خوي خود؛ به طوري كه هم حقوق خود و هم رفاه و حقوق ديگران رعيت شود. كسي كه رشد اخلاقي دارد خصوصيات زير را داراست: هميشه پيامدهاي اجتماعي و رفتار و اخلاقش را در نظر مي گيرد، حتي در دن عصبانيت آنقدر كنترل دارد كه حرفي نزند تا بعد احساس گناه كند و يا باعث قطع روابط شود و به طور كلي پيامد بدّي داشته باشد. يكي از فوائد داشتن رشد اخلاقي اين است كه انسان احساس آرامش مي كند چرا كه وقتي كسي كنترل رفتار و گفتارش را داشته باشد بيشتر از همه خودش احساس آرامش مي كند. رشد اخلاقي باعث نزديكي دلهاست و در يك تعريف جامع مي توان گفت كه: واقعيت آن چيزي است كه هست و اخلاق آن چيزي است كه بايد باشد.



(3) رشد عاطفي

رشد عاطفي به معنای داشتن كنترل روي عواطف مثبت و منفي است. يكي از نشانه هاي رشد عاطفي شدن اعتدال است؛ هم لظور كه پرخاشگري محض غلط است، مطيع بودن محض ديزغ ظمي باشد. مطلب ديگري كه در رشد عاطفي هر فرد بايد مورد توجه قرار بگيرد حس وظيفه شناسي است. به شعبي وظيفه شناس گفته مي شود كه وظيفه نقشي را كه ايفا مي كند به خوبي بداند و انجام دهد. به طور كلي وظيفه شناسي در نقشها بيان مي شود؛ افراد وظيفه ششلس احسل مطوعي ژزندگي دارند و آن رضي هستند. فرادي كه از رشد عاطفي برخوردارند در زندگي احساس آرامش مي كنند و به ديگران هم آرامش مي دهند. ذكر يك نکته در اينجا ضروري به نظر مي رسد و آن نقشي است كه والدين در تربيت فرزندان خود دارند، چرا كه نخواستن يا پيو بايد ل جنسيت خويش راضي، باشد در غير اين صورت رشد عاطفي با اختلال روبرو مي شود. والدين بايد بدانند كه دختر و پسر فرقي ندارند. تفاوت

هر قشبي است که آنها در آینده ايفا مي کنند . بايد آنها را با صداقت ، قاطع و دلسوز و مهربان تربيت کرد.

تا اينجا به نکر مسللي پرداختيم که قل ز ازدواج بايد مورد توجه قرار بگيرد اما بسياري ز کتبه که بعد از زوج بايد مد ظر داشت و پري رسين به حد مطلوب آن تلاش کرد.

ظلاً ز هر دختر يا پسر جواني که سؤال شود معيار خوشبختي بعد از ازدواج را چه مي داند ؛ يکي از معياره لثرا به داشتن تفاهم اختصاص مي دهد. بسياري تفاهم را شبیه هم بودن و اختلاف نظر نداشتن مي پندارند در حالي که زن و شوهر بايد مکمل هم باشند نه اين که مثل هم شوند. براي دستيابي به تفاهم بايد بتوانيم شرايط يکديگر را درک کنيم و خود را درجاي ديگري ببينيم و هم اهد سل شويم. چثي که هر زچ حولي بايد بداند ان است که هيچ رفتاري به خوي خود ، سو ذي زند . زن و مرد بايد بتوانند از دريچه چشم هم به مسائل بنگرند نه اين که مقابل هم قرار بگيرند.

يکي ديگر از راه هاي رسيدن به تفاهم، داشتن صبر و شکيبايي و گذشت است . اما گذشت و شکيبايي بايد دوطرفه باشد . گذشت يک طرفه باعث بدتر شدن و تقويت رفتار نامطلوب طرف مقابل مي شود . گذشت منطقي و آگاهانه گذشتي است که طرف مقابل از آن اطلاع پيدا کند و خود نيز پشيمان و متنبه (تنبیه ، آگاه) شود و در نتيجه ، تغيير رفتار ايجاد شود . در غير اين صورت گذشت يک طرفه امري بيهوده است. براي ايجاد تفاهم نبايد به منزلت و ارزش انساني خود ضربه زد.

هنر گوش دادن

عمل ديگري که هر زنگي زناشويي ببيار حائز اهميت است ولي که تبه آن پرداخته مي شود؛ هنر گوش دادن و چگونگي سخن گفتن است.

وقت و توجه به صحبت ديگران و مفاهيم آن ، به موقع صحبت کردن و سخن مفيد و نه بيهوده گفتن يکي از عواملي است که به درک متقابل زوجين کمک بسزايي مي کند. بايد به صحبت هاي طرف مقابل بخوي گوش داد . بخص و زم لبث و گگو که نل نيز زمان خصوصي دارد . لن لمر بلث مي شود که بحث به مشاجره کشيده نشود . مطلب ديگر با ماض بخص صحبت کردن است چرا که گاهي خواه و چگونگي سخن گفتن مقدم بر محتوا و به عبارتي "چه گفتن" است.

صداقت

در انتهای این مبحث به " صداقت " در زندگی زناشویی می پردازیم . بسیاری از مردم با نظر یکی از بزرگان واقعده گفته است " توجیح می دهیم از شنیدن حقیقت غمگین شوم تا از شنیدن دروغ خوشحالگردم " . چرا که عم صفت هک می شود نه بلصحبتهای شخصی زیرسوارود و قلم آنهاشک و زید به وجود آید . هیچ نو به اندل هدم صدا بق به عت بی اعتمادی در زوجین نمی شود در عین حال سبب کینه نیز می شود و فضایی مسمومی را ایجاد می کند.

نیمه ی گمشده !

معیارهای ازدواج (قسمت اول)



ذک بختی میسر نخواهد شد مگر آن که دختران و پسران را با انتخاب صحیح آشنا سازیم و به عنوان پیشگویی به آدل بیاموزیم که چگونه انتخابی صحیح ، درصد خطر پایین تری خواهد داشت . و جامعه باید لگهی لازم در مورد معیارهای ازدواج در اختیار جوانان قرار گیرد تا باگله می استولتر، ست یلی به شای و آلمش و تعادل را تجربه کنند و زمانی که تصمیم می گیرند نیمه گمشده خود را بیابند با آگاهی و دانایی، راه صحیح را شناخته و برگزینند؛ چرا که انتخاب درست راهی جهت پیشگیری از مشکلات پس از ازدواج خواهد بود.

لظون و ببل فلسفه ازدواج و چلی یکی شدند و جنس فل درج یان زگی ، دلسلانی مثلی گونه دارد . وزما نهی هدیل قدیم، و لتدای خلقت بشر، انسانها دارای کالبد تک یی از زن و مرد بودند . (هرمافرودیت، موجود هم نر و هم ماده که به نوعی در نظریات وخی رو ل شناسل ذو با تعابیر خاص مشاهده می شود) کالبدی که دو سر داشت و درست مثل دو انسان کامل در کنار هم قرار گرفته بود . لذا موجودی بود پرقدرت، توانمند و بی رقیب و به جت همن اقتدل بی رقیب مورد حسادت خدایان بزرگ یونان قرار گرفت . (می دانید

که و ذیل بلند می‌عتقد به چند خدایی بودند. بدان معنا که برای هر چیز خدایی با ظاهری که برای آن پیدا می‌شد مناسب می‌داشتند در ظری می‌گرفتند (تا آنجا که خدایان تصمیم گرفتند با هر ترفندی که این قدرت را از آن‌ها بگیرند). سپس با وفای همچون صاعقه، انسان قدرتمند را از وسط به دو نیم کردند به طوری که زن و مرد وجودی انسان از هم تفکیک شد. زن مخلوقی هستی‌شده و مرهم‌جوی نگرفت. زن‌ها از زمان انسانان و تنمندی، توانایی افسانه‌ها و بی‌رقیب خود را از دست داد. پس از مدتی برای بازپس‌گیری آن قدرت از کف دانه، به این نتیجه رسید که وی بازگشت به آن در آن پر شکوه و جلال می‌بایست دوباره نیمه از دست رفته خود را پیدا کند و در پناه اتحاد با آن نیمه به عزت و اقتدار گذشته بازگردد. وجد تجوی یافتن هوای زندگی، نگاه نیمه‌گشوده طی خود را به دست آورد به همان قدرت و شکوه بزرگشت و سعادت و کامیابی را در زندگی تجربه کرد و اگر نیمه‌ای را برای خود برگزید که متعلق به کلبه‌ی دیو بود، رهی آراشی و خوشبختی را ندید. شاید ضرب المثل معروف فارسی که «فلانی تکه فلانی نیست» ریشه در همین گونه داستان‌ها داشته باشد. خوانند نورو قرآن می‌فرماید: «از شما نه هی‌ظن‌آ بلکه بواشما از جنس خودن‌آ فریدیم تا در کنار آنان به سکون و آرامش در آید و بین شما رحمت و صمیمیت قرار داد که روان‌کا شعله‌های است و بی‌اوی که هل قو و دیش‌هستند». بگزیدن هیله‌ها و بی‌شرکت در زندگی نتیجه‌آه‌فل‌ان‌قوی است که برای ازدواج در نظر می‌گیریم. اهدافی مثل داشتن پول و ثروت و یا زیبایی طرف مقابل بدون در نظر گرفتن سایر معیارهای تعیین‌کننده، یا دارا بودن عنوان و مدرک تحصیلی بخصوص مثل تاجر، دکتر و ...



گاهی ازدواج نادرست بر مبنای جلب رضایت خانواده و یا اطرافیان صورت می گیرد یا عقاید نادرستی که در مورد حق برتری ازدواج پسرعموها با دخترعموها بین برخی اقوام ایجاد شده است، (حتی با وجود مخالفی فراوان علم ژنتیک در خصوص ازدواج فامیلی و احتمال مشکلات وراثتی و ژنتیکی ناشی از آن) و ... گاهی ازدواج با هدف بهره کشی صورت می گیرد. مثل نگهداری از فرزندان زوجه و جلوگیری از فرار فرزندان از خانواده و یا نگهداری از سالمندان برای خانواده و مراقبت و بستاری از آنها مثل مراقبت از معلولین و از کار افتاده، بدون توجه به اینکه برای انجام این امور می توان از افراد دیگر نیز استفاده کرد. گاهی نیز ازدواج یا انتخاب بر مبنای دلسوزی شکل می گیرد که بدین و خدایک ترشی ازدواج است چاکه بهل ندفو پشیم لویه احتمال فراوان گریبانگیر فرد خواهد شد.

اما معیارهای علمی و صحیح انتخاب زوج هستند؟
عواملی را مد نظر قرار دهیم تا انتخاب صحیح را صورت داده از بروز اختلاف و درگیری های آتی پیشگیری کرده باشیم در اینجا این معیارها را بر می شماریم:

تناسب سنی

یکی از اصول علمی و بحث انگیز در زمینه معیارهای زوج، اختلاف سنی و تناسب بین زن و مرد، به عنوان ارکان تشکیل دهنده هسته خانواده است. بسیاری از جوانان می پسندند اختلاف سنی تا چه حد در میزان تفاهم مهم است و یا اصولاً چند سال اختلاف سن مشکل جدی ایجاد نمی کند؟

در خصوص اختلاف سنی باید در نظر داشت که هر دو به عنوان یک گاه خانواده می بایست بزرگتر از زن باشد. اما در باب میزان این تفاوت در یکی از کشورها فرمولی را ارائه داده اند که طبعاً علمی نیست. به این شکل که نصف سن مرد به علاوه هفت سال مناسب ترین سن برای دختر در حال ازدواج با آن مرد است. مثلاً مردی 34 ساله می بایست با دختری 24 ساله ازدواج کند. ($24 = 17 + 7$ نصف سن مرد).

البته چنین فوایدی علمی نیستند؛ زیرا در حقیقت آدمیان و افراد، معیارهای بسیار زیاد و عناصر تعیین کننده دیگری وجود دارند که چنین فرمول هایی را تحت الشعاع قرار می دهند. برخی معتقدند مرد حدود 4 الی 5 سال بزرگتر باشد و تحقیقات جدیدتر و آری فاصله سنی دهنه تعیولی را در نظر می گیرند و معتقدند فاصله سنی بین 2 تا 6 سال بهتر است. اما هنوز سن ازدواج را برای دخترها بین (23-18) سال و برای پسرها (28-24) سال تعیین کرده اند. بدین معنی که زوجین پس از قدرت سازگاری به طور طبیعی موفقیت بیشتر را در زندگی زناشویی به همراه داشته است. به هر حال واضح است که همه نگی رولی - عطفی و خدایک ترشی بسیار مهمتر از اختلاف سنی معنی و تعریف شده است..



بنیه اقتصادی

دانش شغل و ملک و ثمن مثل خانواده را معیارهای مادی است که هر مرد در شرف ازدواج باید با آن روبرو شود. طبق قوانین شریعت و فقه اولیه تأمین مخارج خانواده و نیازهای اولیه و اساسی زندگی مثل خوراک، پوشاک و مسکن همسر و فرزندان، آن هم بر طبق شأن و منزلت زن و وظایف و مسئولیتها اجتناب پذیر نیست. بهی شغل و کار مناسب، بهن و آموختن با تکیه بر اموال و دارایی خانواده و والدین چگونه می توان زندگی شاد و سالمی را پایه ریزی کرد؟

شروع زندگی با آموختن که کار ندارد، تنهایی امید آنکه و آینده شغلی خواهد داشت چندان مطمئن نیست. اگر این اتفاق نیفتاد، اگر حتی با وجود تحصیلات و توانایی، کاری درآمدزا پیدا نشد چه باید کرد؟ مسئله، نوع کار نیست. اگر چه بهتر است شغل مناسب با شخصیت، مقام و توانایی فرد باشد، اما لازم نیست به بهانه ی یافتن شغل متناسب با شأن و منزلت تحصیلی و خانوادگی، از انجام کارهای سالم و منطقی سرباز زد.

اصالت خانوادگی

فرزگزاران سرمایه خرد و پسران جوان، اصالت خانوادگی و داشتن رشد فکری، عقیدتی و اخلاقی است. خانواده طلب و توانا، ایمان، اخلاق و راه دوستی را از ابتدا در تربیت فرزند مد نظر قرار می دهد. والدین نیکو، الگوهای بسیار مناسب در پروراندن فرزندان بزرگ و شست و شوی و اخلاقیات بود. فرزندان خانواده های اصیل می آموزند در هنگام سختی ها صبر پیشه کنند و حفظ عصمت و آبروی خود را بر هر چیز مقدم بدانند.

اعتقادات و مذهب

دین به عنوان علم دینی، در نگاه تمامیه شئون زندگی فردی و اجتماعی است. به طوری که به عنوان مهم ترین و برترین عامل ایدئولوژیک به انسان می آموزد چگونه

ر قتل كند، در درن چگونه بیدیددو و برون چگونه رفتار كند. دین و مذهب نسخه برتر رفتاري و عقاید
 یقیناً مست و مستحکم ترین عامل در پویا و شکوه شخصیت و
 معیارهای خوب و بد ما و بیانگر شیوه زیستن یا به عبارتی چگونه زیستن است. از آنجا که
 دینریشه و طریقت انسانی دارد حتی کسانی که در ظاهر به عناد با دین و دینداری معروفند
 در بطن خوشی، و لذت فکری و اندیشه ها و در ژرف ترین و بی پیرایه ترین افکارشان،
 تحت تأثیر مبانی فکری و عقیدتی ناشی از مذهب قرار دارند. پس دین و مذهب، حتی میزان
 اعتقاد دینو پایداری به اصول عقاید مذهب، نکته بسیار مهمی در تفاهم و درک متقابل
 بین زوجین جوان خواهد بود. بدیهی است که معیارهای زندگی فردی که از درجه بالایی در
 پایداری به اصول دینی برخوردار است، متفاوت از کسی خواهد بود که آن درجه از اصول را
 در رفتار و شیوه زندگی قائل نیست.

قبل از انتخاب همسر این مسائل را در نظر بگیرید...

معیارهای ازدواج (قسمت دوم)



در وقت قبل به تعدیل از معیارهای زوج یعنی تناسب سنی، بنیه اقتصادی، اصالت
 خانوادگی و مذهب پرداختیم. اینک در ادامه دیگر معیارهای ازدواج را عنوان می کنیم.

اصل کفویت

آنچه که در اسلام با عنوان "کفو بودن" بدان اشاره شده در واقع شباهت و همشأن بودن زن و
 مرد در جنبه های متفاوت شخصیتی، روانی، فرهنگی، علمی، سن و ... است. به عنوان مثال
 تعصبات مشابه مسبب همگونی است. زوایا تحصیلات نزدیک به هم، گاه نتیجه تشابه درجه

هوش افراد است. از طرفي تفاوت در سطح تحصیلات، تفاوت هاي عمده اي در جهان بيني و نگرش افراد ايجاد مي كند. آیا فردي كه تحصیلات دانشگاهي مثلاً در مقطع لیسانس را تجربه كرده و قادر و عاقل باشد به طرز خطي كه منطقی با محیط و فضای حقیقی دانشگاهي است شكل گرفته و آموخته است افكار انتزاعي خود را در برخوردها فعال نگهدارد و برلي و چيز ديگري جلبد، با فردي كه داراي بهره هوشي طبيعي و داراي تحصیلات مثلاً در مقطع ابتدائي است يكسان خواهد بود؟ آیا رفتارها، نحوه سخن گفتن، نشست و برخاست، معاشرت هاي اجتماعي، توانائي هاي مديريت و مهارت هاي لازم براي يك زندگي مشترك و قوت، تندرستی و مستقيم آموختن هاي ناشي از ميزان تحصیلات نیست؟ تفاوت سني، همان طور كه اشاره شد از عوامل مهم اشتراك در زندگي است. اگر اختلاف سن خيلي زياد باشد و جواني با فردي ميانسال ازدواج كند، اختلاف سن، از آن جهت كه مسبب اختلاط در جهان بيني و نحوه نگرش به زندگي، خوشبختي و ديگران است، توقعات و انتظارات را به شيوه اي ديگر شكل مي بخشد. پس كفو بودن در سن، و تفاوت 3 تا 4 ساله (يعني مرد بزرگتر باشد)، يكي از عوامل مؤثر رسيدن به زندگي متعادل و منطقي خواهد بود.

طرز فکر يكسان

در بين دو طرف، يكي از عوامل مؤثر رسيدن به زندگي متعادل و منطقي، طرز فکر يكسان است. طرز فکر و اندیشه افراد از نوع فرهنگ، سطح تحصیلات و سن افراد تأثیر مي پذيرد. مشابه بودن نوع تفكر، و به هم برپايي كفو فكري، همسايه بودن و يكساني در نوع جهان بيني و فهم و ادراك زن و مرد نسبت به مسائل مختلف فردي، اجتماعي، سياسي، اقتصادي و فرهنگي است و كمك مي كند تا شيوه تفكر افراد كه مسلماً در مراحل مختلف زماني به صورت هاي گوناگوني انديشند، هگام و همسو خول يابد. افكار يكسان و به يك جهت نگرستن كمك مي كند تا طرفين بتوانند از دريچه چشم ديگري به دنيا بنگرند و مسائل گوناگون را تحليل كنند. **طبيعاً دیدگاه مشترك و نسل مشترك، به همراه فرهنگ مشترك پايه هاي استواري براي كوچكترين و مستحکمترین نهاد اجتماعي بشر (خانواده) خواهد بود.**



عوامل فرهنگی

بسیار مهم است و اغلب همسر پیگانه اجتماعی و را در نظر داشته بلم تا ازجبهه وقت عیادت اولگی و تأثیر پیری از مسائل فرهنگی، خصوصاً فرهنگ مشترك، یکسان باشیم. زوا عوامل فرهنگی دارای ابعاد متفاوتی است که ریشه در افکار انسان داشته و با رسوخ در تمام جوانب حیات، به زندگی جهت می بخشد. نحوه معاشرت، برخوردها، تربیت فرزندان، دیدگاه نسبت به پسر یا دختر و... متأثر از فرهنگ حاکم بر زیستگاه و ذهنیات ماست. تشابه یا تضاد فرهنگی در معشیت ها و رفتار و آمد و رفت اولگی طرفین دخیل بوده و مستقیماً در زندگی زوج جوان مؤثر خواهد بود. چرا که زوج جوان، خود را فرهنگ مسلط بر حیطه جوفایلی که و آن رشد یافته اند تأثیر پذیرفته اند و کنار گذاشتن فرهنگ یعنی نادیده گرفتن سببیم ارثی، افکار، عقاید و به هم ریختن تمام ملاکهای اخلاقی و اجتماعی، بی هویت شدن و درهم ریختگی روانی و سردرگمی فرد. سببیم توان به دلایلی که لیغ فرد بخصوص، تأثیر فرهنگ و آنچه باید باشد و آنچه هست را در زندگی نادیده گرفت.

ح. تی گوش کنیم که زوج جوان بتواند دوسایه علاقه و خصوص یک مشترك اخلاقی، تحصیلی و ... راه مسالمت آمیزی جهت پیوند فرهنگ های متضادشان بیابند، تکلیف خانواده ها چه خواهد شد؟ ازدواج نه تنها پیوند دو فرد بلکه اتصال دو خانواده به همدیگر است. چرا که اختلاف و عقید و سیستم ارزشی آنها تأثیر مستقیمی بر شرایط زندگی و تعادل و سلامت خانواده تازه شکلی یافته خواهد داشت. می دانیم که عوامل فرهنگی ریشه در ناخودآگاه ذهن افراد دارند. هرچه قدر علاقه نی کر کنیم و تصمیم بگیریم، لحظاتی از زندگی پیش می آید که عقلی، بدلیم ناخودآگاه شده و تنها ظاهری استدلالی و منطقی و پیکر رفتاری می نشاند که ریشه در عوامل فرهنگی رسوخ یافته در ناخودآگاه ما دارد. پس جوانان را دعوت می کنیم تا بنی ناخودآگاه هن خود را بشکافند و از واقعیت وجودی خویش اطلاع یابند. تجارب زندگی ما ریشه در فرهنگ و اعتقادات فرهنگی ما دارد. تجارب که خواه ناخواه در آینده رفتاری ما آگاهانه یا ناخودآگاه مؤثر خواهد بود. عوامل فرهنگی و تشابه در بین خانواده ها و افراد به علت تشابه در تجارب و دیدگاه ها، مهم تلقی می شوند. اگر انتخاب همسر بر مبنای توجه به معیارهای خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد، با درصد موفقیت قابل توجهی مواجه خواهد شد. ازواج ترکیب دو انسان و دو خانواده است. اگر تناسب بین افراد و خانواده ها کم باشد زندگی تازه تشکیل یافته، سست و تلخ و ناپایدار خواهد بود.

نکته ای دیگر

هرکس پیش از ازدواج می بایست تکالیف خود را با مدله شقی یا خانه در بودن همسر روشن کند. برخی قبل از ازدواج، شاغل بودن همسر را به صورت ملاکی آنچنان برجسته در هن خود حک می کنند که بسیاری از موارد دیگر را به پای آن قربانی می کنند. در حالی که

الإله كز زینرا به خلو و لمد اقتصادي و استقلال مالي انتخاب كنند هدف از ازدواج بهره كشي خواهد بود ، كه يكي از اهداف انحرافي ازدواج است. در اين صورت، بيشتر به آن زن به صورت يك كالاي اقتصادي و سودآور نگاه شده تا يك همسر ، يك شريك، يك همراه ...

دو طبقه قرآني دوقي ، شوعي و عرفي ما، تأمين معيشه به عهده مرد است و نفقه زن چه شاعلي بشود (در آمي نلته بشود) و چه نشود ، به عهده شوهر است و هيچ وظيفه قانوني، براي زن در مورد تأمين مخارج خانواده در نظر گرفته نشده است. تنها مسئوليت اخلاقي است كه سبب مي شود زنان شاغل همدل و همراه شوهر ، پا به پاي مرد خانه كار كنند و هر دو هر چه دارند با خلوص تمام به نفع اعضاي خانواده خرج كنند. در اين بين هستند زنان كه درآمد اقتصادي را به صورت سومايه و براي خود پس انداز مي كنند و در موارد كه هدف از انقلاب ، ملك قتل يوده بشود دقيقي بشود كه اهل مرد از بوي بر آورده شده، نوگويي و بين زوج پيش خواهد آمد. پس چه بهتر كه طرفين از ابتدا به ديدي كاملاً واقع بينانه به مسئله اشتغال زن بنگرند و اگر در كنار مسئوليت خارج از منزل، وظيفه خانه داري كمرگشند جلي و يگله وشكايه باقي نماند. خصوصاً مسئله حقوق و درآمد زن مورد بررسي قرار گيرد و زناني كه قصد دارند درآمد خود را نه در راستاي امور مالي منزل بلكه برلي خود ، هزينه و ياپس انداز كنند از ابتدا تصميم خود را مبني بر عدم مشاركت در امر اقتصادي خانواده بيل كنند تا مرداني كه يكي از پايه هاي انتخاب خود را درآمد همسر قرار داده اند، در انتخاب خود تجديد نظر به عمل آورند.



والدين و حق انتخاب

شماره كرد یم از نوح شحي تله هوسوز نرزدكي سلت. خوشه و الدين نيزحق از تكلرا به جوانل بهند. حق كه با ظارت بزرگسالان معني پيدا مي كند. جوانان نيز بد نيت دانند تحريت بزرگترها در امر ازدواج بسيار بيش از آنچه تصور مي كنند مي تواند ر لهگدورا هنيانل بشود. تعدي و قتل و موقتي و كلسلت. هانطوركه ازواج هلي جيلي كه بازو و لمال هوا و الدين بر دختر ياپسر تحميل مي شود پيوند موافقي نيت ، خودسي، يكجا ذبه هميم كو قتل و مقابله با تجربيات مفيد و سودمند

زیرگ تهنو بوا اثبتخوهر ایه جاپه توالهبرد. **تافتهت تجربیات و**
قوانین هیوالله بده کنده تا بعد ها افسوس فته هیله که بویا سوچستن از
 نظریات آنها را نشتیدو استفاده کردید بر شما مستولی نشود. اگر عقاید بزرگترهای خود
 را انی پذیرد خود تن دست به کار شده و تحقیق کنید. بیایید خانواده های موفق و ناموفق را
 شناسایی کنید. از آنها که موفق بوده اند معیارها و شیوه ازدواج را جویا شوید و از خانواده
 های مطمئن که به عنوان زوج های شکست خورده انتخاب ایبر اجویا شوید. هسته سومی هم
 وجود دارد. می توان از مطلقه های عاطفی نیز (البته بدون وسواس) تحقیق کرد. زیرا خانواده
 های نابسامان و آشفته ای هم هستند که به دلایل مختلف مجبورند تا آخر عمر با ناراحتی با هم
 زندگی کنند. بدینجه انل بیه قه ایگو ه چمه یی برای از واج شته لکه غلا
 مجبور به تحمل همدیگر هستند. سپس می توانند از تجربیات کسانی که موفقیت یا شکست آنها
 را به چشم دیده اند استفاده کرده و در جهت سعادت خود بهره جویند، که از قدیم الایام گفته اند:
 « انسان عاقل همه چیز را خود تجربه نمی کند، بلکه از تجربیات دیگران نیز استفاده می کند».

سخن پایانی

هو مقوم و هدف دای که توانا یی طلیق با شرایط جدید خود را داشته باشد یکی از موهبت
 های بزرگ الهی است. به هر حال برای انتخاب همسر می بایست بسیاری از نکات و معیارها
 را مد نظر داشت و رعایت کرد و با اطلاع کامل و کافی از وضعیت خانواده ها، و اخلاق و
 رفتار و مورد نظرش به انتخاب زد. **بی فکر و پسر، صفت هره با احترام،**
خصوصیت ملاقی متدلب، تلاش جهت حل مشکلات همدیگر در سایه همفکری، تناسب و
تفاهم از نکات غیر قابل انکار در معیارهای اساسی انتخاب همسر شمرده می شود.

خانواده می تواند و انتخاب صحیح یی از بگر شما بلند ما نهیلتا این شما هستید که به عنوان
 عامل اصلی می بایست شناخت درستی از خصوصیات، توانایی ها، خواست ها و انتظارات
 خود از زندگی داشته باشید تا بتوانید بر مبنای آن معیارها و خودشناسی که در سایه خلوت با
 خوشی و جستجوی لایه های نهانی خود که مسلماً و صداقت کامل به دست آمده مناسبترین
 فرد را برای شرکت در تمام زندگی خود برگزینید. چنانکه گفته اند: « با فردی ازدواج کن که
 اگر هم جنس تو بود بهترین دوستت بود.»

ازدواج رویای ملت که انسانها را با اعتقادات، اولویت ها، مذهب، پول و عادات خانواده ها
 (که بعضاً بسیار متفاوت است) روبه رو می سازد. پس خوب است اگر این انتخاب بر مبنای
 معیارهای منطقی و عقلانی باشد. پس از انتخاب عقلانی، عواطف نیز شکل می گیرند. اما بر
 عکس. اگر دوست شدی از روی احساس باشد و تنها ملاک، علاقه بدون پایه عقلی و منطق
 باشد، به احتمال زیاد با شکست مواجه خواهد شد. و تمام فرهنگ ها ازدواج امری عادی
 ملت و شی آسانترین قعت از نوح تلقی می شود. اما به یاد داشته باشیم که زندگی قرار

نیست آسان باشد . در سایه درك و تفاهم متقابل است كه مي توان بسياري از معيارهاي پيش از لولج را سهل پيوند به خلق رساند . به عبارت بسيار ساده عشق مي تواند مكمّل ازدواج ببلد لما گر تنها عامل پيوند، علاقه، محبت و شايد عادت ديداري طرفين باشد و آنها با علاقه شديد و لولج هيل ، اقدام به مضميم گويي كرده و هست به انتخاب بزنند مشكل بتوان ادعا كرد انتخاب درستي انجام شده باشد.

هفت راز ازدواج موفق



(1) **زوج هاي موفق خويش را و انظار بك خود را به صراحت مي گويند.** زوج هاي موفق قبل از ازدواج، توقعاتي كه از يكديگر دارند مطرح مي كنند، اگر توافق اساسي با هم ندارند (ويي مثلي بود و زندي خوي و پليخانم مخالف ملت)، مي توانند به شروع و يا خاتمه لولج بطور جني فكر كنند. بعد از لولج، زوج هاي موفق به طو مظم درمورد توقعات و انظار اتشيل با هم صحبت مي كنند و اگر اختلافي پيش آمد، آن را به زمان ديگري موكل مي كنند تا همدیگر را درك كنند و به توافق برسند.

(2) **زوج هاي موفق فرديت خود را حفظ مي كنند.** بعد از ازدواج استقلال زوج ها كم مي شود لگر افره و زنديلاته ببلد نوز بهر زوا ميگي ببلتر مي شو و گلي افره طساس خستگي مي كنند. زوج هاي موفق مي دانند حتي اگر به هم علاقه داشته باشند، گاهي احساس خسيگي مي كنند. لول يكگر را اشدوقي كنند تا هيشه "ما" نببلدند و زمي هپري "خود" داشته ببلدند و به كارهائي مورد علاقه خود بپردازند. بدین ترتيب زوج فرديت خود را حفظ مي كند و زندگي ، شاداب مي شود.

(3) **زوج هاي موفق هديگر را مركز توجه قرار مي دهند.** آنل همدیگر را دست كم نمي گيرند و هميه به فكر خوشبختي همسر خود و خانواده هستند. معمولاً افراد چند سال پس از ازدواج مانند سال هاي اول به هم توجه نمي كنند. ولي زوج هاي موفق، كارهائي كوچك نظير اولويت لول داني نيا زها و كارهائي همسو و كل هاي بزگ ظير احترام و گوش كردن به حرف هاي هم را مدنظر قرار مي دهند. ازدواج دريائي تغييرات است. شما اغلب فراموش مي

کنید همسران مهم است و به او توجه نمی کنید. در عوض به کار، سرگرمی و دوستان اهمیت می دهید ولی زوج های موفق همدیگر را مرکز توجه قرار می دهند.

(4) **زوج های موفق روش های حل اختلاف را می آموزند.** "جان گاتمن" روانشناس که 20 سال زندگی زوج ها را مطالعه کرده، عمل اصلی موفقیت یا شکست ازدواج را توانایی، یا عدم توانایی حل اختلافات می داند. حتی اگر همسران و شما کاملاً با هم یکی باشید، گاهی با نظر هم موافق نیستید و این مخالفت باعث ناراحتی می شود. نباید به اعتیاد، خشونت و ... رو بیاورید. اگر خواسته شما و همسران با هم فرق دارد، باید آن را حل کنید. زوج های موفق با صحبت می کنند، حتی اگر احساس بی فتنه به هم دارند. آنان و مورد اختلافات و مخالفتها با هم مذاکره می کنند تا به نتیجه عادلانه برسند. آنان از یکدیگر حمایت می کنند و غر نمی زنند. آنان می پذیرند در مواردی عشق، برتر از پیروزی است.

(5) **زوج های موفق با هم رشد می کنند.** مسلماً فردی که امروز با او ازدواج می کنید، 10 سال آینده متفاوت خواهد بود. شما هر دو تغییر می کنید. به ویژه در شرایط سخت زندگی مانند از دست دادن والدین. زوج های موفق می دانند که یکی یا هر دو در طول زندگی تغییر می کنند و قواعد می شود. پس لازم است تغییر کنید تا بتوانید روابط در حال تغییر را عوض کنید.

(6) **زوج های موفق به حفظ روابط می کوشند.** زوج های موفق به طور منظم وضعیت زندگی خود را بررسی کرده و با هم صحبت می کنند تا از شادی و رضایت هر دو از زندگی مشترک مطمئن شوند. اگر یکی، یا هر دو شما از زندگی مشترک ناراضی هستید، مشکلات را حل کنید.

(7) **از مراجعه به مشاور خجالت نکشید.** زوج های موفق قبل از مراجعه به مشاور، سند طلاق را امضا نمی کنند. آنان می کوشند که مشکلات را در اولین فرصت حل کنند.

خانم ها همسران را خودتان انتخاب کنید



افلاطون

"بدبختي آدمي از جهل نيست، از تنبلي است."

تلمجواغ هنگام گل را از اوضاع پيشين خود به وضعيت هاي جديدتر، با مشكلات پيچيده اجتماعي مواجه بوده اند که از آن جمله موضوع انتخاب همسر و ازدواج است. در اين وضعيت معمولاً شناخت انسان ها از يکديگر کم و انتخاب مشک تر مي شود. از طرفي چون در همه جاي دنيا و به خصوص در کشور ما بيشتر مردان انتخاب کننده هستند و پيشقدم مي شوند، بنابراين خانم ها کمتر قادرند دست به انتخاب بزنند؛ و حتي وقتي با مرد ي روبرو مي شوند که شرايط مورد نظر آنها را دارد بسيار منفعلانه رفتار مي کنند.

شاید شما هم دختراني را سراغ داشته باشيد که با وجود اين که به مراتب بالايي از رشد اجتماعي رسيده اند اما نوانته اند يا خردنگر، منطبي نداشته باشند. يکي از مسا لي ديگري که برخي از دخترها با آن درگيرند، اين است که خردنگر باشند بسياري دارند اما هيچ کدام از خواستگار ها در مورد اوضاع صميمي شونند. به اين گروه از دخترها، بايد تکال کار را گفت و آموزش لازم را بايد داد. از طرف ديگر خانم هايي را در جامعه مي بينيم که روز به روز سنشن بيشتر مي شود در حالي که موصفي بر ي ازدواج ندي يابند. و اين مقاله ضمن آموزش برخي از موضوعات مذکور، به خانم ها تلاش مي کنيم به شما يادآوري کنيم که نبايد نقش اراده را ناچيز شود و در اين مورد خل هم فعاله و بالاده و خواست خود را دعوي کنيد. ما انسان ها عادت کرده ايم وقتي مشکلي پيدا مي کنيم هم چورا به گني ان و ان ي اندريم، اما بايد مشکلات مان را در وجود خود جستجو کنيم.



بزرگمهر

"روزي به تقدير است، اما تو در تدبير کوتاهي مکن."

1- **تقديم معيار ازوج براي يك مرد، وضعيت ظاهري و به ويژه چهره زن است، چهره اي شاداب و سرزنده و مو بيل با تبسمي هميشگي؛ اما شايد همه ما با يك سؤال مواجه شده باشيم که:** "چرا کسي با ظاهري ضعيف تر از من و يا شرابي (شغلي، تحصيلي، اجتماعي و...) پائين تر از من، موفق شده ازدواج مناسب داشته باشد، در ان خصوص بايد متکوشيم چهره هيل رتبه ملک المعيار انقلب نيت پي چهره لمن...؟"

معياي روي توجه لحظه يي است امامعياي يولي توقف نيست و بيلد علاوه بر آن به مهارت هاي ارتباطي چن کننده ديگي نيز چهره بود. و عرف حل که باز هم روي شاد بودن به عنوان يك معيار کليدي تاکيد مي شود اما علاوه بر چهره، کلا وضعيت ظاهري فرد مثل تيپ او، تنوع در لباس پوشيدن، تميز و مرتب بودن و... همگي مهم است.

2- اگر به مردم خصلت پدید آورده‌اید به او نشان دهید که می‌توانید او را درک کنید و به نظراتش - حتی اگر غلط نظر شما باشد - احترام می‌گذارید. اگر حرفی مخالف نظر شما را بیان کرد، یکبار به آن را در نکنید و مخالفتی نهید بلکه بگذارید تا حرفش تمام شود بعد در کمال آرامش و صمیمیت، نظر خود را مطرح کنید و بگوئید در وی موردی ندارد و موافقت. اظهار نظر شما در مورد صحبت مردم مورد نظران برای زندگی، باید این سخن را بگویند و ایجاد کند که "من به شما نزدیکتر از خودتان هستم و شما را بهتر از خودتان درک می‌کنم." از طرفی رفتار کلامی شما، همیشه باید با رفتار احساسی شما همخوانی داشته باشد. وقتی احساس مثبت خود را در کلام بیان می‌کنید، نگاه چهره شما هم باید احساس مثبت و خوبتان را نشان دهد. وقتی با محبت، حرفی می‌زنید نباید بدچهره ایخیزد بلکه باید تمام محبتتان باید در نگاه و صدایان مشهود باشد. یا وقتی انتقاد می‌کنید لحن صدایتان باید نشان دهد که فقط با آن ویژگی خاص مخالفید اما کل شخصیت او را زیر سؤال نبرده‌اید.

3- مهم ترین عامل و انتخاب شریک زندگی، اعتماد به نفس است، هر چه درباره این مسئله بگوئیم کم گفته ایم. اعتماد به نفس یعنی تمام زندگی شما و تمام آنچه که دارید. اعتماد به نفس یعنی فرد تصورش از خودش به اندازه واقعی باشد. وی را در خواص و اذیت‌ها صلاً اعتماد به نفس نداشته که او را وجود کند و زندگی خراب به وسعت تبدیلند، درحالی که باید به آنها این آگاهی داده شود که تا درست صحبت کردن را تمرین نکنند و نتوانند از خود به دیگران، اطلاعات مناسب بدهند، امکان انتخاب شدنشان طبیعتاً خیلی کم خواهد بود.

شاید بگوئید چگونه می‌توانم اعتماد به نفس داشته باشم در حالی که همیشه آن را در من سرکوب کرده‌اند، در دوران جوانی که شخصیت ما در حال شکل گرفتن بود والدین یا نزدیکان بارها کلماتی مثل بی‌خاصیت، عقده‌ای و ... نثار ما کرده‌اند یا ما را به کمالاتی که در ذهن داشتند و هیچ وقت به اعتماد به نفس ما اجازه شکوفایی داده نشد. بقی می‌گویند زندگی ما پند و اندرز، سرکوفت زدن و سرزنش شنیدن به خاطر مسائل خیلی پیش پا افتاده بوده، به طریقی که از کوچکترین تلبه‌ها، کوهی ساختند و به سرمان کوبیدند. شاید هم بگوئید ما همیشه تحت کنترل دیگران بودیم طوری که اعتماد به نفس مان رشد نکرد و قدرت خلاقیت ما نابود شد.

اما این را بدانید که بزرگترین اندیشمندان، محققان و حتی تمام افرادی که شما در اطراف خود می‌بینید که اعتماد به نفس دارند، روزی به این درد گرفتار بوده‌اند اما بر آن غلبه کردند پس شما هم می‌توانید. در مرحله اول سعی کنید از قضاوت کردن در مورد خودتان، خودداری کنید، همه ما اشکالاتی داریم که به تدریج باید آنها را رفع کنیم. وقتی اعتماد به نفس پیدا کردید تازه متوجه می‌شوید که چه احساسی دارید، چه آرزوهایی دارید و در دنیا به دنبال چه می‌گردید؟

زاد خود ببینید
دختر و کام و نخود را بدین رتبه بگوئید می‌دیدیم؟ ظوئی، مالی، روابط اجتماعی
تصویری؟ و بعد سعی در رفع آن کنید، شاید شما هیچ نقصی ندارید و فقط تصویر منفی از خود دارید. اگر جهان را ملو از انسان‌هایی بالاتر و برتر و زیباتر از خود ببینید، طبیعتاً دچار احساس حقارت می‌شوید و همیشه خود را هت کم می‌گیرید؛ اما اگر نیروی بی‌نهایتی را بشناسید و گسترش دهید حتماً اعتماد به نفس بیشتری خواهید یافت و هیچگاه محور شخصیت و جذابیت دیگران نخواهید شد.

اگر کمی به اطراف خود نگاه کنید، افرادی را خواهید دید که نه چندان زیبا هستند و نه تحصیلات بالایی دارند اما کوهی اعتماد به نفس هستند و این باعث پیشرفت‌های بسیار زیادی در زندگی و از جمله در ازدواجشان شده است.

جان. دی. راکفلر

"آینده تو بستگی به این روزهایی دارد که پشت سر می‌گذاری، به تلاشت ادامه بده."

4- داشتن اعتماد به نفس اولین تأثیر خود را روی طرز صحبت کردن شما نشان می‌دهد. با خوب صحبت کردن می‌توانید شخصیت زیبایی خود را به دیگران بشناسانید. برخی افراد به دلیل ترسی که از اشتباه کردن دارند کمتر

صحت مي کند، و حلي که بايد تدباه کردن ايه عقل بشي امن و هدي برا ي يانگيري بيشتر دانست. کدلي که ل تدباه کون و جلست آشنلي يا به لسطاح خولتگاري- و کلا در تمام مجامع ديگر - واهمه دلند، کمو ظهل طر مي کنند، در نتيجه آدمي بسته و نفوذ ناپذير و يا خجالتي جلوه مي کنند و باعث مي شوند ديگر ل ل آنها دوري کنند. پس در جلسات سوال کنيد، حتي اگر اشتباه سوال کنيد. انسان ها و از جمله مردها، از شخصيت بد ته خوششيل نهي يد. شخصيت بسته به کسي مي گوئيم که در اظهار نظر ترديد مي کند. مي توانيد طر صحت کون بيور ا باخوافي کتب هني م ناب قرين کنيد. ما بايد از خودمان به ديگران، اطلاعات بهيم. اگر ل خودمان به کسي اطلاعات خوب بهيم، خواه ناخواه او جذب ما مي شود، حالا چه زن باشد و چه مرد. سپر جلستا ظها طر کني دشما جي راد و نه بدنه بشيد، يگر ل هم شما ر دست خويشت داشت.

وضع ان که خوب صحت مي کنيد شونده خوبي هم باشيد و با پر حرفي هاي خود طرف مقابل را خسته نکيد. سعي کنيد با يك مرد در مورد مطالبتي سخن بگوئيد که مورد علاقه اوست و با او هم حسي داشته باشيد، اما بهواراهلي ارا له ننهيد و پدر از يد عقل تر از جلوه ندهيد. گهي بخاندها - چي آنها کم تاهل هستند- توصيه مي کنيم که خيلي خود را با تجربه و باهوش تر از شوهرشان نشان ندهند. حتي گاهي به طور عمد شد باها حرفي را و تد تا شوهر آن ر اصلاح کند و سوء برد فت اور ا رفع کند. خانم ها با جنبه احساساتي يك مرد، سوو کل در اندنه جنبه عقلائي او. بگذاريد گاهي مرد شما را از سوء برداشت تان آگاه کند و به اصطلاح چيزي را به شما ياد بدهد، آن وقت بگوئيد: "اي واي، من اين را نمي دانستم!"

البتة مظهر ان ذيتا که شما زن ها هميشه بايد کم هوش تر از مردها باشيد. در فرهنگ ما معمولاً زن، مشاور مرد است. مشاور بايد عاقل تر از خود فرد باشد، اما نبايد به عاقل تر بودن خود تظاهر کند. مثل پادشاهان که در قديم مشاوري براي خود داشتند و مشاور هميشه عقل تر ل پشاه بود، ما در عمل سعي مي کرد پادشاه را بالاتر از خود جلوه دهد.

5- با ذويتان صاف بشيد و احساسات ووني خود را بشناسيد. شايد شما هم از آن دسته خانم هايي باشيد که هميشه يکي بالي سو تل بوده که مدام به شما گفته بايد فداکاري و از خود گذشتگي داشته باشيد و هميشه بايد به شوهر و بچه ايقتا بنديد و ل حق خود بگل و طوي که هر وقت بچه ها يدق خود را بگيريد، احساس گناه مي کنيد.



ناتانيل براندون

" به اغلب ما از دوران کودكي آموخته اند که به علایم داده شده از جانب ديگران بيشتر توجه کنيم تا علایمي که از درون خودمان ملت. مارا شوق کرده اند که نيازها و خواسته هاي خود را نادیده بگيريم و زندگي مان را براساس توقعات ديگران بنا کنيم."

اگر بخواید جنبه پلیدی باید خود را واقعی جلوه دهید، بپذیرید که "من بدون اشتباه نیستم". آدم طبیعی دوست دلتنی است. حتی ممکن است دردنی صحبت کردن از خجالت سرخ شوید، اما هیچ اشکالی ندارد، بگذارید تا سرخ شوید. این برای طبیعی یک احساس است که در همه ما وجود دارد. کسی که راحت احساس را بروز می دهد و نظر دیگران را نمی داند دوست داشتنی جلوه می کند. حتی باعث می شود دیگران هم با شما راحت باشند.

دوروتی بریگز

"وقتی حساسیت خود را مخفی می دیم، ل خود را نگران بیکه می بینیم. نهایی ما یک مونسبی است."

باید بپذیرید که شما هم مثل تمام انسان های دیگر، حق دارید از چیزی خوشتان بیاید و یا از چیزی اجتناب کنید. شما هم گاهی حساسیت نهایی می کنید، گاهی نه به کسی خشمگین و عصبانی می شوید، گاهی دلخور می شوید و گاهی هم احساس گناه می کنید. اینها همه احساساتی طبیعی هستند که باید آنها را به بهترین وجه ابراز کنید. باید راه را برای بروز تمام این احساسات باز کنید، اکثر بیماری های جسمی و روحی از انباشته شدن همین احساسات مختلف بر روی هم و تخلیه نشدن آنها نشی می شود. بی نهایت روزی که امروزه شاهد افزایش افسردگی و طردن وین زن ها هستیم. اگر خانم ها، وقتی احساس دلتنگی و یا افسردگی می کنند جلوی گریه کردن خود را می گیرند و سعی می کنند تا خود را نزد دیگران شاد و خوشحال جلوه دهند.

یک نویسنده

"کسانی که بلد نیستند از ته دل گریه کنند، از ته دل خندیدن را نیز بلد نیستند."

جایی خشم خود را می گوید و این خشم را به سوی خودتان سوق می دهد، در مورد نگرانی و اضطرابتان با کسی صحبت نمی کند و همیشه تمام احساسات فک افدانی خود را نلود می کنید. در حالی که بروز دادن تمام این احساسات در جلی خونو با روشی منسلب، باعث می شود تا با حالات انسانی خود بیشتر آشنا شویم و بتوانیم در ضمن کمک گرفتن از دیگران، ارتباطات خود را نیز وسعت بخشیم.

6- **با دیگران نه نصلقاته رفتار کنید.** به این مهم توجه داشته باشید که درست است همیشه، باید صادقانه حرف بزنید، اما صداقت همیشه باید با درایت همراه باشد، ما عادت داریم صداقت را با صراحت یکی بدانیم. صداقت در مرلیم معارفه - یا اصطلاح خواستگاری - به معنی دروغ و راست نیست، بلکه به این معنی است که چه چیزی را باید بگویید و چه چیزی را نگویید. مابق دلایم بعضی چیزها را نگوییم اما اگر چیزی را گفتیم حق نداریم دروغ بگوییم. لازم نیست همه چیز و همه جنبه ول گفته شود. شما اگر یک عیب واضح و مهم دارید آن را نپوشانید بلکه زیکا نه بیل کنید، اما عیب های خونی خود را - که شاید اصلاً عیب نباشد - لازم نیست در همان جلسه اول خواستگاری بیل کنید. خواستگاری نباید به یک جلسه محدود شود. وقتی مردی بهتر و بیشتر شما را شناخت و با خصایص شما آشنا شد بهتر هم می تواند پذیرای عیب شما باشد.

7- **لام نیت به طلاح زیاد از خود مایه بگذارید و حقوق خود را نادیده بگیرید.** اگر طرف مقابل رفتاری داشت که دوست داشتید اما حق دراید با متانت و وقار حرف خود را بزنید و خود را دست کم نگیرید. هیچ گاه خود را دونه و نشی ندهید، دروغ را نصرت لحدالین که او خود را از شما دور کند، زیاد خواهد شد. هیچ وقت از این که ممکن است او را از دست بدهید، نترسید. این ترس می تواند آن چنان شما را مسحور او کند و دیده عفتان را کور کند که اثر بدی روی رفتار ظاهری شما داشته باشد و همه چیز را به هم بریزد. کلا در تمام لطات - و از جمله هونگام خد لاطی - باید طوری رفتار و صحبت کنید که نشان دهید از طرفی برای

شخصیت او به عنوان يك انسان احترام قائلید و از طرفي هم داراي اعتماد به نفس هستيد و براي رفتار خود حد و دوي قائل مي بشويد. رفتار شما بايد درك تول خودتان باشد. بايد هر وقت تصميم گرفتيد خداحافظي كنيد ، نه اين كه آنقدر صحبت را طول بدهيد كه طرف خسته شود و يا اگر ضعفي در شماست، به آن پي برد.

8- در مورد راهاي انتخاب دوست و شي هاي ناخشنود مقبل ، بيشتر بررسي كنيد تا اگر بعد از تمام انشاي ها به ورسيديد ، روي و انتخاب خود پديد نشويد. براي اين كه انتخاب درستي انجام دهيد بايد احساسات خود را كنترل كنيد.



آنا تول فرانس

"هرگز به احساساتي كه در اولين برخورد از كسي پيدا مي شود، نسنجيده اعتماد نكنيد."

گرچه حساسيت خود بيش از اندازه فرصت بروز بدهيد باعث مي شود نتوانيد طرف مقابل را به خوبي بشناسيد و ندانسته از او قهرماني افسانه اي براي خود مي سازيد كه احساسات شما را جريحه دار مي كند.

نكته مهمي كه لازم است همهي نرها به آن توجه كنند اين است كه "تا وقتي سر سفره عقد نشسته ايد، به كي نزنديد". رگد لبيگي مي تواند در روز و زنگشمة آتير بسيار مخرب باشد. كم نسنجد نذراني كه به خطر اين وابستگي شديد، حتي سر از بيمارستان در آورده اند. احساس شما هميشه بايد در كنترل شما باشد.

بيلي هالدي

"گاهي اوقات برنده شدن از باختن، بدتر است."

وابستگي داشتن، قدرت تفكر شما را محدود مي كند، طوري كه با هر بار ناكام شدن، تمام دنيا روي سرتان خراب مي شود ؛ اما اگر وابسته نباشيد، توانيد عثر فترا طومقالي را بهتر درك كنيد و در رفتارتان، آرامش بيش تري داشته بشويد. به جهن بد بن نبليد، شما خودتان را تغيير دهيد، مطمئن باشيد جهان هم خودش را براي شما تغيير خواهد داد و با و ان تعيد يا قن خودت انقدر صمم بشويد كه موانع را از سر راه موفقيت خود برداريد.

روزولت

"تا هنگامي كه در قلب خود احساس مي كني حق با توست، هرگز از حرف ديگران دلتنگ مباش."

هي در مورد لوج هم فعلا نه برخورد كيد، نه منفعلانه. شما مي توانيد انسان بسيار جالب تري باشيد طوري كه ديگران به شما غبطه بخورند.

لزوم مشاوره ازدواج در رابطه با شغل همسر

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت چهاردهم)



در قسمت قبل به نقش شغل در تداوم زندگی زن‌شویی پرداختیم. اینک در ادامه می‌خوانیم

یکی از عواملی که مشاوران در رابطه با همسر گزینی باید مورد توجه قرار دهند، "شغل" است.

نخترل یا پیرل در انتخاب همسر به شغل طرف مقابل اهمیت می‌دهند و اطلاعات لازم را در این مورد به دست می‌آورند. هنگامی که پیرل برای خواست‌نگاری یا آشنایی با یک دختر به منظور ازدواج وارد عمل می‌شود، نخستین چیزی که نختر در مورد او جویا خواهد شد، شغل او است. بهترین کمکی که مشاور در مورد شغل همسر می‌تواند انجام دهد، دادن اطلاعات لازم و مورد آن شغل و بررسی نگرش مراجع در رابطه با آن، از جهت میزان درآمد مورد نظرش و ... می‌باشد.

نخترانی که به علت علاقه فقط به یک شغل ممکن است تحت تأثیر آن، سایر عوامل مؤثر در ازدواج را نادیده بگیرند، باید مورد مشاوره قرار گیرند.



فربساری از موارد شغل شوهر و عدم اطلاع کافی دختر، موجب ازدواجی می‌شود که فرجام آن رضایت بخش نیست. و این موارد شغل باید در زمینه شغل مزبور به مرجعی که تحت تأثیر شغل مرد قرار گرفته و می‌خواهد با او ازدواج کند، اطلاع کافی بدهد و به علاوه سایر عوامل مؤثر در ازدواج را نیز (به همان اندازه که شغل را مطرح می‌سازد) مورد توجه قرار دهد تا مراجع با بصیرت تصمیم‌گیری نماید.

بسی از زنان و مشاوران که لیبیل خطی دارند، مانند لیل ظامی، زیرویه‌وایی، ویدایی، روحی و ... خوشن می‌آید و شک تلو لیل مبحث به ازدواج می‌نمایند. و این موارد شغل باید آنرا را به سایر عوامل مؤثر در ازدواج توجه دهد تا تصمیم‌گیری عجولانه ننمایند.

در مورچنق ازدواجی مشاور باید اهمیت عاملی را که در نظر مراجع به صورت غیر واقعی او را تحت تأثیر قرار داده است در حد واقعی پائی بیاورد و او را متوجه سن و خلاق و سایر عوامل مؤثر در ازدواج نماید تا عاقلانه تصمیم‌گیری کند.

مرداني هستند كه به طرف زنان شاغل مي روند و هدفشان از اين ازدواج حقوق و درآمد زن است كه به زندگي آنان كمك كند. مشاوراني اين قبلي بودن به ايد هدف از ويرا تبيين كند و عم نتيجه به ساير عوامل و عواقب آن را طرح نمايد؛ به نحوه اين موضوع اكه ممكن است زن درآمد خود را در اختيار خانواده قرار نهد با مراجع در ميان بگذارد. در موارد زيادي مراجع در تصميم خود تغيير مي دهد؛ ولي چنانچه مسئله درآمد زن به راي مهم بقد و زوج سرگيرد؛ احتمال زيادي وجود دارد كه نظر مرد تأمين نگردد و ناشادي بر زندگي حاكم شود.

مردان يازنان كه به خاطر موقعيت شغلي همسوي موقعيت شغلي پدر و همسر، يا به خاطر رسيدن به هدف هاي شخصي و احدايي خود، اقدام به ازدواج مي كنند؛ زندگي را به خاطر هدف هاي غير واقعي باخته اند. از جمله اين موارد:

- مرد يا زني كه با يك فرد جانباز به خاطر مزايای مادي، تحصيلي و يا اجتماعي او ازدواج مي كند و وقتي به هدفش رسيد ديگر همسرش براي او اعتباري ندارد.
- شخصي كه به منظور استفاده از اعتبار شغلي و موقعيت اجتماعي پدر دختر با او ازدواج مي كند.
- مرددي كه به خاطر اشتغال براي گرفتن مجوز اقامت در يك كشور با يك زن خارجي ازدواج مي كند.
- و اين قبلي مردد شور با يادنان ا بلسف هلي ازدواج لثب زن از زكي زتويي توجه مدوبا بررسي هاي همه جانبه با مراجعان، هدف انتخابي آنان را در جهت صواب تغيير دهد.
- مرجعاني كه اظهل هي دارند شفي شهر و اثيل مهم نيت؛ بلكه آنچه مهم سلت فرهنگ و اخلاق است. مشدو بايد اين گونه مراجعان كه به يك يا چند عامل مؤثر در ازدواج توجه دارند، به اهميت ساير عوامل توجه دهد و آنان را با عواقب ناخوشايند نادیده گرفتن ساير عوامل مواجه سازد.



خانواده هاي دو شغله

كساني هستند كه پس از ازدواج براي كسب درآمد بيشتر به بيش از يك شغل رو مي آورند. گاه ممكن است زن و مرد و دودراني نوئل بلندفچن ا ن خايظه هاشي رحت مول تلاي كذ ابغ خسته لد و فيت رسيگي به ذيول هي همسرش را ت رند. شتقلال خلواده به بيش از يك شغل، گاه به علت نياز است و گاه به علاقه به كلا يا دص به درآمد بيشتر. در صورت اول شايد علت موجه و براي رفاه خانواده قابل توجه بدد؛ ولي و حالتوم به هيچ وجه شتغال ضرورت ندارد و موجب مي شود كه زندگي خانواده حالت سرد و بي روح داشته باشد و چه بسا كه به علل مختلف به ناسازگاري ها و ناهنجاري هاي ديگري نيز بيانجامد.

مشاوران باید و ان گونه وارد ، و لجعل خود را متوجه این نکته شود که تلاش بی نهایت هفتای
زندگی را تکامل و رشد و اکثر و زحمت و کسب درآمد بدیده بی و بی حصول به هدف های
زندگی است.

تأثیر شغل در تداوم یک زندگی

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت سیزدهم)



در قسمت قبل در مورد سن مناسب ازدواج صحبت کردیم. اینک در ادامه می خوانیم ...

یکی از عواملی که در موفقیت یا عدم موفقیت یک زندگی نقش دارد نوع شغل است. بعضی وقت ها می بینیم که بعضی از مردان و زنان به دلیل شغل خود در خارج از کشور به سر می آورند و بعضی از مردان و زنان به دلیل شغل خود در کشور به سر می آورند. این موضوع نشان می دهد که شغل در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در مورد شغل شوهر آنچه مهم است تأمین نظر دختر است. در این زمینه موارد زیر قابل توجه است:

1- دخترانی هستند که به سطح شغلی اهمیت می دهند. از نظر آنان نوع شغل مهم نیست. آنها همیشه مهندس، دکتر، حقوق دان و مشاغل را می پسندند که در نظر وجهه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند و گاه اظهار می دارند که مثلاً " لوله کشی هم شغل است " ، این عده نجاری یا بنایی و یا سیم کشی و نظایر آن را که از نظر سطح درآمد ممکن است بسیار بالا هم باشد نمی پسندند.

2- برخی از دختران سطح شغل مطرح نیست؛ آنان همسری می خواهند که امکانات رفاهی آنان را فراهم کند و درآمدی کمی نداشته باشد. بعضی نیز درآمد و سطح شغل برایشان مهم نیست ولی می خواهند شوهرشان شغلی داشته باشد که تمیز باشد همیشه اظهار می دارند که شوهر روغن مالیده پا بر از خاک و گچ نمی خواهند (منظور تعمیر کار یا بنا و گچ کار است).



3- زنان شاغلی هم هستند که می خواهند شوهرشان در حوزه شغلی خود آنان کار کند.

به عنوان مثال اگر زن آموزگار باشد؛ می خواهد شوهرش دبیر یا استاد باشد یا اگر پرستار است ، شوهرش پزشک باشد. نکته قابل توجه این است که اکثر زنان می خواهند شوهرشان از نظر سطح شغلی پایین تر از آنان باشد.

4- بعضی از دختران تحت تأثیر پیوندهای هیئت تولید و سرمایه ، شوهر هنرمند می خواهند. در این جا این نکته قابل ذکر است که این تمایل ممکن است تحت تأثیر عوامل احساسی موقتی باشد، لذا مشاوران در کمک به

انتخاب‌ها و بیان گونه‌های مختلف باید برپایه نیازها و اهداف و چنانچه رغبت و علاقه آنان به
 احسالی داشته باشد و لاجرم متوجه علاقه واقعی او بنمایند. گاه ممکن است اجرای تست بتواند به این موضوع
 کمک کند. در این صورت با پیشنهاد و قبول مراجع می‌توان از آزمون نیز استفاده کرد.

5- و بالاخره برپایه گروهی از دختران شغل‌های پیشنهادی برایشان مهم نیست و به سایر عوامل مؤثر در ازدواج از
 جمله مسائل فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی توجه بیشتری دارند.

با و نظر گرفتن مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که در انتخاب شوهر در ارتباط با شغل موارد زیر باید مورد
 توجه قرار گیرد:

- نوع شغل؛
- محل شغل؛
- میزان درآمد؛
- سطح شغل.



نگرش شوهر درباره شغل زن

بعضی از والدین با اشتغال همسرشان در خارج از خانه مخالفت می‌کنند و به دنبال زنی هستند که فقط خانه دار
 باشد و برپایه این مسئله به قوی نگه دارند که آن را جزء شواهد لازم برای قرار می‌دهند. در مقابل مردانی نیز
 هستند که می‌خواهند همسر آنان شاغل باشد و نظر اصلیشان از این اشتغال کسب درآمد است که کمک هزینه خانه
 باشد. بعضی هم کم‌درآمد و گرفتار حقوق و پاشان مهم نیست؛ هدف آنان از اشتغال همسر در خارج از خانه
 آن است که با جمع‌آوری پول نقد و اجتمعی تر باشد و از زن خانه دار به عنوان زن عقب افتاده و منزوی یاد
 می‌کنند.

لحظه و مورد فوق، بجهت دیگری از اشتغال زن و بی‌زن مطرح است که به ذکر نمونه‌هایی مبادرت می
 شود:

- 1- مردانی هستند که می‌دانند همسرانشان فقط در محل کار می‌باشند و آن‌ها را به بلختران یا رکنند مثل
 آموزگاری یا دبیری مدارس دخترانه.
 - 2- برپایه گروهی از مردان نوع کار همسرشان مهم نیست؛ ولی تمایل دارند که همسرشان در کارهای نیمه وقت
 شاغل باشد که به کار خانه نیز برسد.
 - 3- بعضی از مردان می‌دانند همسرشان در محیط کار خود آنان شاغل باشد. مثلاً اگر خودش پزشک است همسرش
 پرستار یا ماما باشد.
 - 4- بعضی از مردان زنی را می‌خواهند که علاوه بر خانه داری در خانه، در محلی نزدیک خانه به کار دیگری
 نظیر خیاطی یا آرایشگری اشتغال داشته باشد.
- با توجه به مطلب بالا می‌توان نتیجه گرفت که نگرش مرد در مورد اشتغال زن در ازدواج باید مورد توجه قرار
 گیرد و شغل و درآمد و به خصوص و زمین انتخاب، آگاهی و بینش لازم را بدهند و وضعی پیش
 نیاید که این مسئله مهم در زمان گزینش همسر تحت تأثیر عوامل دیگر نادیده گرفته شود.

نقش عوامل جسماني و ژنتيكي در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت پانزدهم)



در قسمت قبل به لزوم مشاوره قبل از ازدواج در مورد شغل همسر پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

یکی از عواملی که در ازدواج نقش مهمی دارد، قیافه ظاهری و وضع جسمانی همسر می باشد. بعضی از قد بلند و اندام بزرگ خوششان می آید، عده ای چاق می پسندند و بالاخره بعضی از ابروی پیوسته و بینی کشیده و برخی از می جمع و چشم های صورت گرد و دهانی چله بوللیو اندام موزن می پسندند. با این که زیبایی ظاهری ممکن است دایم نداشته باشد و به زودی چهره خود را به قیافه و وضع جدیدی بدهد؛ معذالک فردی که می خواهد با کسی یک عمر زندگی کند، باید از قیافه او خوشش بیاید. علاوه بر این، مسئله ژنتیک از نظر داشتن فرزندان سالم و بهوش از اهمیت زیادی برخوردار است. بعضی از مردان کوتاه قد زن بلند قد می گیرند که بچه های آنان قد کوتاهی خواهند شد و می توانند نوزادان کم وزن و کم وزن را به دنیا آورند. از طرفی ازدواج های فامیلی که احتمال تولید بچه های معلول و نندالو یا کورین و عقب مانده ذهنی در آنها زیاده است، مسئله ای است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ازدواج و رابطه آن با قیافه ظاهری

یکی از عواملی که پدر و دختر بدان توجه می دارند، قیافه ظاهر و سلامت جسمانی است. بعضی از پسران که خود قیافه تندیابی دارند توجه خاص به دختران زیبا دارند؛ عکس این حالت نیز ممکن است اتفاق بیفتد. البته زیبایی و ژنتیکی قراردادی است و از دیدگاه های مختلف فرق می کند؛ ولی آنچه مطلوب جامعه است معمولاً به صورت مد مطرح می شود؛ مثلاً ممکن است زمانیکه اندام بلند و باریک برای دختران و قد بلند و چهارشانه برای مردان مد روز شود و زمانی دیگر که موی و اندام چاق و پهن و قد بلند و اندام بزرگ برطرف شود. بنابراین زیبایی و پیرامون مد می گردد و صورتی که با مطالب بیشتری پیدا می کند. مسئله زیبایی، خود جثه مفصلی دارد که همین مقوله نمی گنجد. به هر حال در ازدواج دیدگاه طرفین در پذیرش و اقتناع یکدیگر از لحاظ وضعیت جسمانی مهم است.

بسیار مهم دیگر سلامت جسم (از نظر بیماری و معلولیت) است. ممکن است مرد یا زنی معلول (مثلاً لنگ، کور، بی دست) باشد یا به بیماری های قلبی، کمردرد و غیره مبتلا باشد. در این موارد ممکن است ازدواج با معلول دیگر را باعث شلخته شدن مشکل ایجاد نکند؛ ولی چنانچه فرد سالمی بخواهد با فرد معلول یا بیمار ازدواج

کند. باید وضعیت بیول با تلم خصوصیت و بی طرف مقابل بازگو شود، تا قبول ازدواج با آگاهی و بصیرت کاملی انجام گیرد. در غیر این صورت پس از مدتی احتمال سرد شدن روابط و بالاخره از هم گسیختن خانواده می رود.



نمونه هایی از ازدواج های ناموفق در این زمینه ذکر می شود:

- بعضی از دختران و پسران شیفته وضعیت ظاهر طرف مقابل می شوند و سایر عوامل را نادیده می گیرند. این حالت نیز می تواند مدتی که عوالم دیگر اهمیت خود را از دست می دهند و عمل زیبایی در مرحله بعد قرار می گیرد، خوشی و شطرا از خانواده می گود و چه بد آکه زندگی گرم و پر شور و لایه به سردی گراید. خطر دیگری که در مورد تکیه بر زیبایی وجود دارد آن است که زیبایی جنبه ثابت و دایمی ندارد؛ و می تواند در اثر یک حادثه و یا در طول زمان یا بر اثر وجود یک بیماری از بین برود و به زندگی شاد ناشویی آسیب برساند.

مشکل دیگری که وزیر و بلو وجود دارد آن است که آنان ممکن است به اتکاء جمال خود، از خود راضی و خویشتن بار آید و چه بسا فرصت هلی ناسی را که در ژانچ بری آتی پیدایش آید، از دست بدهند و یا در زندگی زناشویی زیبایی خود را به رخ همسر خویش بکشند و احیاناً او را تحقیر کنند و خود را در مرتبه بالاتری قرار دهند. این حالت ممکن است برای شوهر زجر آور باشد و زندگی را به سردی و ناشادی سوق دهد.

مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل جسمانی و ژنتیکی

واجبی که در زمینه و جسمی و ژنتیکی به مشاور می کند، نمی های را مسائل زیر را مطرح می کنند:

- مری باقیافه معمولی دختری بسیار زیبا را برای ازدواج در نظر می گیرد، و دختر نیز با این وصلت موافق است. آیا این ازدواج پایا و عاقبت بخیر خواهد بود؟
- مری قد بلند، زنی کوتاه قد انتخاب می کند؛ به این امید که بچه هایش متوسط القامه شوند. آیا این انتخاب با این هدف مناسب است؟
- دختری قد بلند، پسری کوتاه قد را برای ازدواج انتخاب می کند؛ تا او در برابرش احساس حقارت کند و دختر در خانه، تعیین کننده باشد.
- پسوی چاق و جسّی را با لاغری بزرگ اندام لختا به آرزوی خود (لاغری) در همسرش نایل گردد.
- پسر با بدنی و دختر با پسر خاله به این اعتقاد که عقد فامیل های نزدیک در عرش بسته می شود، قصد ازدواج دارند. از نظر ژنتیک چه مشکلی وجود دارد؟
- دختر یا پسری که از نظر ارثی مرض قند دارد، قصد ازدواج دارند. آیا چنین انتخابی مناسب است؟



مشاور در مقابل موارد فوق چه باید بکند؟

هر یک از این موارد نیاز به بررسی دارد؛ بررسی از نظر شرایط و مقتضیات و از نظر خصوصیات فردی. از آن رو می توان برای همه آنها حکم واحد صادر کرد. حکم عمومی درباره مشکلات انسانی نظیر پزشکی است که بسیار زیاد داشت؛ آنها را دسته بندی کرد؛ به همه تب دارها، یک نسخه و به شکم دردها نسخه دیگری داد و خلاصه آن که همه بیماران را با پنج نسخه ویزیت کرد!

در برابر هر یک از موارد مطروحه بالا باید به طور ویژه عمل نمود:

- مری که در قبال زیبایی بی حد زن آینده اش حساسیت دارد و چنین فکر می کند که این ازدواج به علت امتیاز زیبایی همسرش پلای و عاقبت به خیر خواهد بود: باید موضوع از جهات مختلف بررسی و با موارد موفق مشابه مقایسه شود تا در مراجع این حساسیت از بین برود و بتواند عاقلانه تصمیم بگیرد.

- راجع به مردی که زن کوتله قد انتخاب کرده تا بچه هایشان متوسط القامه باشند: باید از او سوال کرد که علم و اطلاع و زمینه این موضوع را از چه منبعی دریافت نموده است. وانگهی آیا هدف ازدواج، داشتن بچه متوسط القامه است؟

- دختر قد بلندی که قصد دارد با پسر کوتاه قد به خطر تسلط بر او ازدواج کند. آیا هدفش حاصل شود و اصولاً غرض از ازدواج "تسلط بر شوهر" است؟

شور باید این موارد را با مشارک و اجعتل ر جهت حذف و بیی کد تا آنها بتوانند با آگاهی، تصمیم بگیرند.

- در و او پسر چاقی که می خواهد با دختری باریک اندام به خاطر ارضای آرزوهای خود ازدواج کند: مشاور باید با مراجع موضوع از بیلی کند و بگوید بیضی این راز و چید فیرای او دارد. و انگهی این هل چنانچه با رعایت جوانب دیگر انجام نشود، ممکن است زندگی وی را به تباهی بکشاند.

- زوجه پسر عمو با دختر عمو و دخترخاله با پسرخاله به علل ژنتیکی بهتر است انجام نگیرد ولی چنانچه عشق و عشقی اخلاص هر را ضو هی سرد، باید قلی ل زوجه با مراجعه به یک متخصص، مشاوره ژنتیکی صورت گیرد و سپس مراجع تصمیم خود را بگیرد.

- و مورد دختر یا پسر که وضعی لته یا بیماری ژنتی دارد: اولاً مشاور باید ببیند آیا بیماری او خطرناک است؟ ثانیاً این بیماری به بچه ها نیز منتقل می شود یا خیر؟ به هر حال بهتر است در مورد ازدواج چنین دختر و پسر بررسی پزشکی و تحقیق لازم انجام گیرد. چنانچه بیماری برای خود فرد خطری نداشته و قابل انتقال به بچه ها نباشد؛ از نظر ازدواج مشکلی وجود نخواهد داشت.

- نظر به آن که قیفه ظاهری عاملی عینی لته و زیبایی جالبه بسیاری برای ازدواج دارد، بنابراین احتمال دارد که پسر یا دختر با عشق و علاقه افراطی، دیگر عوامل مؤثر در ازدواج را کنار بگذارند و تنها با توجه به زیبایی بهوی ز نلوی کشید شونند. و اینوار دوطیفه مشاور لته که با شکی جاسلتمشاوره و بررسی هی همه جا ذبه و مولج کرنلج با ازو لجه هی مشابه ناموفق، شق و واهی وی را تعدیل

نماید. چشم واقع بین ربرلي دینء وامل مختلف مؤثرر ز نسلبي، فعل نملي تا صميم گیر ي و انتخاب همسر، عاقلانه و با توجه به جهات مختلف انجام گیرد.

مطلب کلام آنکه مدور بايد هر در را با شدوکت مراجع از جمع جهت برري کند، با موارد دیگر مقایسه کند و نتاچ کل را هو اقدم ثني يني نماید. تا بالاخره مراجع با کسب اطلاع و تفکر و بصیرت به تصمیم گیری مناسب نائل گردد.

تغییر دادن شخصیت همسر پس از ازدواج



اغلب به دخترتل و پسرل بي آموزند که با فردي ازدواج کن که پس از ازدواج شخصیت او را آن طور که مي خواهي تیرو بهي. بايد به اين عده گفت شايد همسر شما دچار يك نوع ضعف اخلاقي باشد که پس از [ازدواج](#) با دلگرم کن او به زندگي خا فوادي بتوانيد نأ صغرا و ل ر بن بيريد. لما عدل لت يوانيد شخصیت فدي لک نفر را عرض کنید. زو ا ژهمل ورن کوي قملی دیده ها و شنیده ها و اندرزها در فرم دادن به شخصیت و ثق اساسي دارند. پس چطور مي است شما بتوانيد کسي را مجبور کنید تمامی خاطرات ذهني خود را که و طول زندگي و هن او ا تبسته شده سلت از خود دور کند و از او شخص دیگری آنطور که شما مایلید بسازد.



البته هماظر که و ابتدا نکر شد گاهي بعضي از اخلاق و رفتارهاي غلط آدمي بر اثر عدم آگاهي است که اگر نسبت به آن مسائلي گاهي و شنخت پیدا کدد یگران رفت و لي غظرا نکرل نمي کند. ضمناً فرد وقتي قادر لت چنین تغییر اتي در خود بهد که نیاز به تغییر را احساس کرده باشد. پس نباید فراموش کرد که باید کسي را برليز ننگي انت خلب کرد که دور از عوئل هي لجماعي و تيپ ظاهر، از نظر عقيدتي اشتراك زيادي با شما داشته باشد.

مواردی که طی مراسم عروسی باید در نظر گرفته شود

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت هفدهم)



در قسمت قبل به بررسی برخی مراحل قبل از عروسی پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم ...

سپه را صمیم گیري و ملي عروسي، چنانچه ميعني بري عقد و پيشه و دوستان و آشنایان دعوت شده باشند دیگر جشن عقد ضرورت ندارد. و این صورت دختر و پسر با تمهید مقدمات به سفر می روند و به اصطلاح ماه عسل را می گویانند و به خله بخت برمی گردند. اما اگر مراسم عقد بدون جشن یا به طور مختصر برگزار شده باشد، معمولاً جشنی برای اطلاع دوستان و آشنایان برپا می شود و زن و شوهر به خانه بخت می روند. نکته قبل توجه را اینجا، آن است که مراسم عروسی باید ساده و کم هزینه با شرکت اقوام و خویشاوندان و دوستان و طب انجام شود. مهیه ملی سنگین، ثویفک، پیهینه و جیهیه های پر بها موانع مهمی در راه [ازدواج](#) است و گاه موجب می شود که زن و مرد به مدت هزینه های انجام شده با کوله باری از قرض و قسط به خانه بخت بروند و پس از چند روز ناسازگاری های ناشی از مشکلات مالی آغاز می شود.

مورک مختلفي بود و دکمه پل مله ولبه [ازدواج](#)، گری زندگی نشوی به سچ می گراید و نلساز گلی بروز می کند. در این موارد مراجعه به [مشاور](#) خانواده می تواند کارساز باشد. نکته مهمی که در این زمینه باید مرد نتیجه قی گیرد، آن است که بسیاری از مشکلات قابل حل است و بیشتر اختلافات، سطحی و نثلی پیوند و شخصیت فلت است که به تدریج باید خود را با شرایط جدید هماهنگ سازند؛ ولی چنانچه مشکلات حاد و غیر قابل حلی در زندگی زناشویی پیدا شود، قبل از آن که با گذشت زمان و تولد [فرزند](#) راه جدایی مشکل گردد؛ باید چاره اندیشی شود. چاره حل مشکلات زناشویی متفاوت است و تنها زمانی که به بن بست برسد گره گد اطلاق و جدایی است؛ این امر زمانی تجویز می شود که شرایط زندگی زناشویی با شرایط طلاق مقایسه و چم اندر آینده قی بررسی شود. چنانچه نتیجه حاصل طاق و جدایی را چاره ساز دانست، این عمل هر چه سریع تر باید انجام گیرد.



نقش مشاور در رابطه با جهیزیه و تشریفات عقد و عروسی

مذله جهیزیه و هزینه های سنگین عقد و عروسی و پاره ای از موارد مانع بزرگی برای انجام ازدواج است. چنانچه مشاور به جایی برسد که کلیه عوامل برای ازدواج مساعد است ولی تهیه جهیزیه و انجام مراسم عقد و عروسی و ابروف و ختنه پوم و سر نیت، مشاور باید در این مورد با تشکیل جلسات مشاوره با شرکت ختنه و پیر و در مراحل بعد با شرکت آنها و خویشاوندان نزدیک، طرفین را برای تهیه وسایل مختصر زنجیر و نگار و گزای و سله و کم هزینه ای در پی عقد و عروسی آسان سازد تا از دگرگون شدن آنها با امکان گفتگو و با شایسته و صدفی کاری شروع شود؛ سپس برای تهیه تدریجی وسایل لازم، اقدامات لازم به عمل آید.



توصیه به دختران و خانواده ها

ازدواج سودی است و اقامه سر و شست ساز. نه توئی با فلسفه " هیچ بقی آید خوش لید"، عمر را بخت. تلم و احلی که و بی رواج تعیین شده باید با کمال دقت پی شود. مرحله بررسی و شناخت، برای انداختن از اهمیت خطی برخورد دلالت. و این مرحله باید از روش های مستقیم و غیرمستقیم استفاده شود و زمانی کافی برای آشنایی با دوستان و آشنایان دو طرف و تماس های مستقیم با فرد مورد نظر در اختیار باشد. باید زمینه های اجتماعی، سطح تحصیلات، مسائل اقتصادی، سن، شغل، عوامل جسمانی و از همه مهمتر عوامل اخلاقی، روانی و فرهنگی در دو خانواده از دوستان و اقوام و بستگان دختر و پسر بررسی شود، و در صورت هماهنگی، و حل بعضی از موانع عقد و عروسی انجام گیرد. انتخاب از راه و یا انتخاب شتابزده سرنوشت زندگی را به دست شانس و اقبال می سپارد و احتمال یک ازدواج موفق را کاهش می دهد.



مشاوره در رابطه با مراحل ازدواج

برای آن جام زانو و طی مولی و در نه لتضمیم گئی منب، مشورن می وند به مراجعان خود کمک های مؤثری بنمایند. از جمله مواردی که مشاوران در این زمینه اقدام می کنند، به شرح زیر است:

1- مشاوران روابط با انتخاب همسر باید کدام دایه مراحل ازدواج را توصیه نمایند. زیرا احتمال دقیق ازدواج های شتابزده کمتر است.

2- مهم ترین مرحله ازدواج، " مطالعه و بی انتخاب" است. و این مرحله مشاوران باید مراجعان خود را در زمینه شناخت خود و همسر آینده کمک کنند و به آنان تفهیم نمایند که برای شناخت همسر از ابعاد مختلف و از کلیه امکانات استفاده نمایند.

3- یکی از مواردی که شخصی ممکن است به انتخاب مناسب نرسد؛ نگرش یک بعدی است. منظور حالتی است که شخص با پورتکت آذ و یک جنبه مثبت و شلی به انتخاب پردا زد و سا و ابعاد را نادیده بگیرد. در این موارد مشاور باید توجه مراجع خود را به کلیه عوامل جلب نماید و او را در بررسی های لازم کمک کند.

4- یکی از مراجعان در مرحله شناخت خط به رشی های غیر مستقیم گفتا می کنند و در مرحله روش های مستقیم به علت اعتقادات خاص مذهبی یا حجب و حیای شخصی متوقف می شوند و براساس اطلاعات به دست آمده از رشی های غیر مستقیم تصمیم گیری می نمایند. چون روش های غیر مستقیم برای شناخت همسر کفایت نمی کند. بنابراین مشاوران باید مراجعان خود را برای مطالعات مستقیم توجیه و ترغیب نمایند.

5- نظر به این که علاوه بر همسر، پدر و مادر و خویشاوندان نیز در زندگی زوجین نقش مهمی به عهده دارند، بنابراین مشاوران باید در طالع مک مراحل عقل زوچ موجب خود را به مقت با پدر و مادر و خویشاوندان همسر آینده خود (برای شناسایی در حد روابط بعدی آنان) ترغیب نمایند.

6- مشاوران باید مراجعان را خود را به این نکته قجه دهند که پس از قبول خواستگاری، کلیه مراحل و شرایط به بی ازوچ را به صورت ساده و کم هزینه برگزار نمایند و وضعی پیش نیاورند که بلافاصله پس از خویله نگاری، عجلاته و به سادگی به خانه شوهر بروند. این وضع قدر و ارزش آنان را در نظر شوهر کاهش خواهد داد.

7- روابط و لایه های زوچ و قلی از چه دل شین، چنچه حسیل شد شرایط ادامه زندگی ست سلت و سؤنگی و تفاهم وجود ندارد و آینه نو مشدک به بن بست می رسد، مشاوران می توانند با بررسی های لازم و اجتناب خود را قبل از ایجاد معضلات بعدی برای جدایی آماده نمایند. البته باید توجه داشته باشند که طلاق و طلاق داده های که با مسائل مختلف ساخته و بچه دار شده اند، بسیار مشکل و دردناک است. بدیهی است چون به اصطلاح پردلک به بیگی افرا می طلبد، بنابراین تجویز آن زمانی انجام خواهد گرفت که هیچ راه گریزی در بن بست زندگی وجود نداشته باشد.

فرایند ازدواج و مراحل آن

لرزم مشاوره در ازدواج (قسمت شانزدهم)



در قسمت قبل به لزوم مشاوره در مورد عوامل ژنتیکی و جسمانی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

در فرایند ازدواج مراحل وجود دارد که اگر به درستی انجام گیرد، تداوم و استحکام زناشویی را در پی خواهد داشت. این مراحل عبارت اند از:

- بررسی برای انتخاب همسر

- برگزاری مراسم عقد

- انجام مراسم عروسی

الف: بررسی برای انتخاب همسر

در ایران رسم بر آن است که پیشنهاد ازدواج از سوی مرد انجام می شود. بعضی بر این باورند که این پدیده امتیازی برای مردان است و زن در انتخاب نقشی ندارد؛ در حالی که زن می تواند پیشنهاد را قبول یا رد کند. بنابراین پیشنهاد دادن تنها پنجاه درصد مسئله است ، قبول یا رد آن توسط دختر در واقع تعیین کننده 50% بعدی است. حال که پیشنهاد از سوی مرد انجام می گیرد، آیا این کار باید بدون مطالعه و صرف وقت و به صورت آزمایش و خطا انجام شود ؟ برخی از مردان معتقدند که "تیری به تاریکی بزیم ممکن است به هدف بخورد". در نتیجه بدون در نظر گرفتن شرایط خود ، از دختر به طور مستقیم یا غیر مستقیم خواستگاری می کنند. اما چنین ازدواج هایی فرجام خوشایندی در پی ندارد، بلکه مرد دچار مصیبت و شکایت شده و به جای زن ، بازداشتگاه و زندان نصیبش می شود. **انتخاب بدون مطالعه ، سپردن زمام زندگی به دست تصادف ، شانس و اقبال کار عاقلانه نیست.** بنابراین برای انتخاب همسر باید قبلاً بررسی های لازم انجام گیرد.

روش های مطالعه برای انتخاب همسر

روش ها و شیوه های مختلفی برای مطالعه و شناخت برای انتخاب همسر مناسب وجود دارد که می توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد:

روش های غیر مستقیم

در ابتدا براي شناخت فرد مورد نظر بايد از افراڊي كه با وي در تماس هستند اطلاعات لازم كسب شود. منافع كسب اطلاع در روش غير مستقيم عبارت اند از:

- 1- همسايگان؛
 - 2- خويشاوندان و دوستان خانواده؛
 - 3- همكاران پدر، مادر و ساير فاميل؛
 - 4- محل تحصيل و شغل؛
 - 5- همكلاسي ها و ديگر كساني كه با فرد مورد نظر سروكار دارند.
- حال سؤال اين است كه فرد مورد مطالعه را چگونه بايد پيدا كرد؟

معمولاً كسي كه مي خواهد ازدواج كند، در اطراف و جوانب به تفحص و تجسس مي پردازد و درباره ي خانواده ها و دختران زيادي كه در دانشگاه ، محل كار، معاشرت ها و مجامع آشنا شده ، بررسي مي كند. او در اين بررسي ها افراڊي را مناسب تشخيص مي دهد و براي تكميل اطلاعات خود اقدام مي كند. از آن جا كه اين اقدامات اوليه براي تأييد يا رد دختر مورد نظر او مي باشد؛ و ممكن است به قطعيت نيايچامد لذا تمام بررسي ها بايد غير مستقيم انجام گيرد.

براي انتخاب ، مرد بايد اطلاعات لازم را در زمينه هاي اجتماعي، فرهنگي، تحصيلات، وضعيت مالي، اخلاق، سن و شغل دختر كسب شود و از نظر تطبيق وضعيت با شرايط خودش بررسي هاي كافي به عمل آورد. اين بررسي ها علاوه بر دختر بايد در مورد خانواده، فاميل و خويشان و دوستان وي نيز انجام گيرد.

روش هاي مستقيم



نظر به اهميتي كه دين مقدس اسلام براي شناخت قبل از ازدواج قائل است، بررسي هاي مستقيم زن و مرد را در صورتي كه قصد ازدواج داشته باشند، مجاز دانسته است. بنا بر اين ابتدا به ذكر احاديث و فتاوي كه در اين مورد بيان گرديده مي پردازيم:

اذا القي الله في قلب امر خطبة امرأة فلا باس ان ينظر

"وقتي خداوند خواستگاري زني را به دل كسي انداخته باشد، مانعي نيست كه او را بنگرد". پيامبر اكرم (ص) (نهج الفصاحه، حديث 185)

حسن سري گوید از حضرت صادق (ع) پرسیدم، مرد جایز است قبل از ازدواج زن را به دقت ببیند، پشت سر و صورتش را نگاه کند؟ " فرمود آري مانعي ندارد كه زن مورد نظر را از پشت سر يا جلو رو ببیند."

باز مردی از آن بزرگوار سؤال کرد: " جایز است مرد موی سر و زیبایی های زنی را كه می خواهد بگیرد، ببیند؟ حضرت فرمود: اگر منظور لذت بردن نباشد، اشكال ندارد و در خبر دیگری سؤال می کنند جایز است زن بایستد تا مرد او را ببیند؟ می فرماید: آري، بلکه لباس نازك پوشیدن در آن موقع هم مانعي ندارد. "

مرحوم صاحب جواهر از علمای بزرگ شیعه می فرمایند:

" كسي كه اراده تزويج نموده ، مي تواند به صورت ، و دست ها ، موي سر و محل زينت زن نگاه كند؛ با توجه به مطالب فوق، مطالعه حضوري از نظر ديدن و كسب اطلاعات قبل از ازدواج اگر هدف ازدواج باشد نه كسب لذت، بلامانع است. چنانچه پس از بررسي هاي لازم با هدف ازدواج، مرد به جايي رسيد كه دختر مورد مطالعه اش مناسب نيست؛ در آن موقع مي تواند مطالعه روي فرد ديگري انجام دهد. اگر دختر مناسب تشخيص داده شد، اقدامات بعدي براي قبول پيشنهاد از طرف دختر و خانواده وي، انجام مي گيرد. بنابر اين پس از آن كه پسر در انتخاب مصمم شد ، موضوع به اطلاع خانواده دختر مي رسد. پس از آن، تحقيقات دختر و خانواده وي براي شناخت پسر شروع مي شود. و همان مرحلي را كه پسر طي كرده ، توسط خانواده دختر انجام مي گيرد. نتيجه بررسي ها به خانواده پسر اعلام و در صورت پذيرش پيشنهاد ، خواستگاري انجام مي شود. براي انجام اين امر معمولاً افرادي مجرب و محترم از سوي خانواده پسر و به طريق اولي پدر و مادر با اطلاع قبلي براي طرح موضوع با خانواده دختر تماس مي گيرند و جلسه اي تحت عنوان " بله برون" در خانه دختر منعقد مي گردد. در اين جلسه از سوي پدر و مادر يا بزرگان فاميل پسر، موضوع خواستگاري از دختر مطرح مي گردد و پس از قبول، قرار مراسم عقد و نامزدي گذاشته مي شود. از اين زمان به بعد و قبل از مراسم عقد معاشرت هاي خانواده دو طرف و نيز دختر و پسر كم و بيش وجود دارد؛ ولي اين وضع چندان به طول نمي كشد و مراسم عقد برگزار مي گردد.

ب: برگزاري مراسم عقد

مراسم عقد و نامزدي با جشن مختصري با شركت خویشاوندان نزديك دو طرف انجام مي گيرد. در اين مراسم صيغه شرعي عقد جاري مي شود و از اين تاريخ دختر و پسر محرم ، و شرعاً زن و شوهرند؛ ولي برابرعرف ، زمان رسمي زناشويي پس از مراسم عروسي آغاز مي شود. (معمولاً در زمان عقد ، تاريخ عروسي مشخص مي شود).

مراسم عقد بايد بدون تشريفات و با حداقل هزينه انجام گيرد. برگزاري مراسم عقد به معنای كامل ازدواج نيست.

هدف از دوره عقد عبارت است از:

1- آشنایي كامل دختر و پسر و ارزيابي نتايج و بررسي هاي مرحله اول ازدواج.

2- تصمیم گیری نهایی براساس نتایج ارزیابی شده جهت برگزاری مراسم عروسی.

برنامه های دوران عقد

دوره عقد نباید آنقدر کوتاه باشد که شناسایی لازم میسر نگردد و نه خیلی طولانی شود که در صورت تشخیص عدم مناسب بودن پیوند زناشویی، قطع آن، ضایعات بیشتری داشته باشد. دوره عقد سه ماه تا یک سال پیشنهاد می شود و به منظور تکمیل اطلاعات قبل از ازدواج انجام می گیرد.

برنامه هایی که در دوره عقد باید انجام گیرد، در دو زمینه است:



1- معاشرت دختر و پسر در حدی که سنت ایرانی ایجاب می کند (در این دوره رابطه زناشویی به معنای زمان عروسی وجود نخواهد داشت).

2- معاشرت با خانواده و خویشاوندان طرفین به منظور شناخت بیشتر و تکمیل اطلاعات زمان قبل از عقد.

هدف از معاشرت دختر و پسر شناخت طرفین از جهات مختلف می باشد. در این دوره همسران باید یکدیگر را ارزیابی نمایند و در نظر داشته باشند که آنان باید یک عمر با هم زندگی کنند و ضمن سرنوشت مشترک، دارای فرزند شوند.

معمولاً شناخت در دو بُعد انجام می گیرد: بعد عینی و بعد ذهنی؛ مطالعه عینی نظیر طبقه اجتماعی، تحصیلات، سن، مسائل اقتصادی و نظایر آن در دوره بررسی های اولیه انجام گرفته و تکمیل آن مشکلی در بر ندارد. هدف اصلی معاشرت در دوره ی عقد، شناخت ابعاد اخلاقی و روانی است که ضمن معاشرت توسط طرفین از جهات مختلف ارزیابی گردد.

هدف از معاشرت با خویشاوندان آن است که طرفین با فرهنگ و اخلاق فامیل هم آشنا گردند. خویشاوندان بخصوص اقوام درجه یک و دو در زندگی به علت معاشرت و دید و بازدیدها نقش مهمی دارند. بنابراین در دوره عقد، طرفین دید و بازدیدهایی با اقوام و خویشان خود صورت می دهند تا از این جهت بخشی از مسائلی که با زندگی آنان ارتباط دارد، ارزیابی گردد و نتایج حاصل در تصمیم گیری مورد توجه قرار گیرد.

تصمیم گیری نهایی

پس از گذراندن دوران عقد زمان تصمیم گیری نهایی فرا می رسد. چنانچه مشکل اساسی در سازش و هماهنگی در این دوران به وجود نیاید، به مبارکی و میمنت، عروسی انجام می شود و زندگی شیرین زناشویی آغاز می گردد. اما اگر بررسی در مرحله اول ازدواج به درستی انجام نشده باشد؛ و در طول دوران عقد با مطالعه تکمیلی،

طرفین به جایی برسند که مشکلات اصلی لاینحلی وجود دارد و ازدواج مناسبی نیست ؛ برگشت از نیمه راه به نفع آنها خواهد بود. مسائلی وجود دارد که پس از مدتی حل می شود؛ اما برخی از آنها مانند اعتیاد، انحرافات جنسی، و ناهنجاری های روانی به سادگی قابل حل نیست. در این گونه موارد به تمام دختران و پسران توصیه می شود که شرایط عقد را طوری قرار دهند که قبل از عروسی امکان به هم زدن عقد از هر دو طرف وجود داشته باشد. بدیهی است تا جایی که امکان سازش یا اصلاح باشد؛ به هم زدن عقد مفید فایده نخواهد بود. زیرا دختر و پسری که چند ماه باهم معاشرت و رفت و آمد داشته اند در صورت به هم زدن عقد از اعتبار و ارزش آنان (به ویژه دختر) کاسته می شود.

در اینجا چند نکته مهم قابل تذکر است:

1- با همه تجدد و غرب گرایی در برخی از خانواده ها، هنوز هم بسیاری از مردان ایرانی، زنانه را می پسندند که جلف و فرنگی مآب نباشند و پوشش و حجاب خود را رعایت کنند. این اظهار به وسیله اکثر مردان به زبان می آید که زن خوب آن است که او را آفتاب و مهتاب ندیده باشد.

2- بررسی و تحقیق در دوران قبل از عقد باید چنان کامل و با دقت انجام گیرد که احتمال به هم خوردن به حداقل برسد؛ زیرا دختری که مدتی با مردی معاشرت داشته است در ازدواج بعدی شانس یافتن همسر مناسب تر برای او کم می شود. به علاوه خود این موضوع هم برای پسر و هم برای دختر یک شکست محسوب می شود و در موقعیت های بعدی آنان اثر منفی می گذارد.

3- جدایی زمانی مجاز است که مشکلات موجود به هیچ وجه قابل اصلاح نباشد و گرنه طلاق عوارض شکننده ای نظیر احساس شکست، تأسف، عصبانیت و ناراحتی های روحی و مشکلات اجتماعی و مالی به دنبال دارد که گاه با همه ددرسرها و ناراحتی ها ، ادامه زندگی زناشویی را توجیه می نماید.

4- دختران باید توجه داشته باشند که رفتار و حرکات آنان در روزهای اولیه آشنایی و زمان عقد در اعماق روح همسر آینده آنان اثر می گذارد؛ و با توجه به این که هرگونه حرکت جلف یا لباس نامتناسب رشته ای از ریسمان غیرت مرد را پاره می کند، باید نسبت به اعمال و رفتار خود دقت لازم به خرج دهند و در نظر داشته باشند که با وجود تأثیر فرهنگ غرب در مردان ما، هنوز هم غیرت و حفظ ناموس در زوایای ذهن آنان وجود دارد. مرد ایرانی حتی اگر سالها در غرب زندگی کند زنهای بی بند و بار آنجا را نمی پسندد. اکثر آنها برای ازدواج به ایران رو می آورند و با این که ممکن است در کشور بیگانه زندگی کنند، ولی همسر خود را ایرانی (که پابند به مسائل ناموسی باشد) انتخاب می کنند.

يك همسر مناسب چه خصوصياتي دارد؟

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت نوزدهم)



در قسمت قبل به هدف هاي انحرافي ازدواج پرداختيم. اينك در ادامه مي خوانيم ...

راهنمايي و مشاوره براي انتخاب همسر مناسب

و لي آن كه معاير هاي مناسبتي براي انتخاب همسر در دست باشد ، به پاره اي از ويژگي هاي يك همسر شايفسته اشاره مي شود:

خصوصيات شوهر شايفسته

1- دينت و تقوي : شوهر ي كه متدين و با تقوي باشد، حقوق همسرش را حفظ مي كند و هيچ گاه در پي هيله ها و نكبت ها ، به او احترام مي گذارد و از هرگونه ستم احتراز (دوري) مي كند.

امام باقر (ع) مي فرمايند: " شايد تكي دلماد در تقوا و ديانت و امانت او نهفته است؛ هر كس واجد اين شرايط باشد درخواست وي را بپذيريد."

2- حسن خلق: يكي از ويژگي هاي شوهر شايفسته آن است كه از نظر اخلاقي مهربان، خوشرو و نسبت به همسرش دوستي مخلص باشد.

حضرت رسول (ص) مي فرمايند : هرگاه فردي به خواستگاري دخترتان آمد كه از نظر دين و اخلاق شما را راضي مي كرد دخترتان را به ازدواج او در آوريد.

3- قال و تلاشگر : شوهر بايد براي تأمين نياز مندي هاي مادي و معنوي خانواده اش كوشش و فعاليت نمايد. بترين شوهر كسي است كه در خانه بنشيند و همسرش را براي تهيه مايحتاج خانه به كار وا دارد.

4- عفت زبان : بيان ، يكي از عوامل تشكيل دهنده شخصيت است. كسي كه در گفتار با كلمات بيهن آميز و فحش و ناسزا ديگران را بيازارد، عفت زبان ندارد. چنين فردي قبل از هر كس همشور امودحمله قرار دهو و بر ابرو چ نيكه طلق مثلي نبلدبه

دسلز گويي مي پردازد. د ناواين، د تلتن عا زبل يکي از خدمت يک شوهر شايسته است.



5- سخاوت : فرديکه خبث و بخل را برخود و ديگران روا دارد ، شوهر خوبي نخواهد بود. بخش و فراهم کردن رفاه و توسعه دادن به زندگي خانواده از طريق مال حلال و دست و دل نا بوئ، ازخصوص بيتا يک شوهر خيانت. ته هديو کلوپراي هسر از اعمالی است که يک شوهر شايسته به مناسبت هاي مختلف انجام مي دهد.

6- مهمان نوازي : مري که نان خانه اش را کسي ندیده و در منزلش را به روي دوستان و اقوام ببندد هسرخوي نخواهد بود. انمود بايد بداد هسش که و خانه پور و مادر وگشده و با خويشا ونداش معشيتو رف و آمد شلته ، مي تواند با آنان قطع رابطه کند. بنابر اين مهمان نوازي و معاشرت با خويشاوندان از صفات يک شوهر خوب است.

7- راستگي : ه ماضير که شوهر متوقع است هسش را لسته بشد ، خوشي نيز بايد به وضع ظاهر ريسول نظر ليل و خلقت هکک لفي نمايد. خيلي ز هرا به وضع ظاهر خود توجه ندارند و هميشه مورد انتقاد و اعتراض همسر خود قرار مي گيرند.

8- مين بودن : مرد بايد از هرگونه پنهان کاري يا عدم صداقت با همسرش بري باشد؛ زن ، امنی او و لو ، لمن زن بشد. و ا نصوت لت کهز ننگي ، سعلت و هشدختي رابه دنبال خواهد داشت.

9- اصالت و نجابت خانوادگي : از ويژگي هايي که در شوهر اهميت خاص دارد ، يکي وراثت و ديگري محيط است که اصالت خانوادگي هر دو را در بر دارد. بنابر اين دختران بايد در نظر شلته بشد ند فيي را به شوهر ي وگيزد که ل يک خلواده نجيب و خوشنام بوده و در يک محيط خانوادگي سالم بزرگ شده باشد.



10- **عالمی وخرمند :** کي زل وپژگي هلي شوهر شايسته دانتن هس وذك لوت کلي و

تدخي سلت. چن شوهرې آموزش لازم براي اشتغال به کسب حلال را ديده؛ و هر اندازه علم و کمالش بيشتر، و **هوش** و درايش زيادتر باشد، شايسته تر خواهد بود.

خدايي تونگ تف که **زن بايد ل زواج با مردی که دارای ضد ارزش هاي زیر است،**

خودداري کند.

1- شرابخوار ؛

2- بد اخلاق ؛

3- بد چشم و بي بند و بار؛

4- بدبين ("سوء ظن"، نه "غيرت") ؛

5- خسيس ؛

6- بدون احساس مسئوليت ؛

7- تنبل؛

8- سفيه و ناهنجار؛



خصوصيات زن شايسته

1- هم‌هنگی با شوهر : برای حفظ هر نظامی هماهنگی ضروری است. بنابراین چنانچه زن با شوهر هماهنگی نداشته باشد و از او تبعیت ننماید ، نظام خانواده به هم خواهد خورد. بدیهی است هماهنگی زن با شوهر در امور مالی و اخلاقی و وظیفه نباشد ، و متقابلاً شوهر نیز باید در این هماهنگی، مقابله به مثل نماید.

2- تمکین و نیاز جنسی : یکی از نگاه‌های مهم در زناواحد نیاز جنسی است که ضرورت دارد طرفین در ارضای این نیاز اقدام کنند.

3- زینت و آرایش و بی‌شوهر : زن باید برای جلب توجه شوهر به نظافت و آرایش خود رسید و لباس آراسته بپوشد. انجام این امر به قدری مهم است که در بعضی از موارد به از هم پاشیدگی اساس خانواده می انجامد. در اینجا لازم به یادآوری است که هیچ شوهری از زنی که برای دیگران خودآرایی و خودنمایی کند، خوشش نمی آید.

4- داشتن و شی منسلب : زنی باید بدنی خود را را نامحرم بپوشاند. یکی از عللی که در غرب بنیان خانواده را سست کرده و از هم گسیخته ، خودنمایی زنان با بدن های عریان است. مردان ایرانی ، حتی افراد بی بند و بار و به اصطلاح متجدد، زنی را که با اندام بدون پوشش و لباس های کوتاه و تنگ در برابر نامحرم ظاهر شود، برای همسری نمی پسندند.

5- داشتن جمال و کمال : زن باید از نظر فیزیکی سالم ، و از نظر زیبایی مورد پسند همسرش قرار گیرد. همسر زیبا و سالم با داشتن خصوصیات خلقی مناسب و سایر شایستگی ها، نعمتی است که مافوق آن متصور نیست.

6- طهارت و پاکدامنی : چون وراثت و تربیت اساس رفتار انسان را تشکیل می دهد ، بنابراین منظور از اصالت خانوادگی آن است که دختر در خانواده ای مؤمن و با فرهنگ تربیت شده و از نظر وراثت نیز زمینه داشته باشد ؛ در این صورت متعلق به اخلاق حسنه خواهد بود.

7- عاقل و خردمند : زنی که با مردی مصاحبت دارد، باید باهوش و خردمند باشد. عقل و خرد از ویژگی های زن شایسته است.

اموالومنین علی (ع) فرمود: زنی را زواج بکنی که خود را در شک خود ریزی. زیرا مصاحبت او گرفتاری سختی است و فرزندان او ضایع و مهمل خواهند بود.

در توضیح این مطلب باید گفت چون وراثت و میزان هوش مؤثر است بنابراین احتمال کم هوشی در کودکان با والدین کم و کم هوش زیاده تر است. وانگهی زن بی سواد یا کم سواد قادر به رفع نیاز های خانوادگی و به ویژه مسائل تربیتی فرزندان نخواهد بود.

8- دیانت و تقوی و حسن خلق : همانطور که دیانت و تقوی و حسن خلق از معیار های شوهر شایسته است، برای زن نیز از جمله حسنات و ضوابط شایستگی به شمار می رود.



بنابراین از ازدواج با زنی که واجد ضد ارزش های زیر باشد، باید خودداری کرد:

- 1- بی بند و بار؛
- 2- بی حجاب؛
- 3- بد اخلاق و عبوس؛
- 4- بی عفت؛
- 5- سفیه و ناهنجار؛
- 6- خودپسند و از خود راضی؛
- 7- کینه توز؛
- 8- لجباز و ناسازگار؛
- 9- بد زبان و درشت گفتار.

ازدواج با هدف های انحرافی

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت هجدهم)



در قسمت قبل به مواردی که باید در طی مراسم عروسی در نظر گرفت پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

هدف های ازدواج:

ابتدا مشاور باید بررسی نماید که هدف های واقعی ازدواج، مورد نظر مراجع هست یا خیر. چنانچه مراجع در انتخاب هومتک تأمل و عمل یا علمی ضعیف قرار گرفته است، مشاور باید او را به هدف های ازدواج در ارتباط با ارضای نیاز های روانی و جسمانی و داشتن یک زندگی خوشایند و لذت بخش و با ثبات توجه دهد و نتیجه گزینش فعلی او را در رابطه با هدف های بیکی ازدواج بسنجد. و این رابطه مهم آنست که با استفاده از روش غومنتیم، عواملی که موجب را منصرف ساخته، تقویت یابد و ضعیف و چنانچه انتخاب منطقی باشد حل نماید. بدین جهت برای حصول به این هدف، مشاور باید وقت بیشتری بگذارد و از فنون و روش های مختلف استفاده کند تا بتواند در تغییر مسیر مراجع تأثیر بگذارد.

فنون و روش هایی که در این مورد می تواند مورد استفاده قرار گیرد به شرح زیر است:

- **تقویت کم سن و سال (در سن بدیوستان) غالباً بدون توجه به کلیه عوامل مؤثر در ازدواج و تنها تحت تأثیر یک یا چند عاملی مورد علاقه خود به پسر یا مردی خاص اظهار علاقه می کنند.** در چنین مواردی مشاور باید نحوه و آن که مراجع را به کلیه عوامل مؤثر در ازدواج توجه می دهد، او را از مخاطرات همسرگزینی با گویه بر لای خصوصیت گاه سازد. باید از پدر و مادر او کمک بگیرد و ضمن مشاوره با مراجع، والدینش را قبل از وقوع حوادث در جریان قرار دهد.

- **پدران و ملرا نی که روی عقاید خاص، دختران و پسران خود را مجبور به انتخاب همسر می کنند، باید مورد مشاوری قرار گیرند.** به این گونه پژوهش و مدرک باید مفهوم ازدواج و هدف های آن تفهیم گردد و ضمن طرح موارد مشابه و نتایج شوم حاصله، به آنان بصیرت داده شود، تا از فشار بر جوانان (که تنها همسر پیشنهادی آنان را قبول کنند) دست بردارند.

- **پدیی می خواد برای پسرش همسری انتخاب کند که مطیع محض او باشد (به جای همسر کلفت بگیرد).** قوم و قبایله ای که ظرشان در ازدواج صلح و شادی است یا کسانی که به خاطر ثروت ازدواج می کنند، بهتر است و آیرسینی به هدف خود وسیله دیگری را برگزینند. مشاور با روش های مختلف باید به این قبیل افراد، اهمیت امر زناشویی را تفهیم کند و راه هایی که می تواند هدف آنان را تأمین کند نشان دهد.



- **تقویت یا پروانی که تحت تأثیر عناوین علمی یا شغلی، یا به خاطر زیبایی طرف مقابل بدون احتساب سایر عوامل مؤثر در ازدواج به انتخاب می پردازند، نیل به مشاوره دهند.** عنوان علمی و شغلی، یا زیبایی از عوامل مهم و مؤثر به شمار می رود؛ ولی مهمتر از آن نادیده گرفتن عوامل اخلاقی و فرهنگی و سن ازدواج و سایر عوامل است که احتمال وقوع ازدواج لذت بخشی و خوشایند را کاهش می دهد. مشاور خانواده باید این گونه مراجعان را به ظرات یک بعدی نگریستن در ازدواج توجه دهد، و سعی کند اهمیت سایر عوامل مؤثر در زناشویی را نیز به آنان تفهیم نماید.

- **تختران و پیرانی که به خاطر هنر، استعداد و نبوغ، لباس، ظواهر و قهرمانی فریفته ازدواج می شوند و سایر جنبه ها را نادیده می گیرند نیز باید با موارد مشابه که زناشویی موفق نبوده، مواجه گردند و با بحث و بررسی، آگاهی کافی در مورد عواقب نامطلوب نادیده گرفتن عوامل مهم زناشویی به آنان داده شود تا بینش لازم را به دست آورند و بتوانند تصمیم عاقلانه بگیرند.**

- **فرداي كه هدف آنان از ازدواج سوء استفاده است.** چون ویژگی هاي اخلاقي و شخصيتي در طول زمان ايجاد ميشود و بري طراح آن به زيل زيلي نياز فته، بناوا ن مشاور رل بايذا استفاده از فنون و روش هاي متقل و ثقل ج لستامته ه مشاوره نسبت به طاح رفتار ان كونه افراد اقل نما يندمچنن.بايابه مراجعاني كه ممكن است طعمه اين افراد قرار گيرند اطلاعات لازم داده شود

عواملی که سبب از هم گسیختگی خانواده می شود لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بیستم)



در قسمت قبل به **ویژگی های همسر شایسته** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

ساختار خانواده و همسرگزینی

ساختار يعني مجموعه اي از اجزاي به هم پيوسته. هر يك از اجزا داراي يك كارکرد است كه نتيجه مثبت براي كل مجموعه دارد؛ حال اگر اين مجموعه (خانواده) از ساختار مطلوبی برخوردار نباشد، نابسامانی ها و از هم گسیختگی هایی به شرح زیر پیدا می کند:

1- انكار: خانواده های نابسامان مسائل خود را انكار می كنند؛ به همین جهت مشکلات آنها حل نمی شود.

2- ارضا نشدن نیاز اعضای خانواده: در خانواده ی مسئله دار نیاز فرزندان و سایر اعضای خانواده بر آورده نمی شود؛ به همین جهت در این خانواده جو نامطلوبی حاکم است.

3- فقدان انعطاف: در خانواده های بی سامان برخوردهای خشک و بی روح وجود دارد و اعضای خانواده در رابطه با مسائل رفتاری از انعطاف لازم برخوردار نیستند.

4- فقدان صمیمیت: در خانواده های نابسامان صمیمیت وجود ندارد و اعضای خانواده ظاهر و باطن واحد ندارند و ترس و دورویی و در پاره ی موارد خجالت حاکم است و از مهربانی و الفت خبری نیست.

5- روابط نامطلوب: در این گونه خانواده ها رفتارهای ضد و نقیض به چشم می خورد؛ افراد با هم به مخالفت بر می خیزند و ارتباط انسانی وجود ندارد.

6- حاکمیت مقررات خشک: مقررات خشک و لا یتغیّر از سوی رئیس خانواده ابلاغ می شود و کلیه اعضای خانواده ملزم به اجرای آن هستند.

7- جنگ قدرت و نبود آزادی: در چنین خانواده هایی بین اعضای آنها همواره جنگ قدرت وجود دارد؛ و از آزادی و دموکراسی خبری نیست. ساختار خانواده، بر عدم اعتماد و سرزنش و انتقاد اعضا از هم پا گرفته است.

انتخاب همسر در این گونه خانواده ها به دلیل قرار گرفتن در چنین ساختار نامناسبی ، احتمال موفقیت کمتری دارد؛ بنابراین در زمان همسرگزینی، شناسایی جو حاکم بر خانواده از اهمیت خاص برخوردار است. همچنین انتخاب همسر از خانواده هایی که بی بند و بار و دارای اعتیادهای مختلف، اشتغالات و سرگرمی های نامشروع نظیر قمار و پارتی های شبانه و سایر مظاهر و مفاسد غربی می باشند مشکل است. انتخاب باید با تأمل و بررسی همه جانبه انجام گیرد و کسی که با چنین فرهنگی غریبه باشد و بدون مطالعه دست به انتخاب بزند ، فرصت بهره مندی از زندگی شاد را نخواهد داشت.



نقش دختر در رابطه با همسریابی

دختران در رابطه با جذب پسران برای خواستگاری خود باید اصولی را رعایت کنند. بعضی از دختران با حرکات جلف و زننده یا نشان دادن اعضاء و اندام و یا آرایش و زیورآلات خود می خواهند توجه پسران را به خود جلب کنند و بدین طریق خواستگارانی برای خود پیدا نمایند. غافل از این که چنین حرکاتی نه تنها پسران را مجذوب آنان نمی سازد ، بلکه آنان را برای همیشه از خواستگاری نیز منصرف می نماید. ممکن است پسران بی بند و باری به طور موقت و برای خوشگذرانی به چنین دخترانی روی آورند؛ ولی پس از مدتی معاشرت ، برای همیشه آنان را ترک می نمایند. این اصول باید با موازین شرعی و شرایط فرهنگی منطبق باشد. برخی از آنها را به شرح زیر گروه بندی می کنیم:

1- پسر، برای دختری که با تلاش و کوشش به دست آورده بیشتر ارزش قائل است؛ از این رو از دختری که آسان به دست آمده باشد، خوشش نمی آید؛ بنابراین دختران نباید خود را سهل و آسان به دست پسران بسپارند. این موضوع پس از ازدواج نیز ممکن است در روابط آنان تأثیر بگذارد و شوهر ارزش لازم را برای همسرش قائل نباشد. دختران باید متانت خود را حفظ کنند و تا تمایلی به آنان نشان داده شد ، فوری و بدون هیچ

تشریفات خود را به دست پسران نسپارند. تمام تشریفات اعم از خواستگاری ، مراسم عقد و عروسی در حد متعارف باید انجام شود.

2- دخترها باید در مجامع و برخوردها با لباس کاملاً پوشیده حضور یابند و با وقار رفتار کنند و در نظر داشته باشند که پسران با وجود غیرت مردانه از دخترانی که جلف و بد حجاب باشند ، خوششان نمی آید و در نهایت دختران نجیب و متین را انتخاب می کنند.

3- بیان و اخلاق خوب، گرم و صمیمی بودن از ویژگی هایی است که مردان را جلب می کند؛ بنابراین دخترانی مورد توجه قرار می گیرند که در رفتار و کردار آنان بدون تخطی از موازین شرعی این خصوصیات دیده می شود.

4- معمولاً پسروانی که در صدد انتخاب همسر می باشند در مورد کسانی که با دختر مورد نظر در تماس هستند تحقیق می کنند. بنابراین دختران نباید با خدشه دار کردن حیثیت خود و تماس مستقیم با پسران، خود را برای جلب خواستگار عرضه نمایند. رفتارهای مناسب در مجالس و محافل زنانه و مردانه ، معرف **شخصیت** آنان است و در صورتی که این گونه رفتارها سنجیده باشد پسران را به طرف آنان جلب خواهد نمود.



5- دختران قبل از ازدواج و در طول دوران نامزدی نباید آرایش کنند. این عمل نه تنها به زیبایی و طراوت شان لطمه می زند، بلکه آنان را در نظر پسران بی مقدار می نماید. علاوه بر این استفاده از زینت آلات بی مورد و آویزان کردن اشیاء مختلف که نشانگر کمبود شخصیت است از ارزش و احترام آنان می کاهد.

6- عده ای از دختران با پوشیدن لباس های مدل دار و به اصطلاح مدهای رنگارنگ و یا بیرون گذاشتن مو و یا پوشیدن لباس های تنگ می خواهند پسران را به خود جلب کنند. این گونه رفتار ممکن است توجه پسران بی بند و بار را برای یک تفریح موقت جلب کند؛ ولی چنین دختری را برای همسری انتخاب نخواهند نمود. استفاده از لباس های ساده و متعارف بدون هیچ پیرایه ای بهترین وسیله برای جذب پسران است.

دختران در مجالس مختلط مرد و **زن** نباید با صدای بلند و غیر عادی و با قهقهه و خنده های بی مورد و شوخی های بی جا و به اصطلاح مزه پراندن و غیره جلب توجه کنند. حُجَب زنانه در فرهنگ ایرانی ارزش خاصی دارد. رعایت وقار و متانت در کلاس های مختلط دانشگاهی نیز وسیله مؤثری برای مجذوب کردن پسران است.

7- بعضي دختران در مجالس عروسي به اين عنوان كه زمان شادي است و بايد به گرمي مجلس كمك كرد، دست به حرکات جلف مي زنند. اين نوع رفتار ولو مجلس زنانه باشد، پسندیده نیست و از قدر و ارزش آنان مي كاهد.

8- احتمال دارد پسران بي بند و بار و هرزه از دختران جلف و بي بند و بار استقبال كنند؛ ولي بايد در نظر داشت كه اين گونه پسران از ازدواج هدف مقدس ندارند و دير يا زود به دنبال هوسراني هاي ديگر خواهند رفت و در نهايت دختر ، خود و خانواده اش را در منجلا ب فساد و بدبختي گرفتار خواهد نمود.

پرسش هايي چند در مورد همسر گزيني

دختران براي جلب توجه پسران به دو طريق عمل مي كنند:

گروهي با پوشيدن لباس هاي جلف، و با ادا و اطوار ناهنجار، آرايش و به كار بردن زينت آلات، پسران را به طرف خود جلب مي كنند.

گروهي ديگر به جاي عرضه جسم و ظواهر هوس انگيز، در مجامع بسيار سنجيده ، موقر و كاملاً پوشيده (با رعايت ضوابط شرعي) ظاهر مي شوند. اينان در مواقع مقتضي علم و هنر خود را از طريق بيان ، شعر و نقاشي و كاردستي ، نوشته ، مناظره ارائه مي نمايند.

حال سؤال اين است: شما به عنوان مردی كه قصد ازدواج دارد، کداميك از دو گروه فوق را به همسري انتخاب مي كنيد؟

و سؤال ديگر از دختر يا زني است كه مي خواهد شوهر كند. به نظر شما کداميك از دو گروه فوق موفق ترند؟

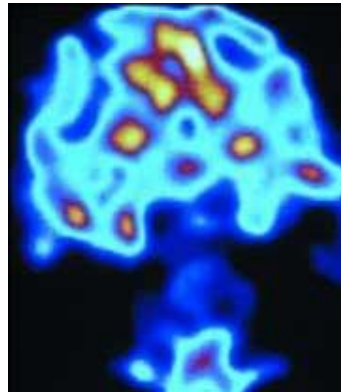
ازدواج از راه دور

گاهي اوقات خواستگاري به سراغ دختری مي آيد و اظهار مي دارد پسر من مهندس و داراي شغل آبرومند و درآمد زياد در (فرضاً) آلمان است. او به عللي به ايران نمي آيد ، ولي زن ايراني مي خواهد و مشخصاتي كه داده به دختر شما مي خورد. پسر من خوش اخلاق است، خوش تپ است، بذله گو است و ... وكالت داده است تا دختر شما را به عقد او درآوريم تا راهي آلمان شود و به خانه بخت برود. دختر و خانواده او هم با سابقه ذهني از مهندس پُر درآمد، خوش تپ و خوش اخلاق خواستگاري را مي پذيرند و دختر راهي فرنگ مي شود. به محض ورود به آنجا تمام بهشت موعودي كه در ذهن داشت نقش بر آب مي گردد. عاقبت چنين ازدواجي را مي توانيد حدس بزنيد.

مواردی نیز پیش می آید كه مردی به قصد ازدواج با دختر ايراني راهي ايران مي شود. ظرف مدت چند روز كه در وطن اقامت دارد دختری را به عقد خود در مي آورد و راهي دنياي غرب مي شود. دختر و خانواده اش هم به دلخوشي عناوين و ظواهر رضايت مي دهند. پس از ورود به كشور بيگانه و چندي بعد به علل مختلف ، ناسازگاري شروع مي شود و بالاخره كار به جايي مي رسد كه عروس خانم با تلخكامي و صرف هزينه با عنوان زن مطلقه به خانه پدر برمي گردد. او ديگر يك بيوه زن شكست خورده است و ارزش و اعتبار اوليه را از دست داده و در خانواده پدری نیز احساس وابستگي گذشته را ندارد.

با این همه ، موارد فوق قابل پذیرش است. در مواردی ازدواج با مقاصد شومی صورت می گیرد؛ مثلاً مردی را بدون ازدواج، اجازه مسافرت به خارج نمی دهند. هدف او خروج از کشور است؛ بنابراین زنی را وسیله قرار می دهد و پشت مرز او را رها می کند یا فرد دیگری دختران و زنان ساده لوحی را برای مقاصد سود آور به عنوان ازدواج به خارج از کشور می کشاند و...

صرع و ازدواج



وقتی یک فرد مصروع تصمیم به ازدواج می گیرد، سؤالات متفاوتی برای وی وجود دارد. از جمله این که آیا می تواند ازدواج کند یا خیر؟ آیا بیماری او به فرزندش نیز به ارث می رسد؟ و... ابتدا باید به این مسئله توجه داشته باشیم که اگر یک فرد عادی با شرایط طبیعی بچه دار شود، احتمال این که فرزندش دچار صرع شود ، حدود نیم درصد است. حال اگر مادری مبتلا به صرع باشد، به دلیل آن که صرع عصبی اساس ژنتیکی هم دارد، احتمال ابتلای کودک به صرع، حدود 5 درصد است. علی رغم این مسئله باید در نظر داشت که به احتمال 95 درصد ، مادر مصروع کودک سالمی را به دنیا می آورد و این شانس بسیار بالایی است.

به فری که مبتلا به صرع است ، توصیه می شود قبل از ازدواج ، تحت مشاوره (خصوصاً مشاوره ژنتیک) قرار گیرد و در طی دوران بارداری حتماً تحت نظر پزشک زنان و متخصص مغز و اعصاب قرار گیرد تا بدین ترتیب هرگونه احتمال خطر برای کودک وی از بین برود.

بدین ترتیب با بررسی صحیح و منطقی این مسئله ، بیماران مصروع می توانند یک زندگی و ازدواج موفق داشته و فرزندان سالمی به دنیا آورند.

برخی از افراد بیماری صرع اساس ژنتیک شناخته شده ای دارند (مانند صرع کوچک) که ما می دانیم ممکن است به ارث برسند. ولی برخی دیگر از انواع آن اساس ژنتیک ندارند. مثلاً اگر فردی در اثر ضربه مغزی دچار بیمار صرع گردد، هیچ گونه علت ژنتیکی در این مورد وجود ندارد. یا اگر کودکی در جریان زایمان دچار مشکلاتی از قبیل نرسیدن اکسیژن به مغز شود ، احتمال ابتلای وی به صرع در آینده وجود دارد. ولی چنانچه عوامل بیرونی موجب به وجود آمدن این اختلال باشد، این بیماری به فرزند به ارث نمی رسد.

خوشبختانه د رصرع، مواردی که علل ژنتیک ندارند کم نیستند و در برخی از مواقع می توان گفت انواع صرع اساس ژنتیک ندارد.

ضمناً توجه به این نکته ضروری است که علی رغم اینکه این بیماری متأسفانه خوشنام نیست و افراد جامعه عقاید نادرستی در مورد آن دارند، ولی باید یاد بگیریم که آن را آگاهانه بشناسیم.

هر بیماری مزمن شواهد اجتماعی و عظمی و عصبی می‌کند که لازم است کیفیت زندگی در آن بررسی گردد.

صرع، اختلالی است که در آن تخلیه ناگهانی انرژی در مغز صورت می‌گیرد و می‌تواند با اختلالات حسی، حرکتی و رفتاری توأم گردد که وقتی تخلیه امواج به صورت عمومی باشد، موجب حذف هوشیاری و شکل عمومی تشنج می‌شود و وقتی هوشیاری کاملاً از بین نرود به صورت تشنج موضعی، ساده یا پیچیده بروز می‌کند.

صرع به عنوان یک بیماری مزمن، نمی‌توان حملات را پیش بینی کرد و همیشه دغدغه لحظه باقی‌مانده شروع وجود دارد. در هر لحظه عوارض مهمی ترکیب فیزیکی و مصروعین (در کودکان و بزرگسالان) وجود دارد که به آنها اشاره می‌کنیم:



کیفیت مراقبت در کودکان

مهمترین مشکل در کودکان این است که افزایش یا کاهش بیش از حد مراقبت در آنان می‌تواند به کیفیت زندگی آنها تأثیر بگذارد. این مسئله به خصوص در مادران وجود دارد که به علت علاقه شدید به فرزندشان می‌توانند در این مسئله سهم به سزایی داشته باشند.

- کیفیت آموزش

لکن آموزش و این مورد باید هوشیار، خانواده و همه وجود داشته باشد. زیرا آموزش مناسب می‌تواند در ادامه زندگی فرد تأثیر به سزایی داشته باشد.

ازدواج مصروعین

فرد مصروع نباید بیماری خود را در زمان ازدواج کتمان نماید و باید حقیقت را با صداقت به همسر آینده خود بگوید و با پزشک خود مشاوری را انجام دهد.

بارداری فرد مصروع

بهتر ني روش در باردي اين است كه قبل از بارداري برنامه ريزي صحيحي در اين مورد وجود داشته باشد و فرد مصروع اين مسئله را با پزشك خود و پزشك زنان در ميان گذارد تا در لوي مناسبي روي تدرؤ گردد و طول دورل بارداري تظ هظ تا گز حسيل شد شكلي ولي بمرؤ جزن به وجودمي آيد با درسي هظ اظام گرفته بتوان برخورد مناسبي با اين مسئله داشت.

داروها نرف روحين باردي اده پيدا مي كند و نحوه زايمان هم بنا به تصميم پزشك است. بعد از زايمن زن مادر مي تواند به فرزند خود شير دهد زيرا مصرف داروها تاثير منفي در قود مي ذرد، بلكه توجه به اين مسئله منفي است كه گخانباردار در دوران بارداري بدون مشاوره پزشك، خودسرانه داروي خود را قطع نمايد و دچار حمله تشنج گردد، اين امر مي تواند براي وي خطرناك باشد.



ازدواج مصروعين از ديدگاه روان پزشكي

روان پشك تفكيدي را ه مورد مشكلات و بيماري هايي كه در كنار صرع وجود دارد، ايفاي كدومي تواند و مورد مد اخلا د ارويي (تدخل عطي و اثر داروها با يكدگر) چپ بمرل بيماري هاي همراه با صرع ، راهنمايي و مشاوره به بيمار، همسر و خانواده او ارائه دهد.

يكي از مشكلات عمده، نگرش ها، دانش ها و باورهاي غلط فرد يا خانواده يا خانواده همسر او و مورد بيماري است. حتي علاوه بر آنها، اين باورهاي غلط در خود پزشكان نيز در مورد ازدواج يك فرد مصروع مي تواند وجود داشته باشد.

مسئله ديگر اين است كه بغي ز ا ف د ازدواج ر انظك دهده، شفا و ره لظي مشكل خود مي دانند و فكر مي كنند هر مشكل رواني- جسمي كه وجود داشته باشد، ناشي از فشارها و مشكلات جنسي است و به دنبال آن حكم ازدواج را صادر مي كنند.

درزمن مشاوره رول پزشكي ، پزشك ابتدا به نگرش هاي فرد توجه مي نمايد. به اين كه آيا اين نگرش ها به ازدواج فرد صدمه مي زند؟ در غير اين صورت فرد را مجاز به ازدواج مي داند. فومن مسئله اي كه پزشك مد نظر قرار مي دهد، اين است كه آيا بيماري هاي همراه در يكي از طرفين وجود دارد يا خور؟ نكه ديگري كه در ر لولج بايد به آن توجه نمود كفايت

روئي - عظمي بيمار ملتوان که آيا فرد مصروعي که حملات وي کنترول شده و مانعي براي ازدواج ندارد، کفايت همسري، پدر يا مادر بودن، بارداري و ... را دارد يا خير؟!

کته بيوکل پي وهم در مشهور قبل و بعد از ازدواج ، آموزش هلي جنسي لستکه متأسفانه در کشور در مورد آن سکوت مي شود و حتي پدر و مادرها نيز نوعي خود سانسوري را وان مورد پيش مي گيرند. لذا بهترين زمان اطلاعات گرفتن از بيماران، راجع به مسائل جنسي، زمان شروع بحث خولتگاري و ازدواج است که بسياري از مراجعين در مورد اين موضوع يا اطلاعات ندارند يا اطلاعات غلطي دارند.

بناوان کل کردن ري آ موش هليچ نسي، شناخت فرد روي فيزيولوژي خود، اطلاعات هورموني، طلاعت، آناتومي طلاعت رول ش نختي، نورل بار داي ش نخت دارها، اؤت ل برري بلاد ري وجنين و... موضوعتي هستنکه و قل نه اميتوان اطلاعات مربوط به مسايل زناشويي، آموزش هاي جنسي و به ويژه جلوگيري از بارداري را به مراجعين راه کونچه را که و ماه هلو سل هلي وليه لين افراد بايد از بچه دار شدن جلوگيري نمايند و چگونگي تأثير اين [داروها](#) بعد از ازدواج نيز بررسي گردد.

اهميت مشاوره براي انتخاب همسر ايده آل لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بيست و دوم)



در قسمت قبل به چند [رهنمود در انتخاب همسر](#) اشاره نموديم ، اينک در ادامه مي خوانيم.

مراجعاتني هستند که در انتخاب همسر به صورت ايده آلي فکر مي کنند و چنانچه معيارهاي ازدواج با ايده آل آنها تطبيق نکند، آن را رد مي کنند. لازم است به اين مراجع به طور مستقيم تفهيم گردد که به ندرت موارد پيش مي آيد که همه شرايط به طور کامل فراهم باشد، زيرا [معيارهاي مورد توجه در همسر](#) گزيني نسبي است. يکي از راه هايي که وجود دارد، آن است که به عوامل مختلف امتياز داده شود و براساس مجموع امتيازات انتخاب صورت گيرد. در اين روش بايد به اين نکته توجه شود که امتياز يک عامل، عامل ديگري کاملاً نپوشاند (مثلاً سطح تحصيلات ، امتياز سن را نپوشاند) زيرا عامل سن نقش مهمي در زندگي زناشويي دارد. در انتخاب همسر هر عملي به تنهائي بايد از حداقل امتياز برخوردار باشد تا جمع امتيازات مبنايي براي مقايسه و انتخاب قرار گيرد.

بسیار دیده شده است که دخترانی زیبا و واحد همه شرایط به علت در نظر گرفتن ضوابط ایده آلی در انتخاب همسر، خواستگاران زیادی را رد کرده اند و با بالا رفتن سن به اصطلاح پیر دختر شده اند و دیگر کسی به سراغ آنها نیامده؛ ناچار به ازدواج نامناسبی تن در داده اند. همچنین در مورد پسران که در خواستگاری از دخترانی با ضوابط ایده آلی موفق به ازدواج نشده اند، با گذشت زمان با حالت سرخورده از ازدواج منصرف شده و تمام عمر را به تنهایی گذرانده اند ، یا به ازدواج نامناسبی رضایت داده و تمام عمر را در زندگی زناشویی ناشادی به سر برده اند.



مشاوران باید با مقایسه موارد ناموفق، مراجعان را به سوی واقعیت سوق دهند؛ و توقع آنان را تا حد معقول و عملی تعدیل کنند و از بین موارد موجود به انتخاب احسن بپردازند. در ایران رسم است که دختران یک خانواده به ترتیب **سن ازدواج** کنند و چنانچه یکی از دختران بزرگتر به عللی در خانه بماند و خواهران کوچکتر ازدواج کنند، این امر برای آن دختر و خانواده مصیبتی است. این وضعیت از نظر روانی خرد کننده است و خردکنندگی آن بیش از آنچه مربوط به اصل موضوع باشد به طعنه و نیش زبان های دیگران برمی گردد که چرا خواهران کوچک او عروس شده اند و برای او **خواستگار** پیدا نشده است؛ حتماً او عیبی دارد؛ یا ...

در این موارد ممکن است تحت فشارهای اجتماعی و رسم های سنتی ازدواج نامناسبی انجام گیرد. دختری که خواهران کوچک او عروس شده اند برای رهایی از طعنه و سرزنش و تهمت دیگران یا برای رهایی از مزاحمت ها و نظره های افراد ناباب و بوالهوس، احتمال دارد به ازدواج غیرمعقولی دست بزند و عمری را ناشاد به سر برد ؛ چنانچه این دختر به موقع تحت شرایط عادی به انتخاب می پرداخت ، گرفتار حالتی این چنین نمی شد. مشاوران به چنین دخترانی باید توصیه نمایند، **از ازدواجی که در آن ناهماهنگی های بارز وجود دارد، پرهیز کنند و فشار اجتماعی را تا فراهم شدن شرایط نسبتاً مناسب تحمل کنند و به محض ایجاد امکان با دیده اغماض و انعطاف برای ازدواج اقدام کنند.**



مشاوره با نوعروس و تازه داماد

اغلب با نوعروس ها و تازه دامادهایی مواجه می شویم که پس از چند ماه یا چند هفته زندگی مشترک اختلافشان شروع و گاه به مراحل حادی منجر می شود. روزهای اول ازدواج معمولاً توأم با عشق و دلدادگی است و جاذبه های جنسی روی تمام نابرابری های دیگر سرپوش می گذارد؛ ولی پس از مدتی که انگیزه های جنسی ، **عشق** و دلدادگی ، قدرت نخستین خود را از دست داد؛ عوامل دیگر خودنمایی می کند. در این دوره است که مشاور نقش مهمی به عهده دارد. **مشاوران در مواجهه با چنین مراجعانی با توجه به مقتضیات و شرایط هر مورد باید از روش های متفاوتی استفاده نمایند. برای توجیه مطلب به چند مورد اشاره می شود:**



1- دختر و پسر همه جهات را رعایت نموده و انتخاب مناسب نموده اند، ولی مشکلی که دارند تطابق و سازگاری آنان با شرایط جدید است. آنها از خانواده جدا شده و ارتباط خود را با پدر، مادر، خواهران و برادران از دست داده اند. آنها مسئولیت جدیدی را پذیرفته اند و گاه از شهر و دیار و والدین خود نیز دور شده اند. مشاور در ارتباط با چنین مراجعانی که بهتر است در یک جلسه سه نفری (مشاور، نوعروس و تازه داماد) انجام گیرد، باید مراجعان خود را در سازگاری با شرایط جدید و در نظر گرفتن عوامل تداوم زناشویی یاری نماید.

2- در مورد زن و مردی که انتخاب مناسب نداشته اند، مثل دختر 18 ساله ای که با مرد 40 ساله ازدواج نموده و پس از مدتی متوجه شده که شوهر وی پاسخگوی نیازهای روانی و جنسی وی نمی باشد ، زندگی زناشویی به محیط سرد و ناشادی تبدیل می شود. در این موارد مشاور باید زوج ها را به تعدیل تمایلات و ارضای نیازها یا استفاده از برنامه های جبرانی متوجه سازد. در مورد شوهر مسنی که با دختری کم سن و سال

ازدواج نموده، پر کردن اوقات فراغت وي با برنامه هاي مورد علاقه همسرش نظیر مسافرت کردن، برنامه هاي هنري و ورزشي، مفید خواهد بود.

رهنمودهاي چي چي در انتخاب همسر لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بيست و يکم)



در قسمت قبل به عواملی که سبب از هم گسیختگی خانواده می شود پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

در زندگی زناشویی حالات متفاوتی وجود دارد. بعضی از خانواده ها در شرایط مطلوبی به سر می برند و از زندگی زناشویی خود لذت می برند و از نظر روانی شاد هستند؛ و بهترین زمان زندگی آنان وقتی است که زن و شوهر و بچه ها در خانه دور هم جمع می شوند. برعکس خانواده هایی هستند که بدترین لحظات زندگی آنها ساعاتی است که در خانه می گذرد و محیط خانه محل مشاجره و ناسازگاری بین زن و شوهر و احتمالاً بچه هاست. وضعیتی بین دو حالت نیز با تفاوت هایی دیده می شود. در اینجا یک پرسش مطرح است:

چرا بعضی از خانواده هایی که خانه آنها محل جنگ و دعواست و در زندگی زناشویی ناشاد و ناراحتند، مبادرت به طلاق نمی کنند؟

خانواده هایی وجود دارند که یک عمر را با یکدیگر به حالت قهر و آشتی و ستیز می گذرانند، ولی حاضر به طلاق نیستند. یکی از علل تحمل این شرایط مشکلاتی است که پس از طلاق وجود دارد. در جامعه ایرانی زن بیوه به عنوان کالای دست دوم محسوب می شود و خریدار زیادی ندارد؛ وانگهی داوطلبان ازدواج زنان بیوه معمولاً از شرایط پایین تري برخوردارند، در نتیجه بسیاری از زنان بیوه تا آخر عمر یا تنها می مانند یا نمی توانند همسر مورد نظر خود را به دست بیاورند. مسئله دیگر وضعیت بچه ها است. مادر از نظر عاطفی حاضر به جدا شدن از فرزندانش نیست. پدر نیز به خاطر تأمین هزینه زندگی بچه ها در کنار مادر مطلقه، حاضر به تحویل بچه به مادرش نیست. مشکل دیگر تربیت بچه ها در کنار مادر خوانده یا پدرخوانده است که مشکلات زیاد عاطفی و تربیتی در پی دارد.

مسائل مطروحه بالا و مشکلات رواني و مالي ديگر موجب مي شود كه بسياري از زن و شوهرها با شرايط نامساعد زندگي خود بسازند و به طلاق تن در ندهند چون در صورت طلاق، مشكلات و شرايط بدتري را خواهند داشت.

براي آن كه زندگي زناشويي تداوم يابد، موارد زير توصيه مي شود:

1- براي آنكه بتوانيد همسر مناسب انتخاب كنيد و زندگي شاد و خوش خود را تا پايان عمر حفظ نماييد، به خانواده هايي كه در حوزه اقوام و دوستان شما از زندگي شاد و خوبي برخوردارند، مراجعه نماييد و رمز انتخاب مناسب و توفيقات زندگي زناشويي را از آنان بخواهيد. مراجعه به چند خانواده و مقايسه عوامل توفيق آنها ، راهنمايي براي شما در انتخاب همسر مناسب و ادامه **زندگي شاد و موفق** خواهد بود.

2- به مردان و زنان مطلقه مراجعه نماييد و علل طلاق و شرايط بعد از طلاق را از آنان بخواهيد و پس از مقايسه از عواملتي كه شرايط طلاق و يا زندگي بعد از آن را فراهم آورده، اجتناب كنيد.

3- وضعيت خانواده هايي كه بي سامان و آشفته اند ، ولي در شرايط نامساعد و ناشادي ، زندگي زناشويي را تحمل مي كنند بررسي نماييد و پس از كسب اطلاعات مورد نظر ضمن كمك هاي لازم به آنان ، براي زندگي آينده خود با توجه به اطلاعات مكتسبه ، با بينش و بصيرت برنامه ريزي نماييد. قبل از انتخاب همسر ، روزي را در نظر بياوريد كه احتمال دارد براي جدائي در جاده پرخطر دادگاه مدني خاص طبي طريق كنيد و يا الزاماً در طول عمر زندگي ناشادي را تحمل نماييد.

4- قبل از انتخاب همسر، خود را كاملاً بشناسيد. اين كه در چه موقعيتي هستيد ، چه خصوصياتي داريد، در چه خانواده اي بزرگ شده ايد، شرايط سني شما چيست، از چه فرهنگي برخورداريد و مسلماً همسر شما بايد در زمينه هاي مختلف هم وزن شما باشد. پس شناسايي او نيز در ابعاد مختلف ضرورت دارد. از آن جا كه انسان ها ، خواست ها و نيازهاي دروني گوناگوني دارند و تا زماني كه در پي شناخت نيازها و بررسي نقاط قوت و ضعف خود نباشند، با هر فردي در برابر خود، حتي بهترين موجود روي زمين دچار مشكل خواهند شد ، بنا بر اين شناخت خود، پيش از شناخت شريك زندگي يا هر كس ديگر ضرورت دارد. حل بحران هويت ، يكي از اساسي ترين راهها براي گام نهادن در آغاز يك زندگي مشترك است.

5- در آخرين لحظات **انتخاب همسر** ، دستخوش احساسات نشويد و در صورت كوچكترين احتمال عدم ناسازگاري و نامناسب بودن موضوع ، به مشاور خانواده مراجعه نماييد و مطمئن باشيد كه او در انتخاب احسن به شما كمك خواهد نمود.



مشاوره در انتخاب همسر

چون مسئله ازدواج و انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، لذا مراجعان زیادی برای حل مشکلات خود به مشاوران خانواده مراجعه می نمایند. پرسش هایی چند در این زمینه مطرح است:

- آیا احمد برای همسری من مناسب است؟
- بین احمد و تقی و علی کدامیک را انتخاب کنم؟
- نسرین با این خصوصیات برای همسری من خوب است؟
- زهرا بسیار زیبا است ولی بداخلاق است؛ آیا او را به همسری انتخاب کنم؟
- من از نظر مالی فقیرم ولی لیسانس دارم، مریم ثروتمند و چند سال از من بزرگتر است، می خواهم او را به همسری برگزینم . نظر شما چیست؟
- همسر اول من فوت کرده و از او دو فرزند دارم. دختر 18 ساله همسایه را به همسری انتخاب کنم یا خیر؟ پدرش به این امر راضی است.
- محمود و فاطمه یکدیگر را دوست دارند و تصمیم به ازدواج گرفته اند ، ولی خویشاوندان آنها مخالفند . آنان از مشاور می خواهند آنان را در رفع این مشکل کمک نماید.
- مراجعان زیادی در انتخاب همسر مشکل دارند و نوع مشکل و شرایط هر یک از آنان با دیگری متفاوت است. مشاور در این میان چه باید بکند؟



اصول کلی زیر می تواند راهنمایی برای مشاوران در رابطه با کمک به مراجعان در امر انتخاب همسر باشد:

- 1- اصول کلی مشاوره در زمینه ایجاد رابطه ی حسنه و گوش دادن به مراجع و سایر فنون باید در مشاوره های خانواده نیز به کار گرفته شود.
- 2- در مورد کمک به مراجع در انتخاب همسر، باید وضعیت و شرایط هر یک از طرفین (زن و مرد) در زمینه های مختلف اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، تحصیلات ، اقتصادی ، اخلاقی ، روانی ، شغل ، سن ، خصوصیات جسمانی و ژنتیک بررسی و مقایسه شود. چنانچه هماهنگی وجود داشت، ضمن بصیرت دادن به مراجع ، توصیه لازم به عمل آید.
- 3- معمولاً برای مشاوره در امر انتخاب یکی از طرفین، دختر یا پسر مراجعه می کند. گاه لازم می شود که با طرفین مشاوره انجام شود؛ در این صورت پس از رضایت مراجع، مشاوره با طرف مقابل نیز انجام گیرد.
- 4- آنچه در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، موضوع خصوصیات اخلاقی و روانی است. سایر عوامل عینی است و شناخت آن نیاز به زمان زیادی ندارد. در مورد ویژگی های اخلاقی و روانی ، گاه ایجاب می کند که تست های شخصیتی و رفتاری به کار برده شود. در این موارد در صورت رضایت مراجع ، مشاور باید اقدام کند.
- 5- مواردی مشاهده می شود که اختلاف در یک زمینه خاص بسیار زیاد است: مثلاً **اختلاف سن طرفین**. مشاور نباید فوری موضوع را غیر قابل بررسی و آن را نامناسب اعلام کند ، بلکه باید موضوع از جهات مختلف بررسی گردد. گاه خود مراجع به این نتیجه می رسد که این ازدواج مناسب نیست ؛ گاه نیز ممکن است نظر مراجع تغییر کند و راه های جدیدی پیشنهاد گردد.
- 6- مراجعانی هستند که تصمیم به ازدواج گرفته اند و با بررسی های انجام شده ازدواج آنان مناسب تشخیص داده شده است، ولی به علت مشکلات مالی طفره می روند و در انجام ازدواج تردید دارند. در این موارد مشاور می تواند با بررسی های همه جانبه در رفع مشکل آنان بکوشد. یکی از این موارد حذف تشریفات زاید و پر خرج عقد و عروسی و تهیه جهیزیه گرانها و خریدهای بی مورد است. مسئله دیگر مسکن و اشتغال می باشد که باید در این زمینه بررسی هایی انجام گیرد. گاه این مشکل با کوچ به شهرستان ها یا کاریابی، از سوی مشاور قابل حل است. بنابراین باید مشاور و مراجع همه زمینه ها را بررسی کنند، سپس به تصمیم گیری مناسب بپردازند.
- 7- دخترانی هستند که از بین چند نفر که تقریباً وضع مشابهی دارند، می خواهند یکی را انتخاب کنند. مشاور باید عوامل مختلف مؤثر در ازدواج را در هر یک با نظر مراجع بررسی و اولویت ها را مشخص نماید؛ و حتی می تواند با امتیازبندی این عمل را دقیق تر انجام دهد تا بالاخره با نظر مراجع به انتخاب احسن برسد. بدیهی است در نهایت تصمیم گیری به عهده مراجع خواهد بود.



8- در انتخاب همسر مراجعانی وجود دارند که ثروت و زیبایی که ارضا کننده سریعتری است؛ برای آنان درصدر عوامل قرار دارد و احتمال آن می رود که تحت تأثیر آنها ، عوامل مهمتر را نادیده بگیرند. در این موارد مشاور باید آنان را به اهمیت عوامل دیگر توجه دهد و متذکر گردد که زیبایی و ثروت مهم است؛ ولی آنچه از آن مهمتر است، عوامل فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و تحصیلات و در مجموع توجه به کلیه این عوامل است نه صرفاً دو عامل مذکور.

9- مراجعانی که به علت فوت همسر اول ، قصد ازدواج با همسر دوم دارند ؛ که این دو حالت دارد: گاه مراجع مرد است و می خواهد زن بگیرد و گاه مراجع زن است که به علت فوت همسر یا مطلقه شدن می خواهد شوهر کند. در هر دو حالت مشاور باید آنان را توجه دهد که شرایط آنان در ازدواج دوم با شرایط ازدواج اول متفاوت است. داشتن فرزند و یا بالا رفتن سن و در مورد زنان مسئله بیوگی ، خود وضعیت جدیدی برای آنان ایجاد کرده است که باید بدان توجه کنند و در انتخاب، سهل تر عمل نمایند. شاید ازدواج این گونه زن و مرد (خواستگار ازدواج دوم) در صورت هماهنگی شرایط دیگر، مشکلات کمتری داشته باشد.

10- مردانی هستند که با وجود داشتن زن، قصد ازدواج دوم دارند. چنین ازدواجی در مورد بعضی از مردان نظیر موردی که زن اول آنان عقیم یا مشکلات فیزیولوژیکی و مشابه آن دارد، ممکن است با رضایت زن اول قابل توجه باشد. به هر حال مشاور باید موضوع را بررسی کند و چنانچه انجام امر از روی بوالهوسی باشد، جوانب امر از نظر شرایط بعدی با مراجع در میان گذاشته شود و دو حالت زندگی با زن موجود و زندگی با دو زن در طول عمر مقایسه گردد؛ چه بسا مراجع از قصد خود منصرف شود. در حالی که هوس او بر نظر مشاور بچربد و اقدام به ازدواج دوم نماید؛ بر مشاور است که در شکست های بعد نیز در جهت مناسب او را راهنمایی کند. مشاور باید متذکر گردد با این که در شرع مقدس اسلام به ملاحظات اجتماعی **تعدد زوجات** جایز است ، ولی در فرهنگ ایرانی دارای مقبولیت اجتماعی نیست. از این رو در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و تبعیت از آن از اصولی است که مشاور باید آن را مورد توجه قرار دهد.

11- مشاوران باید توجه داشته باشند که کمک به امر ازدواج و پیوند زناشویی مناسب، از ثواب عظیمی برخوردار است. بنابراین باید در این مورد بیش از هر عملی تلاش نمایند، وقت صرف کنند، حوصله به خرج دهند تا مرد و زنی را به پیوند زناشویی شایسته ای

برسانند. در مورد ثواب و اجر اخروي کمک به امر زناشويي ، به ذکر حديث زیر از نبي اکرم (ص) مبادرت مي گردد:

هر کس مقدمات ازدواج دو نفر را فراهم نماید، خداوند او را با زنان بهشتي تزويج مي فرمايد و به هر قدمي که برداشته و به هر کلمه اي که در اين مورد بيان داشته است، پروردگار عالم ، پاداش یک سال عبادت را براي وي مرحمت مي فرمايد.

توصيه ها و شرايط مشاور در امر ازدواج **لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بيست و سوم)**



در قسمت قبل به **اهميت مشاور براي انتخاب همسر ایده آل** پرداختيم . اينک در ادامه مي خوانيم...

مشاوره در هر امري ضروري است ولي در مورد ازدواج به علت اهميت موضوع ضرورت بيشتري دارد. به همين علت کمتر کسي بدون مشورت با ديگران به **انتخاب همسر** و پيوند زناشويي مبادرت مي کند. در اين مورد آنچه اهميت دارد انتخاب مشاور است. اکثر **جواناني که قصد ازدواج دارند** براي مشورت در انتخاب همسر و تشکيل خانواده به پدر، مادر، مادر بزرگ، پدر بزرگ، عمه، عمو، خاله و دايي روي مي آورند؛ خواه اين افراد صلاحيت اين کار را داشته باشند يا خير و مهمتر اين که گاه مسئله ازدواج به اجبار و تحميل انجام مي شود. پدري که دنيا را در پول مي بيند، همسري را توصيه مي کند که پولدار باشد و گاه اصرار او به اندازه اي است که با استفاده از روابط عاطفي ، نظرش را به فرزندش تحميل مي کند. مادري که به خواهرزاده اش قول ازدواج براي پسرش داده از عاطفه مادري خود براي انجام ازدواج از هر شرايطي استفاده مي کند و بعداً که زناشويي به ناسازگاري و اوقات تلخي منتهي شد، به نصيحت مي پردازد و تقصير را به گردن اين و آن مي اندازد. عمه که پير دختر همسايه را از دیدگاه خود مناسب تشخيص مي دهد، به پسر جوان برادرش توصيه و اصرار مي کند که اين دختر همسايه موقر و خوش اخلاق است و استدلال مي کند که من و شوهرم بيست سال تفاوت سن داريم و خيلي هم خوشبختيم و از زندگي خود راضي هستيم. اينها نمونه اي از مشورت هاي ازدواج است که به هيچ وجه مناسب نيست. حال سؤال اين است که **براي ازدواج بايد با چه کسي مشورت کرد؟** به عبارت ديگر مشاور در امر ازدواج چه شرايطي بايد داشته باشد؟

شرايط مشاور ازدواج

مشاور ازدواج باید از دو ویژگی برخوردار باشد: **ویژگی خلقی و شرایط علمی و تخصصی**. مشاور ازدواج از نظر علمی باید حداقل لیسانس و دارای تحصیلات تخصصی مشاوره باشد و در دوره فوق لیسانس واحدهای درسی ویژه مشاوره خانواده را طی کرده و در این زمینه کارآموزی و تجربه لازم کسب کرده باشد. سن در مشاور ازدواج از اهمیت خاصی برخوردار است و بهتر است ازدواج را تجربه کرده و متأهل باشد. از نظر خصوصیات خلقی علاوه بر خصوصیات عمومی مشاوره، مسئله رازداری و ثبات عاطفی نقش مهمتری به عهده دارد. **بنابراین مشاوران ازدواج و خانواده علاوه بر تخصص و ویژگی های شخصی بهتر است سن بالاتری داشته باشند و متأهل و رازدار و از نظر روانی متعادل و از نظر عاطفی با ثبات باشند.**

توصیه مشاوران در روابط زوجین

برای آنکه زندگی زناشویی از شادی و نشاط لازم برخوردار باشد، زن در برابر شوهر باید اصولی را رعایت کند.

در توصیه های زیر طرف خطاب زن خانواده است:



- 1- در کلیه موارد معیشت اعم از تملک و درآمد و غیره از کلمه "ما" استفاده نمایید نه من و تو. پس از عقد، زندگی مشترک شروع شده و دیگر من و تو مطرح نیست.
- 2- در مقابل شوهر خود هر چند حق با شما باشد، لجبازی و اصرار نکنید.
- 3- شوهر خود را بخصوص در مقابل بستگانش تحقیر نکنید و از تعریف و تمجید بستگان خود در مقابل آنان پرهیز نمایید.
- 4- از **مخالفت و مشاجره** با شوهر خود بپرهیزید.
- 5- چنانچه کمک هایی از طرف بستگان شما به شوهرتان شده، آنها را به رخ او نکشید.
- 6- با دوستان و آشنایان شوهرتان در معاشرت ها بیش از حد معمول گرم نگیرید.
- 7- شوهر خود را در معاشرت با اقوامش محدود نکنید.
- 8- در رفت و آمد و معاشرت با بستگان شوهر خود پیشقدم باشید.
- 9- به بستگان نزدیک شوهر خود (مادر شوهر، پدرشوهر، برادر شوهر، خواهرشوهر و ...) بیش از خویشاوندان دیگر احترام بگذارید.

10- زحماتي که براي پذيرايي خويشاوندان شوهر خود متحمل مي شويد ، به رخ شوهر خود نکشيد.

11- چنانچه درآمدي داريد و براي زندگي هزينه مي کنيد، آن را بازگو نکنيد.

12- از مردان ديگر نزد شوهرتان تمجيد نکنيد. هيچ مردی را بر شوهرتان ترجيح ندهيد و در گفتار اين موضوع را رعايت کنيد.

13- براي انجام در خواست هاي خود با شوهرتان با خشونت و آمرانه برخورد ننماييد.

14- براي برآوردن نيازمندي هاي خود از نظر مادي و غيرمادي ، امکانات شوهر خود را در نظر بگيريد و او را تحت فشار نگذاريد.

15- خود را براي شوهرتان بياراييد و بهترين و تميزتري لباس خود را در مقابل وي بپوشيد.

16- در مقابل شوهر خود با حالت افسرده و اخمو حاضر نشويد. او را در موقع ورود به خانه با لبخند و شاد و خندان استقبال کنيد.

17- پس از مراجعت شوهر خود به خانه کارهاي خود را حتي الامکان کنار بگذاريد و در حضور او بنشينيد و با سخنان خوشايند و با گرمي از او پذيرايي کنيد.

18- در موقع خروج از خانه او را بدرقه کنيد و با گرمي با او خداحافظي کنيد.

رفتار شوهر در قبال زن

همان طور که زن در قبال شوهر وظيفي دارد، شوهر نيز در برابر زن بايد اصولي را رعايت کند تا زندگي مشترک آنان از نشاط و وقت خوش برخوردار باشد.



در اين قسمت طرف خطاب ، شوهر است و توصيه هاي زير از مواردی است که بايد مورد توجه و عمل او قرار گيرد:

1- در مقابل همسر خود ، گرفتاري هاي روزانه و حوادث تلخ زندگي را با اخم و حالت عبوس مطرح نکنيد.

2- "هديه" مهر و محبت را زياد مي کند؛ به مناسبت هاي مختلف براي همسر خود هديه اي ، ولو کوچک خريداري و با حالت شاد و خندان به او تقديم کنيد.

- 3- چنانچه کم و کسری در خدمات خانه وجود دارد، با کمال محبت و خوشرویی تذکر دهید. اخم و خشونت زندگی زناشویی را به تباهی می کشاند.
- 4- در حضور همسر خود به هیچ وجه از زنان دیگر تمجید نکنید.
- 5- به بستگان همسر خود مانند پدر، مادر و سایر اقوام خود احترام بگذارید و برای دعوت آنان به خانه، قبل از همسر خود اقدام کنید.
- 6- هرگز از معاشرت همسر خود با بستگان و خویشاوندانش جلوگیری نکنید و در معاشرت و دید و بازدید با بستگانش پیشقدم باشید.
- 7- در حضور همسر، با بستگان خود درگوشی سخن نگوئید و نجوا نکنید.
- 8- همسر خود را هیچ گاه، بخصوص نزد بستگانش سرزنش و تحقیر نکنید. توهین و بی احترامی به همسر، از صفا و صمیمت در زندگی زناشویی می کاهد.
- 9- هیچ گاه خود را برتر از همسر خود معرفی نکنید. سعی کنید "من" و "تو" در زندگی نباشد. کلمه "ما" زندگی را گرم و لذتبخش می کند.
- 10- وقتی **همسر** شما عصبانی است؛ او را با مهر و محبت آرام کنید.
- 11- با همسر خود هیچ گاه لجاجت و مشاجره نکنید.
- 12- سعی کنید برای گردش و مهمانی رفتن همراه زن و فرزندان وقت بگذارید و پیشنهاد همسر خود را در این مورد به علت کار و خستگی رد نکنید.
- 13- امتیازات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فامیل خود را در صورتی که با همسر شما فاصله دارد، مطرح نکنید.
- 14- کارهای همسر خود را تحسین کنید. تمجید و ستایش زن، کلید کامیابی در زندگی زناشویی است.
- 15- در قبال همسر خود در امور مختلف قدرت نمایی نکنید.
- 16- هیچ گاه زحمات و هزینه هایی که برای پذیرایی خویشاوندان همسر خود تقبل می کنید، بر زبان نیاورید و بر او منت نگذارید.
- 17- همسر خود را در خانه محصور و محدود نکنید.
- 18- در مقابل همسر خود شاد و خندان باشید.

توصیه مشاوران به مراجعان در آستانه ازدواج

دختر و پسر دم بخت برای آنکه از نعمت ازدواج مناسب برخوردار گردند، باید اصولی را رعایت کنند. بخشی از مواردی که توسط مشاوران خانواده توصیه می شود، به شرح زیر است:

- 1- در انتخاب همسر عجله و شتاب نکنید. این امر را با بررسی و تحقیق انجام دهید.
- 2- در همسر گزینی وسواس زیاد نداشته باشید. سعی کنید با دید اغماض عوامل مختلف را بررسی و تصمیم گیری نمایید.

- 3- چنانچه پدر و مادر و خانواده هاي زوجين سختگيري مي كنند، براي متقاعد كردن آنان از مشاور خانواده استفاده كنيد.
- 4- از ازدواج تحميلي خودداري كنيد.



- 5- مراسم ازدواج را در ايام مبارك و چه بهتر كه در روزهاي تولد معصومين (ع) انجام دهيد و نيت خود را در ازدواج خالص كنيد.
- 6- در انتخاب همسر پس از بررسي معيارهاي طرف مقابل ، وضعيت خود را با آن مقايسه كنيد و در صورت هماهنگي تصميم گيري نماييد. بدون توجه به شرايط خود انتخاب ايده آلي ننماييد.
- 7- در انتخاب همسر از پدر، مادر و خويشاوندان نظرخواهي كنيد؛ ولي مواظب باشيد كه به علت عدم تخصص ممكن است نظر آنان تحت تأثير معيارهاي خاص، مناسب نباشد. حتماً با يك مشاور واجد شرايط در اين زمينه مشورت كنيد.
- 8- براي شناخت همسر از هر دو روش مستقيم و غيرمستقيم استفاده نماييد و حتماً قبل از خواستگاري به طور مستقيم از طريق مشاهده و گفت و شنود او را شناسايي كنيد.
- 9- در انجام ازدواج، مراحل مختلف آن را ضمن پرهيز از هزينه هاي بي مورد و هرگونه اسراف انجام دهيد.
- 10- در مورد مهریه، مراسم ازدواج و جهيزه سختگيري نكنيد؛ تا وضعي پيش نيايد كه اين امور مانع ازدواج شود و يا طرفين را به زحمت اندازد.
- 11- چون ازدواج يك قرارداد زندگي مشترك است ، بنا بر اين طرفين ازدواج بايد هرگونه شرايطي را كه در اين قرارداد لازم مي دانند در عقد نامه ذكر كنند و در اين مورد قبلاً توافق نمايند.
- 12- چون مسائل مربوط به ازدواج بسيار حساس و دقيق است و دانستن آنها در تشكيل زندگي شاد و سعادت مند نقش مؤثري دارد؛ لذا شركت دختران و پسران در كلاس هاي توجيهي قبل از ازدواج ضرورت دارد.

13- برنامه هاي دوره آموزشي خانواده، قبل ازدواج بايد دختر و پسر را با هدف ها، وظايف و حقوق زندگي مشترك زناشويي آشنا سازد. بنابر اين لازم است چنين برنامه هايي حداقل به صورت فوق برنامه و حتي در برنامه هاي دبیرستان و دانشگاه گنجانده شود.

14- در ازدواج علاوه بر همسر، شناخت بستگان و خویشاوندان وي نیز ضرورت دارد؛ بنابر اين وضعیت اقوام و دوستان و بخصوص بستگان نزديک را در همسر گزيني (تعداد خواهر و برادر) نبايد نادیده گرفت.

15- سعي کنيد صرفاً تحت تأثير یک عامل شاخص و برجسته و گول زننده تصميم گيري نماييد. در اين مورد با توجه به همه عوامل اقدام کنيد.

صدای مشاور" در رابطه با مشاوره خانواده لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بيست و چهارم)



در قسمت قبل به **توصيه ها و شرايط مشاور در امر ازدواج** پرداختيم . اينک در ادامه مي خوانيم:

يکي از اقدامات مهم سازمان بهزيستي، راه اندازي و توسعه برنامه "صدای مشاور" است. اين برنامه که به مشکلات و مسائل مراجعان خود از طريق تلفن پاسخ مي دهد؛ مي تواند خدمات مفيدي در جهت کمک به خانواده ها ارائه نمايد. "**صدای مشاور**" از تعدادي خط تلفن تشکيل شده که افراي با تخصص هاي مختلف مشاوره، از طريق اين تلفن ها پاسخگوي سؤالات و مشکلات مراجعان خود مي باشند. اين برنامه با اين که بسيار مفيد است، ولي نمي تواند جاي مشاوره حضوري را بگيرد چون اصولاً يکي از **مشخصه هاي مشاوره رو در رو بودن آن است**. بنابر اين در جهت تکميل اين برنامه لازم است مراکز مشاوره خانواده نیز در قسمت هاي مختلف شهر تشکيل شود و **مراجعان تلفني** به مراکز مذکور ارجاع داده شوند. تشکيل اين مراکز در برنامه سازمان بهزيستي قرار گرفته و تعداد محدودی از آنها نیز شروع به کار نموده اند و اميد مي رود که به تدريج تعداد آنها را افزايش يابد.

در **تماس تلفنی** ایجاد رابطه تنها از طریق بیان و ارتباط کلامی است؛ حال آنکه ارتباط های غیر کلامی بسیار مهمتر و گویاتر است. در مقابل این خصیصه گفته می شود که در برنامه "صدای مشاور" چون مسائل خانواده ها اکثراً جنبه محرمانه دارد، مراجعان به علت عدم حضور، مسائل و مشکلات محرمانه خود را راحت تر بیان می کنند. برای توضیح این مطلب باید گفت چنانچه مشاوره با توجه به اصول و فنون مربوط اجرا شود و رابطه حسنه برقرار گردد، مراجع با کمال راحتی و بدون هیچ شرم حضور مطالب خود را بیان خواهد نمود و مشاور با استفاده از ارتباط های کلامی و غیر کلامی و با کاربرد اصول و فنون مشاوره، حداکثر کمک را در زمینه رفع مشکل به مراجع خواهد نمود.

مشاوره خانواده

اصول کلی مشاوره، جز آن که کاربرد آنها باید با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات خانواده انجام گیرد معتبر است. مشاوره از نظر تعداد مراجع دو نوع است: **مشاوره فردی و مشاوره گروهی**. در مشاوره خانواده از هر دو نوع مشاوره استفاده می شود؛ ولی اصل بر انجام مشاوره گروهی است، (مشاوره ای که تمام اعضای خانواده در آن شرکت داشته باشند) چون مشکلاتی که در خانواده وجود دارد غالباً به همه اعضا مربوط می شود، بنابراین باید کلیه اعضا از نظر تعیین نوع مشکل، و هدف های مشاوره، در جلسات مشاوره مشارکت داشته باشند و همکاری نمایند. گاه الزاماً مشاوره، "فردی" انجام می شود. مثل **دانشجویی** که از خانواده دور افتاده و به علت فراق و گرفتاری های مربوط به آن دچار ناراحتی و نگرانی است، در این مورد چون خانواده در دسترس نیست الزاماً مشاوره به صورت فردی انجام می گیرد؛ و سپس می توان از طریق تلفن، مکاتبه، دیدار با خانواده یا به صورت های دیگر با اعضای خانواده تماس برقرار کرد.



مشکلاتی که در خانواده وجود دارد می تواند در ارتباط با افراد زیر باشد:

1- فرزندان؛

2- پدر و مادر؛

3- پدر بزرگ و مادر بزرگ؛

4- فامیل و سایر اعضای خانواده.

مشکل درباره هر یک از اعضای خانواده باشد مربوط به ساختار آن است، هر یک از اعضا در ایجاد و رفع مشکل، نقش دارند. بنابراین مشاور باید به انحاء مختلف همه اعضا را به جلسه مشاوره بکشاند، و مشکلات را در جلسات گروهی مطرح نماید.

نمونه هایی از مسائل خانواده را می توان به شرح زیر برشمرد:

- فرزند عقب مانده ذهنی یا معلول جسمی و حرکتی؛
 - فرزند با رفتارهای انحرافی و ناهنجار (دزدی ، خرابکاری ، ناسازگاری ، ولگردی ، گوشه گیری ، زورگویی و...) ؛
 - فرزند فراری از مدرسه ؛
 - فرزند بی علاقه به تحصیل و کار؛
 - ناهنجاری های رفتاری پدر و مادر؛
 - تضاد فکری والدین در امور معیشتی و تربیتی فرزندان؛
 - رفتارهای نادرست پدربزرگ و مادربزرگ در ارتباط با مسائل تربیتی فرزندان؛
 - بیماری و از کارافتادگی پدربزرگ و مادربزرگ و سایر افراد خانواده؛
 - امور مربوط به دید و بازدیدها و مهمانی های فامیل های مادر یا پدر ، و اختلاف نظر مادر یا پدر در این مورد؛
 - روابط ناهنجار مادرشوهر با عروس ، یا برعکس.
- گاهی اوقات مشکلات در ارتباط با حوادثی است که برای خانواده پیش می آید ؛ نظیر بیکار شدن پدر یا مادر، مرگ و میر اعضای خانواده ، بازنشستگی پدر و گرفتاری های مالی، بیماری غیر مترقبه ، متولدین جدید، عروس و داماد شدن فرزندان و نظایر آن. مشاوران باید هر یک از آسیب ها و مشکل ها را جداگانه بررسی نمایند و حتی الامکان در جلسات مشاوره از کلیه اعضای خانواده استفاده کنند.



روش های مشاوره خانواده

دانستن اصول و روش های مشاوره خانواده به دلیل ساختار خاص و مشکلات و مسائل ویژه آن برای مشاورانی که در این زمینه کار می کنند، ضروری است. در اینجا به اهم روش ها اشاره می شود:

- 1- در نخستین مصاحبه بخصوص در مورد مشکلات کودکان، باید از اشخاص ذیربط از جمله والدین، معلمان و مشاور مدرسه دعوت به عمل آید. در مشاوره خانواده بویژه در جلسه مصاحبه ، حضور همه اعضا و افراد مربوط مورد تأکید است.

2- در مواردی که مشکل خانواده مربوط به فرزندان باشد و موضوع به جایی برسد که کودک باید تست شود؛ بهتر آن است که اعضای خانواده از پشت آینه یک طرفه نحوه اجرا و جریان آزمون را ببینند؛ تا در زمان تجزیه و تحلیل تست آشنایی بیشتری داشته باشند.

3- در مشاوره خانواده بعضی مراجعان اجباراً برای مشاوره ارجاع شده اند؛ نظیر مراجعانی که از طرف مدرسه یا دادگاه مدنی خاص ارجاع می شوند. در این موارد که غالباً مراجعان ناراحت و عصبانی هستند مشاور باید با ایجاد رابطه حسنه ، آنان را برای مشاوره آماده نماید و در برخورد با آنان شرایط محیطی را نیز در نظر بگیرد.

4- مراجعانی هستند که مشکلشان در رابطه با خانواده است؛ ولی مایل نیستند اعضای خانواده درگیر مشاوره و درمان شوند. در این موارد مشاور نباید اجازه تصمیم گیری در انتخاب روش مشاوره و درمان را به مراجع بدهد؛ بهتر است او را نیز برای این که روش درمان را بپذیرد، آماده سازد.

5- مراجعانی که اصرار بر مشاوره انفرادی دارند، مصاحبه با آنان باید به تنهایی انجام شود؛ اما ادامه کار طولانی خواهد بود. گاه شروع با مصاحبه انفرادی ، فراخواندن افراد ذیربط در جلسات بعدی مصاحبه را دشوارتر می کند و در نتیجه درمان کندتر خواهد بود. شرکت افراد بیشتر در مصاحبه درمان را سریع تر و مؤثرتر می نماید. این مطالب را باید با این قبیل مراجعان در میان گذاشت

فرایند نخستین ————— صاحبۀ ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بیست و پنجم)



در قسمت قبل به مبحث " **صدای مشاور در رابطه با مشاوره خانواده** " در ارتباط با **مشاوره خانواده** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

در نخستین مصاحبه ، معمولاً کلیه اعضای خانواده دعوت می شوند. فرایند این مصاحبه عبارت است از:

1- مرحله آشنایی؛

2- بیان و بررسی مشکل؛

3- تعامل ؛

4- تعیین هدف و ایجاد تغییرات مطلوب؛

1- مرحله آشنایی

در مرحله آشنایی مشاور باید با استفاده از تعارف های معمول ، رابطه حسنه برقرار نماید. ابتدا خود را معرفی کند و اسامي اعضاي خانواده را بپرسد و به هر نحو ممکن جوّ خودماني و دوستانه ایجاد نماید. ضمناً رعایت نکات زیر ضرورت دارد:

- مشاور باید تمامی رفتارها و نحوه نشستن و سخنان و عکس العمل های افراد گروه را مشاهده نماید تا بتواند به وضعیت خانواده و ترکیب اعضا پی ببرد.

- در مرحله آشنایی، چنانچه از طرف یکی از اعضا مشکل مطرح شود، باید به نحوی که به رابطه حسنه لطمه ای وارد نشود موضوع را متوقف نماید. مرحله بیان مشکل، باید پس از مرحله آشنایی و ایجاد رابطه حسنه انجام گیرد.

- در این مرحله مشاور ضمن مشاهده باید تشخیص دهد چه اعضایی با اکراه آمده اند؛ چه کسانی مصنوعاً خود را خوشحال نشان می دهند و نحوه رفتار اعضاي گروه به ویژه رفتار با کودکان چگونه است؛ فرهنگ خانواده چه وضعی دارد. اینها مواردی است که در مشاهده باید مورد توجه قرار گیرد.

- نکته مهم و قابل توجه آن است که مشاور نباید نتایج مشاهدات خود را با خانواده در میان بگذارد.

2- مرحله بیان و بررسی مشکل

چون کلیه اعضاي خانواده دقیقاً علت دعوت را نمی دانند، در این مرحله مشاور باید سبب تشکیل جلسه را روشن سازد. او باید بگوید، من نظر کلیه اعضاي حاضر در جلسه را باید در مورد مشکل مورد نظر بدانم. او می تواند در این مورد با طرح یک پرسش از اعضاي گروه بخواهد علت مشکل را بیان کنند، مثلاً بگوید:

مشکل شما چیست؟

از من چه انتظار دارید؟

علت حضور در این جلسه چیست؟

معمولاً مادر یا پدر خانواده در مقام پاسخ به صحبت می پردازند؛ در اینجا بحث بر این است که مشاور خطاب به چه کسی موضوع را مطرح سازد:

خطاب به مادر، پدربزرگ، فرزندان ،...؟

رفتار مشاور باید با توجه به فرهنگ خانواده و شرایط حاکم بر آن متفاوت باشد؛ ولی طرف خطاب باید فردی باشد که تمام خانواده او را به بزرگی قبول دارند و قدرت تصمیم گیری در دست اوست. در بعضي خانواده ها قدرت دست خانم خانه است، در بعضي خانواده ها پدر ، و در بعضي پدر بزرگ یا مادر بزرگ. آنکه قدرت خانه در دست او است و می تواند اعضا را در جلسه بعد به مشاوره بکشاند، باید در مورد بیان مشکل مورد خطاب واقع شود. اگر مشاور نداند و یا نتواند احساس کند که در خانه تصمیم گیرنده کیست، می تواند نگاهی را به طرف سقف یا زمین متوجه سازد و بگوید چه کسی می

تواند مشکل را بیان کند؟ که در این صورت آن که شروع به صحبت کند، سخنگوی خانواده خواهد بود.

در **مشاوره** ی گروهی خانواده، صحبت باید به نوبت انجام گیرد و اگر کسی بخواهد زیاد صحبت کند و به دیگران فرصت ندهد، باید مشاور به صورتی که طبیعی باشد، با رعایت نوبت، از دیگری درخواست کند که به صحبت بپردازد و اگر یکی صحبت دیگری را قطع کند و به بیان خود ادامه دهد، در نخستین فرصت صحبت را به نفر اول برگرداند. بهتر است صحبت از بزرگ خانواده شروع شود و به **فرزند** دشوار یا فردی که مشکل منتسب به اوست؛ خاتمه یابد. مشکل، گاه در ارتباط با یک نفر است، گاه دو، سه نفر و یا بیشتر. هرچه باشد از کلیه اعضای خانواده برای رفع مشکل باید استفاده شود و حتی الامکان همه افراد خانواده به اولین جلسه مشاوره (یا در صورت ضرورت به تمام جلسات) کشانده شوند.



3- تعامل

در فرایند تعامل، مشاور نقش ناظر و رهبر گروه را به عهده دارد و سعی دارد تا اعضای خانواده را به بحث و گفتگو با یکدیگر بکشانند. این مرحله مهم است که مشاور طوری جلسه را رهبری کند که همه اعضای خانواده با یکدیگر به گفتگو و اظهار نظر بپردازند. چنانچه بحث بین دو نفر به طول انجامید، مشاور باید نفر سوم را داخل روند گفتگو کند، تا جریان گفتگو از سطح دو نفر خارج شود؛ مثلاً با خطاب به نفر سوم بگوید: نظر شما در مورد بحث این دو نفر چیست؟ بدین طریق مسیر بحث را به نفر بعدی تغییر دهد. مشاور باید ترتیبی دهد که همه اعضا به اظهار نظر بپردازند؛ از جمله به کودکی که احتمالاً مشکل خانواده است، فرصت داده شود تا در مورد مشکل خود و رفع آن اظهار نظر کند.

مشاور خوب آن است که جلسه را طوری رهبری کند که در پایان جلسه در مورد انتظارات اعضای خانواده وحدت نظر به وجود آید، تا درمان به خوبی انجام گیرد.

در بحث اعضای خانواده باید از به کار بردن اصطلاحاتی نظیر «**اسکیزوفرنی**»، «اختلال هویت» و «ضعف نفس» خودداری شود. آنچه مورد بحث قرار می گیرد، رفتارها و ظواهری است که علایم مشکل هستند. به طور کلی می توان گفت مرحله «تعامل»

فرصت دادن به اعضای گروه است به منظور بحث با یکدیگر در مورد مشکل و انتظارات آنان؛ و نقش مشاور رهبري بحث است تا جايي که در نظرات، وحدت به وجود آورد و در نتیجه کار درمان تسهیل گردد.

4- تعیین هدف و ایجاد تغییرات مطلوب

در این مرحله، هدف ادامه مصاحبه در جلسات بعد مشخص می شود. منظور از ایجاد هدف، ایجاد تغییرات مورد انتظاري است که با حصول آنها، مشکل رفع می گردد. اگر مرحله تعامل خوب اداره شده و بین انتظارات خانواده هماهنگی به عمل آمده باشد، تغییرات مورد نظر مشخص می گردد؛ در غیر این صورت به علت عدم همکاری کامل خانواده، شانس موفقیت کمتر خواهد بود. به عنوان مثال اگر تمام اعضای خانواده روی مشکل " دزدی یکی از بچه ها " هماهنگی داشته باشند در این صورت چنانچه تکلیفی از طرف مشاور به آنان داده شود همکاری خواهند کرد و موفقیت درمان بیشتر خواهد بود. نکته دیگر این که باید بین اعضای خانواده و مشاور نیز در مورد مشکل هماهنگی باشد و اعضای خانواده اطلاعات لازم را در اختیار مشاور قرار دهند. پس از تعیین هدف و انتظارات مورد نظر، جلسه مصاحبه با قرار جلسه بعد خاتمه می یابد. مشاور در فاصله دو مصاحبه، تکلیف اعضای خانواده را مشخص می کند و در مورد غایبان جلسه که وجود آنها در جلسه بعد ضرورت دارد، از حاضران درخواست می کند تا آنان را برای حضور در جلسه بعد دعوت نمایند.



روان درمانی خانواده

پس از اجرای نخستین مصاحبه و طی مراحل چهارگانه آن یعنی انجام آشنایی، بررسی مشکل، تعامل و تعیین هدف و تغییرات مورد نظر در مصاحبه های بعدی، مسئله درمان مطرح می گردد. هدف درمان خانواده فقط ایجاد تغییر در یک عضو خانواده نیست، بلکه ایجاد تغییر در ساختار خانواده و تسلسل رفتار در بین اعضای آن است. چون درمان در مورد فرد و خانواده نسبت به فرد یا خانواده دیگر متفاوت است؛ و این خود نیاز به بحث مفصل دارد، لذا در این مجمل به ذکر مواردی که پرهیز از آنها ضرورت دارد بسنده می شود:

- مشاور باید از حمایت های مداوم دست بردارد. منظور این است که نباید مشاور در مقابل مرد از زن، و یا از زن در مقابل مرد، و از کودک در مقابل پدر و مادر حمایت کند. حمایت موارد خاصی دارد که آن هم به ضرورت و به ندرت انجام می گیرد.
- مشاور باید از بحث های فلسفی و کلی با مراجع احتراز کند. چنانچه مرد یا زنی، مشاور را به بحث در مورد فلسفه زندگی کشیده اند، باید از آنان بخواهد که در

مورد رفتارهای ملموس و مسائل زندگی خود بحث کنند تا بتواند آنان را به طرف سازگاری بیشتر سوق دهد.

- **مشاور باید از کوچک و بزرگ کردن مشکلات پرهیز کند.** اگر برای تخفیف ناراحتی مراجع مشکل را کوچک کند، مراجع در می باید که او موضوع را درک نکرده ؛ و چنانچه مشکل را دشوارتر مطرح کند تا **اضطراب** و ناراحتی مراجع را افزایش خواهد داد. هنر مشاور آن است که موضوع را آن طور که هست دریابد و برای درمان براساس واقعیت اقدام نماید.

- **زمانی که زن و شوهر روی مسائل گسترده و موضوع های کلی بحث می کنند.** مشاور باید آنان را از کلی گویی و طرح مسائل غیر ملموس ، به طرح رفتارهای مشخص و ملموس سوق دهد، تا بتواند طرح درمانی و دستورالعمل اصلاحی ارائه و نسبت به رفع مشکلات آنان اقدام کند.

- **مشاور باید از درمان مشابه در مقابل مشکلات مشابه پرهیز کند.** گاهی مشکلات یکسان، ولی علل وجودی آنها متفاوت است. دو کودک که دزدی می کنند، ممکن است علت دزدی یکی، کمبود محبت و علت دزدی دیگری مشکلات مالی باشد؛ که درمان دو مورد متفاوت است. بنابراین چون "معلول مشابه" دارای "علل متفاوت" است؛ طرح های درمانی آنها نیز متفاوت خواهد بود.

- **مشاور باید در روان درمانی خانواده، هدف ها را مشخص سازد.** نامشخص ماندن آنها، راه رسیدن به مقصود را طولانی و گاه دشوار می سازد. بنابراین مشاور باید از ابهام و نامشخص ماندن هدف های درمانی پرهیز کند.

- **مشاور جوانی که خود ازدواج نکرده ، نباید در مقابل زن و شوهری که مدت ها با هم زندگی کرده اند و در زناشویی تجربه های زیادی دارند با تکیه بر تخصص خود اظهارات خردمندانه غیر واقعی کند.** او باید خود را در مقابل آنان "فردی که اطلاعات تخصصی دارد"، معرفی کند و اظهار دارد که به عنوان یک مشاور در حد امکان به آنان کمک خواهد نمود.

مشاوره در ارتباط با حوادث خانوادگی

لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بیست و ششم)



در قسمت قبل به **فرایند نخستین مصاحبه** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

خانواده ها معمولاً با حوادثی مواجه می شوند که آنان را آشفته و پریشان می کند. در پاره ای موارد چنانچه مورد حمایت و کمک قرار نگیرند، ممکن است بعضی از افراد خانواده را تا سر حد جنون سوق دهد. **حوادث و بحران هایی که احتمال دارد در خانواده پیش بیاید عبارت اند از:**

- **مرگ** پدر و مادر ؛
- مرگ پدربزرگ و مادربزرگ و سایر بزرگسالان فامیل ؛
- ازدواج فرزندان و رفتن آنان به شهرها یا کشورهای دیگر؛
- رفتن فرزندان پسر به نظام وظیفه ؛
- بازنشستگی؛
- عروس و داماد شدن فرزندان و تنها شدن زن و شوهر؛
- تغییر در تعداد اعضای خانواده (افزایش فرزند، برگشت فرزندان بزرگسال مطلقه و بیوه) ؛
- وقوع بیماری حاد.

در این موارد مشاور باید اعضای خانواده را با این حقیقت مواجه سازد که مشکلات مذکور را نمی توان از زندگی خارج ساخت. باید آنها را پذیرفت و خود را با شرایط جدید، سازگار نمود. معمولاً اعضای خانواده در مواجهه با حوادث فوق به سرعت خود را تطابق می دهند ؟ زندگی عادی خود را ادامه می دهند. در مقابل حوادث بالا حوادثی وجود دارد که قابل پیش بینی نیست و اعضای خانواده برای وقوع آنها آمادگی ندارند، از جمله این حوادث عبارت اند از:

- مرگ فرزندان و جوانان خانواده بر اثر تصادف و رخدادهایی نظیر آن؛
- مبتلا شدن فرزندان و جوانان خانواده به بیماری های صعب العلاج و در نهایت فوت آنان؛
- شهید یا اعدام شدن اعضای خانواده؛
- گرفتاری های مالی نظیر اخراج یا بیکار شدن نان آور خانواده؛

- ورشکستگی؛

- خسارات مالی و جانی در اثر **حوادث طبیعی** نظیر زلزله، سیل و طوفان و یا خسارات ناشی از جنگ و غیره.

- مبتلا شدن اعضای خانواده به **اعتیاد**، انحراف های رفتاری نظیر دزدی، آدم کشی، خرابکاری و یا وارد شدن به گروهک های سیاسی و غیره.

در مواجهه با مراجعانی در ارتباط با حوادث و موارد بالا، چنانچه مشاوران ماهرانه و به موقع عمل نمایند، گاه مصیبت وارده به اندازه ای شدید است که احتمال دارد عضو یا اعضای از خانواده را به **خودکشی** یا جنون بکشاند.

روش و نحوه عمل در هر موردی با مورد دیگر متفاوت است، ولی مورد قابل ذکر آن است که باید اعضای خانواده را برای پذیرش وضعیت جدید آماده ساخت و بعد برای غلبه بر آن برنامه ریزی نمود. یکی از اصول **غلبه بر مشکلات**، پذیرفتن مشکل و تشخیص نوع آن است و اقدام بعدی پیدا کردن راه حل برای رفع آن. از جمله اقداماتی که در این مورد قابل طرح است، اشتغال فرد به کارهای مورد علاقه اش می باشد، تا فرصت برای تفکر در مورد حوادث پیش آمده نداشته باشد. این که فرد یا افراد خانواده دست از کار بکشند و در گوشه ای فکر خود را به حوادث مشغول کنند، شیوه ای است بسیار خطرناک، و سرانجام آن **اختلال های روانی** و ناهنجاری های رفتاری است. جبران حادثه و ایجاد فرصت برای عقده گشایی نیز از روش های دیگری است که مشاور می تواند از آن برای تخفیف ناراحتی ها استفاده نماید.

چون نحوه عمل در هر مورد وضعیت خاص خود را می طلبد و بحث در این زمینه مستلزم طرح مطالب مفصلی است که حجم آن، خود می تواند موضوع کتاب جداگانه ای باشد؛ لذا در این مقال به همین اشاره، اکتفا می شود.



دستورالعمل مشاوران در ارتباط با بهداشت روانی خانواده

مشاوران برای حاکمیت جو مناسب در خانواده و تغییر رفتارهایی که موجب آشفتگی و پریشانی آن می شود، باید اطلاعات زیر را در اختیار مراجعان خود قرار دهند:

1- زن و شوهر باید بدانند که اکثر درگیری های آنان به علت سوء تفاهم و نگرش های منفی است؛ بنابراین **خوشبینی** در امور، حلال بسیاری از مشکلات می باشد.

- 2- توجه به جنبه های مثبت در ایجاد جو مناسب در خانواده اهمیت خاصی دارد ، بنابراین زن و شوهر باید از رفتارهای منفی یکدیگر به خاطر رفتارهای مثبت صرفنظر نمایند.
 - 3- هر یک از زوجین باید دنیا را از دریچه چشم **همسر** خود ببیند ، تا توقعات و انتظارات او قابل توجیه باشد.
 - 4- مصاحبت و معاشرت در ایجاد تفاهم و فضایی صمیمی و لذت بخش نقش مهمی به عهده دارد. بنابراین زن و شوهر باید با همه ی مشغله ای که دارند ، ترتیبی بدهند که بخشی از اوقات خود را در کنار یکدیگر بگذرانند.
 - 5- در بحث و گفتگو ، از قطع کلام همسر خود پرهیز کنند و **با دقت و توجه کامل به سخنان او گوش دهند.**
 - 6- به رفتارهای ناخوشایند گذشته و خاطرات بد نباید اشاره یا استناد شود (چنین رفتارهایی ممکن است در اوایل **ازدواج** یا قبل و بعد از آن وجود داشته باشد).
 - 7- در مقابل خواسته ها و اعمال نظر یکدیگر باید انعطاف پذیری نشان داد. جنگ قدرت و لجاجت ، روابط خانوادگی را آشفته می سازد.
 - 8- جلسات خانوادگی تشکیل دهند و **اختلافات** خود را در این جلسات حل نمایند؛ در صورت ضرورت می توانند از یک **مشاور** نیز دعوت کنند.
- و بالاخره دهها مورد دیگر که می تواند در روابط مطلوب خانواده مؤثر باشد، که ذکر کلیه آنها در این مقال نمی گنجد. رعایت این نکته ها، بهشتی در دنیای چهار دیواری خانه ایجاد خواهد نمود که خود می تواند رهنمودی به بهشت آخرت باشد.



فنون مشاوره خانواده

در مشاوره خانواده از تمام اصول و روش های مشاوره استفاده می گردد ، ولی به علت طبیعت موضوع ، **مشاوره خانواده خود دارای ویژگی هایی است که به مواردی از آنها اشاره می شود:**

- 1- **مشاور** پس از برقراری رابطه حسنه برای شناخت مشکل، پدر، مادر، و سپس دیگر اعضای خانواده را مورد سؤال قرار می دهد و می پرسد " **فکر می کنید مشکل اصلی خانواده شما چیست؟**"
- 2- **مشاور** در جلسه جداگانه ای **چگونگی آشنایی و انگیزه ها و علل ازدواج** زن و شوهر را مورد بررسی قرار می دهد و ریشه اختلافات موجود را جستجو می کند.

3- مشاور می تواند ترتیبی بدهد که صحنه های مشاجره و رفتارهای ناهنجار کلامی و غیر کلامی خانواده را ضبط کند و از طریق نوار ویدئو آن را برای مشاهده اعضای خانواده نمایش دهد. این کار اعضای خانواده را متوجه زشتی رفتار و کردار آنان می سازد و پذیرش دستورالعمل های مشاور را تسهیل می نماید.

4- توجه به حال و آینده: با آن که از نظر بررسی حال و آینده ، گذشته مهم است؛ ولی تکیه زیاد بر آن، در مشاوره خانواده، گاه مشکلاتی ایجاد می نماید. در این مورد توجه به نکات زیر ضروری است:

4-1- در اولین مصاحبه یا ابتدای جلسه مصاحبه ، اطلاع و یادآوری مختصری از گذشته لازم است.

4-2- طرح گذشته زمانی مفید است که حاکی از وضعیتی باشد که خانواده مشکلی نداشته؛ و فضای صمیمی و گرمی بر خانواده حاکم بوده است. در این مورد یادآوری آن زمان می تواند انگیزه ای در تغییر وضع موجود باشد.

4-3- در غیر حالت های بالا، حتی الامکان باید از گذشته صرف نظر کرد و توجه را به حال و آینده معطوف ساخت.

5- نزاع بر سر قدرت: چنانچه مشکل زن و شوهر ، موضوع **نزاع** بر سر قدرت در خانواده باشد، مشاور نباید خود را درگیر این مسئله کند؛ زیرا موضوع ایجاب می کند که یکی از دو را رد ، و دیگری را حمایت نماید. مشاور باید نسبت به روشن شدن علت یا علل و ریشه یابی آن اقدام کند و نزاع و اختلاف را که معلول علل دیگری است، به طور ریشه ای حل نماید.

6- اتخاذ مواضع غیر قابل انعطاف: چنانچه زن یا شوهری موضعی اتخاذ کند که حاضر به تغییر آن نباشد؛ مشاور باید او را متوجه سازد که شرط **زندگی شاد** و صمیمی، گذشت و انعطاف است. او باید امکان مذاکره و شناخت راههای انعطاف پذیر و تغییر رفتار زن و شوهر را در جهت یک زندگی گرم و با نشاط بیابد و برای پذیرش آن از سوی اعضای خانواده تلاش کند. او باید متذکر شود که پافشاری روی موضوع خاص ممکن است منجر به خسارات غیر قابل جبران گردد.

7- اظهار انتظارات زن و شوهر: یکی از اموری که مشاور باید بدان توجه کند ، آن است که زن و شوهر را به اظهار انتظارات صریح از یکدیگر ترغیب نکند. در این مورد بهتر آن است که درخواست، به طور غیرمستقیم انجام گیرد. مثلاً به زن گفته شود که در خواست خود را طوری به شوهر خودتان ارائه کنید که منظور شما را پس از قدری تأمل درک کند؛ یا اظهار کنید چنانچه لوستر هال خانه از نوع A باشد زیبایی خاصی به آنجا می دهد. اظهار انتظارات به طور غیرمستقیم ضمن آن که **شوهر** را متوجه موضوع می کند ، به هیچ وجه موجب برانگیختن انگیزه های مقاومت و مخالفت نمی شود و چنانچه در حوزه قدرت وی باشد ، آن کار را انجام خواهد داد و زمینه ای برای ایجاد محیط صفا و صمیمیت ایجاد خواهد کرد.



خدمات مشاور خانواده در زمینه ازدواج

خدماتی که مشاور در زمینه **انتخاب همسر** و تشکیل خانواده ارائه می نماید در مقالات گذشته ضمن بحث مطالب مختلف بیان شده است. بحث های مطروحه نشانگر آن است که مشاور خانواده در زمینه ازدواج خدمات متعددی ارائه می نماید.

مهمترین خدماتی که مشاور در این زمینه انجام می دهد عبارت اند از:

1- کمک به شناسایی همسر: مشاور در تمام مراحل که **پسر برای شناخت دختر** و خانواده وی ، و دختر برای شناخت پسر و خویشاوندانش اقدام می کند به هر دو یاری می دهد.

2- کمک به بررسی هماهنگی عوامل مؤثر در ازدواج: مشاور **عوامل مؤثر در ازدواج** را در رابطه با دختر و پسر بررسی می کند و میزان هماهنگی و ناهماهنگی آنها را در مورد طرفین مشخص و نتایج حاصله را به آنان منتقل می کند. در بررسی هماهنگی ها نباید هیچ عاملی از قلم بیفتد.

3- راهنمایی جهت انجام تست و تجزیه و تحلیل نتایج آن: دختر و پسر در جریان مشاوره خانواده ممکن است به جایی برسند که برای شناخت خود در زمینه های مختلف از مشاور بخواهند که در مورد آنها آزمون اجرا کند. این تست ها ممکن است **تست شخصیت**، **رغبت** و یا **تست هوش** باشد. بنابراین اجرای تست از طرف مشاور زمانی انجام می شود که مراجعان برای این کار آماده باشند. زمانی است که مشاور اجرای آزمون را ضروری می داند. در این موقع باید هدف مشاوره آماده ساختن دختر یا پسر یا هر دوی آنها برای انجام این کار باشد و تا این آمادگی حاصل نشود، اجرای آزمون مفید فایده نخواهد بود. بدیهی است پس از اجرای آزمون نتایج آن باید توسط مشاور، تفسیر و با زبان ساده به مراجع یا مراجعان منتقل شود.

4- ارجاع به متخصصان: یکی از مواردی که مشاور می تواند به مراجع دختر یا پسر در زمینه **ازدواج** کمک کند؛ ارجاع آنان به متخصصان مربوط است. مواردی که مشاور، دختر یا پسر را به متخصص ارجاع می دهد عبارتست از:

- دختر یا پسری که در رابطه با **شناخت همسر** آینده خود از نظر شرعی محتاط و یا در جریان پیوند زناشویی پرسش هایی از نظر اعتقادی برای وی مطرح است، باید به روحانی واجد شرایط ارجاع داده شود.

- زمانی که دختر و پسر خویشاوند بخواهند **ازدواج** کنند و در این مورد مصر باشند، ارجاع آنان برای **مشاوره ژنتیکی** ضروری است.

- در پاره ای موارد نیز برای شناخت **عوامل اخلاقی و روانی** یا بررسی های خانوادگی و فامیلی استفاده از روان شناس بالینی و مددکاری می تواند مفید باشد.

5- خدمات اطمینان بخشی: دختر و پسری هستند که مطالعه لازم را انجام داده و پیوند زناشویی را در مورد خود مناسب تشخیص داده اند، معذالک برای آن که نسبت به صحت تصمیم خود مطمئن شوند، به مشاور مراجعه می نمایند. مشاور باید بررسی های لازم را انجام دهد و در صورت تشخیص مناسب بودن امر، آنها را در تصمیمشان اطمینان بخشد. بعضی از **خانواده ها** با وجود شادی و نشاط و حاکمیت روابط صمیمی در خانواده، برای آن که از سلامت کامل روانی و روابط حسنه در خانواده خود مطمئن شوند، سالی یک یا دو نوبت به مشاور مراجعه می کنند. این مراجعان وضعیت خود را با متخصصان در میان می گذارند تا از هرگونه ناراحتی های بعدی پیشگیری نمایند و از سلامت کامل خود مطمئن شوند.

6- خدمات باز دارنده: چنانچه ازدواج از سوی پدر و مادر یا دیگران به دختر یا پسر تحمیل شود، یا **ازدواج با هدف های انحرافی** طرح ریزی شده و در شرف انجام است، در این موارد دختر یا پسر یا افراد وابسته به مشاور مراجعه می نمایند و برای جلوگیری از انجام ازدواج کمک می طلبند. مشاور پس از بررسی های لازم چنانچه پیوند زناشویی بین آنان را مناسب تشخیص ندهد؛ باید با دادن اطلاعات لازم به عواملی که در تصمیم گیری ازدواج دخیل هستند، آنان را از انجام امر باز دارد. بدیهی است حق تصمیم گیری با مراجع است و چنانچه با وجود دادن آگاهی های کافی باز هم آنان مصر به انجام **ازدواج** باشند، مشاور در این مورد وظیفه ای ندارد ولی چنانچه بعد از وقوع ازدواج با **مواجه شدن مشکلات** مجدد از او کمک بخواهند، باید آنان را در هر زمان در رفع مشکلات یاری دهد.

7- خدمات حمایتی: ازدواج هایی که با هدف های انحرافی یا به صورت تحمیلی انجام می شود؛ ممکن است یکی از **زوجین** دیر یا زود متوجه نامناسب بودن پیوند زناشویی شود و بخواهد تا دیر نشده نسبت به گسستن و جدایی خود اقدام کند. او برای آن که در چنین امری موفق شود به مشاور مراجعه می نماید؛ **مشاور** موضوع را بررسی می کند و چنانچه تصمیم مراجع را مناسب تشخیص دهد با اقدامات حمایتی او را در انجام امر یاری می دهد. در خدمات حمایتی ممکن است در مواردی از طریق وکیل دعاوی و یا از قوانین حمایتی نیز استفاده شود.

خدمات حمایتی در باره سایر اعضای خانواده که چنین مشکلاتی داشته باشند و یا در مواردی که بدون جهت به **فروپاشی خانواده** منجر می شود نیز اعمال می گردد.

گاه پدر و مادر و یا خویشاوندان در انجام ازدواج سختگیری می نمایند مشاور خانواده می تواند با تشکیل جلساتی آنان را برای قبول پیوند زناشویی و برگزاری مراسم آن در حد ضرورت آماده نماید و در برابر پدر و مادر و خویشاوندان از زوجین حمایت کند.

ادامه دارد ...

در قسمت بعد به لزوم شور و مشورت در خانواده می پردازیم.

منبع : « لزوم مشاوره در آستانه ی ازدواج »

تألیف : سید مهدی حسینی بیرجندی

شور و مشورت در خانواده لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بیست و هفتم)



در قسمت قبل به مشاوره در رابطه با حوادث خانوادگی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم ...

در فرایند پیوند زناشویی قول و قرارهایی که قسمتی کتبی و رسمی ، و بخشی ضمنی و اخلاقی است، گذاشته می شود. مواردی که برای دختر و پسر در زمان عقد مطرح است و براساس آن زندگی مشترک آغاز می گردد؛ عبارت اند از :

- زن و مرد در زمان عقد به هم دست بیعت داده و تعهد نموده اند که با وحدت و یگانگی زندگی شادی را تا پایان حیات بگذرانند و در این راه بکوشند.

- آنها تعهد کرده اند برای مصالح مشترک تلاش کنند، در جهت تأمین منافع خانواده بکوشند و در غم و شادی یکدیگر شریک باشند.

- احترام و حقوق یکدیگر را رعایت کنند و از هرگونه رفتار و کرداری که به محبت و الفت آنان لطمه بزند خودداری نمایند.

- در سلامتی و بیماری و گرفتاری ها به یکدیگر کمک کنند و یار و یاور یکدیگر باشند.

- فرزندان خود را در کمال دقت و سعی و کوشش پروراند و در تعلیم و تربیت آنان حداکثر اهتمام را مبذول دارند.

- در تمام امور با یکدیگر صادق و صمیمی باشند.

از آنجا که در هر مؤسسه یا نهادی یک نفر باید مسئولیت را به عهده بگیرد ، بنابراین فردی به عنوان رئیس خانواده انتخاب می شود. در جامعه ایرانی این سمت به مرد واگذار شده است. رئیس خانواده باید طوری عمل کند که محیط خانواده به **محیط تفاهم** ، تعاون و همکاری تبدیل شود؛ رفتارها، اندیشه ها و موضع گیری ها براساس صفا و اخلاص باشد.

و نیز شرایطی فراهم گردد که فرزندان از نظر جسمی و فکری رشد کنند و افرادی مفید و مؤثر بار آیند. از جمله موضوعی که می تواند محیط خانواده را از نظر رشد و تکامل و شرایط انسانی محیطی مناسب سازد، مسئله شور و مشورت و صلاحدید از افراد خانه در امور مختلف زندگی است.

ضرورت مشورت در خانواده



از آنجا که شوهر به عنوان رئیس خانواده برگزیده شده، بر سایر اعضای خانواده ولایت دارد. ممکن است او چنین احساس کند که می تواند هر کاری بخواهد بدون نظر دیگران در خانه انجام دهد. گاه ممکن است زن برای قدرت نمایی مرد را کنار بزند و زمام زندگی را به دست بگیرد و هر طور بخواهد عمل کند. در هر دو حالت ، خط مشی نامناسب است و اعضای خانواده احساس تعلق و مشارکت در زندگی نمی کنند. مشی صحیح آن است که چون اعضای خانواده سرنوشت مشترک دارند، کلاً باید در امور زندگی دخالت داده شوند؛ و کارها با شور و مشورت، صلاحدید و توافق انجام گیرد. در این صورت همه اعضای خانواده همکاری خواهند نمود و کلیه امور از روی نظم و دلسوزی انجام خواهد گرفت. عدم توجه به نظر افراد خانواده، آنان را در انجام کارها بی اراده و متکی بار می آورد و این نوع رفتار سبب اهانت و جریحه دار شدن احساس، ادراک و عواطف آنان خواهد شد. در نتیجه شرایط لازم برای رشد و **پرورش فرزندان** فراهم نمی آید و زندگی شاد و پرتفاهمی به وجود نخواهد آمد.

برای آن که ابعاد شور در خانواده مشخص شود؛ می توان مشورت اعضا را در ارتباط با یکدیگر به چهار دسته تقسیم نمود:

1- مشورت زوجین: اداره امور خانه در حوزه وظایف پدر و مادر است. چنانچه آنها در امور خانه با یکدیگر مشورت نکنند، علاوه بر آن که کارها به خوبی انجام نمی گیرد، همکاری نیز انجام نخواهد شد و زندگی نشاط خود را از دست خواهد داد. در مواردی زن بیشتر می تواند صاحب نظر و کارآمد باشد ، در برخی موارد مرد در رفع مشکل مؤثرتر است. در امور مربوط به خانه داری ، "زن" و در رفع معضلات و پیچیدگی های زندگی "مرد" بهتر عمل می نماید؛ ولی شور و همفکری در همه امور ضروری است و علاوه بر

آن که راه حل های مناسب تري به دست مي دهد ، به علت دخالت در تصميم گيري همکاري بيشتري را موجب مي گردد.

پاره اي از اموري که در خانه بايد با مشورت زوجين انجام گيرد به شرح زير است:

- آموزش و پرورش فرزندان و نحوه برخورد با آنان در انجام تکاليف مدرسه ، نابهنجاري هاي رفتاري و غيره؛

- تزئين و آراستن خانه ؛

- سفرهاي خانوادگي و برنامه هاي تفريحي ؛

- تهيه غذا و برگزاري ميهماني ها و معاشرت ها ؛

- خريد مايحتاج و وسايل خانه ؛

- تهيه لباس و نحوه پوشش و آرايش؛

- و بالاخره برنامه ريزي در کليه امور زندگي.

مشورت در امور خانه بين زن و مرد به اندازه اي در زندگي اهميت دارد که خداوند در قرآن مجيد مسئله زمان از شيرگرفتن بچه را موکول به مشورت و رضایت والدين فرموده است:

فان ارَادَا قَصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا

اگر آن دو (پدر و مادر) با رضایت و مشورت یکدیگر تصميم گرفتند؛ کودک را از شير بگيرند اشکالي به رأي آنان نيست. (بقره / 233)



2- مشورت مادر با دختر: در فرايند تربيت ، مسائلي مشترکي بين دختر و پسر وجود دارند که پدر و مادر بايد با توافق هم نسبت به حل آنها اقدام کنند، ولي برخي امور اختصاص به دختران دارد. در اين موارد نزديکترين فرد به دختر مادر است ، که بايد با استفاده از روش هاي تعليم و تربيت و با همفکري و ايجاد رابطه حسنه با دختر او را براي زن و مادر شدن آماده نمايد. بعضي از اين موارد عبارت اند از:

- مسائل مربوط به بلوغ و قاعدگي؛

- مسائل شرعي ويژه دختران و زنان؛

- مسائل مربوط به غسل و طهارت و غيره؛

- رفتار و کردار با افراد محرم و نامحرم

- نحوه برخورد، معاشرت و انجام مراسم و حضور در مجامع مختلف؛

- مسئله خواستگاري و انتخاب همسر؛

- وارد شدن به دنياي زنان و حيات خاص آنان؛

- نحوه پوشش، آرايش و استفاده از زيور آلات و رعايت موازين شرعي در اين موارد؛

- و بالاخره دختر هميشه همراه و همکار مادر است و بايد از او زندگي خانوادگي، مادري و همسري را فرا گيرد. بنابراين لازم است مادر در نقش يک مشاور و محرم راز و نزديکترين فرد به دختر، او را از کليه ريزه کاري ها و حيات زنان و بانوان مطلع و در اين زمينه او را بصير گرداند.

3- مشورت پدر با پسر: مداخله پدر در مورد مسائل مربوط به پسران بايد به نحوي اعمال گردد که پسر کليه مشکلات خود را بدون هيچ گونه رودربايستي با او در ميان بگذارد. پسران در سن بلوغ کمتر با دختران محشورند، و بايستي از حضور در مجامع مختلط پرهيز کنند. مواردی که پدر بايد از طريق شور و به صورت همفکري و محرم راز، پسر را در جريان قرار دهد عبارت اند از:

- مسائل مربوط به بلوغ و نوجواني؛

- مرحله رشد جنسي و احتلام و بهداشت رواني در اين زمينه ؛

- مسائل شرعي مربوط به غسل و طهارت و غيره؛

- رعايت موارد شرعي در ارتباط با دختران؛

- چگونگي حضور در جلسات ويژه مردان و زنان يا جلسات مختلط و نحوه برخورد ها؛

- راهنمايي در مورد مسائل مربوط به ازدواج و کليه مراحل آن و رعايت معيارهاي شرعي؛

- نحوه رفت و آمد در خيابان ها و معاشرت ها و حوادثي که احتمالاً ممکن است پيش پاي او قرار گيرد.

رابطه پدر و پسر بايد طوري باشد که آن دو به عنوان دوست و طرف مشورت و محرم راز، يکديگر را پذيرند و پسر در تعامل با پدر، شيوه هاي زندگي ويژه مردان را بياموزد و ادامه حيات سالم و صالح را فراگيرد.

لازم به يادآوري است که مادر از طريق پدر به مسائل خاص آنان مطلع خواهد شد و با مشورت يکديگر موجبات رشد و تکامل فرزندان را در زندگي فراهم خواهند ساخت.

4- مشورت کليه اعضاي خانواده: پدر به عنوان رئيس خانواده بايد مسائل را با حضور همه اعضاي خانواده و در محيطي گرم و صميمي مطرح نمايد، و نظر همه اعضا را بخواهد، و شيوه اي اتخاذ کند تا هر موضوعي پس از بحث و کنکاش، منجر به تصميم گيري شود.

مشورت و توجه به نظرات کليه اعضاي خانواده موجب مي شود:

- به شخصيت فرزندان توجه شود و آنان به تفکر در مسائل وادار گردند و از نظر ذهني رشد کنند.

- فرزندان دریابند در همه اعمال و رفتار آزاد نیستند ؛ بلکه باید در روابط و عملکردها، دیگران را هم به حساب آورند و تن به سازگاری اجتماعی دهند.
- شور و مشورت ، جو خانواده را به صورت محیطی دوستانه در می آورد، و انس و الفت و نشاط بر آن حاکم می شود.
- چون در تصمیم گیری ها همه سهیمند، بیشتر احساس تعلق به خانواده می کنند و در رعایت منافع آن دلسوزتر خواهند بود؛ و بدون آنکه تحمیلی احساس کنند وظایف و تکالیف خود را انجام خواهند داد.
- چون موضوع از دیدگاه های مختلف بررسی می شود، تصمیمات متخذه بهتر و سنجیده تر خواهد بود.
- بحث و بررسی و شور، اعضای خانواده ، به خصوص فرزندان را از نظر **سیاسی** اجتماعی رشد و تکامل خواهد بخشید.

ادامه دارد....

در قسمت بعد به توصیه هایی در تداوم زندگی زناشویی خواهیم پرداخت.

توصیه هایی در تداوم زندگی زناشویی لزوم مشاوره در ازدواج (قسمت بیست و هشتم)



در قسمت قبل به **لزوم شور و مشورت در خانواده** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...
عشق و محبت بین زن و شوهر از ارکان اصلی نظام خانواده است؛ اما با گذشت زمان و سپری شدن شور و شوق دوران نخستین ازدواج، گاه این فکر به ذهن همسران می آید که بعد از چند سال زندگی میزان علاقه آنان نسبت به هم چقدر تغییر کرده است. برخی از آنان، هنگامی که در زندگی مشترک خود خدشه ای ببینند چنان از کوره در می روند و پل های پشت سر خود را خراب می کنند که دیگر نمی توانند روابطشان را نسبت به دیگری ترمیم کنند.

هدف از ارائه توصیه های زیر، آموزش برای ارتقای سازگاری و توجه کردن به ویژگی های مثبت یکدیگر، **افزایش اعتماد به نفس**، **کاهش اضطراب** و تنش های موجود در جهت بهداشت و سلامت روانی است که موجب تداوم زندگی و جلوگیری از هم گسیختگی خانواده است.

1. خانواده یک مجموعه است: مجموعه ای شامل زن ، شوهر و فرزندان و در مرحله بعد اقوام و خویشاوندان. **خانواده زمانی موفق خواهد بود** که در آن هماهنگی وجود داشته باشد و همه اعضا در یک محفل انس **با کمال صمیمیت و شادی زندگی کنند.** چون وجود هر نوع مشکل و ناهماهنگی حتی از سویی یک عضو، کل خانواده را دچار ناراحتی می نماید؛ بنابراین از هر نوع رفتاری نظیر طعنه زدن، تحقیر، مقایسه کردن و... پرهیز کنید.

2. زندگی مشترک، عرصه کمال است، نه صحنه پیکار؛ بنابراین در رفع بحران ها مانند یک تن واحد عمل کنید؛ یار و یاور هم باشید. کوشش نکنید بر دیگری تسلط یابید؛ با هم و در کنار هم باشید نه رو در روی هم! سعی کنید به قول «ابراهام مزلو» از «من واقعی» بگذرید تا به « مای واقعی» برسید.

3. از ابراز محبت نسبت به یکدیگر دریغ نکنید؛ ابراز محبت به موقع در زندگی مشترک ، علاقه ، نشاط و طراوت به وجود می آورد. این امر فقط لازمه روزهای نخستین ازدواج نیست؛ بلکه با گذشت زمان نهال نوپای زندگی به درختی تناور تبدیل می شود که نیاز بیشتری به آبیاری دارد؛ با ابراز محبت و نشان دادن عشق و علاقه به هم، می توان این درخت تناور را برای همیشه با نشاط ، بارور و با طراوت نگه داشت.



4. عاشقانه به هم نگاه کنید. نحوه نگرستن هر یک از ما به دیگری به « چگونه بودن ما» بستگی دارد؛ نه به " چگونه بودن او". همسران ، تماشاچی زندگی یکدیگر نیستند؛ بلکه شریک مشاهده شده زندگی یکدیگرند.

زنی می گفت: " از زمانی که ازدواج کرده ام ، شوهرم بیشتر ترجیح می دهد که به جای مصاحبت با من ، برنامه ورزشی تلویزیون را تماشا کند؛ یک بار وقتی به او اعتراض کردم که «چقدر زولیده ای» ، پاسخ داد: تو «هم شلخته ای».

این بحث بیهوده و زیان آور نشانگر آن است که چگونه همسران به جای عشق ورزیدن به هم ، ممکن است در جستجوی برشمردن عیب های یکدیگر باشند. این یک طریق نگاه کردن به زندگی است؛ اما شیفتگی شما وقتی حاصل می شود که فکر کنید همسر شما فردی باشکوه ، ناب، صمیمی ، خوش خلق و باهوش است. این شیوه نگرش به زندگی به ما می آموزد به جای این که عشق را جستجو کنیم ، با عشق و محبت به زندگی نگاه کنیم. «زبان نگاه» زبان مؤثری است. شما با نگاه کردن به طرف مقابل، به او می فهمانید که به صحبت کردن با او علاقه مند هستید. اگر او سخن می گوید، شما با تبسم ، به صورت و چشم او نگاه کنید. این حالات شما، اثر معجزه آسایی در ایجاد صمیمیت و عشق شما دارد.

میل به صمیمیت نه فقط جنبه جسمی ، که جنبه روانی نیز دارد. این میل مکرراً به عنوان اشتیاق خاصی به خلوت و تنهایی در نظر زوج ها جلوه گر می شود. علاوه بر این، اغلب در یک زوج عاشق شاهد به وجود آمدن زبانی رمزی و عبارت های محرمانه ای هستیم که افراد دیگر قادر به درک آن نیستند؛ و نیز شیطنت ها، اشاره ها و کنایه هایی که تنها عشاق آن را می فهمند.

5. بر اشتباه خود پافشاری نکنید؛ وقتی یکی از شما اشتباه کردید؛ صادقانه و صمیمی به آن اعتراف کنید ؛ مراقب باشید که احساسات دیگری را جریحه دار نسازید. **صداقت** و اظهار پشیمانی و ندامت تنها علاج واقعه است؛ زیرا قبول نکردن اشتباه و نپذیرفتن خطا، اختلاف را دامن می زند؛ تا زمانی که به اشتباه خود معترف نشوید و صمیمانه از همسران پوزش نخواهید، رابطه زناشویی تان ترمیم نمی شود.

6. نخست باید بدانید هر موضوعی را به نوعی خاص با همسر خود در میان بگذارید. اگر فکر می کنید گفتن اسرار تان ضرورتی ندارد و نگفتن آن آینده شما را تهدید نمی کند؛ در بر ملا کردن آن اصرار نکنید. هنگام گفتن مسئله ای که در گذشته داشته اید ، ابتدا بخشی از آن را فاش نمایید؛ بدین معنی که از مسائل کوچکتر شروع کنید و اگر دیدید همسران ظرفیت پذیرش آن را دارد، به تدریج مسائل مهمتر را پیش بکشید.

7. در مطرح کردن مسائل ناخوشایند، سعی کنید خود را هم دخالت دهید؛ مثلاً به جای این که بگویید، چرا با فلانی این طور برخورد کردی؟ بهتر است بگویید: " کاش با فلانی این طور برخورد نمی کردیم."



8. هنگام طرح مسئله با همسر خود، هرگز جمله " تو با هیچ کس نمی توانی کنار بیایی" را به کار نبرید؛ چون تنها همین جمله باعث می شود، او دیگر هیچ وقت مسئله خود را با شما در میان نگذارد.

9. به جای جستجو در اعمال و رفتار همسران و یا تجسس در اوراق شخصی وی، سعی کنید از خود او سؤال کنید؛ شاید شما در اشتباه باشید. گفتگو با همسران در مورد مسئله ای که شما را به شک و تردید می اندازد، موجب می شود مشکل آسان تر حل شود.

10. اشتباهات یکدیگر را به رخ هم نکشید؛ زیرا پایه های زندگی مشترک را سست می کند و سپس ویران می سازد.

از اشتباهات خود پند بگیرید: هنگامی که جراحت اختلاف التیام یافت سعی کنید صمیمی باشید؛ اعتراف به گناه و عذرخواهی دلیل سعه صدر و پیشگیری از اشتباه مکرر است.

11. اگر خطایی از همسر خود دیدید، زود از کوره در نروید و سفره دلتان را نزد

هر کس باز نکنید. به خصوص پیش پدر و مادر خود درد دل نکنید. زیرا این کار موجب سرافکندگی همسران می شود و امکان آشتی را بسیار ضعیف می کند.

اگر رابطه شما با همسران تیره شد، سعی کنید آرامش خود را حفظ کنید؛ متین و خونسرد باشید و گرنه رفتارات غیرمنطقی می شود؛ و ممکن است دست به کاری بزنید که موجب پشیمانی شما شود؛ سعی کنید **بر عصبانیت خود غالب شوید.**

12. اگر می خواهید عشق و علاقه خود را به همسران تداوم ببخشید؛ نخست

باید یاد بگیرید که زمان کافی را برای با هم بودن و ابراز محبت اختصاص دهید. رابطه صمیمانه گذشته را تجدید کنید؛ به انگیزه عشق و ازدواجتان بیندیشید؛ با همسران درباره نخستین روزهای آشنایی و دوران خوش زندگی گفتگو کنید؛ زیرا یادآوری شادی ها و رویدادهای شیرین آن روزها، هم وجودتان را گرم می کند و هم تازگی و طراوت رابطه شما را با همسران حفظ خواهد کرد.

13. سعی کنید تلاقی جو نباشید؛ این نکته مهمی است؛ اگر بخواهید به تلاقی

اشتباه همسر خود، لجبازی کنید، همه پل های رابطه با همسران را خراب کرده اید؛ حسادت چشم عقل را کور می کند. کینه جویی انگیزه اشتباه های خطرناکی می شود که جبران ناپذیر است. در عوض، گذشت و فداکاری، فردی را که مرتکب اشتباه شده است، برای همیشه نسبت به همسرش مدیون می کند.

14. انعطاف پذیر باشید؛ انعطاف پذیری یکی از ویژگی های مهم برای ایجاد سازگاری

بیشتر و سلامت روانی است. با چشم پوشی و نرمش نسبت به برخی رفتارهای کودکان و **لجبازی** ها، نه تنها می توان از تنش های بی دلیل پیشگیری کرد؛ بلکه می توان بنیان خانواده را بیش از پیش مستحکم تر کرد. مسائل و موارد اختلاف را صرفاً به نیت رسیدن به دیدگاه مشترک طرح کنید، نه به تکرار و تثبیت کدورت و دشمنی.



15. صبر و بردباري همسر خود را به عنوان وظیفه او قلمداد نکنید؛ بلکه متقابلاً در موارد مشابه ؛ با گذشت، متانت و نکته سنجي، قرداني خود را نسبت به او ثابت کنید.

16. همسر آزرده، شريك خوبي براي زندگي نيست؛ يکديگر را نيازآريد؛ و نيز اجازه ندهيد يکنواختي و کسالت، غبار غم بر زندگي شما بيافشاند. براي پيشبرد و تنوع و رونق زندگي هر روز قدمي هر چند کوچک برداريد.

17. نسبت به همسران احساس مسئوليت کنید. احساس مسئوليت چيزي نيست که از خارج به فرد تحميل شود. احساس مسئوليت، به معنای واقعي آن، امري کاملاً ارادي است؛ پاسخ آدمي است به نيازهاي يک انسان ديگر، خواه اين نيازها بيان شده باشد يا بيان نشده باشد. " احساس مسئوليت کردن" يعني توانايي و آمادگي براي " پاسخ دادن". پاسخ به عشق ديگري و توجه به نيازهاي رواني او.

18. به همسران احترام بگذاريد و احساسات او را درک کنید. منظور از درک احساسات آن است که همسر خود را آن طور که هست بشناسيد : از نظر خصوصيات اخلاقي، عقلي، ايماني، ایده ها، آرزوها و بالاخره احساسات و عواطف. احترام گذاشتن به همسر عبارت است از پذيرش وي آن طور که هست و ارزش گذاشتن به **شخصيت** و کمالات او که مظاهر آن در گفتار و کردار در **فرهنگ** هاي مختلف متفاوت است. بنابرین همسران بايد ضمن وحدت فرهنگي از مصاديق احترام در زمينه هاي مختلف تبعيت کنند و آنها را در مورد همسر خود به کار بندند.